

فهرست مطالب

25 مقدمه
27 پیش گفتار
29 بررسی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و نتایج آن
31 برای جلوگیری از تقلب: امشب «حامیان تغییر» در برابر وزارت کشور اجتماع می کنند
37 تجمع گسترده دانشجویان و جوانان در بیرون و درون دانشگاه صنعتی شریف تهران
39 یورش به بیمارستانها به قصد دستگیری زخمی شدگان و تهدید پرسنل درمان کننده به بازداشت
41 اسامی تعداد از زخمی شدگان درگیریهای امروز
43 به فضای امنیتی و خشونت در ایران پایان دهید
47 گزارشی از وضعیت کوی دانشگاه تا ساعت ۲۴ شب
49 تصاویری از تظاهرات و ناآرامی های تهران پس از اعلام نتایج انتخابات
53 حمله خشونت بار نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه اصفهان
55 ماده بیست و یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر
55 جنایت های آشکار
57 حمله اوباش انصار و بسیج به دانشجویان شیراز و مشهد؛ رئیس دانشگاه شیراز استعفا داد
59 تصاویری از مجروحین و کشته شدگان
61 قضاوت با شماسست
62 روش کار در ایران
63 حمله مأموران یگان ویژه به يك خوابگاه دخترانه در ارومیه
65 اعتراضات مردم تهران نسبت به کشتار دانشجویان و جوانان

ولایت سرکوب

- 67 فوتبالیستهای تیم ملی ایران با دستبند سبز وارد زمین مسابقه با کره جنوبی شدند
- 69 انتقال 300 نفر از دستگیر شدگان اصفهان به بند الف-ط زندان مرکزی اصفهان
- 71 کاریکاتورهای روز
- 73 دانشمند فرانسوی: قانون بنفورد تقلب در انتخابات را ثابت می‌کند
- 75 تجمع گسترده خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب
- 77 تجمع گسترده خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب
- 79 بانگ "الله اکبر" در پشت بام ها اطمینان بخش قلب های ملت ایران
- 79 پس کجاست خدایی که می پرسید؟؟؟؟
- 81 ساعت ۴، میدان انقلاب
- 83 بانگ الله و اکبر دیشب تهران را به لرزه درآورد
- 85 فریاد مرگ بر دیکتاتور، پاسخ ملت به دیکتاتور
- 89 سه شنبه، اعتصاب عمومی در کردستان!
- 93 کشته شدگان شنبه: دست کم ۱۹ نفر، تایید نشده ۱۵۰ نفر
- 95 تجمع خانواده های دستگیر شدگان در مقابل اداره پیگیری وزارت اطلاعات
- 97 اسامی تعدادی از جانبازان را ه آزادی
- 99 اسامی تعدادی از زخمی شدگان سرکوب خونین مردم تهران
- 103 جزئیاتی از چگونگی کشته شدن و تدفین ندا آقا سلطان، دانشجوی فلسفه
- 105 تصویر شماری از مزدوران خارجی (حماس و حزب الله)
- 107 بازداشت 16 فرمانده سپاه به جرم حمایت از موسوی
- 107 بازداشت یک فعال دانشجویی
- 108 رهبر انقلاب همچنان بر مواضع خود پای می فشارد
- 109 انتقال دو تن از مجروحین به زندان اوین
- 109 نام یک جانبازخته آزادی و اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر

ولایت سرکوب

- دکتر حجازي, فردي که زمان مرگ ندا, در آنجا بود: يك بسيجي ندا را به قتل رساند..... 113
- مجتبی خامنه ای این آقا زاده شاپور علیرضاست! 115
- مجتبی خامنه ای کیست؟ 115
- عکس یکی از فرماندهان جنایتکار بسیج 120
- درخواست صدور حکم بازداشت بین المللی برای خامنه ای 121
- 2 دانشجوی دانشکده نفت اهواز ربوده شدند 123
- گزارش بازداشت صدها دانشجو طی ۲ هفته گذشته 125
- تزیق آمپولهای مشکوک به آیت الله بروجردی در زندان 130
- اسامی تعدادی از زخمی شدگان که مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند 131
- کشف چهار صندوق رای در شیراز 133
- لیست یکصد نفره از اسامی شهروندان بازداشتی 135
- دستگیرشدگان تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند 141
- هلهله های سوگواری برای کیانوش 145
- مرتضوی، حرامزاده ای جلادی که در تهران فرمان می دهد 149
- لیست شصت نفره از اسامی شهروندان بازداشتی 153
- برنامه ریزی ایرانیان برای نصب طومار سبز بر برج ایفل (روزهای 10 تا 12 جولای) 157
- اعتراضات شبانه ی مردم تهران به صورت گسترده ادامه دارد 159
- فراخوان به شرکت در راه پیمایی های روز ۱۸ تیر 161
- روزنامه گاردین: نقش مجتبی خامنه ای در کودتا علیه موسوی 172
- فراخوان فوری عفو بین الملل هفت رهبر بهایی در خطر اعدام قرار دارند 173
- Clotilde Reiss استاد ۲۳ ساله زبان فرانسوی به جرم جاسوسی متهم و به زندان اوین منتقل شد 178
- فعال حقوق بشر به اقدام علیه امنیت ملی متهم شد 179
- سالگرد 18 تیر؛ فریاد نه به جمهوری اسلامی 181

ولایت سرکوب

- 183 دانشجویان زندانی بابل تحت شکنجه هستند
- 185 پرونده ۵۰۰ بازداشتی هفته آینده در دادگاه
- 187 روزنامه گاردین: مجتبی خامنه ای پشت کودتا و سرکوب است!
- 189 محمد اصغری از صدرنشینان افشای کودتای 22 خرداد
- 191 ایران یکپارچه اعتراض بود
- 195 تجاوز به دختر دانشجو در دانشگاه آزاد اراک
- 197 گزارش دیگری از شکنجه گاه وزارت کشور
- 223 تظاهرات ۱۸ تیر در اصفهان
- 224 محمدعلی دادخواه وکیل رایگان هزارها ایرانی دستگیر شد
- 225 شعار مرگ بر خامنه ای جلاد تا پای چوبه دار
- 227 لیست تکمیلی بازداشت شدگان - شماره یک
- 231 حمله نیروهای لباس شخصی به خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر
- بازداشت بهزاد پروین و علی سپیندار، دو تن از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه
بیرجند 232
- 233 سعید متین پور بازداشت و به زندان اوین تهران منتقل گردید.
- 235 انتقال بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر، به زندان اوین.
- 236 سهراب اعرابی ۱۹ ساله در زندان اوین زیر شکنجه به شهادت رسید.
- 237 انتشار گزارشهای تکان دهنده از شکنجه زندانیان در اوین.
- 239 بازداشت مجید امامی و احتمال بازداشت ساتیار امامی دو عکاس خبری.
- 241 گزارش آخرین وضعیت و لیست 90 تن از بازداشت شدگان روز 18 تیرماه تهران
- 246 در آستانه اعدام قرار گرفتن یک زن زندانی
- 247 بازداشت یکی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی
- 249 دیدار با خانواده های بنی یعقوب و نظر آهاری
- 251 عکس؛ سهراب اعرابی در غسلخانه بهشت زهرا

ولایت سرکوب

- 251 اعدام چهارده شهروند بلوچ را متوقف کنید.....
- 253 دانشجوی اهوازی: مادر من برای آزادی کشته شدم.....
- 255 فراخوان اقدام فوری نوجوان ایرانی روز ۱۶ ژوئیه به سوی اعدام می رود.....
- 258 بی خبری از وضعیت یک فعال سابق دانشجویی.....
- 259 پیکر صدها تن از کشته شدگان در سردخانه ای در تهران.....
- 261 شیوا نظرآهاری در سلول انفرادی بند مخوف ۲۰۹ اوین.....
- 263 کشته ها بسیارند.....
- 271 مرگ « دانشجوی هنر در تیراندازی بسیج.....
- 273 اعدام ۱۳ نفر در زاهدان.....
- 275 اتهام ارتداد برای دو ایرانی مسیحی.....
- 277 مرگ در خوابگاه؛ روایت تازه‌ای از حمله به کوی دانشگاه.....
- 281 مرگ در خوابگاه؛ روایت تازه‌ای از حمله به کوی دانشگاه.....
- 281 رفتارهای وحشیانه مقیسه ای معروف به ناصریان با زندانیان سیاسی در دادگاه.....
- 284 بازداشت چند فعال دانشجویی دیگر در شهرهای ایران.....
- 287 یونس آقایان، زندانی اهل حق اعدام شد.....
- 289 کدامین گناه فرزندان ایران را میکشید.....
- 293 فوری: اسامی بازداشت شدگان منتقل شده از کهریزک به اوین.....
- 301 خطر جدی جان بهروز جاوید طهرانی را تهدید می کند.....
- 303 دولت های خودکامه منطقه چوب رسوائی بر انتخابات ایران زدند.....
- 305 شمار قربانیان کودتاو اسناد هویت آنها را تهیه کنید.....
- 307 گردان موتور سوارها چماقداری را کجا آموزش دیدند!.....
- 309 پیام جراح بیمارستان امام خمینی شنبه سیاه 38 جسد در سردخانه جمع شده بود.....
- 309 فراخواندن زندانیان سیاسی که سخت بیمار هستند به دادگاه انقلاب.....

ولایت سرکوب

- 311 خانواده ترانه می گویند جنازه سوخته او را یافته اند
- 314 اسامی روزنامه نگاران و وب نگاران دستگیر شده
- 315 نامه مادر یک فعال دربند حقوق بشر
- 317 دستکم 34 نفر در 30 خرداد در سه بیمارستان تهران شهید شده‌اند/ آمار کشته‌ها صدها نفر است.
- 320 یکی از بازداشت شدگان روز 18 تیر، جان باخت
- ادامه اعتراضات خانواده ها در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین ولیست اسامی تعدادی از بازداشت شدگان
- 321 فریادهای الله اکبر مردم بر پشت بام ها و سانسور سخنان هاشمی
- 321 ماجرای ناروشن یک قتل جنازه ی سوخته ترانه ی موسوی در حوالی قزوین
- 322 ماجرای ناروشن یک قتل جنازه ی سوخته ترانه ی موسوی در حوالی قزوین
- 323 انتقال بسیاری از بازداشت شدگان از کمپ کهریزک به زندان اوین
- 327 احتمال شیوع مننژیت و تیفوس در زندان اوین
- 328 وضعیت نامعلوم محمدعلی دادخواه وکیل زندانیان سیاسی
- 329 سه تن دیگر در آستانه اعدام در زاهدان
- 331 اسامی تعدادی از بازداشت شدگان روز گذشته
- 331 آسوشیتدپرس: در تاسیسات هسته ای نظنز چه می گذرد؟
- 337 انتقال سعید متین‌پور و جعفر ابراهیمی به اندرزگاه 7 زندان اوین
- 339 با اسرای جنگی چنین نمی کنند که سپاه با دستگیر شدگان ضد کودتا می کند
- 341 بازداشت 24 افسر و درجه دار ارتش
- 343 نوام چامسکی و خوزه کازونوا در کنار ایرانیان معترض
- 345 سایت آینده توقیف و سردبیر آن بازداشت شد
- 347 تبعید و شکنجه یک جوان کرد در ارومیه و تهران
- 348 احضار دهها دانشجوی دانشگاه های سمنان، مشهد و تبریز به کمیته انضباطی
- 349 بازداشت سه دانشجو در تبریز و خوی
- 351

ولایت سرکوب

- 353 اعدام یک زن در زندان قزوین
- 354 همه ملت شعار دادن : مجتبی بمیری , رهبری رو نبینی
- 355 این فردقاتل نداست
- 357 وکیل مضروب آلمانی يك هفته در انفرادي اوین
- 361 لیبراسیون: بسیجی ها برای کشتن تربیت شده اند
- 365 نیما نحوی دانشجوی بابل کماکان در بازداشت بسر می برد
- 367 خبرهایی از وضعیت بازداشت شدگان اخیر در اوین
- 369 ضرب و شتم معترضان توسط نیروهای ضد شورش در میدان هفت تیر تهران
- 371 هدیه مویدی، دختر نوزده‌ای ساله‌ای بود که در چهارده‌سالگی مرد!
- 379 اطلاعات تازه در مورد کشته شدن مسعود هاشم زاده در روز ۳۰ خرداد
- 383 رفتار غیر انسانی با خانواده های دستگیر شدگان و لیست جدیدی از اسامی دستگیر شدگان.....
- 387 مقیسه ای معروف به ناصرین دانشجوی زندانی را به حکم سنگین و غیر انسانی 1 سال زندان محکوم کرد
- 389 محمد کامرانی؛ یکی دیگر از کشته‌شدگان درگیری‌های تهران
- 391 رویتر: خامنه ای قادر به مهار اوضاع نیست
- 392 نیم تنه ندا آق سلطان ساخته خانم پائولا اسلاتر برای شهرداری سان فرانسیسکو
- 393 اسامی شمار دیگری از دستگیرشدگان روزهای اخیر
- 397 اعتصاب غذای یکی از زندانیان در اعتراض به شرایط غیر انسانی حاکم
- 399 استمرار و گسترش اعتراضات شبانه مردم تهران
- 401 بازداشت دو دانشجوی دیگر دانشکده نفت اهواز
- 402 دستگیری در اویش به دلیل خاکسپاری یکی از آنان در آرامگاه خصوصی
- 402 احضار یازده دانشجوی دانشگاه بو علی همدان به کمیته انضباطی
- 403 قتل دستگیرشدگان در زیر شکنجه گماشتگان استبداد
- 405 محمد مصطفایی: زنی در آستانه سنگسار در تبریز

ولایت سرکوب

- 409 روایت یک شاهد از چگونگی شهادت مسعود هاشم زاده
- 411 گزارش تکان‌دهنده‌ای از وضعیت بازداشت‌شدگان وقایع اخیر
- 417 فیگارو: ایران، پایان افسانه حکومت مذهبی
- 421 کاک حسن امینی از علمای منطقه کردستان در هواپیما بازداشت شد
- 423 اسامی دستگیرشدگان در اویس
- 425 روزشمار نقض حقوق بشر شهروندان بهایی در تیرماه
- 429 مراسم ختم دانشجوی جان باخته روز یکشنبه در تهران
- 429 افشای بخشی از دزدی و فساد اخلاقی آخوندها (محمد یزدی)
- 431 پرواز ارومیه - تهران دچار اشکال و از باند خارج شد
- 433 دست راست سهراب اعرابی شکسته شده بود
- 433 انتقال جعفر ابراهیمی به بند 209
- 435 امیر جوادی لنگرودی در زندان اوین جان باخت
- 435 انتقال مجدد شادی صدر به سلول انفرادی
- 437 خبرهایی از اوین - عماد بهاور تحت فشار برای اعتراف قرار دارد
- 438 شهادت یک جوان دیگر در زندان
- 439 حرکت تعداد زیادی از مردم تهران بسوی صدا و سیما
- 441 فعال حقوق زنان در سلول انفرادی بند امنیتی 209
- 443 رویش یافتگان دوران رهبری علی خامنه‌ای
- 447 انتقال نبوی، تاج زاده، حجاریان و عرب‌سرخی به زندان 66 سپاه
- 449 دختر حجاریان : نگذارید پدرم را بکشند
- 451 امیر جوادی‌فر دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین به شهادت رسید
- 452 امیر جوادی‌فر دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین به شهادت رسید
- 453 تصاویر دلخراش؛ آخرین عکس‌های دو جوان جان باخته

ولایت سرکوب

- 455 وقایع کهریزک، جنایت علیه بشریت
- 459 بازداشت یک فعال دانشجویی در کرمانشاه
- 461 لباس شخصی ها
- 463 محاکمه پنج جوان کرد به اتهام محاربه
- 464 انتقال برخی زندانیان اوین به نقطه ای نامعلوم در اصفهان
- 465 تداوم بازداشت اساتید دانشگاه تهران
- 466 نگرانی نسبت به وضعیت نامعلوم شیوا نظرآهاری
- 467 جوانی که در نماز جمعه 26 تیر به شهادت رسید
- 469 جعفر پناهی و مهناز محمدی به قید ضمانت آزاد شدند
- 469 گزارشی از تظاهرات روز گذشته رشت
- 471 دادستان پیشین دادگاه لاهه: احتمال وقوع «جنایت علیه بشریت» در ایران
- 473 اشپیگل آنلاین: گزارش وبلاگ نویسان از شکنجه‌گاه‌های ایران
- 475 علیرضا داوودی دانشجوی دانشگاه اصفهان چند ماه پس از آزادی درگذشت
- 477 جوان دیگری در اثر شکنجه جان باخت
- 478 ایرانیان دیروز در بهشت زهرا پرچم روسیه را به آتش کشیدند
- 479 نامه ۱۲۰ آکادمیسین و دانشجوی ایرانی خارج از کشور به شاهرودی: محمدرضا جلالی‌پور را آزاد کنید!
- 489 حقه جدید مرتضوی: انتقال سعید حجاریان به یک منزل سازمانی
- 491 اینجا خانه ندا آقا سلطان است , خانه ای کوچک با رنجی عظیم
- 495 ضرب و شتم و بازداشت شهروندان در اهواز
- 497 مدافعان حقوق بشر تحت شکنجه قرار دارند
- 499 یک جانباز خود را از طبقه هفتم بیمارستان به پایین پرت کرد
- 499 کهریزک؛ چند سوله به هم پیوسته در گرمای کشنده کویر
- 503 احضار 7 دانشجوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز به کمیته انضباطی

ولایت سرکوب

- 504 به دار آویخته شدن سه نفر در اصفهان
- 505 راهپیمایی مادران عزادار در پارک لاله
- 505 10 تن دیگر از بازداشت شدگان امروز محاکمه شدند
- 507 بابا آب داد - نامه فرزند کمانگر
- 509 به دو دلیل به زندانی سیاسی تجاوز می شود

مقدمه

با توجه به فضای بسته اجتماعی و سیاسی در ایران جوانان برای ابراز عقاید خود به فضای مجازی اینترنت می‌آیند.

وبلاگنویسی یکی از پر طرفدارترین کارها در بین جوانان ایرانی می‌باشد.

در سالهای اخیر شاهد حضور فزاینده وبلاگهای فارسی در اینترنت هستیم و آمار جهانی نشان می‌دهد ایرانیها بزرگترین جامعه وبلاگنویسان اینترنتی را تشکیل می‌دهند هر کس با توجه به علایق شخصی به نقطه نظرات خود می‌پردازد.

من هم بعنوان یک وبلاگنویس چند سالی است که در فضای مجازی مینویسم در ابتدا از علایق خود مینویشتم که شامل ورزش و حقوق بشر بود

و وبلاگ شخصی من دارای مطالب پراکنده و متفاوت بود. اوج کار من در ایران مربوط بود به چاپ مطلبی در خصوص تجهیزات اتمی ایران که بدون هرگونه بازرسی گمرکی وارد بندر انزلی میشد.

و اتفاقاتی که در پی این مطلب برای من رقم خورد.

بعد از مهاجرت اجباری و آوارگی با گروههای حقوق بشر در اروپا آشنا شدم و بر خود واجب دانستم که در حوزه حقوق بشر بیش از پیش فعال باشم

ازینرو شروع به افشای موارد نقض حقوق بشر کردم و این فعالیت ادامه داشت تا اینکه بعد از کودتای انتخاباتی سال 88 به اوج رسید و از آنجائیکه در این اواخر رژیم باخريد

ولایت سرکوب

تکنولوژی فیلترینگ بسیار مجهز شده بود بسیاری از سایتهای خبری و حقوق بشری که اخبار نقض حقوق بشر را به صورت واقعی در اختیار خوانندگان خود قرار میدادند مسدود شدند .

رژیم بدنبال اخراج خبرنگاران خارجی و فیلتر سایت های خبری در پی بسته کردن فضای خبررسانی بود و در خیال خود موفق بنظر میرسید.

در اینحال وبلاگنویسان و فعالان حقوق بشر با ایجاد وبلاگهای متعدد به جنگ حکومت اسلامی در فضای مجازی رفتند تا مردم ایران را از جنایات این حکومت به قول خود الهی مطلع کنند.

در اینراه بسیاری از فعالان حقوق بشری دستگیر و اعدام شدند و یا به حبسهای بلند مدت محکوم شدند.

وبلاگ من از اولین وبلاگهایی بود که توسط سایبرارمی یا همان ارتش سایبری سپاه هک شد.

آخرین پست وبلاگ من مربوط بود به نامه فرزاد کمانگر وبلاگنویس کرد که در آخرین روزهای قبل از اعدام برای ملتش نوشت.

من بعد از ایجاد وبلاگ جدید بر آن شدم که مطالب وبلاگ قبلی را بصورت کتاب در آورم تا سندی باشد مکتوب از جنایات این رژیم اسلامی

محمد وهابی

پیش گفتار

در پی کودتای انتخابات ریاست جمهوری در سال 1388 وقایعی در ایران رخ داد که از یک سو چهره پلید جمهوری اسلامی که خود را مقدس میپنداشت و از سوئی دیگر مظلومیت ملتی در بند که بلوغ سیاسی اش را به رخ جهانیان می کشید را به نمایش گذاشت.

ناگهان اخبار تمام رسانه های تصویری جهان معطوف شد بر تظاهرات ملی سبز که تمام خیابانهای ایران را سبز پوش کرده بودند. بی اختیار انسان به یاد شعر فردریکو گارسیا لورکا شاعر اسپانیایی می افتاد که میگفت سبز توئی که سبز میخوام سبز باد و سبز شاخه ها.

ملت سبز ایران که سبزی و جوانی و طراوت را در چهره تک تک آنها می شد دید تظاهرات آرام و بدون خشونت را برای پس گرفتن آرای خود آغاز کردند ولی گوئی لرزه بر اندام رژیم انداخت و این بار با اعمال خشونت و در مرحله بعد قتل عام جوانان و دانشجویان سعی در ایجاد رعب و وحشت در میان عموم مردم را داشت. مردم سبز ایران که از خشونت بیزار بودند و مطالبات خود را به بهترین و متمدنانه ترین روش یعنی تظاهرات بدون خشونت می خواستند

به بالای پشت بام خانه ها رفتند تا با سر دادن الله اکبر در شبانگاهان اینبار با زبان خود حاکمان با آنها سخن بگویند ولی باز این نیروهای لباس شخصی که گروههای خشونت طلب اسلامی تحت حمایت سپاه و بیت رهبری هستند به منازل مردم یورش بردند و آنها را به خاک و خون کشیدند.

خبر نگاران خارجی که سعی در انتقال اخبار به مراکز خود داشتند از کشور اخراج شدند و چندین نفر در زندان محبوس گشتند.

سایتیهای خبری فیلتر شد اینک وظیفه خطیری بر عهده تمام ایرانیان چه در داخل و چه در خارج بود. در حالیکه جهانیان تشنه اخبار از ایران بودند شرکتهای نوکیا و زیمنس با فروش نرم افزارهای استراق سمع و فیلترینگ به یاری رژیم اسلامی شتافتند و برای همیشه نزد ایرانیان منفور گشتند. جوانان ایران با کمک تکنولوژی تلفن های همراه به ضبط تصاویر پرداختند و با قرار دادن آنها بر روی وبلاگها و سایت های خبری به دنیا نشان دادند که در کشوری که داعیه حکومت الهی را دارد چه میگذرد.

قتل ندا آقا سلطان دختری که در تظاهرات شرکت کرده بود دنیا را لرزاند. اینک تمام ذهنیت ها در مورد ایران و ایرانی عوض شده بود. اکنون جهانیان حساب ملت ایران را از حاکمان جدا کرده بودند نامگذاری خیابانی بنام ندا در ایتالیا و ایجاد بورسیه تحصیلی به نام او در دانشگاه معتبر اکسفورد

ولایت سرکوب

برای دانشجویان ایرانی در مقطع دکتری همه و همه از این حکایت داشت که دنیا میخواست به ملت ایرام بگوید ما با شما همراهیم.

اما از آنجائی که همیشه مسائل اقتصادی و قراردادهای تجاری برای تمام دولت های اروپائی از اهمیت بیشتری از حقوق بشر برخوردار است لذا به مرور همه جنایت ها به ورطه فراموشی سپرده شد. ایرانیان در سراسر دنیا با برگزاری مراسم و تظاهرات به یاری هموطنان داخل شتافتند. هزارن نفر از کشور آواره شدند.

هزاران نفر از دانشجویان و اقشار مختلف مردم در زندانها احکام طولانی مدت دریافت کردند. صدها نفر اعدام شدند .

ایران رتبه اول اعدام را که در گذشته در اختیار چین با یک میلیارد و سیصد میلیون نفر جمعیت بود اکنون در اختیار دارد.

کشور های غربی فقط و فقط نظاره گر نقض حقوق بشر در ایران هستند چرا که برای آنها قراردادهای نفتی و گازی و ترانزیت کالا در الویت است تا جان انسانهایی که فقط میخواهند زندگی کنند و بس.

ولی با تمام این نامهربانیها یاد سهرابها و نداها و دیگر عزیزانمان همیشه زنده خواهد ماند روزی وطنمان را آزاد میکنیم و صرفنظر از هر دین و آئین تمام اقوام ایرانی در کنار هم زندگی خواهند کرد.

محمد وهابی

بررسی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و نتایج آن

در پی اعلام نتایج [دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران](#) و اعلام پیروزی دوباره [محمود احمدی‌نژاد](#) که از سوی برخی از تحلیل‌گران سیاسی به‌عنوان [کودتا](#) نامیده شد، تظاهراتی در خیابان‌ها و میدان‌های [تهران](#) و همچنین برخی دیگر از شهرهای ایران، توسط هزاران تن از معترضان به نحوه شمارش آرا و حامیان [میرحسین موسوی](#)، رقیب اصلی احمدی‌نژاد در انتخابات، در تاریخ ۲۳ و ۲۴ خرداد به راه افتاد. حامیان دولت ایران معمولاً از اعتراضات نسبت به نتیجه انتخابات با عنوان "جریان فتنه" و از شخصیت‌های مخالف دولت با عنوان "رهبران فتنه" نام می‌برند. این اعتراضات با سرکوب شدید نیروهای پلیس ضد شورش و حامیان شبه‌نظامی حکومت در [سپاه](#) و [بسج](#) روبرو شد؛ به‌طوری‌که شدت آن در تهران در دهه گذشته بی‌سابقه بود. در روز ۲۵ خرداد، حدود ۳ میلیون نفر از معترضان با حضور [میرحسین موسوی](#)، [محمد خاتمی](#) و [مهدی کروبی](#) در راهپیمایی بزرگی در خیابان‌های مرکزی تهران از میدان امام حسین تا [میدان آزادی](#) شرکت کردند که بزرگ‌ترین راهپیمایی ضد دولتی از زمان [انقلاب بهمن ۱۳۵۷](#) لقب گرفت. هنگام پایان راهپیمایی در میدان آزادی با آتش‌گشودن عده‌ای از نیروهای شبه‌نظامی، تعدادی از مردم کشته و زخمی شدند و در بامداد همان روز با [حمله](#) [خشونت‌بار نیروهای شبه‌نظامی به کوی دانشگاه تهران](#) و سایر دانشگاه‌ها، تعدادی از دانشجویان کشته و زخمی گشتند در تاریخ ۲۶، ۲۷ و ۲۸ خرداد نیز، راهپیمایی‌های گسترده و آرام با شرکت صدها هزار تن از معترضان در [تهران](#) برگزار شد.

ولایت سرکوب

در تاریخ ۳۰ خرداد و یک روز پس از سخنرانی [علی خامنه‌ای](#) رهبر جمهوری اسلامی در نخستین نماز جمعه پس از انتخابات ریاست جمهوری، که در آن او مسئولیت هرگونه خونریزی را به عهده برگزارکنندگان اعتراض‌ها دانسته بود، با سرکوب معترضان توسط نیروهای پلیس و تیراندازی نیروهای شبه‌نظامی، در تهران دست‌کم ۱۹ نفر کشته و عده بسیاری زخمی شدند و گروه‌های مدافع حقوق بشر و گزارش‌های غیر رسمی تعداد کشته‌شدگان را بسیار بیش از این ذکر کردند. درگیری‌های پراکنده و مشابه دیگری نیز در روزهای پس از آن در نقاط مختلف شهر تهران رخ داد. [صداوسیما](#)، فرماندهان سپاه و بسیج و دیگر مسئولان حامی دولت، تظاهرات مردمی را به عده‌ای «اغتشاشگر» نسبت دادند که در صدد برپایی [انقلاب مخملی](#) هستند.

همچنین ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در هفته‌های پس از انتخابات و در میان اعتراضات، چهار هزار نفر از روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و مردم معترض را بازداشت کردند و چندین دادگاه برای محاکمه دسته‌جمعی برخی از آنان به اتهام اقدام به کودتای نرم برای براندازی نظام جمهوری اسلامی برگزار گردید. با این حال تشکله‌ها و احزاب اصلاح‌طلب، برخی مراجع تقلید سرشناس و [مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم](#)، نتایج انتخابات و دولت برآمده از آنرا نامشروع دانسته و سرکوب معترضان و برگزاری دادگاه‌ها را محکوم کردند. اعتراضات مردمی در دهمین سالگرد [حمله به کوی دانشگاه تهران](#) در ۱۸ تیر ماه، [نماز جمعه ۲۶ تیر تهران](#)، چهل جانبختگان و همزمان با مراسم تنفیذ حکم و تحلیف ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ماه مرداد ادامه یافت و گزارش‌های زیادی درباره بدرفتاری با زندانیان، ضرب و جرح، آزار جنسی و قتل تعدادی از دستگیرشدگان منتشر شد. در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۹ کمیته حقوق بشر [مجمع عمومی سازمان ملل](#) در قطعنامه‌ای سرکوب خشونت‌آمیز این تظاهرات را محکوم کرد پیشتر در ماه اوت، گروهی از کارشناسان مستقل سازمان ملل نسبت به شکنجه و بازجویی‌هایی خشن در جریان محاکمه معترضان پس از انتخابات به شدت ابراز نگرانی کرده بودند همچنین [یونسکو](#) در گزارشی به موضوع کشته‌شدن دانشجویان در پی حمله نیروهای بسیج به کوی دانشگاه اشاره کرد.

برای جلوگیری از تقلب: امشب «حامیان تغییر» در برابر وزارت کشور اجتماع می کنند

در حالی که نگرانی از تقلب در انتخابات همچنان ادامه دارد، هواداران کروی امشب در برابر وزارت کشور اجتماع می کنند و تا صبح در آن جا خواهند ماند.

به گزارش سحام نیوز، حامیان تغییر امشب پس از پایان رای گیری مقابل وزارت کشور تجمع خواهند کرد. این حرکت خود جوش تا صبح ادامه خواهد یافت، مردم با در دست گرفتن شمع اقدامی نمادین را در پاسخ به جریانات دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری برگزار خواهند کرد.

بنا بر این گزارش در بخشی از این بیانیه: نظر به شعار «تغییر» و ذکر این مهم که «این با همه بیداریم» مقابل وزارت کشور با روشن نمودن شمع کارکنان خدوم وزارت کشور را تا صبح همراهی خواهیم کرد.

ولایت سرکوب

لازم به ذکر است مهدی کروی نیز پیش از این مردم را به بیداری و هوشیاری در ساعات شمارش آراء دعوت نموده بود.

وزارت کشور: اجتماع ممنوع است

ستاد انتخابات کشور در اطلاعیه شماره ۱۳ اعلام کرد: برگزاری هرگونه تجمع از سوی هواداران نامزدهای انتخاباتی تا پایان اعلام نتایج اخذ رای ممنوع است و پس از اعلام نتایج انتخابات نیز تجمعات باید با اخذ مجوز از فرماندار شهرستان برگزار شود. به گزارش خبرنگار مهر مستقر در ستاد انتخابات کشور، متن اطلاعیه شماره ۱۳ ستاد وزارت کشور به شرح زیر است:

"به اطلاع هموطنان می رساند که برگزاری هرگونه تجمعی از سوی گروههای مختلف سیاسی و هواداران نامزدهای انتخاباتی تا پایان اعلام نتایج اخذ رای ممنوع است و پس از اعلام نتایج انتخابات نیز تجمعات باید با اخذ مجوز از فرماندار شهرستان برگزار شود."

در ادامه این اطلاعیه آمده است: "با عنایت به فرمایشات صبح امروز مقام معظم رهبری امیدواریم با هوشیاری و درک موقعیت و فضای حساس برگزاری انتخابات همه با هم بتوانیم محیطی آرام جهت برگزاری انتخاباتی شکوهمند و افتخار آفرین فراهم آوریم."

ادعاهای متناقض

رسانه های وابسته به مهدی کروی و میرحسین موسوی، از ظهر روز جمعه از «پیروزی های قاطع» خود خبر می دهند.

سایت نروز که هوادار میرحسین موسوی است نوشته است: گزارش های دریافتی حاکی از برتری قاطع مهندس موسوی در ۱۳ استان بزرگ کشور تا هم اکنون است.

این سایت می افزاید: بر اساس اخبار واصله تا این لحظه انتخاب مردم تهران، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان، کرمان، سیستان و بلوچستان، کردستان، بوشهر، خوزستان و قم میرحسین موسوی است و مردم این استان ها تا این لحظه او را به عنوان رییس جمهوری انتخاب کردند. سخام نیوز که از مهدی کروی هواداری می کند، در گزارش خود چنین نوشته است:

ولایت سرکوب

طرفداران کروی از ساعت اولیه صبح امروز با حضور در شعب اخذ رای سراسر کشور، شور و نشاط زیبایی به انتخابات بخشیده‌اند.

به گزارش خبرنگاران سحام نیوز در سطح کشور، حامیان مهدی کروی کاندیدای اصلاح طلب دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از ساعت آغاز رای‌گیری با حضور بسیار قوی و پرنشاط خود در دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری کشور، نوید پیروزی مهدی کروی در انتخابات را می‌دهد.

در بسیاری از شعب اخذ رای به دلیل حضور پرنشاط مردم، صفوف فشرده‌ای تشکیل شده و نشاطی، انتخابات ریاست‌جمهوری را فراگرفته است.

ستاد مهدی کروی از مردم عزیز و حامیان درخواست کرده است که از ساعات اولیه صبح در انتخابات شرکت نمایند.

بر اساس این گزارش یکی از مقامات با سابقه وزارت کشور از اول بودن کروی در ۱۶ استان خبر داده است.

آغاز انتخابات

انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری اسلامی از صبح روز جمعه در سرتاسر ایران و همچنین شعب اخذ رای در سفارتخانه ها و مراکز دیپلماتیک جمهوری اسلامی در خارج از کشور آغاز شده است. در جریان این انتخابات، از میان چهار کاندیدای مورد تایید شورای نگهبان، یک نفر به عنوان دهمین رئیس جمهور اسلامی ایران انتخاب خواهد شد.

بنابه گزارش خبرگزاری ها، شرکت مردم در انتخابات گسترده توصیف شده است و رقابت اصلی مابین میرحسین موسوی نخست وزیر دهه ی شصت و محمود احمدی نژاد رئیس جمهور فعلی صورت می گیرد. نتیجه ی این انتخابات قرار است تا فردا ظهر اعلام شود.

صادق محصولی وزیر کشور دولت احمدی نژاد که مسئولیت برگزاری انتخابات را بر عهده دارد، صبح روز جمعه اعلام کرد که در چند ساعت نخست رای گیری بیش از ۵ میلیون رای به صندوق ها ریخته شده است.

ولایت سرکوب

وی پیش بینی کرد بیش از هفتاد درصد واجدان حق رای در این انتخابات شرکت کنند. مناظره های انتخاباتی و کارناوال های بزرگ تبلیغاتی در یک هفته ی گذشته، فضای انتخاباتی در ایران را تغییر داده و موجب توجه بیش از پیش مردم به این انتخابات شده است. در حالی که ستادهای هر دو رقیب اصلی این انتخابات، مدعی برتری قاطع خود در جریان رای گیری ها هستند، منابع خبری مستقل از شانس بیشتر میرحسین موسوی برای پیروزی گزارش داده اند.

با این حال سایه ی سنگین نگرانی از تقلب و رای سازی بر فضای انتخابات سنگینی می کند و رقبای انتخاباتی احمدی نژاد و ستادهای آن ها همچنان به هشدارهای پی در پی خود در این مورد ادامه می دهند.

روز گذشته میرحسین موسوی در نامه ای به آیت الله خامنه ای نگرانی خود را در این زمینه اعلام کرد و همچنین مهدی کروبی در نامه ی خود خطاب به وزیر اطلاعات، فرمانده ی نیروی مقاومت بسیج و فرمانده نیروی انتظامی خواست از دخالت در کار انتخابات و رای سازی خودداری کنند.

رهبر حکومت که در نخستین ساعات شروع رای گیری، رای خود را به صندوق انداخت، انتخابات را مظهر حضور فعال، پرشور و زنده مردم در عرصه سیاسی کشور و آزمون بزرگ ملی دانست و با اشاره به شور و شوق و تحرک بالای انتخاباتی در کشور خاطر نشان کرد: انتظار داریم با توفیق الهی و حضور متراکم مردم در پای صندوق های رای، ملت بزرگ ایران از یک امتحان بزرگ دیگر سربلند بیرون آید. وی بار دیگر از مردم دعوت کرد به پای صندوق های رای بیایند و «حق و تکلیف شرعی و عقلایی» خود را ادا کنند. وی تصریح کرد:

مردم با رشد، کمال و بلوغ عقلانی خود اجازه ندادند در این صحنه پرشور حادثه تلخی بوجود آید.

وی همچنین گفت: امیدوارم مردم مانند همیشه با آرامش، متانت، صبر، حلم، وقار و سکینه روحی خود، تلاش بدخواهان را برای ایجاد تشنج ناکام بگذارند چرا که این تشنج به ضرر کشور و آرای مردم است. او همچنین به برخی شایعه سازی ها و نقل و قول از

ولایت سرکوب

جانب وی در روزهای گذشته اشاره کرده و افزود: مردم به این شایعات، و دیگر شایعات در خصوص بخشهای مختلف انتخابات، که ساخته انسان‌های ناسالم است توجه نکنند.

میرحسین موسوی هنگام انداختن رای خود به صندوق خواستار وصل پیامک‌ها و حضور نمایندگان کاندیداها بر سر صندوق‌ها برای نظارت بیشتر بر انتخابات شد.

به گزارش ایلنا، وی که همراه با همسر خود برای رای دادن در محل اخذ رای حاضر شده بود، از مسوولین ذی‌ربط که از ورود نمایندگان کاندیداها بر سر صندوق‌ها جلوگیری بعمل آوردند، برای رفع این مشکل استمداد کرد و گفت:

در حال حاضر ارتباط پیامکی در کشور قطع شده و برخی نمایندگان ما را از حضور در شعب و نظارت بر صندوق‌ها منع کردند و به ما اجازه نظارت نمی‌دهند که ما انتظار داریم مسوولان این مشکلات را هرچه زودتر رفع کنند.

مهدی کروب‌ی یکی دیگر از کاندیداها ریاست جمهوری نیز بعد از انداختن رای خود به صندوق گفت: هر شخصی رئیس جمهور شود از او حمایت می‌کنیم.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس حجت الاسلام مهدی کروب‌ی کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهور بعد از انداختن رای خود در صندوق در جمع خبرنگاران حاضر شد و در پاسخ مبنی بر اینکه توصیه شما به کاندیداها و گروه‌ها و احزاب بعد از اعلام نتایج انتخابات چیست گفت:

همه ما تلاشمان این بود و بارها می‌گفتم که انتخابات پرشور و با نشاط باید باشد و به لطف خدا و همت مردم این انتخابات کاملاً پرشور است.

وی افزود: کارها تا به حال به خوبی انجام شده و اگر جاهایی گره‌ای بوده و تماس گرفتیم و آن‌هم حل شد و الحمد لله اوضاع خوب است.

کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خطاب به مراجع نظارتی و اجرایی توصیه کرد: کمال دقت در انتخابات باید رعایت شود تا این شور و نشاط کاملاً ادامه داشته باشد و از آراء مردم امانت داری شود که انشاء الله می‌شود.

کروب‌ی خطاب به هواداران خود گفت:

ولایت سرکوب

وقتی نتایج اعلام می‌شود همه ما باید قبول کنیم و از تخریب دیگران بپرهیزیم و اگر به مرحله دوم رفت باز هم از آرای مردم امانت داری کنیم.

محمود احمدی نژاد بعد از انداختن رای خود به صندوق صحبتی از پیروزی خود نکرد. وی گفت انتخابات تکمیل کننده حلقه حضور مردم و تجمیع اراده ملت است، که حضور مردم راه را برای کارهای بزرگتر، تصمیمات عظیم‌تر و حرکت روشن تر هموار می‌سازد. او با تشکر صمیمانه از حضور مردم تاکید کرد:

تصمیم قاطع، انقلابی و روشن مردم آینده‌ای روشن و سرشار از پیشرفت را در فراروی ملت قرار می‌دهد.

تجمع گسترده دانشجویان و جوانان در بیرون و درون دانشگاه صنعتی شریف تهران

بنابه گزارشات رسیده از تهران، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در دانشگاه تجمع کردند و قصد خارج شدن از دانشگاه و حرکت در خیابانها را دارند. از صبح امروز دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در دانشگاه تجمع کردند و قصد خارج شدن از دانشگاه و حرکت در خیابانها را دارند ولی حراست دانشگاه از خروج اعتراض آمیز دانشجویان به سمت خیابان ممانعت می کند و درب دانشگاه را بسته اند. دانشجویان که تعداد آنها بسیار زیاد می باشد اقدام به دادن شعارهایی مانند : مرگ بر دیکتاتور و نصرا من الله و فتحوا غریب مرگ برا این دولت مردم فریب و شعارهای دیگر. از طرفی دیگر مردم و جوانان با شنیدن شعارهای دانشجویان به سمت درب دانشگاه صنعتی شریف حرکت کردند و در حال حاضر در آنجا تجمع کرده اند تخمین زده می شود که تعداد مردم و جوانان در مقابل درب دانشگاه به چند هزار نفر می رسد. جوانان

ولایت سرکوب

ضمن همراهی با دانشجویان شعارهای مرگ بر دیکتاتور را بصورت هماهنگ تکرار می کنند. جو این محیط بسیار متشنج گزارش شده است.

نیروهای وزارت اطلاعات و گارد ویژه در آنجا و خیابانهای اطراف مستقر شدند و هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود و خود را آماده یورش به جوانان می کنند. جوانان معترض بدون ترس و وا همه علیرغم اینکه در محاصره آنها هستند رو در روی نیروهای سرکوبگر قرار دارند و شعار میدهند.

نیروهای گارد ویژه به صورت گسترده در مسیر آزادی - انقلاب ایستاده اند و حرکت را تقریباً غیر ممکن کرده اند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به سرکوب خونین جوانان و دانشجویان هشدار میدهد و آنها محکوم می کند و از مراجع بین المللی خواستار محکوم کردند سرکوبهای وحشیانه مردم ایران است

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

24 خرداد 1388 برابر با 14 ژون 2009



یورش به بیمارستانها به قصد دستگیری زخمی شدگان و تهدید پرسنل درمان کننده به بازداشت

بنابه گزارشات رسیده از بیمارستان هزار تختخوابی شب گذشته نیروهای گارد ویژه به اورژانس این بیمارستان یورش بردند و قصد دستگیری زخمی شدگان درگیریهای روز گذشته را داشتند.

حوالی ساعت 01:30 انبوهی از نیروهای گارد ویژه همراه با مامورین وزارت اطلاعات به بخش اورژانس بیمارستان 1000 تختخوابی تهران (خمینی) یورش بردند. آنها با پزشکان و پرستاران معالج زخمی شدگان درگیریهای روز گذشته وحشیانه برخورد کردند. نیروهای وزارت اطلاعات که همراه با گارد ویژه به این بیمارستان یورش برده بودند خواستار دستگیری زخمی شدگان و همراهان آنها بودند که با مقاومت و ایستادگی پزشکن

ولایت سرکوب

و پرستاران معالج مواجه شدند. نیروهای امنیتی وقتی که با ایستادگی پرسنل بخش اورژانس این بیمارستان مواجه شدند تهدید به بازداشت آنها نمودند. برخورد وحشیانه و غیر انسانی مامورین وزارت اطلاعات و گارد ویژه با پرسنل معالج بخش اورژانس این بیمارستان برای مدت طولانی ادامه داشت و کادر درمانی در این مدت قادر به ادامه معالجه زخمی شدگان نبودند. وضعیت بعضی از زخمی شدگان وخیم بود و همچنین بر تعداد انتقال افراد زخمی شده افزوده می شد.

بنابه گفته زخمی شدگان و همراهان آنها این درگیری تا ساعت 03:30 ادامه داشت. و با مقاومت پرسنل شریف این بخش و همراهان زخمی شدگان مامورین وزارت اطلاعات و گارد ویژه از آنجا پس رانده شدند.

اکثر زخمی شدگان بخاطر ترس از دستگیری بصورت سطحی مورد درمان قرار می گیرند و علیرغم شرایط و خیم بعضی از آنها که دچار زخمهای عمیق و خطرناک هستند در سطح پانسمون خود اکتفا می کنند و با آن شرایط به منازل خود بازمی گردند.

عملکرد مامورین وزارت اطلاعات یادآور اعمال آنها در دهه 60 می باشد که زخمی شدگان آن زمان را از تخت بیمارستان دستگیر می کردند و به زندان منتقل می شدند.

در درگیریهای دیروز حتی بیمارستانها و پرسنل آنها که به صرف انجام وظیفه انسانی و شغلی خود عمل می کردند در امان نبودند و مورد یورش و اهانت و تهدید به دستگیری می شدند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش به بیمارستانها و تهدید کادر درمانی آن به دستگیری به صرف انجام دادن وظیفه شغلی خود و اقدام به دستگیری زخمی شدگان که در شرایط بسیار حاد هستند را محکوم می کند و از مراجع بین المللی برای پایان دادن به اینگونه جنایتها خواستار اقدامات عملی است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

24 خرداد 1388 برابر با 14 ژون 2009

اسامی تعداد از زخمی شدگان درگیریهای امروز

بنابه گزارشات رسیده از بیمارستانهای مختلف تهران ، در اثر درگیریهای خونین امروز تعداد زیادی زخمی و به بیمارستانهای مختلف منتقل شدند وضعیت بعضی از زخمی شدگان وخیم می باشد.

اعتراضات گسترده مردم تهران که در نقاط مختلف ادامه دارد دامنه آنها به دانشگاه تهران کشیده شده دانشجویان کوی دانشگاه اقدام به ترتیب دادن اعتراضات گسترده نمودند . آنها با سر داد شعارهایی مانند مرگ بر دیکتاتور وارد خیابانها شدند .

از طرفی دیگر هر لحظه بر تعداد اعتراض کنندگان در سطح تهران افزوده می شود و درگیری جوانان با نیروی گارد ویژه ،نیروی انتظامی و امنیتی ابعاد تازه ای به خود

ولایت سرکوب

گرفته است جوانان با سنگ به مقابله برخاستند و در بعضی از نقاط تهران درگیریها به کوچه ها کشیده شده است .

برخورد نیروهای سرکوبگر وحشیانه می باشد . آنها افراد را به شدت مورد ضرب و شتم قرار میدهند .

در حال حاضر تعداد زیادی از جوانان که در درگیریها زخمی شدند به بیمارستانها مختلف تهران منتقل شدند . اسامی بعضی از مردم تهران و جوانان که در یورشهای وحشیانه زخمی شده اند به قرار زیر می باشد .

- ذبیح الله محمدی 67 ساله ،

- زهره صادقی 19 ساله ، شکستگی دست

- فاطمه سیدی 26 ساله ، جراحی از ناحیه سر و گردن

- سعیده یار احمدی 23 ساله جراحی از ناحیه دست و شکستگی پا

- علی محمدی 30 ساله ، چاقو خورده جراحی از ناحیه دست

- جعفر اکبری پور 29 ساله ، جراحی از ناحیه دست و سر و پشت

- سینا تکابی مکری 17 ساله شکستگی پا

- آرش پور جبار 18 ساله ، جراحی از ناحیه پهلو و صورت

- لیلا مبین 22 ساله جراحی از ناحیه سر و دست

- اصغر حیدری 43 ساله جراحی از ناحیه پا

- نیلوفر جهانگیری 25 ساله جراحی از ناحیه صورت و دست

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران ، یورش وحشیانه به اعتراض کنندگان و مورد ضرب و شتم قرار دادن آنها را محکوم می کند .

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

23 خرداد 1388 برابر با 13 ژون 2009

به فضای امنیتی و خشونت در ایران پایان دهید

اطلاعیه مطبوعاتی

با اعلام نتایج آرای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران، شائبه‌ی ناصحیح بودن و تقلب در این انتخابات از سوی دو نامزد اصلاح طلب ریاست جمهوری اعلام شد و دیگر نامزد اصول‌گرا نیز با بیان ابهام‌های موجود خواستار در اختیار داشتن اطلاعات راجع به آرای شمارش شده در اسرع وقت شد.

همزمان با این موضوع مردم معترض به نتایج انتخابات دامنه‌ی اعتراض خود را با آغاز راه‌پیمایی‌های مسالمت آمیز و خودجوش به خیابان‌ها کشاندند. خشونت‌ها در برخی شهرهای ایران از روز گذشته پس از آن‌که آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی محمود احمدی‌نژاد را پیروز انتخابات معرفی کرد، آغاز شد.

حمله به ستادها

روز جمعه 22 خردادماه نیروهای لباس شخصی به تعدادی از ستادهای نامزدهای اصلاح طلب یورش بردند و اقدام به اختلال در کار یا پلمپ اماکن مورد اشاره کردند. یکی از مهم‌ترین برخوردها مربوط به ستاد انتخاباتی مهندس میرحسین موسوی در منطقه‌ی قیطریه تهران بود که ضمن ضرب و شتم حضار، پخش تلویزیون اینترنتی این کاندیدا که در دفتر مورد اشاره صورت می‌گرفت، متوقف شد. همچنین پخش تلویزیون اینترنتی محسن رضایی دیگر کاندیدا نیز در همین زمان متوقف شد.

در ادامه، ستاد مرکزی مهندس موسوی که در خیابان شیخ‌هادی تهران قرار دارد، امروز یکشنبه با یورش نیروهای امنیتی روبه‌رو شد و جمعیتی که برای تجمع در این منطقه حاضر شده بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

درگیری‌های خیابانی

از ساعت 15 روز گذشته مورخه 23 خردادماه تجمع‌های اعتراضی با حضور هزاران شهروند معترض در شهر تهران آغاز شد و تا زمان تنظیم این گزارش دامنه‌ی آن به شهرهای مختلفی چون تبریز، شیراز، مشهد، رشت، اردبیل، گرگان، کرج و بابل کشیده شده است.

برخورد خشونت آمیز نیروهای نظامی با مردم معترض که در اکثر مناطق به اعتراض‌های کاملاً مسالمت آمیز دست زده بودند بر دامنه‌ی خشونت و خسارت‌های این درگیری‌ها افزود، منابع موثق گزارش دادند از نیمه شب گذشته پس از آماده سازی زندان اوین از نظر مکانی، حداقل 900 شهروند بازداشت شده از بازداشت‌گاه‌ها و اماکن مختلف شهر تهران به بندهای 240، 209 و قرنطینه اندرزگاه 7 زندان اوین منتقل شدند. هر چند تعداد بازداشت شده‌گان بیش از این تعداد ارزیابی می‌شود. در زمان انتشار این اطلاعیه درگیری‌ها و اعتراض‌های خیابانی همچنان در اقصی نقاط کشور ادامه دارد.

فیلترینگ سایت‌ها

از فردای روز اعلام نتایج، سایت‌های مختلفی که برای اطلاع رسانی در مورد انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری پیش‌بینی شده بود نیز فیلتر شد و حتا سایت‌های خبری که

ولایت سرکوب

در طول روزهای سال به طور عادی به خبررسانی مشغول هستند نیز در محاق فیلتر گرفتار شد.

همزمان با اعلام نتایج انتخابات و آغاز اعتراضات، شبکه های اجتماعی و سایتهای خبری چون توئیتر، فیس بوک، صدای امریکا، بی بی سی، هرانا و همینطور آفتاب نیوز، آینده، یاری، نوروز، جمهوریت، انتخاب، قلم نیوز و شهاب نیوز، تریبون، خرداد، تغییر، بنیان، امروز، سیفا، فرارو، اصلاحات، یاری، هم میهن، کلمه، سلام، سحام و نیز سایت اینلنا، از سوی کمیته فیلترینگ فیلترگذاری شده و اینترنت در ایران آنچنان با اختلال و سرعت پائین روبه رو است که عملاً گردش اطلاعات از طریق اینترنت نیز امکان پذیر نیست.

توقیف روزنامه‌ها

روزنامه‌هایی چون یاس نو برای چندمین بار در روزهای انتخاباتی توقیف شدند و محدودیت توزیعی برای تعدادی از روزنامه ها پیش از آغاز رای گیری اعمال شده بود، نشریه کلمه سبز تنها نشریه توقیف شده در محدوده زمانی پس از اعلام نتایج است.

قطع موبایل و سرویس پیام کوتاه

به دنبال قطع شدن سیستم پیامک کلیه اپراتورهای تلفن همراه از پنجشنبه شب گذشته، از شامگاه روز شنبه، خطوط تلفن همراه در شهر تهران قطع شده است و برقراری ارتباط میان مشترکان امکان پذیر نیست.

بازداشت گسترده‌ی فعالان سیاسی

علاوه بر صدها دستگیر شده‌ی معترض خیابانی، نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت تعداد بسیاری از فعالان مدنی و سیاسی که شمار آنان دست کم صد و پنجاه تن تخمین زده می‌شود و اکثراً از اعضای برجسته‌ی احزاب مشارکت، مجاهدین انقلاب، نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها هستند، کردند، علاوه بر ده روزنامه نگار، افرادی که بازداشت آن‌ها تأیید شده است عبارتند از :

بهزاد نبوی، محسن میردامادی، رضا خاتمی، عبدالله رمضان زاده، مصطفی تاجزاده، سعید شریعتی، احمد زیدآبادی، تقی رحمانی، رضا علیجانی، هدی صابر، زهره آقاجری،

ولایت سرکوب

زهرا اشراقی، کیوان صمیمی، عماد بهاور، علی پورخیری، شاهین نوربخش، علی تقی پور، محمد شکوهی، اشکان مجلی، میثم ورق چهر، مهندس مجتبی موسوی، علیرضا رجایی، غلامحسین کرباسچی، محمد عطریانفر، همچنین گزارشات تائید نشده ای از بازداشت آقایان رضا تاجیک، محمدعلی ابطحی، سعید حجاریان، محسن امین زاده و خانم سمیه توحیدلو خبر می‌دهد. همچنین منابع دانشجویی از یورش نیروهای امنیتی به منازل فعالان این حوزه گزارش می‌دهند.

لازم به توضیح است گزارش‌هایی از آزادی محسن میردامادی، محمدرضا خاتمی، زهره آعاجری و سعید شریعتی دریافت شده است.

جمع بندی

عملکرد نیروهای نظامی و امنیتی در قبال مردم معترض که تا کنون تعداد زیادی زخمی و بازداشت شده به جای گذاشته است، قطع سیستم‌های ارتباطی و جلوگیری از گردش آزاد اخبار و اطلاعات به همراه بالاگرفتن شرایط امنیتی کشور که همزمان با تداوم بازداشت‌های گسترده‌ی فعالان سیاسی و مدنی شده است نگرانی‌های مجموعه در خصوص بسته‌تر شد و امنیتی شدن فضا را دو چندان کرده است.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران معتقد است برگزاری انتخاباتی که توأم با حراست و حفاظت از آرای رای‌دهنده باشد رکنی اجتناب‌ناپذیر در تائید مشروعیت حکومت‌ها و برقراری نظام مردم سالار محسوب می‌شود، هر چند مسئولان مربوطه در خصوص مسائل مطرح شده از سوی سه کاندید دیگر و شائبه‌ی تقلب اعلام موضع نکرده‌اند اما شفاف‌سازی در مسئله‌ی انتخابات و آرای ملت را یقیناً تنها راه پایان دادن به فضای خشونت و ناامنی در جامعه می‌دانیم. امید است مسئولان با درک صحیح شرایط و با یادآوری وظایف قانونی خود در حمایت و حراست از مردم و بالطبع آرای آنان، اقدامات لازم را در اسرع وقت در قبال اعتراضات جاری و شبهات موجود برای پایان دادن به شرایط امنیتی و خشونت‌های بیشتر در جامعه مبذول نمایند.

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

تهران - 24 خردادماه 1388

گزارشی از وضعیت کوی دانشگاه تا ساعت ۲۴ شنبه شب

بامدادخبر- گروه دانشگاه: پس از پایان تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در محل پردیس مرکزی این دانشگاه که عصر روز شنبه برگزار شده بود و با دخالت نیروهای پلیس ضد شورش و ورود آن‌ها به دانشگاه در داخل و خارج دانشگاه به تشنج کشده شد، دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران، شنبه شب ساعت ۲۰، با تجمع در خیابان امیرآباد (کارگر شمالی) و در مقابل کوی با تحصنی آرام اعتراض خود را به تقلب آشکار در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری نشان دادند.



ولایت سرکوب

اما حرکت مدنی دانشجویان دیری نپایید و درست ۳۰ دقیقه بعد نیروهای امنیتی و پلیس با حمله به تجمع دانشجویان سعی در بازگرداندن آن‌ها به داخل کوی دانشگاه را داشتند که با مقاومت دانشجویان و غلبه آن‌ها بر نیروهای امنیت همراه شد و دانشجویان موفق شدند صف نیروهای پلیس و امنیتی را تا چهارراه امیرآباد به عقب برانند.

اما با حضور گارد ضد شورش از ساعت ۲۱:۳۰ در خیابان‌های اطراف کوی و استفاده مداوم از گاز اشک‌آور دانشجویان ناگزیر به داخل کوی گریختند. ولی همچنان تعقیب و گریزها در خیابان امیرآباد و تجمع دانشجویان داخل کوی دانشگاه ادامه دارد. این در حالی است که باران گاز اشک‌آور داخل کوی و حتی داخل اتاق‌های ساختمان‌ها ادامه دارد، به طوری که دانشجویان برای مقابله با اثرات استنشاق گاز اشک‌آور در تمام نقاط کوی آتش بر پا کرده‌اند و در موارد بسیاری برای تهیه سوخت آتش خود به سوزاندن کمدهای شخصی‌شان روی آورده‌اند. با این حال به گزارش ساکنان کوی دانشگاه تهران، باران گاز اشک‌آور همچنان ادامه دارد و نفس کشیدن در محوطه کوی و ساختمان‌های آن بسیار سخت و حتی ناممکن شده‌است.

این در حالی است که وضعیت کوی دانشگاه تهران هر لحظه ملتهب‌تر می‌شود و علی‌رغم وضعیت بد و بحرانی بسیاری از ساکنان، هیچ‌یک از دانشجویان اکنون در اتاق‌های خود به سر نمی‌برند و به گزارش خبرنگار بامدادخبر در کوی دانشگاه تهران، در اثر حمله نیروهای ضد شورش طبقه سوم ساختمان ۲۳ به آتش کشیده شده‌است و ساکنان ساختمان‌های نزدیک به در کوی دانشگاه ساختمان‌های خود را به کل تخلیه کرده‌اند. این در حالی است که برق و گاز بسیاری از ساختمان‌های کوی از ساعات اولیه شب تا کنون قطع بوده‌است.

دانشجویان هم‌اکنون در مقابل درهای کوی دانشگاه سنگربندی کرده‌اند و با بر پا کردن آتش مانع از حضور نیروهای امنیتی و گارد ویژه به داخل کوی می‌شوند، ولی حمله نیروهای ضد شورش همچنان ادامه دارد و به فاصله ۵ دقیقه یک بار تیر هوایی شلیک می‌شود و نیروهای ضد شورش از تیرهای پلاستیکی برای مقابله با دانشجویان استفاده می‌کنند که موجب صدمه و جراحت شدید بسیاری از دانشجویان شده‌است. این در حالی

ولایت سرکوب

است که در اثر حملات نیروهای ضد شورش بانک صادرات نزدیک کوی به آتش کشیده شده است و نیروهای ضد شورش اقدام به شکستن شیشه‌های بانک ملی و دیگر ادارات دولتی نزدیکی کوی دانشگاه کرده‌اند.

بنا به گزارش خبرنگار ما در محل کوی دانشگاه تهران، تا کنون خبری از دستگیری دانشجویان در دست نیست و در فضای ملتهب کوی امکان این نیست که از محل دقیق دانشجویان آگاهی به دست آید و با توجه به قطع بودن همه امکانات ارتباطی از جمله خطوط تلفن، موبایل و اینترنت در کوی دانشگاه تهران؛ دانشجویان عملاً در وضعیت محاصره خبری و اطلاعاتی قرار گرفته‌اند که موجب نگرانی بیشتر آن‌ها می‌شود. ولی هر لحظه امکان یورش شدید نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش به داخل کوی وجود دارد و دانشجویان حتی از جان خود نیز بیم دارند. این زد و خورد و تظاهرات تا پاسی از بامداد یکشنبه بیست و چهارم خرداد ماه، هنوز ادامه دارد.

تصاویری از تظاهرات و ناآرامی های تهران پس از اعلام نتایج انتخابات



ولایت سرکوب



ولایت سرکوب



ولایت سرکوب





حمله خشونت بار نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه اصفهان

گزارش ها از ایران حاکیست که نیروهای امنیتی دولت ایران بامداد دوشنبه در پی تجمع اعتراض آمیز دانشجویان در خوابگاه دانشگاه تهران واقع در خیابان کارگر شمالی به آنجا یورش برده اند که به گفته شاهدان عینی در اثر تیراندازی نیروها تعدادی دانشجوی زخمی و تعدادی نیز دستگیر شده اند.

همزمان در اصفهان نیز نیروهای دولتی به محوطه دانشگاه صنعتی اصفهان یورش برده اند که طی آن نیز دانشجویان هدف ضرب و شتم قرار گرفته اند و دانشگاه تحت محاصره قرار گرفته است.

ولایت سرکوب

یک شاهد عینی که نخواست نامش فاش شود در گفتگو با بی بی سی فارسی گفت که حدود ساعت سه صبح گروهی از دانشجویان کنار در کوی دانشگاه، خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران، تجمع کرده بودند و شعار می دادند که نیروهای گارد ویژه و انصار حزب الله وارد محوطه کوی و سپس تعداد زیادی از ساختمان ها شدند.

Basij hat eine junge Frau in Teheran erschossen

Samstag, den 20. Juni Teheran

Eine junge Frau, die neben ihrem Vater stand und die Proteste ansah, wurde von einem basij Mitglied erschossen, das sich auf der Dachspitze eines Zivilhauses versteckt hatte. Er hatte freien Schuss am Mädchen und konnte sie nicht verfehlen. Jedoch zielte er gerade ihr Herz. Ich bin ein Doktor, also eilte ich, um zu versuchen, sie zu retten. Aber die Auswirkung des Schusses war so heftig, dass sie in weniger als 2 Minuten starb. Der Film wird von meinem Freund aufgenommen, der neben mir stand.

Informieren Sie bitte die Welt

:Video ansehen

<http://www.youtube.com/watch?v=nepKHEFCd0Y>

<http://www.youtube.com/watch?v=mzZGirbLiUo>

ماده بیست و یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر

- ۱- هر کس حق دارد که در اداره امور کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با انتخاب نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید
- ۲- هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید
- ۳- اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت می‌پذیرد، انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی و یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید

جنایت های آشکار





به طور مکرر خبر میرسه و بچه های اورژانس هم تایید کردند که لباس شخصیها میان بین جمعیت و ناغافل به مردم چاقو میزنند و غیب میشن. مراقب باشین

حمله اوباش انصار و بسیج به دانشجویان شیراز و مشهد؛ رئیس دانشگاه شیراز استعفا داد

خبرنامه امیرکبیر: در پی تجمعات دانشجویان دانشگاه شیراز که در اعتراض به شیوه برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد در روز های شنبه و یکشنبه ، ۲۳ و ۲۴ خرداد برگزار شد، نیروهای امنیتی و سازمان یافته با یورش به داخل دانشگاه، دانشجویان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند .

وضعیت چند تن از این دانشجویان وخیم گزارش شده است.

همچنین ظهر امروز چند ون نیروی انتظامی ضمن محاصره کتابخانه خوارزمی دانشگاه شیراز و پرتاب گاز اشک آور، به سمت دانشجویان هجوم آوردند و ضمن ضرب و شتم دانشجویان در حدود ۱۰۰ تن از آنان را بازداشت کردند. در حین این اقدام مسئولین کتابخانه خوارزمی از جمله دکتر خیاطیان که قصد داشتند مانع از ورود نیروهای انتظامی به دانشگاه شوند نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

در پی این اقدام محمد هادی صادقی رئیس دانشگاه شیراز از سمت خود استعفا داد و صبح فردا، ساعت ۱۰ صبح اساتید و مسئولین دانشگاه شیراز در محل مدیریت دانشگاه در اعتراض به این یورش تجمع برگزار خواهند کرد. شنیده ها حاکی از آن است که دانشجویان نیز به این جمع خواهند پیوست.

فضای شهر شیراز نیز به شدت ملتهب است. شب گذشته در خیابان ملاصدراي شیراز تجمعی برگزار شد که با هجوم نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد. عصر امروز نیز

ولایت سرکوب

در خیابان ملاصدرا تا دانشگاه شیراز نیروهای امنیتی به فاصله یک متر قرار داشتند و با هجوم به دانشگاه، مردم و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

همچنین از ساعاتی پیش نیروهای انصار و بسیج به دانشجویان متحصن در دانشگاه فردوسی مشهد حمله کرده اند.

گزارش ها حاکیست که این درگیری اطراف در شمالی دانشگاه فردوسی مشهد رخ داده است. خیابان های باهنر، وکیل آباد و دیگر خیابان های منتهی به دانشگاه فردوسی مشهد هم اکنون محاصره شده اند و امکان عبور و مرور مردم وجود ندارد.

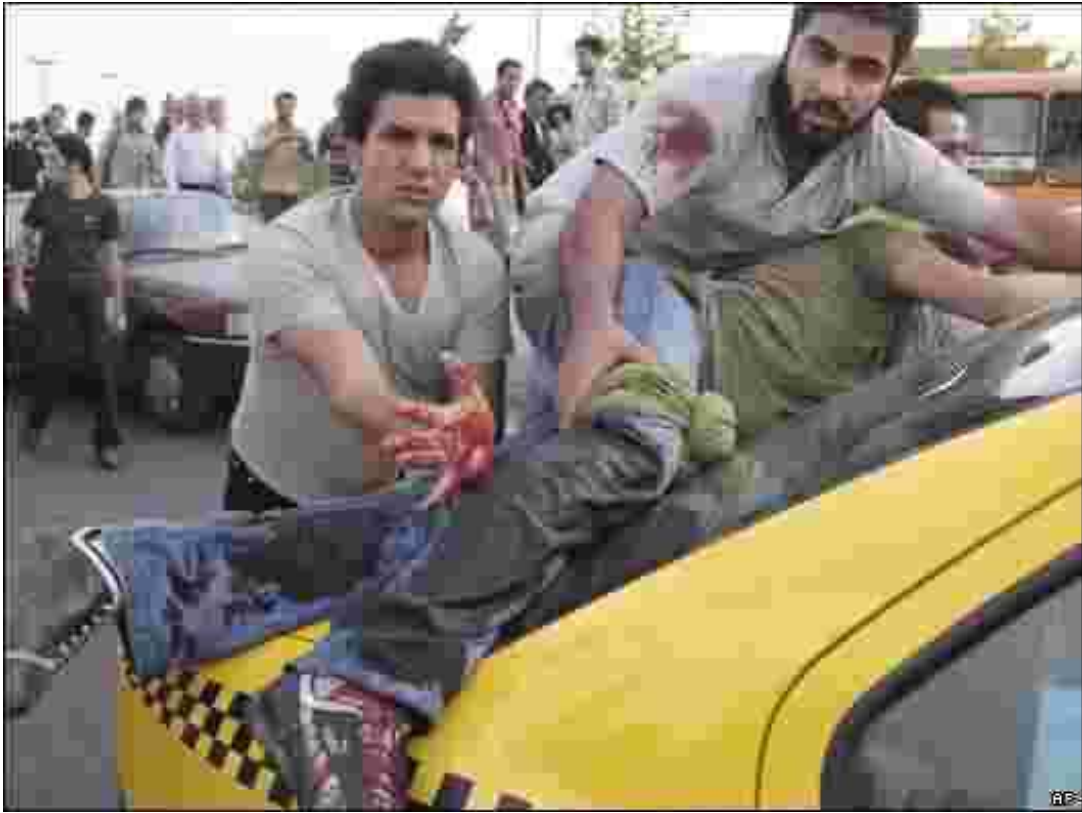
هر لحظه احتمال حمله نیروهای گارد ویژه و انتظامی به داخل دانشگاه می باشد. دانشجویان در محاصره هستند و در های دانشگاه بسته شده است و امکان خروج دانشجویان از دانشگاه وجود ندارد.

تعداد نامعلومی از دانشجویان نیز بازداشت شده اند.

گفتنی است در اعتراضات روز گذشته شهر مشهد مهدی عبایی رئیس جبهه مشارکت منطقه خراسان و امیر اقتصاعی رئیس ادوار تحکیم وحدت منطقه خراسان در حالی که برای گفتگو در بیت ایت الله شیرازی حاضر شده بودند، بازداشت شده اند.

ولایت سرکوب

تصاویری از مجروحین و کشته شدگان



ولایت سرکوب



قضاوت با شماست

شماره: _____
تاریخ: ۲۲ خرداد ۱۳۸۸
بجای: _____

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

۱۳۸۸ خرداد ۲۲

جناب آقایان محترم و همسران محترم حضرت آیت الله خامنه ای
سلام علیکم

بنا به ابراز تمناهای جنرالانالی جنسی بر نتیجه انتخابات ضمن دوره ریاست جمهوری و صلاح دید شخص شما بر ابتداء جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد بر سمت ریاست جمهوری در این برهه حساس زمانی ، لذا کتبه اسامی به گونه ای برنامه ریزی شد که نتیجه اعلام شده آنگونه که به صلاح نظام و انقلاب باشد به اطلاع عموم برسد و تمامی تدبیر لازم برای حوادث احتمالی بعد از انتخابات دیده شده و سران احزاب و نامزدهای انتخاباتی تحت نظر سفید می باشند.

لذا صرفاً جهت اطلاع نتیجه واقعی آزاد اندیش شده را به صورت مکتوب به ترانس می رساند:

۲۲-۲۶-۷۸	مجموع آراء اخذ شده :
۱۱-۷۵۶۲۳	میر حسن موسوی خامنه ای :
۱۳۳۸۷۱۰۴	غلهی ترونی :
۵۶۹۸۴۱۷	محمود احمدی نژاد :
۲۷۵۳۲۱۸	محسن رضایی سر قلعه :
۳۸۷۱۶	آزاد باطنه :

وزیر کشور
محمود احمدی نژاد

دو نوشت : نقاره

روش کار در ایران



حمله مأموران یگان ویژه به يك خوابگاه دخترانه در ارومیه

اخبار رسیده از ارومیه از شکنجه و ضرب و شتم بیرحمانه شرکت کنندگان اعتراضات سه روز گذشته در این شهر حکایت می کند. طبق گزارش همکاران گروه خبری اورمونیوز شهر ارومیه بعد از دوم خرداد ۱۳۸۵ تا کنون شاهد چنین جو رعب و وحشتی نبوده است.

بازداشت شدگان که تعداد آنها بیش از ۳۰۰ نفر گزارش شده است ابتدا به مراکز مختلف از جمله اداره آگاهی واقع در کوی مخابرات، کلانتری ۱۷ در حوالی ترمینال شهری، چند مرکز اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی در اطراف چهار راه دانشکده و رودخانه شهرچای ارومیه منتقل شده، با چماق و باتوم مورد حمله بیرحمانه مأموران قرار گرفته اند. بنا به گزارشها در مورد هویت تمام بازداشت شدگان بعد از کتک زدن آنها تحقیق می شود. عده ای از بازداشت شدگان که مأموران آنها را با عنوان «تجزیه طلبان با سابقه» و «پان تورکیستها!» صدا می کرده اند به مراکز دیگر منتقل شده اند. اینها عمدتاً کسانی هستند که

ولایت سرکوب

سابقه شرکت و یا دستگیری در اعتراضهای روز جهانی زبان مادری، آغاز مدارس، اعتراضات خردادماه آذربایجانیه و مراسمهای ۲۱ آذر را داشته اند.

افراد بدون سابقه [کیفری] که کمتر از ۲۵ سال دارند، پس از تحمل ضربه های لگد، باتوم و چماق مأموران در صورت مراجعه خانواده و سپردن کفالت آزاد شده و مسنترها به مراکز امنیتی تحویل داده می شوند.

یک شهروند اورمیه ای که پسر ۲۱ ساله خود را از یکی از کلانتری ها تحویل گرفته در گفتگو با همکاران گروه خبری اورمونیوز حال فرزندش را بسیار وخیم گزارش کرده است. مأموران دست پسرش را شکسته و دندانهای فک پایین او را خرد کرده اند. این جوان اورمیه ای به همراه هشت نفر دیگر در حیاط یکی از کلانتری ها مورد حمله حدود ۲۰ مأمور چماق به دست قرار گرفته است.

از سوی حدود ده مأمور یگان ویژه به یک خوابگاه دخترانه واقع در پشت اداره آگاهی در کوی مخابرات اورمیه حمله کرده، پس از زخمی کردن مسئول خوابگاه که مانع ورود آنها شده بود، وارد اتاقها شده و موبایل تمام دانشجویان را ضبط کرده اند. به گزارش خبرنگار اورمونیوز عده ای از دانشجویان از پنجره های مشرف به محوطه اداره آگاهی از جوانانی فیلمبرداری کرده اند که پیراهنشان بالای سرشان کشیده شده و زیر ضربه های سنگین مأموران قرار داشتند.

علیرغم اینکه خطوط اینترنتی در اورمیه به طور کامل قطع نشده، از ظهر روز دوشنبه ۲۵ خردادماه امکان فرستادن هر گونه ایمیل و یا حتی وارد شدن به تمام سایتهای دارای سرویس پست الکترونیکی غیرممکن شده است.

اعتراضات مردم تهران نسبت به کشتار دانشجویان و جوانان

بنابه گزارشات رسیده از تهران، در اعتراضات امروز تهران مردم در اعتراض به کشتار دانشجویان و جوانان در تهران و شهرستانها که بازوبند سیاه بسته بودند ساعاتی پیش آغاز شد.

هزاران نفر از مردم تهران در اعتراض به کشتارهای دانشجویان و جوانان با بستن بازوبند سیاه از ساعت 15:00 در میدان رضائی ها (هفت تیر) تجمع کردند و از آنجا حرکت خود را آغاز کردند.

در حال حاضر به تعداد جمعیت افزوده می شود بطوری که خیابانهای طالقانی، مفتح، ولی عصر، کریم خان زند، شریعتی مملو از جمعیت است.

مردم تهران یک صدا و مصمم شعارهای زیر را فریاد می زنند:
مرگ بر دیکتاتور ،

می جنگم می میرم ذلت نمی پذیرم،

ولایت سرکوب

می جنگم می میرم حقمون را پس می گیرم ،
می کشم می کشم آنکه برادرم کشت ،
نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این دولت مردم فریب ،
نترسید نترسید ما همه با هم هستیم .
و شعارهای دیگر را سر می دادند.
از ساعت 13 امروز نیروهای گارد ویژه و موتور سوارها در میدان هفت تیر و تمام
خیابانهای منتهی به هفت تیر مستقر شده اند.
در کنار مترو طالقانی که سفارت سابق امریکا قرار دارد و به پایگاه بسیج تبدیل شده در
پشت بام منتهی به خیابان طالقانی نیروهای بسیجی و انصار با در دست داشتن اسلحه
مستقر شده اند.
جمعیت به قدری زیاد است که نیروهای گارد جرأت نزدیک شدن به جمعیت را ندارند.
فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران، یاد و خاطره جان باختگان راه آزادی را گرامی
میدارد و نسبت به هرگونه خشونت که به دستور ولی فقیه علیه مردم صورت می گیرد
هشدار و محکوم می کند.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
27 خرداد 1388 برابر با 17 ژون 2009

فوتبالیستهای تیم ملی ایران با دستبند سبز وارد زمین مسابقه با کره جنوبی شدند





© news.gooya.com

Photo by Farhad Rajabali

انتقال 300 نفر از دستگیر شدگان اصفهان به بند الف-ط زندان مرکزی اصفهان

بنابه گزارشات رسیده از بند الف - ط زندان اصفهان ، در حدود 300 نفر از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر مردم اصفهان به سلولهای انفرادی این بند منتقل شده اند. اعتراضات گسترده روزهای اخیر که تا به حال منجر به جان باختن تعدادی از جوانان و مردم شهر اصفهان شده است و همچنین باعث مجروح شدن تعداد زیادی از جوانان معترض شده است. اکثر زخمی شدگان علیرغم داشتن زخمی های شدید از مراجعه به

ولایت سرکوب

بیمارستانها بخاطر ترس از دستگیری خوداری می کنند و کسانی که در وضعیت وخیم هستند و به بیمارستان منتقل می شوند هویت آنها توسط مامورین وزارت اطلاعات و حراست بیمارستانها ثبت می شود و تحت مراقبتهای شدید مامورین وزارت اطلاعات قرار می گیرند مامورین وزارت اطلاعات در اکثر موارد در امور درمانی پرسنل بیمارستان دخالت می کنند و در مواردی مانع انجام کار آنها می شوند.

دستگیر شدگان اعتراضات اخیر به بازداشتگاههای آگاهی اصفهان، کلانتریها، خانه های امن وزارت اطلاعات و سلولهای انفرادی بند الف-ط که در دست بازجویان وزارت اطلاعات اصفهان می باشد منتقل شده اند.

دستگیر شدگان تحت شکنجه های شدید جسمی قرار دارند. در حال حاضر در بند الف-ط در حدود 300 نفر از دستگیر شدگان زندانی هستند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیریهای گسترده در ایران و شکنجه وحشیانه دستگیر شدگان را محکوم می کند و از مراجع بین المللی و سازمانهای حقوق بشری خواستار مداخله برای پایان دادن سرکوب مردم ایران است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

28 خرداد 1388 برابر با 18 ژون 2009

کاریکاتورهای روز



ولایت سرکوب



دانشمند فرانسوی: قانون بنفورد تقلب در انتخابات را ثابت می‌کند

یک دانشمند فیزیک نجومی فرانسوی در مصاحبه‌ای با روزنامه "استاندارد" اتریش اعلام کرد که به کمک قانون "بنفورد" توانسته است کشف کند که در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران تقلب شده است.

مصاحبه "بودوین اف. روکما" دانشمند فیزیک نجومی را، روزنامه استاندارد روز جمعه (۱۹ ژوئن، ۲۹ خرداد) منتشر کرد.

این دانشمند اعلام کرد که آرای ریخته شده به ۳۶۶ حوزه انتخاباتی ایران را، که تعداد آن‌ها بین ۱۰ هزار و ۱۰۰ هزار بوده، براساس قانون بنفورد تحلیل کرده است.

وی گفت: «براساس قانون بنفورد، اگر آرای احمدی‌نژاد درست باشد، باید ۳۰ درصد آرای تحلیل‌شده با عدد یک آغاز می‌شد، در حالی که بسیاری از آرای احمدی‌نژاد با عدد ۲

شروع شده است». (کد احمدی‌نژاد در انتخابات ۱ بود). دانشمند فرانسوی بعد از سال‌ها اقامت و کار در هند و استرالیا، اکنون در خدمت انستیتو کوپرنیکوس لهستان است. او در مصاحبه خود اعلام کرد، آنچه او را بیشتر به تقلب‌های انتخاباتی مطمئن می‌کند، تحلیل شمار آرای مهدی کروبی در انتخابات سال ۲۰۰۵ ریاست‌جمهوری ایران است که نسبت به انتخابات امسال بسیار بالاتر بود. بر اساس آمار، این آراء اکثرا با عدد ۷ آغاز می‌شوند. بر اساس قانون بنفورد، در فهرست اعدادی که در بسیاری از پدیده‌های زندگی واقعی رخ می‌دهند، رقم اول عددها به طور خاص و یکنواختی توزیع می‌شوند. به موجب این قانون، تقریبا در یک سوم موارد عدد ۱ رقم نخست است، در حالی که عددهای بزرگتر با بسامد کمتری رخ می‌دهند و عدد ۹ کمتر از یک بار در هر بیست عدد ظاهر می‌شود. این قانون به ظاهر عجیب، در بسیاری از داده‌ها برقرار است، مثلا در صورتحساب‌های برق، شماره خیابان‌ها، قیمت سهام، مقدار جمعیت، آمار مرگ و میر، طول رودخانه‌ها، ثابت‌های فیزیک و ریاضیات. قانون بنفورد به نام "فرانک بنفورد" نامگذاری شده است.

سنت کهن ایرانیان در ریاضیات

روزنامه استاندارد از بودوین روکما پرسیده است که چرا به این فکر افتاده که انتخابات ایران را بر اساس آمار بررسی کند؟ دانشمند فرانسوی پاسخ داده است: «تحلیل آمارهای رسمی کار من است. در ایران این بحث وجود دارد که آیا انتخابات عادلانه بوده یا نه. من این را مهم می‌دانم که ایرانی‌ها از طریق کار من آماري داشته باشند که بتوانند به اتکای آن علمی فکر کنند. ایرانیان پیشینه کهنی در ریاضیات دارند و آفریننده واژه "آلگوریتم" خوارزمی است.

محاسبه به کمک اکسل

در پاسخ این پرسش که دسترسی به آمارها و تحلیل آن، چگونه ظرف یک هفته پس از انجام انتخابات امکان‌پذیر بوده است، دانشمند فرانسوی پاسخ داده است: «محاسبه برای من دشوار نبود. مسئله در اساس بیشتر به یک عملکرد پایه‌ای برنامه اکسل مربوط می‌شود. اما روشن است که من وقت زیادی صرف اندیشیدن کرده‌ام».

خبرنگار استاندارد سپس پرسیده است: «فیزیک نجومی چه رابطه‌ای با انتخابات در ایران دارد؟». روکما در پاسخ گفته است: «عنوان پژوهش من نشان می‌دهد که کار بر اساس قانون بنفورد پیش رفته است. فرانک بنفورد یک فیزیکدان نجومی بود. اساساً می‌توان گفت که فیزیک نجومی می‌تواند به همه چیز علاقمند باشد. ما می‌توانیم چیزی را تحلیل کنیم، پس این کار را می‌کنیم».

در پایان این مصاحبه، دانشمند فرانسوی گفته است: «ایرانی‌ها اکنون می‌توانند ارقامی را که من ارائه داده‌ام تفسیر کنند. امیدوارم که این کار را بکنند».

تجمع گسترده خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب

بنابه گزارشات رسیده، صبح امروز خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند.

از صبح امروز شنبه 30 خرداد ماه خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات جاری در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند. تعداد دستگیر شدگان نزدیک به 400 نفر تخمین زده می شود. خانواده هایی که عزیزانشان دستگیر شده اند، از وضعیت و شرایط و محل نگهداری آنها بی خبر هستند و دادگاه انقلاب و سایر ارگانهای رژیم تا به حال به آنها جوابی مشخصی نمی دهند.

در میان خانواده های دستگیر شده تعداد زیادی از خانواده های دانشجویان که اخیراً دستگیر شده اند حضور دارند.

ولایت سرکوب

افراد دادگاه انقلاب به خانواده هایی که پیگیر وضعیت عزیزان خود هستند می گویند بروید و یک ماه دیگر مراجع کنید.

خانواده های دستگیر شدگان که در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کرده اند نسبت به برخورد افراد حاضر در دادگاه انقلاب خشمگین هستند و فضای حاکم در آنجا متشنج می باشد. خانواده به آنها اعلام کرده اند تا وضعیت عزیزانشان مشخص نشود آنجا را ترک نخواهند کرد.

افراد لباس شخصی و نیروی انتظامی خانواده را مورد تهدید قرار میدهند و برای سر دواندن آنها به خانواده ها می گویند که به ستاد پیگیری و یا از نیروی انتظامی وضعیت عزیزان خود را پیگیری کنند.

مامورین وزارت اطلاعات برای ایجاد جو رعب و وحشت از تجمع خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگاه انقلاب فیلم و عکس می گیرند .

تا به حال درگیری های بین خانواده ها و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی روی داده است. توهین ها و تهدیدات افراد وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی باعث خشم خانواده ها شده است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران؛ ضمن ابراز نگرانی از وضعیت دستگیر شدگان، بی خبری خانواده از وضعیت عزیزانشان را محکوم می کند و از مراجع بین المللی خواستار اقدامات عملی برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان است.

تجمع گسترده خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب

بنابه گزارشات رسیده، صبح امروز خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند.

از صبح امروز شنبه 30 خرداد ماه خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات جاری در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند. تعداد دستگیر شدگان نزدیک به 400 نفر تخمین زده می شود. خانواده هایی که عزیزانشان دستگیر شده اند، از وضعیت و شرایط و محل نگهداری آنها بی خبر هستند و دادگاه انقلاب و سایر ارگانهای رژیم تا به حال به آنها جوابی مشخصی نمی دهند. در میان خانواده های دستگیر شده تعداد زیادی از خانواده های دانشجویان که اخیراً دستگیر شده اند حضور دارند.

افراد دادگاه انقلاب به خانواده هایی که پیگیر وضعیت عزیزان خود هستند می گویند بروید و یک ماه دیگر مراجع کنید.

ولایت سرکوب

خانواده های دستگیر شدگان که در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کرده اند نسبت به برخورد افراد حاضر در دادگاه انقلاب خشمگین هستند و فضای حاکم در آنجا متشنج می باشد. خانواده به آنها اعلام کرده اند تا وضعیت عزیزانشان مشخص نشود آنجا را ترک نخواهند کرد.

افراد لباس شخصی و نیروی انتظامی خانواده را مورد تهدید قرار میدهند و برای سر دواندن آنها به خانواده ها می گویند که به ستاد پیگیری و یا از نیروی انتظامی وضعیت عزیزان خود را پیگیری کنند. مامورین وزارت اطلاعات برای ایجاد جو رعب و وحشت از تجمع خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگاه انقلاب فیلم و عکس می گیرند. تا به حال درگیریهای بین خانواده ها و نیروهای اطلاعاتی و انتظامی روی داده است. توهینها و تهدیدات افراد وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی باعث خشم خانواده ها شده است

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران؛ ضمن ابراز نگرانی از وضعیت دستگیر شدگان، بی خبری خانواده از وضعیت عزیزانشان را محکوم می کند و از مراجع بین المللی خواستار اقدامات عملی برای آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان است.

بانگ "الله اکبر" در پشت بام ها اطمینان بخش قلب های ملت ایران

قلم - عقربه های ساعت که به 10 می رسد، مردم معترض به تقلب در انتخابات در قراری نانوشته، باز هم غریو "الله اکبر" سر دادند و برای آنکه ذکر مبارک "الله اکبر" شان را هم به یغما نبرند، "یا حسین، میرحسین" را تکرار کردند. به گزارش خبرنگاران قلم نیوز، حامیان میرحسین موسوی و معترضان به تقلب آشکار و بی سابقه در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در نقاط مختلف کشور در قراری نانوشته با هم راس ساعت 10 هر شب برای نشان دادن اعتراضشان ذکر مبارک "الله اکبر" را در پشت بام های خود تکرار می کنند و از خدای یکتا مدد می جویند. مردم معترض در سراسر کشور امشب برای آنکه ذکر مبارک "الله اکبر" شان را هم به یغما نبرند و قلب معنا نکنند، در میان "الله اکبر" هایشان، شعار "یا حسین، میرحسین" سر دادند.

پس کجاست خدایی که می پرستید؟؟؟؟؟



ولایت سرکوب



FARS

Photo : Saeed Soroush

FARS NEWS AGENCY

ساعت ۴، میدان انقلاب

به رغم تهدیدات آشکار علی خامنه ای در نماز جمعه ی روز گذشته مبنی بر سرکوب مبارزات مردم آزادی خواه ایران، امروز از ساعت ۴ بعد از ظهر قرار است مطابق برنامه های اعلام شده، تجمع بزرگ آزادی خواهان از میدان انقلاب آغاز شود. خبرها حاکی از آن است که این تظاهرات برگزار خواهد شد.

برخی اخبار حاکی از آن است که حامیان آقای موسوی، و آقای کروبی، همانطور که هر دو نفر پیش تر اعلام کرده بودند به میدان انقلاب خواهند رفت و منتظر شنیدن برنامه های آینده این دو کاندید اصلاح طلب، در میدان انقلاب خواهند بود. میرحسین موسوی و مهدی کروبی، پیشتر از مردم خواسته بودند که این تجمع در سکوت و صلح برگزار شود. بنابر اخبار تایید نشده، موسوی، کروبی، خاتمی و کرباسچی در این تجمع حضور خواهند داشت. ستاد مهدی کروبی و همچنین مجمع روحانیون مبارز نیز که پیشتر برای برگزاری این تظاهرات فراخوان داده بوده اند، اطلاعیه هایی در جهت لغو این تظاهرات منتشر نکرده اند. به نقل از نزدیکان میرحسین موسوی و مهدی کروبی پیام هایی در اینترنت

ولایت سرکوب

منتشر شده که این تظاهرات حتما برگزار خواهد شد و مردم بعد از تجمع در میدان انقلاب به سمت میدان آزادی راه پیمایی خواهند کرد.

در این پیام ها از مردم خواسته شده است که با حضور گسترده ی خود در راه پیمایی نشان دهند که مبارزه علیه کودتای انتخاباتی متوقف نخواهد شد.

مجوزی صادر نشده است

وزارت کشور جمهوری اسلامی صبح روز شنبه اعلام کرد هیچ مجوزی برای تظاهرات امروز صادر نکرده است. در اطلاعیه ی وزارت کشور آمده است:

بدینوسیله با اطلاع می‌رساند که شایعاتی مبنی بر اخذ مجوز راهپیمایی برای روز شنبه ۳۰ خرداد از جریان‌های مختلف سیاسی در حال انتشار است که ضمن تکذیب آن با اطلاع عموم مردم عزیز و هوشیار ایران می‌رساند، هیچ‌گونه مجوزی برای هیچ‌گونه تجمع و راهپیمایی در هیچ نقطه کشور صادر نشده است.

بدیهی است که با متخلفین مطابق قانون برخورد خواهد شد.

از امروز با قاطعیت برخورد می‌کنیم

طراحان تجمعات با حکم قضایی مورد پیگرد قرار گرفته و دستگیر می‌شوند.

جانشین فرمانده نیروی انتظامی با تاکید بر این که پلیس از امروز با تجمعات غیرقانونی و بدون مجوز با قاطعیت برخورد خواهد کرد، از پیگرد قانونی طراحان تجمعات غیرقانونی روزهای اخیر خبر داد.

به گزارش سرویس «حوادث» ایسنا، سردار احمدرضا رادان در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: متأسفانه به دنبال فراخوان‌هایی که بدون مجوز صورت می‌گرفت، مردم به دلیل اطلاع نداشتن از غیرقانونی بودن این فراخوان‌ها در تجمعات شرکت می‌کردند و جدا کردن صف مردم از اغتشاشگران و تخریب‌کنندگان سخت بود.

سردار رادان، آرامش و آسایش را حق مسلم مردم دانست و با بیان این که پلیس از امروز به درخواست مردم و حکم قانون و اجرای مقررات با هرگونه تجمع غیرقانونی و بدون مجوز با قاطعیت برخورد می‌کند، خطاب به طراحان تجمعات غیرقانونی گفت: کسانی که

ولایت سرکوب

مردم را به خیابان‌ها می‌کشند بدانند، به حکم قضایی مورد پیگرد قانون قرار خواهند گرفت و دستگیر خواهند شد.

وی با تاکید بر این که کسانی که مردم را به تجمع دعوت می‌کنند، باید پاسخگوی عواقب این تجمعات باشند، اضافه کرد: در چند روز اخیر ۴۰۰ نفر از ماموران نیروی انتظامی در درگیری‌های خیابانی مجروح شده‌اند.

بانگ الله و اکبر دیشب تهران را به لرزه درآورد

شب گذشته، بانگ الله و اکبر در تهران همگانی تر و بلند تر از هر شب دیگر بود. چنان که اگر رهبر جمهوری اسلامی در شب‌های گذشته این بانگ را نشنیده، این بار بشنود. ما از مناطق مختلف تهران، مانند میدان ولیعصر، طرشت، یعنی سعادت آباد، بلکه صادقیه، شهرآرا، خیابان دبستان در سیدخندان و بخش هائی از خیابان پاسداران مستقیماً و از طریق تلفن این بانگ بلند را شنیدیم، که در میان آنها علیه علی خامنه ای نیز شعار داده می شد. از جمله "مرگ بر دیکتاتور". شاید گوش خراش ترین و آزار دهنده ترین بخش نماز جمعه دیروز تهران، هنگام سخنرانی آشفته و تحریک آمیز رهبر جمهوری اسلامی آن شعار "مرگ" بر این و آن بود که افراد حزب پادگانی به شیوه مراسم صبحگاهی در پادگان‌ها، وقت و بی وقت سر می دادند. به همین دلیل باید به الله و اکبر گویان شبانه نیز توصیه کرد: از این "مرگ" خواهی دست برداشته و آن را تکرار نکنید!

ولایت سرکوب

از میان شهرهای ایران، تنها توانستیم با مشهد ارتباط برقرار کنیم، که در آنجا نیز- آن محله‌ای که ما با آن ارتباط تلفنی برقرار کردیم- بانگ الله و اکبر بلند از هر شب دیگری شنیده می‌شد.

خبرگزاری اسوشیتد پرس نیز شب گذشته در تهران گزارش داد: ساکنان تهران روی بام خانه‌های خود رفته و فریاد "الله اکبر" سر می‌دهند و بدین ترتیب رهبر ایران را به مصاف می‌طلبند. فریادهای "الله اکبر" و "مرگ بر دیکتاتور" در سراسر تهران یک مبارزه طلبی مستقیم علیه رهبر است که بر اساس قانون اساسی ایران قدرت اول کشور است. این فریادها بعد از آن شنیده می‌شود که آیت الله علی خامنه‌ای به مخالفان نتیجه انتخابات ریاست جمهوری این کشور هشدار داد اعتراضات خود را پایان دهند.

بصورت همزمان، دکتر مهدی خزعلی نیز که هنوز به محمد علی ابطحی در اوین نپیوسته، در بلاگ خود درباره بانگ بلند الله و اکبر دیشب نوشت:

امشب فریاد الله اکبر شهر را به لرزه درآورد، گل و اژه تکبیر آسمان تیره و تار ما را نور باران کرد، من نیز با همسر و فرزندان بلندترین تکبیر خود را تقدیم کردم تا حرامیان بدانند، ما بیداریم. (تکبیر ساعت 22 تا آزادی)

فریاد مرگ بر دیکتاتور، پاسخ ملت به دیکتاتور

آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که گروهی در تظاهرات امروز خیابانی در تهران کشته و عده ی بیشتری مجروح شده اند.

به گزارش مجموعه ی فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران، تداوم اعتراضات مردمی به نتایج دوره دهم ریاست جمهوری در ایران که با تهدید مسئولین کشوری و نیروهای نظامی به استفاده بیشتر از خشونت شکل جدیدی یافته است امشب در تهران و چند شهر دیگر ایران ادامه یافت.

بنابر گزارشات دریافتی سه شهروند (یک دختر و دو پسر) در شهر تهران با هویت نامشخص بر اثر تیراندازی و همچنین خشونت نیروهای شبه نظامی جان خود را از دست

ولایت سرکوب

داده اند، از سه فرد جانباخته پیکر یکی از آنان توسط نیروهای شبه نظامی به محل نامعلومی منتقل شده است.

همچنین گزارش شده است علاوه بر صدها بازداشت شده، دهها شهروند دیگر در ساعات گذشته توسط سلاحهای سرد شبه نظامیان و همچنین اصابت تیر به خصوص به نقاط پایین بدن زخمی شده اند. یکی از موانع گزارشگری گسترش این شائبه که نیروهای امنیتی در بیمارستان زخمی ها را بازداشت میکنند و عدم مراجعه بسیاری از شهروندان به مراجع درمانی است.

تعداد کشته شدگان به پنج نفر رسید

با تائید گزارش جان باختن دو شهروند دیگر تهرانی، شمار جان باختگان خشونت نیروهای نظامی در روز جاری به پنج تن افزایش یافت.

بنا بر گزارش های جدیدتر، یک شهروند (مرد - حدود 30 ساله) با هویت نامشخص، در تقاطع نواب - آذربایجان ساعت 20 به ضرب گلوله مستقیم به سر، و یکی دیگر از شهروندان معترض در تاریخ 30 خرداد (مرد - حدود 27 ساله) هویت نامشخص، اصابت تیر به ناحیه سینه در تقاطع خیابان آذربایجان حدود ساعت 21 شب جان خود را از دست داده و به این ترتیب تا به حال کشته شدن 5 نفر در تظاهرات امروز تهران تایید شده است. مطابق گزارش فوق نیروهای شبه نظامی پس از قتل این شهروندان پیکر آن ها را با خود به نقطه نامعلومی منتقل نموده اند.

همچنین گزارش شده است افزایش مصدومان و زخمیان حوادث اخیر به حدی زیاد است که حتی اتاق کمک های اولیه ایستگاههای مختلف مترو نیز مملو از مجروحان است. لازم به ذکر است درگیریها در ایران ادامه دارد و افزایش شمار کشته و زخمی شدگان محتمل است.

گزارش از تهران

صدای اله اکبر و مرگ بر دیکتاتور که الان دارد به گوشم می رسد از شدت دردم کم می کند. امروز واقعن رهیمایی وحشتناکی بود، اولش خوب بود من و چند نفر از دوستانم که در تحصن استادان دانشگاه تهران بودیم ساعت 3 از دانشگاه تهران راه افتادیم به سمت

ولایت سرکوب

میدان انقلاب. پیاده رو مملو از جمعیت بود و در خیابان هم نیروهای پلیس مدل های مختلف. کم کم که به سمت آزادی می رفتیم از پیاده رو بدون هیچ گونه شعاری. یکدسته پلیس مشکی پوش حمله کردند و مردم مقاومت کردند. 2 نفر را می خواستند دستگیر کنند که مردم نجاتشان دادند و پلیس ها را هول دادند و بعد ما به خیابان اصلی رفتیم تعداد زیادتر شد و ما شعار نیروی انتظامی حمایت حمایت سر دادیم که دستور حمله دادند و به ما حمله کردند من چون صف اول نبودم سری های اول باتوم و شلاق های چرمی که حتمن دیده اید می خوردند و ریختند زمین و من و بقیه که صف سوم بودیم ماندیم زیر دست و پا خیلی وحشتناک بود.

فقط یادم میاید مرا بلند کردند و فقط من لنگان لنگان می دویدم که باتوم نخورم و بعد از مدتی دیدم نمی توانم راه بروم و پایم به شدت درد می کند و ورم وجشتناکی کرده که نشستم کنار خیابان.

پلیس ها و مردم دورم جمع شدند و می گفتند حرکت کن و من نمی توانستم تا اینکه یکی مرا سوار آمبولانس کرد.

خوشبختانه دو نفر آشنا را دیدم که آمدند و مرا از آمبولانس پیاده کردند که این آمبولانس ها مورد اعتماد نیستند و معلوم نیست مجروحین را کجا می برند. یکی از دوستان ماشینی گرفت و مرا به اورژانس بیمارستان امام خمینی بردند.

وقتی وارد شدیم همانطور که من را روی برانکارد می گذاشتند یکی از پرستار ها آمد و گفت اگر مخارجش برات مهم نیست اسم و مشخصات را اشتباهی بگو والا می آیند دنبالت و دستگیرت می کنند.

قیامتی بود بیمارستان پر از مجروح و پر از مامور بود. یکی که چاقو خورده بود و حالش خیلی بد بود مامور اطلاعات ازش می پرسید کسانی که همراهت بودند را نام ببر.

بیرحم ها حال آدم را بهم می زدند از من سوال کردند دوستم گفت زمین خورده و پایش به جدول خورده و دست از سر ما برداشتند خلاصه از پای من عکس برداری کردند و مسئول رادیولوژی گفت استخوانش نشکسته و بافت های ماهیچه ای صدمه دیده در واقع

ولایت سرکوب

له شده و من و دوستم که نگاه کردیم دیدیم سالن پراز مامور است و برای دستگیری آمده اند.

با هزار بدبختی خودمان را به بیرون از بیمارستان رساندیم و مرا به خانه رساندند دست و پای چپ و صورتم صدمه خورده و ورم زیادی کرده یکی از دوستان اورتوپد قرار است آخر شب بیاید و عکس را ببیند و دستورات لازم را بدهد. خیلی مهم نیست ولی این بیرحمی ها و این شقاوت ها خیلی اذیت می کند.

زنده باد ویلچر ما. با ویلچر هم خواهیم آمد.

گزارش از تهران

من همین الان خودم را به اولین خانه ای که در مسیرم بود رسانده ام. الان ساعت نزدیک نه شب است و هنوز همه خیابان های تهران شلوغ است. گارد ضدشورش و بسیج همه شهر را پوشانده است. نمی دانید امروز نیروهای گارد با مردم چه کردند.

جمعیتی چند هزار نفره حرکت خود را از میدان انقلاب به سوی آزادی آغاز کردند. جلوی ما تا چشم کار می کرد جمعیت بود اما ناگهان گاردها از هر نقطه که می شد به میان جمعیت حمله کردند.

باتوم ها را بی رحمانه بر سر و روی زنان و دختران و مردان می زدند. در یک لحظه تعداد زیادی از زنان و مردان سر و رویشان پر از خون شد و همه چیز خیلی بی رحمانه بود. آنچنان حمله ای به مردم کردند که توصیفش برایم غیرممکن است.

هرکس که عکس موسوی را در دست داشت و یا پارچه سبز داشت بازداشت می شد. در این حمله های بی رحمانه حتی راه فرار مردم را هم به کوچه های فرعی می بستند. در یورش های که در مقابل دانشکده دامپزشکی به مردم شد صدها نفر از مردم را بر زمین انداختند و دقایقی بعد که مردم توانستند فرار کنند کف خیابان آزادی حد فاصل انقلاب تا نصرت پوشیده از کفش مردم بود که از پایشان خارج شده بود. مردم پا برهنه به این سو و آن سو می دویدند و در همین حالت همچنان باتوم های برقی به سویشان حواله می شد. صدها بار به سوی مردم گاز اشک آور شلیک کردند و اسپری فلفل توی صورت مردم می زدند.

ولایت سرکوب

من به همراه تعدادی از دوستانم رفته بودم که در حمله های وحشیانه خواهرم، دوستانم و همسرم را گم کرده ام.

الان باید هر جور شده سعی کنم خبری از شون بگیرم.
موبایل ها قطع است.

گزارش از اصفهان

اصفهان امروز عین پادگان بود تمام شهر را مامورها و گاردی ها گرفته بودند. من در عجب بودم این همه آدم اینا از کجا آوردند. قرار بود تجمع توی چهارباغ برگزار بشه اما وسط چهارباغ یه جمع شکل گرفت. ریختن مردم را زدند و اصلاً اجازه ندادند مردم در گروه های هر چند کوچک هم کنار هم جمع بشند. اما الآن هم خیابانها خیلی شلوغ و مردم با ماشینها خیابانها را بستند و بوق می زنند هم امشب عجیب توی محله ما تعداد الله اکبر گوها زیاد شده و افراد زیادی روی پشت بامها با چنان فریادی الله اکبر می گویند که صدا تا مسافت زیادی پخش میشه.

از شیراز هم من خبر دارم که مردم جمع شدند اما درگیری اونجا خیلی شدید بوده

سه شنبه، اعتصاب عمومی در کردستان!

سازمان حقوق بشر کردستان، کانون نویسندگان کردستان و همچنین فعالان دانشجویی دانشگاههای ایران همراه با شماری از فعالان سیاسی و مدنی کرد، مردم کردستان را دعوت کردند تا روز سه شنبه، در اعتصاب عمومی شرکت کنند و مغازه ها و بازار را در اعتراض به کشتار جوانان ایران، یکدست تعطیل کنند.

بیانیه سازمان حقوق بشر کردستان:

محکومیت سرکوب و کشتار شهروندان و حمایت از اعتراضات و مطالبات مردم ایران
آنگونه که طی روزهای اخیر شاهد بوده ایم در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات

ریاست جمهوری در ایران و انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور که بنا بر اظهار دیگر رقبای ایشان و نیز منابع آگاه و بی طرف، در نتیجهی تقلبات گسترده و سازماندهی شده صورت گرفته است موجی از اعتراضات مردمی سراسر کشور را فرا گرفته است.

این اعتراضات که بیش تر خود را در شکل تجمعات و تظاهرات های خیابانی در چند شهر بزرگ ایران و به طور گسترده، متداوم و متمرکز در تهران نشان داده است با تأکید بر روش های مدنی و استفاده از حق قانونی شهروندان در انجام راهپیمایی های خیابانی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آن اشاره شده است به صورتی کاملاً خودجوش و مسالمت آمیز از سوی شهروندان معترض صورت می پذیرد.

اما متأسفانه برخوردهای خشونت آمیز نیروهای انتظامی، گارد ضد شورش و به ویژه افراد موسوم به لباس شخصی با شرکت کنندگان در این گونه تجمعات خیابانی هیچ سنخیتی با ماهیت و نوع اعتراضات آنان که در دفاع از حق خویش و اکثراً بدون شعار و در سکوت برگزار می شود نداشته و هیچ توجیهی برای اعمال این همه خشونت و سرکوب به شکل ضرب و شتم مردم و حتی اقدام به تیراندازی به سوی آنان که تا کنون منجر به مجروح و کشته شدن شمار زیادی از هممیهنان بی گناه و بی دفاع شده است نمی توان یافت.

مگر آن که انجام این گونه اقدامات سرکوب گرانه و اعمال چنین برخوردهای خشونت آمیزی با شهروندان و نیز دانشجویان معترض را در کنار بازداشت های گسترده فعالان سیاسی منتقد طی هفتهی اخیر در ادامهی پروژه تقلب سازماندهی شده در انتخابات و یا به تعبیر برخی تحلیل گران سیاسی کودتای نرم علیه جمهوریت نظام و حرکت در مسیر دیکتاتوری و خفقان مطلق قلمداد نمود.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ضمن آن که دعوت به برگزاری و انجام تجمعات و راهپیمایی های مسالمت آمیز خیابانی را حق نامزدهای معترض و شهروندان ناراضی می داند و هر گونه برخورد خشونت آمیز از سوی نیروهای مسلح وابسته به حکومت در سرکوب آنان را محکوم می نماید از خواست ابطال این انتخابات و برگزاری یک انتخابات

ولایت سرکوب

آزاد و دموکراتیک تحت نظارت ناظران بی‌طرف و بین‌المللی که مورد تأیید و تأکید فعالان و نهادهای داخلی و بین‌المللی سیاسی و حقوق بشری نیز می‌باشد حمایت می‌کند. سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان همچنین با ابراز تأسف و تأثر شدید از جان باختن تعدادی از هم‌میهنان طی وقایع اخیر و نیز با ابراز نگرانی از وضعیت شهروندان عادی و فعالان سیاسی بازداشت شده توسط نهادهای انتظامی، امنیتی و قضایی خواهان آن است تا مقامات مسئول در جمهوری اسلامی ایران ضمن پایان بخشیدن به هر گونه سرکوب و رفتار خشونت‌آمیز با معترضان با آزادی بدون قید و شرط بازداشت‌شدگان، فراهم نمودن امکانات لازم جهت مداوای مجروحان و دل‌جویی از خانواده جان‌باختگان و پرداخت غرامت به آنان از گسترش بیش از پیش خشونت و درگیری در جامعه جلوگیری نموده و با گردن نهادن به خواست عمومی مبنی بر ابطال انتخابات اخیر و برگزاری مجدد آن تحت شرایط اعلام شده موجبات آرامش جامعه و رضایت خاطر شهروندان را فراهم آورد.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در پایان با اعلام این‌که مسئولیت هر گونه نقض حقوق بشر، ایجاد درگیری و خون‌ریزی را متوجه دستگاه حاکمه و نیروهای مسلح وابسته به آن می‌داند از شهروندان کُرد در ایران درخواست می‌کند تا آنان نیز به طرق مدنی و ممکن از قبیل مشارکت در اعتصاب عمومی روز سه‌شنبه در کردستان که از سوی گروه‌هایی از کنشگران کُرد اعلام شده همبستگی و حمایت خود را از هم‌میهنان‌شان در شهرهای مختلف ایران اعلام نموده و هم‌صدا با مردم ایران علیه نقض فاحش حقوق بشر، بازداشت‌ها، توقیف روزنامه‌ها، فیلترینگ سایت‌ها و کشتارهای اخیر که چند شهروند کُرد نیز از جمله قربانیان آن بوده‌اند اعتراض کنند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

بیانیه‌ی کانون نویسندگان کردستان

سرانجام انتخابات خرداد ماه همچون سایر انتخابات ایران، غیر دموکراتیک و در راستای خواست و اراده‌ی حاکمیت بود، انتخاباتی که با خون مردم رنگین شد. این انتخابات غیر دموکراتیک تنها دریچه‌ای بود که می‌توانست بخشی از خواسته‌های سرکوب‌شده‌ی مردم

ولایت سرکوب

از آن فوران و خودنمایی کند. شرکت مردم در واقع ایجاد موجی گسترده بود برای احقاق حقوق اجتماعی، انسانی و مدنی خود.

کانون نویسندگان کردستان ضمن محکوم کردن کودتای حاکمان و مصادره‌ی آرای مردم، همچنین درک بازی قدرت و رقابتهای جناحهای حاکم، کشتار مردم و سرکوب آنها و مصادره‌ی آراء آنها را محکوم نموده، همراه با فراخوان دانشجویان و سایر نهادهای مدنی کردستان، از مردم شریف کردستان می‌خواهد در روز سه‌شنبه همگام با سایر مردم کشور در یک اقدام متحد و یکپارچه، اعتراض خود را از راههای مدنی و مسالمت‌آمیز نسبت به موج سرکوب و وضعیت خونین فعلی ایران اعلام نمایند.

کانون نویسندگان کردستان در آینده‌ای نزدیک ورای تعقیب زمانی تحولات و شرایط موجود، تحلیلی دقیق از حوادث پیش روی را ارائه خواهد داد.

بیانیه فعالان سیاسی و مدنی کردستان و دانشجویان کرد در دانشگاههای ایران: به اعتصاب سراسری مردم کردستان به نشانه همبستگی با مردم ازادخوا ایران ملحق شوید

هموطنان مبارز!

نتیجه دهمین انتخابات ریاست جمهوری، به یغما بردن میلیونها رای شما از سوی حاکمان حکومتی تمام شد؛ نتیجه‌ای که نه خواست شما و نه خواست مردم کردستان بود. مردمی که به امید تغییر در سرنوشت سیاسی خود با توجه به ساختار غیردموکراتیک حکومتی در ایران باز هم به پای صندوقهای رای رفتند و یکصدا "نه" بزرگی به حاکمان خودخوانده دادند.

مردم کردستان در هفته‌های اخیر همگام با برپایی اعتراضات گسترده مردم ایران، همگام با فعالان سیاسی، احزاب و سازمانهای جامعه مدنی در کردستان با شما بودند و با شما خواهند بود و هم اینک به پاس گرامیداشت خونهای به ناحق ریخته شده جوانان این مرز و بوم از سوی دیکتاتورهای حکومتی، روز سه‌شنبه را تبدیل به اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان ایران خواهند کرد.

هموطنان ایرانی!

ولایت سرکوب

روز سه شنبه برابر با ۲ تیر، مردم کردستان در یک اعتصاب عمومی و سراسری به نشانه همبستگی با مبارزه ایرانیان شرکت خواهند نمود. از شما می‌خواهیم با ما باشید و در این جبهه نوین برای تحقق آزادیهای انسانیان ما را یاری نمایید.

از عموم مردم قهرمان کردستان که در هفته‌های اخیر هم نارضایتی چشمگیر خود را به اشکال دیموکراتیک نشان داده‌اند می‌خواهیم به نشانه اعتراض به سرکوبها در این روز در خانه‌های خود بمانند و مغازه‌ها و بازار یکپارچه تعطیل خواهند شد و از رفتن به سر کار و ادارات خوداری نمایند.

فعالان سیاسی و مدنی کردستان

دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران

کشته‌شدگان شنبه: دست‌کم ۱۹ نفر، تایید نشده ۱۵۰ نفر

شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان شنبه‌شب در گزارشی شمار کشته‌شدگان در نا آرامی‌های روز شنبه در تهران را که ادامه اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری بود، دست کم ۱۹ نفر اعلام کرد.

سی‌ان‌ان در گزارش خود اعلام کرد که آمار ۱۹ نفر کشته در جریان ناآرامی روز شنبه را از منابع بیمارستانی به دست آورده، اما در عین حال اعلام کرد که آمار تایید نشده حاکی از آن است که ۱۵۰ نفر در جریان اعتراضات جان باخته‌اند.

از آنجا که جمهوری اسلامی تمام خبرگزاری‌های خارجی مستقر در ایران را از انتشار اخبار نا آرامی‌های اخیر منع کرده است، تاکنون هیچ خبرگزاری مستقل نتوانسته است رسماً این آمار را تایید یا رد کند.

ولایت سرکوب

به گزارش سی‌ان‌ان، روز شنبه هزاران نفر در تهران برای شرکت در راه پیمایی اعتراضی که از سوی میرحسین موسوی اعلام شده بود به سوی میدان انقلاب روانه شدند، اما پیش از ورود به میدان با سد نیروهای امنیتی و انتظامی روبه‌رو شدند.

این شبکه تلویزیونی به نقل از شاهدان عینی می‌گوید پلیس ایران برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از گاز اشک‌آور، باتوم، و جریان قوی آب استفاده کرده و سپس به «شلیک مستقیم» متوسل شده است.

خبرگزاری‌های ایرانی و تلویزیون دولتی ایران نیز تاکنون آمار دقیقی را از تلفات و مجروحین اعتراض روز شنبه گذشته ارائه نکرده‌اند، و تنها خبرگزاری رویترز به نقل از تلویزیون پرس‌تی‌وی وابسته به تلویزیون دولتی ایران می‌گوید روز شنبه ۱۰ نفر در ناآرامی‌ها جان باخته‌اند.

پرس‌تی‌وی روز یکشنبه گفت که روز گذشته در تهران ۱۰ نفر در جریان برخورد میان پلیس و نیروهای امنیتی و «گروه‌های تروریستی» کشته و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شده‌اند.

این در حالی است که محمود احمدی‌نژاد در اولین نشست خبری خود با خبرنگاران خارجی و داخلی پس از اعلام نتایج انتخابات ایران را «باثبات‌ترین کشور دنیا» توصیف کرد. همچنین بر اساس فیلم‌ها و عکس‌هایی که تاکنون از ناآرامی روز شنبه در شبکه جهانی اینترنت قرار گرفته است، غالب افراد درگیر در این ناآرامی‌ها و اعتراضات مردم کوچه و خیابان هستند.

تلویزیون دولتی ایران نیز پیشتر اعلام کرده بود که وزارت اطلاعات دولت نهم چند عضو سازمان مجاهدین خلق ایران را به اتهام «فعالیت‌های تروریستی» از جمله آتش زدن اتوبوس‌ها و تخریب اموال عمومی دستگیر کرده است.

تظاهرات در اعتراض به نتایج انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران که وزارت کشور دولت نهم محمود احمدی‌نژاد را پیروز آن اعلام کرده است روز شنبه علاوه بر تهران در شهرهایی چون اصفهان و شیراز و رشت نیز ادامه یافت.

ولایت سرکوب

این تظاهرات یک روز پس از آن انجام شد که آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی در طول خطبه‌های نماز جمعه دست کم سه بار صریحا هشدار داد که در صورت ادامه اعتراضات مسئولیت هرگونه خون‌ریزی به عهده افراد و «فرماندهان» پشت صحنه این ماجرا خواهد بود.

میرحسین موسوی روز شنبه در بیانیه‌ای خطاب به هواداران خود ضمن آن که بار دیگر خواستار ابطال نتایج انتخابات شد. برخی از خبرگزاری‌های بین‌المللی گزارش دادند که طبق گفته شاهدان عینی، وی در سخنانی در میان هوادارانش اعلام کرد که خود را برای شهادت آماده کرده و از مردم خواست که در صورت دستگیری‌اش دست به «اعتصاب سراسری» بزنند. تاکنون منابع داخل ایران چنین سخنانی را تایید نکرده‌اند.

تجمع خانواده‌های دستگیر شدگان در مقابل اداره پیگیری وزارت اطلاعات



ولایت سرکوب

بنابه گزارشات رسیده از تهران ، خانواده های دستگیر شدگان روز 30 خرداد در مقابل اداره پیگیری وزارت اطلاعات تجمع کردند .

از صبح امروز خانواده های دستگیر شدگان در مقابل اداره پیگیری وزارت اطلاعات تجمع کردند. تعداد خانواده های دستگیر شدگان که در مقابل اداره پیگیری تجمع کرده اند به بیش از 200 نفر می باشد. آنها برای روشن شدن وضعیت عزیزانشان در مقابل این اداره تجمع کرده اند.

خانواده ها که از صبح زود تا ساعت 12:00 در مقابل این اداره تجمع کرده بودند حوالی ساعت 12:00 به عده ای از آنها گفته شد که به زندان اوین و به عده ای دیگر گفته شد به دادگاه انقلاب مراجعه کنند.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان یورش خونین 30 خرداد به قرار زیر می باشد:

1-شاهین عسگری 19 ساله دستگیری در توحید

2-پیمان کهندانی 22 ساله دستگیری در آزادی

3-محمد بیات 29 ساله دستگیری در آزادی

4-محمد مهدی یداللهی 31 ساله دستگیری در جمهوری

5-ابراهیم بهروزنیا 29 ساله دستگیری در رودکی

6-برزو پرورش 26 ساله دستگیری در آزادی

گفته می شود تعداد دستگیر شدگان بسیار زیاد می باشد و هنوز آمار مشخصی از آنها وجود ندارد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ضمن محکوم کردن یورش و به خاک و خون کشیدن مردم و دستگیری تعداد زیادی از مردم بی دفاع خواستار دخالت مراجع بین المللی برای پایان دادن به جنایت علیه مردم ایران است.

اسامی تعدادی از جانباختگان راه آزادی

گزارشات رسیده از تهران، یورش وحشیانه سپاه پاسداران و یگانه ویژه و لباس شخصی به مردم بی دفاع و خاک و خون کشیدن مردم که منجر به جان باختن تعدادی زیادی از آنها شده است.

یورش وحشیانه و مغول وار به مردم بی دفاع تهران که با شلیک مستقیم گلوله توسط سپاه پاسداران بدستور ولی فقیه علی خامنه ای صورت گرفته تا به حال منجر به جان باختن تعدادی زیادی مردم شده است. اجساد جان باختگان راه آزادی به نقاط نامعلومی منتقل شدند و در دست مامورین وزارت اطلاعات می باشند.

اسامی تعدادی از جانباختگان راه آزادی مردم ایران به قرار زیر می باشد:

1- مریم مهر آذین 24 ساله

2- میلاد یزدان پناه 30 ساله

3- حامد بشارتی 26 ساله

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

4- بابک سپهر 35 ساله

گفته می شود که جان باختگان فوق در خیابان آزادی با شلیک گلوله جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کردند.

خانواده های جان باختگان صبح امروز در مقابل پزشکی قانونی تجمع کردند. صحنه های دردناک زجه مادران داغ دیده که همه را نسبت به این جنایات برافروخته بود باعث وحشت افراد آنجا شده بود.

خانواده ها تا ساعت ها در مقابل پزشکی قانونی بودند و خواستار تحویل گرفتن پیکر عزیزان خود بودند کسی جوابگوی آنها نبود.

به مادران و پدران سوگوار گفته می شد که پیکر آنها اینجا نیست و باید به اداره پیگیری وزارت اطلاعات مراجعه کنند. وقتی که به ستاد پیگیری مراجعه کردند کسی جوابگوی آنها نیست.

مامورین وزارت اطلاعات خانواده های جان باختگان راه آزادی را به شیوه های مختلف تهدید می کنند که از افشای نام عزیزانشان خوداری کنند و در غیر اینصورت پیکر آنها را تحویل نخواهند داد.

آنها همچنین تهدید به دستگیری خانواده داغدیده می کنند. و بطور مضاعف روی این خانواده فشار وارد می کنند تا آثار جنایت خود را پنهان کنند.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران، سرکوب خونین مردم ایران را به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم می کند. و از دبیر کل سازمان ملل و سایر مراجع بین المللی خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به کشتار مردم ایران است

اسامی تعدادی از زخمی شدگان سرکوب خونین مردم تهران

بنابه گزارشات رسیده از بیمارستانهای مختلف تهران، در اثر یورشها وحشیانه سپاه پاسداران یگانه ویژه لباس شخصی ها تعداد زیادی مردم تهران جانباختند و صدها زخمی به بیمارستانهای مختلف تهران منتقل شدند.

اعتراضات گسترده مردم تهران که در مناطق مختلف شروع شده بود با سرکوب خونین سپاه پاسداران و یگان ویژه و لباس شخصیها مواجه شد. سپاه پاسداران مردم را هدف شلیک مسقیم گلوله خود قرار داد. افرادی که جان باختند و یا زخمی شدند اکثرا از ناحیه شکم به بالا هدف گلوله ها و سایر ابزار خود قرار دادند این سرکوب خونین منجر به جان باختن حداقل 30 نفر شده است این آمار از چند بیمارستان گرفته شده است.

تعداد زخمیها به حدی زیاد بود که اورژانس تهران برای انتقال آنها به بیمارستانها ناچار به استفاده از اتوبوسهای شهری شده است. تنها در بیمارستان 1000 تختخوابی(خمینی) بیش از 85 زخمی که مورد اثابت گلوله و چاقو قرار گرفته اند بستری شده اند. وضعیت

ولایت سرکوب

جسمی 15 نفر از آنها بسیار وخیم می باشد . افراد زخمی شده از ناحیه سر، صورت، سینه و کمر زخمی شده اند.

تعدادی از زخمی شدگانی که به بیمارستان 1000 تختخوابی (خمینی) منتقل شدند کسانی هستند که در محدودی میدان انقلاب، پارک اوستا، جمهوری می باشند.

از طرفی دیگر حراست دانشگاه تهران به محض ورود به بیمارستان از آنها عکس برداری میکنند و برای آنها پرونده تشکیل می دهند.

اسامی تعدادی از زخمی شدگان خونین روز گذشته مردم تهران که بدست ما رسیده است به قرار زیر می باشد:

1- سعید طباطبائی 22 ساله ،گلوله به ناحیه فك اصابت کرده و در نزدیکی دانشگاه تهران آسیب دیده

2-مصطفی کاظمی 30 ساله، اصابت گلوله به ناحیه پا در محدوده ایستگاه شادمان آسیب دیده

3-علی جهانگیری 32 ساله، خرد شدن دندانها به علت اصابت باتوم به صورت

4-مرتضی شریفی 28 ساله ،اصابت گلوله به شکم در پارک اوستا مورد اصابت گلوله قرار گرفته

5-محمد رضا پور محمد 37 ساله، اصابت گلوله به کتف بین میدان انقلاب و آزادی زخمی شده

6-یوسف عبدی 21 ساله ،اصابت گلوله به گردن در خیابان رودکی زخمی شده

7-امیر علی بهرامی 16 ساله، اصابت گلوله به شانه درخیابان نواب زخمی شده

8-سمیه سعادتی 30 ساله، اصابت گلوله به دست چپ در نزدیکی بیمارستان امام زخمی شده

9-حسین زینلی 47 ساله ،اصابت گلوله به پا سر دانشگاه شریف زخمی شده

10-ایدا سحری زاده 26 ساله، اصابت گلوله به بازوی چپ در خیابان کاوه زخمی شده

11-ثریا محسنی 42 ساله، شکستگی سر به علت اصابت باتوم در خیابان انقلاب زخمی شده

ولایت سرکوب

12- سعید پور قاضی 25 ساله شکستگی سر به علت اصابت باتوم در خیابان توحید زخمی شده



13- اسماعیل دری 37 ساله اصابت گلوله به پهلو راست در خیابان خوش زخمی شده

14- صدیقه کشفی 40 ساله اصابت گلوله به پا در خیابان اسکندری زخمی شده

15- قاسم زمانی فر 33 ساله شکستگی دست در خیابان اسکندری مجروح شده

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

- 16- علی رضا شعبانی 35 ساله اصابت گلوله به قفسه سینه در خیابان زارع زخمی شده
- 17- الهه یمینی 27 ساله اصابت گلوله به شکم در خیابان کاوه زخمی شده
- 18- هما جوادی 46 ساله در رفتگی فك به علت اصابت باتوم در کارگر شمالی
- 19- خسرو خاوری 52 ساله اصابت گلوله به دست در ایستگاه قریب زخمی شده
- 20- ندا معصومی 31 ساله اصابت باتوم به صورت و شکستگی بینی در خیابان جمهوری زخمی شده
- 21- علی کهنه پوش 24 ساله اصابت گلوله به صورت در خیابان جمالی نرسیده به میدان ازادی زخمی شده
- 22- نریمان داوودی 26 ساله اصابت گلوله به دست در خیابان آزادی زخمی شده
- 23- ابولفضل جعفری 28 ساله اصابت باتوم به سر و شکستگی سر در خیابان انقلاب زخمی شده
- 24- علی اکبر همتی 34 ساله اصابت گلوله به پهلو در خیابان قریب پیکر جانباختگان به بیمارستان بقیه الله سپاه پاسداران منتقل شده اند.
- بعد از تهدید ضمنی ولی فقیه رژیم علی خامنه ای به سرکوب خونین مردم در نماز جماعت تهران که منجر به واکنشهای گسترده بین المللی گردید.
- روز گذشته علی خامنه ای به تهدیدات خود جامه عمل پوشاند و مردم تهران و سایر شهرستانها را به خاک و خون کشاند.
- این جنایتهای توسط سپاه پاسداران صورت گرفته است که تحت امر ولی فقیه علی خامنه ای است. او به عنوان یک جنایتکار باید مورد پیگرد بین المللی قرار گیرد تا جنایت علیه مردم ایران پایان یابد.
- فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران، سرکوب خونین مردم ایران که به دستور علی خامنه ای صورت گرفت بعنوان جنایت علیه بشریت محکوم می کند. و از دبیر کل سازمان ملل و مراجع بین المللی برای متوقف کردن سرکوب های خونین علیه مردم بی دفاع استمداد می طلبد.

جزئیاتی از چگونگی کشته شدن و تدفین ندا آقا سلطان,
دانشجوی فلسفه



ولایت سرکوب

ندا آقا سلطان ۲۷ ساله، دانشجوی فلسفه که در جریان اعتراضات مردمی شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ (۲۰ ژوئن ۲۰۰۹) در امیر آباد تهران، به ضرب گلوله نیروهای شبه نظامی (بسیج) کشته شد.

انتشار فیلم کوتاهی از لحظات جان دادن وی بازتاب‌های فراوانی در رسانه‌های جهان به دنبال داشت.

وی در روز ۳۰ خرداد به همراه استاد دانشگاهش (رشته فلسفه) و چند تن از هم کلاسی‌هایش در تظاهرات شرکت داشته است.

وی برای دقایقی در حالی که با موبایل صحبت می‌کرده از جمع تظاهر کننده عقب می‌افتد که در این هنگام، یکی از ۲ لباس شخصی موتور سوار، قلب ندا را با کلت کمربندی هدف قرار می‌دهد.

وی در دستان استادش جان می‌سپارد.

ظهر روز یکشنبه ۳۱ خرداد (روز بعد از شهادت) پیکر ندا به شرط خاکسپاری سریع و محرمانه در بهشت زهرا به خانواده‌اش تحویل شده است.

خاکسپاری وی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و با سرعت بسیار انجام شده است.

مراسم یادبود ندا قرار بوده است در اول تیرماه ساعت ۵ تا ۶.۳۰ در مسجد نیلوفر {واقع در تهران، خیابان مهناز، خیابان آپادانا (خیابان خرمشهر)} برگزار شود که با تماسی از طرف مسجد این مراسم لغو شده است. همچنین به تمام مساجد تهران دستور داده شده است که اجازه برگزاری مراسم ندا آقا سلطان را ندارند.

تصویر شماری از مزدوران خارجی (حماس و حزب الله)





بازداشت 16 فرمانده سپاه به جرم حمایت از موسوی

این خبر از دو منبع خبری، از داخل کشور در اختیار پیک نت قرار گرفته است، که بدلیل اهمیت چنین واقعه ای در سرنوشت جنبش اعتراضی و ضد کودتائی کنونی انتشار آن را وظیفه خود می دانیم.

منبع اول: طبق گزارشی که از حلقه درونی نظام به بیرون درز کرده است، صبح امروز شانزده نفر از افسران ارشد سپاه پاسداران بازداشت شده اند. این افسران با تماس با تعدادی از افسران ارتش، از ضرورت پیوستن به مردم سخن گفته اند.

این افسران امروز (5 شنبه) به نقطه ی نامعلومی در شرق تهران انتقال داده شدند. منبع دوم: 16 فرمانده سپاه به دلیل حمایت از موسوی بازداشت شده اند.

بازداشت یک فعال دانشجویی

فعالان حقوق بشر در ایران

یک فعال دانشجویی در تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

بنابر گزارشات دریاقتی، مجتبی محمدیان دانشجوی رشته مدیریت مالی دانشکده نور طوبی تهران روز جاری پس از چند جلسه اعتراض به مسئولین دانشگاه در خصوص رفتار ناشایست با دانشجویان در ارتباط با اعتراضات اخیر، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

لازم به ذکر است آقای محمدیان از دانشجویان فعال دانشگاه آزاد واحد بابل بوده که در سال 82-83 از تحصیل در این دانشگاه محروم شد.

رهبر انقلاب همچنان بر مواضع خود پای می فشارد



انتقال دو تن از مجروحین به زندان اوین

دو شهروند معترض که در خشونت های اخیر زخمی شده بودند به زندان اوین منتقل شدند.

بنابر گزارشات دریافتی، کورش شهبازی و کریم باقرپور یزدی دو شهروند تهرانی که طی درگیریهای اخیر این شهر در هفته جاری زخمی شده بودند. روز گذشته از بیمارستان بقیع متعلق به سپاه پاسداران به زندان اوین منتقل شدند. لازم به ذکر است به دلیل عدم اجازه تماس و ملاقات به این افراد از وضعیت جسمی حال حاضر آنان اطلاعی در دست نیست.

نام یک جانباز آزادی و اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر

بنابه گزارشات رسیده یورشهای وحشیانه یگانه ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها به مردم بی دفاع تهران تا به حال جانبازگان، زخمیها و دستگیریهای زیادی را بر جا گذاشته است.

نیروهای سرکوبگر با وحشی گری تمام و به قصد قتل تظاهر کنندگان آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند.

نیروهای یگان ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها با سلاحهای گرم مردم بی دفاع را از کمر به بالا هدف قرار میدهند و بدین دلیل آمار جان باختگان بالا است. آنها همچنین اکثرا با باتوم به سر و صورت تظاهر کنندگان ضربه می زنند که در مواردی منجر به مرگ آنها شده است و یا اینکه زخمهای شدید بر جای گذاشته است.

ولایت سرکوب

آنها برای ایجاد رعب و وحشت با وحشیانه ترین شیوه تظاهر کنندگان را آماج باتومهای خود قرار می دهند.

زنده یاد آقای معزز 27 ساله یکی از جانبختگانی است که در اعتراضات گسترده و خونین مردم تهران در 30 خرداد ماه شرکت کرده بود. او حوالی میدان آزادی با اصابت گلوله به چشمش جان خود را فدای راه آزادی مردم ایران کرد. نیروی انتظامی برای پوشاندن جنایات این رژیم هرگونه عکس و اعلامیه ای که از شهدا نصب می شود از بین می برند. این سرکوب خونین یک روز پس از صدور فرمان ولی فقیه علی خامنه ای برای به خاک و خون کشاندن مردم روی داد. سپاه پاسداران، یگان ویژه، بسیج و لباس شخصیها که تحت امر علی خامنه ای هستند با گشودن آتش بر روی مردم بی دفاع، آنها را به خاک و خون کشاندن.

در این روز خونین تعداد زیادی از مردم مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و سنگفرشهای خیابان آزادی و سایر خیابانها را رنگین کرد.

نیروهای سرکوبگر برای پاک کردن آثار جنایت خود تا صبح آنروز مشغول شستن خیابانها که آغشته به خون آزادیخواهان بود، بودند.

همچنین در روزهای گذشته تعداد زیادی از جوانان دختر و پسر را دستگیر و به زندانهای مختلف منتقل کردند.

اسامی تعدادی از دستگیر شدگان روزهای اخیر به فرا زیر می باشد:

1- حسین حسینی 24 ساله یکشنبه 24 خرداد در خیابان فاطمی دستگیر و به اوین منتقل شده

2- رضا رحیمی 32 ساله دوشنبه 25 خرداد در کارگر جنوبی دستگیر و به اوین منتقل شده

3- رحیم مددی 29 ساله سه شنبه 26 خرداد در آزادی دستگیر و به اوین منتقل شده

4- محمد مهدی اماني 24 ساله چهارشنبه 27 خرداد در هفت تیر دستگیر و به اوین منتقل شده

5- آرمان جدایی 20 ساله پنجشنبه 28 خرداد در توپخانه دستگیر و به اوین منتقل شده

ولایت سرکوب

6- حمید ستوده 22 ساله پنجشنبه 28 خرداد در توپخانه دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

7- جواد جابری 26 ساله پنجشنبه 28 خرداد در حوالی 15 خرداد دستگیر و به قزل حصار منتقل شده

8- میلاد صوری 22 ساله شنبه 30 خرداد در نواب دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

9- علی اکبر صمدی 26 ساله شنبه 30 خرداد در میدان جمهوری دستگیر و به قزل حصار منتقل شده

10- ناصر امیری 23 ساله شنبه 30 خرداد در انقلاب دستگیر و به اوین منتقل شده

11- متین اسدیان 19 ساله شنبه 30 خرداد در امیر آباد شمالی دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

12- مهران خوشرو 18 ساله یکشنبه 31 خرداد در خیابان هاشمی دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص

13- شهاب مقدس 20 ساله دوشنبه 1 تیر در توحید دستگیر مکان نگهداری وی نامشخص وزارت اطلاعات از شیوه رذیلانه و لو رفته که از سالها پیش بکار می برد و تمامی جهانیان از آن آگاه هستند روی آورده است و از این طریق سعی دارد سرکوب خونین مردم ایران را توجیه کند.

بعضی از جوانان دستگیر شده را وادار به مصاحبه های تلویزیونی می کند. و از آنها می خواهد که به گفته های دیکته شده که توسط بازجویان وزارت اطلاعات تعیین می شود اعتراف کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران ، یورش وحشیانه به تظاهرات مردم و به قتل رساندن و مجروح کردن و دستگیری تعداد زیادی از آنها و همچنین وادار کردن آنها به اعترافات تلویزیونی را محکوم می کند.

و از دبیر کل سازمان ملل و سایر مراجع بین المللی خواستار ارجاع پرونده نقض حقوق بشر این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل است.



دکتر حجازي, فردي که زمان مرگ ندا, در آنجا بود: يك بسيجي ندا را به قتل رساند

در مصاحبه پزشکی که در محل شهادت ندا حضور داشته است (دکتر آرش حجازي) با بي بي سي افشا شد که فردي بسيجي عامل قتل ندا بوده است. به گفته وي مردم بسيجي قاتل را نیز دستگیر کردند.

رسانه هاي حكومتي در روزهاي اخير به بهانه آنکه اسلحه مورد استفاده سلاح سازماني بسيج نبوده و بهانه هاي ديگر سعي در منحرف کردن افکار عمومي داشتند. مقامات انتظامي نیز شهادت وي را به تروريست ها نسبت دادند.

اما دکتر حجازي که به تازگی توانسته است از ايران خارج شود شرح کاملی از ماجرا ارایه کرده.

به گفته وي مردم بسيجي قاتل را بلافاصله گرفتند فرد بسيجي که این کار را کرده بود فریاد مي کشیده :

من نمیخواستم بکشمش اما چون نمی دانستند با او چه کنند کارت بسیجش را نگه داشته و خودش را رها کردند.

مردم از چهره وی نیز با موبایل تصویر برداری کردند.

وی افزوده است که در روزهای بعد که مردم در محل شهادت او گل گذاشته بودند ، مقامات در آنجا زباله تخلیه کرده اند.

لازم به ذکر است که دکتر آرش حجازی مترجم آثار پائولو کوئلیو نویسنده مشهور برزیلی است.

دکتر آرش حجازی , مترجم معروف آثار پائولو کوئلیو

او در ۲۸ بهمن ۱۳۴۹ به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۵ از دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران فارغ التحصیل شد. موضوع تز دکترای او، «تأثیر قصه گویی در درمان اختلالات اضطرابی کودکان» بود.

او در سال ۱۳۷۳، رمان اندوه ماه [۱] را نوشت که با سرمایه شخصی و در تیراژ کم منتشر شد.

سه سال بعد، در سال ۱۳۷۶، او انتشارات کاروان را تأسیس کرد و دو سال بعد، پائولو کوئلیو، نویسنده مشهور برزیلی و خالق کیمیاگر، او را مترجم رسمی آثارش به زبان فارسی معرفی کرد. [۲]

در سال ۱۳۸۰، او سردبیری ماهنامه فرهنگی هنری «کامیاب» را بر عهده گرفت که پس از پنج شماره انتشار، متوقف شد.

پس از «کامیاب» حجازی ماهنامه جشن کتاب را منتشر کرد که بیست شماره منتشر شد و پس از آن قالب آن تغییر کرد.

او در سال ۱۳۸۳، ده سال پس از «اندوه ماه» رمان «شاهدخت سرزمین ابدیت» را منتشر کرد.

شاهدخت سرزمین ابدیت در سال ۱۳۸۴ در فهرست نهایی نامزدهای جایزه «واو» و «منتقدان مطبوعات» قرار گرفت.

مجتبی خامنه ای این آقا زاده شاپور علیرضاست!

با کودتائی که او نقش کلیدی را در آن داشته، پایه های کرسی ولایت پدرش چنان سست شد که ممکن است سران نظام برای حفظ جمهوری اسلامی چاره‌ای جز آن نیابند که ولایت پدرش را شورائی کنند و فرماندهان سپاه را تحت کنترل بگیرند.

مجتبی خامنه ای کیست؟

چرا دولت انگلیس یک میلیارد و ششصد میلیون پوند حساب بانکی مجتبی خامنه ای در لندن را مسدود کرد؟

تهیه و تنظیم از حمید حمیدی

منبع: سکولاریزم نو

مجتبی خامنه ای، پسر سید علی خامنه ای، را می توان تئوریسین اصلی کودتای 23 خرداد نامید. همچنین او داماد غلامعلی حداد عادل رییس سابق مجلس شورای اسلامی است. او که روابط نزدیکی با سران سپاه دارد قصد دارد با کمک آنها خود را خلیفه ایران کند و جمهوری اسلامی را به حکومت اسلامی تبدیل کند. وی، با اجرای کودتای 23 خرداد و حذف اصلاح طلبان و شخص هاشمی رفسنجانی، و با تحت فشار قرار دادن

ولایت سرکوب

مجلس خبرگان رهبری، می خواهد بر دستگاه خلافت بنشیند و حکومت اسلامی تشکیل دهد.

او شخصی بسیار تندرو و دارای اندیشه های افراطی همچون طالبان است. او از شاگردان مصباح یزدی بوده است. ردپای او در بسیاری از پروژه های نفت دیده می شود. خبرهای مربوط به بیت رهبری گویای این نکته است که رهبری نظام تمام امیدش برای رهبری آینده را به پسرش مجتبی بسته است.

مجتبی که چهل ساله است مافیای ایثارگران و انصار را اداره می کند. مجتبی حکم اجتهاد نیز گرفته و در منابع اجتهادی و فقهاتی قم نفوذ زیادی دارد و از طرفی هم با حاج آقا خرازی قم، که رهبر معنوی و تشکیلاتی بسیاری از جریان های انصار است، روابط نزدیک دارد. بسیاری معتقدند که او به عنوان مهره وصل بیت و حزب الله عمل می کند و ردپایش در بسیاری از پروژه های حزب الله دیده می شود.

گفته می شود که رهبری نظام به او امید فراوان بسته است که تا ده سال دیگر که او پنجاه ساله می شود و موقعیت فقهی بالائی پیدا می کند جانشینی جوان و مقتدری برای خامنه ای باشد. به زودی اطلاعات بیشتری در مورد مجتبی و روابطش با حزب الله تهران و قم در پشت پرده منعکس می شود.

برای نخستین بار مهدی کروی در جریان انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری به نقش مجتبی خامنه ای و سپاه در تقلب برای پیروزی احمدی نژاد اشاره کرد. گزارش روزنامه گاردین را بخوانیم:

«مجتبی خامنه ای را بیشتر بشناسیم! او کلید دار و دروازه بان بیت رهبری و مرد پشت پرده ی تمام ماجراهای اخیر (و 4 سال پیش) است.

به گفته دیپلمات ها، این اوست که دستور می دهد تا تظاهرات سرکوب شود و نیروها به مردم بی دفاع حمله کنند.

مجتبی خامنه ای احمدی نژاد را می چرخاند و باعث و بانی انتخاب او هم در چهار سال پیش هم او بود. (این موضوع را آقای مهدی کروی در آن زمان افشا کرد). گفته می شود

ولایت سرکوب

مجتبی بیشتر از پدرش بنیادگراست. برخی در ایران بر این باورند که آیت الله علی خامنه ای، مجتبی را برای جانشینی خود آماده می کند.



البته این برعهده مجلس خبرگان است که رهبر یا شورای رهبری انتخاب کند، اما آیت الله خمینی در زمان حیاتش خود علی خامنه ای را بدون مجلس خبرگان به «رهبری» نصب کرد. اما جای پرسش بسیار است که خامنه ای نیز بتواند با دور زدن مجلس خبرگان رهبر انتصاب کند. (به ویژه حالا که مردم او را مسئول قتل های چند روز اخیر می دانند و با

پشتیبانی صریح از احمدی نژاد بخشی از باند احمدی نژاد و شرکا گردید و این بیطرف بودن مقام رهبری را عملاً از بین برد).

امروز شعارهای دولتی پیرامون علی خامنه ای اغلب شعار "علی، علی، علی ما ست!" می باشد تا این علی را با حضرت علی پیوند بزنند. و می دانیم که حضرت علی پسرش امام حسن را به جانشینی خود انتخاب کرد! یکی از اساتید دانشگاه سنت آندرو، دکتر علی انصاری، می گوید این روزها همه جا صحبت از "مجتبی خامنه ای" است و جانشینی او. همین استاد اضافه می کند که او خود را دراز مدت برای چنین مقامی آماده می کند». (مقاله گاردین اینجا ختم می شود).

اما مسائل دیگری هم در میان است که نام مجتبی را بیشتر سر زبانها انداخته است. او را مرد یک میلیارد و ششصد میلیون دلاری می نامند. چون چند هفته پیش دولت انگلیس ناگهان اعلام کرد که سپرده یک حساب بانکی به مبلغ 976.110.00 پوند انگلیس را مسدود کرده است.

این کار ظاهراً به درخواست اتحادیه اروپا انجام گرفت اما در نهان گفته می شود چون این مبلغ به شخص مجتبی خامنه ای تعلق داشت و حساب صد امام و صندوق بیت امام و دیگر پول های دریافتی بیت به این حساب واریز می شده و اغلب خریدهای وسائل سرکوب، از جمله یونیفرم های فضائی - هالیوودی. پلیس و باتون و سلاح های دیگر و موتور سیکلت لباس شخصی ها و بسیجی ها و غیره، همه از این حساب برداشت می شده، دولت انگلیس برای همین این حساب را مسدود کرده است. گفته می شود خشم شدید و بی سابقه آیت الله خامنه ای هم از انگلیس در نماز جمعه برای همین بوده است.

در واقع، در میان خبرهای داغ این روزها خبر مسدود شدن یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از دارایی های ایران در بریتانیا تا حدی توجه زیادی را برنیا نگیخت.

اما آن چه در زیر می خوانید پشت پرده این خبر و علت اصلی عصبانیت خامنه ای از دولت انگلیس و احضار سفیر ایران به وزارت خارجه دولت بریتانیا می باشد. حساب بانکی به نام مجتبی خامنه ای پسر رهبر انقلاب، در یکی از بانک های لندن به مبلغ یک میلیارد و ششصد میلیون دلار وجود داشت که با پیگیری های تعدادی از ایرانیان و فشار

ولایت سرکوب

اتحادیه اروپا به دولت انگلیس مبنی بر اینکه این پول متعلق به مردم ایران است و باید توقیف شود از یک ماه پیش شروع شد.

دولت انگلیس بخاطر روابط اقتصادی با خانواده خامنه ای تمایل به توقیف این پول را نداشت که عده ای موفق شدند با اقدام های قانونی کار را روز ۲۳ خرداد به اتمام برسانند. این پول هم اکنون به نام ملت ایران بلوکه شده است.

با آنکه دولت انگلیس از مدت ها پیش اطلاع داشت که این حساب بانکی متعلق به کیست اما بهانه ای قانونی برای کنترل آن نداشت، که با فاش شدن نقش مجتبی خامنه ای در کودتای انتخاباتی اخیر، این مجوز پیدا شد.

در ضمن تعداد زیادی از وابستگان به بیت رهبری یا اشخاص حقیقی نزدیک به آقای خامنه ای میلیاردها دلار به اسامی مختلف در بانکهای کشورهای اروپایی حساب دارند... از جمله می توان در بانکی در آلمان مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار به نام مجتبی تهرانی و یا ۷۴۰ میلیون دلار به نام فردی به اسم شوجوی و غیره اشاره کرد... گفتنی ست تلاش ها برای توقیف کل این پول ها که بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار می باشد و توسط فروش نفت و دریافت حق کمیسیون به دست آمده است ادامه دارد و در حال پیگیری است...

عکس یکی از فرماندهان جنایتکار بسیج



عکس متعلق به یکی از فرماندهان بسیج بنام "دکتر رضایی" است که فرماندهی بسیجیان گروه ذوالفقار را بر عهده دارد. این مزدور جنایتکار شخصا در درگیریهای شنبه گذشته تهران حضور داشته است.

درخواست صدور حکم بازداشت بین المللی برای خامنه ای

<http://www.petitiononline.com/akcriems/petition.html>

از آنجا که بر اساس قانون اساسی رژیم اسلامی حاکم بر ایران، علی خامنه ای رهبر این رژیم به عنوان "ولایت مطلقه فقیه" اختیارات نامحدود دارد و احکام او لازم الاجراست، هیچ نیرویی توان مقابله با خواست او را در این کشور ندارد.

بر این پایه، علی خامنه ای به عنوان یک رهبر خودکامه، بی اعتنا به جان و مال و ناموس مردم ایران، دیوانه وار بر این کشور فرمان می راند و به یاری ایادی سرکوبگر خود روز به روز بر شمار شکنجه دیدگان و کشته شدگان این سرزمین می افزاید. او دیکتاتوری است که با سیاست های نادرست و سرکوب هر صدای مخالف خود، کشور ما را در آستانه ویرانی کامل قرار داده است.

ولایت سرکوب

این خفقان و سرکوب های وحشیانه موجب شده که فریاد گروههای معترض اعم از کارگران، معلمان، دانشجویان، نویسندگان و وبلاگ نویسان راه به جایی نبرد و هر روز بر شمار شکنجه شدگان و اعدامیان در زندان ها که تنها به دلیل اختلاف عقیده و مخالفت با مشی و عملکرد مسئولان این رژیم بازداشت شده و در زندان به سر می برند، افزوده گردد.

از این رو ما امضا کنندگان زیر، با توجه به حکمی که آن دادگاه محترم در باره "عمر البشیر" رهبر جنایتکار سودان صادر کرده است، خواهان رسیدگی به جنایات علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی و صدور حکم مقتضی برای وی هستیم.

2 دانشجوی دانشکده نفت اهواز ر بوده شدند

خبرنامه امیرکبیر: در پی اعتراضات دانشجویان دانشکده نفت اهواز به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دوتن از دانشجویان دانشکده نفت اهواز به نام های حسین رحیمی و امین نیک زاده توسط افراد ناشناس ر بوده شدند.

پس از اقدام، دانشجویان این دانشکده نفت در مقابل درب اصلی دانشگاه دست به تحصن زده و خواستار آزادی امین نیک زاده و حسین رحیمی شدند.

امین نیک زاده از فعالین انجمن اسلامی دانشجویان و حسین رحیمی از فعالین انجمن علمی دانشجویی هستند که به هنگام خروج از دانشگاه ر بوده شدند.

بنابراگفته دانشجویان یک دانشجوی بسیجی زمان خروج این دو دانشجو از دانشگاه را گزارش کرده است که وی از شب گذشته در اتاق حراست دانشگاه به همراه رئیس بسیج و رییس جامعه اسلامی دانشگاه تحت مراقبت قرار دارند.

ولایت سرکوب

دانشجویان دانشکده نفت اعلام کردند که تا زمان آزادی این ۲ دانشجو به تحصن خود در مقابل دفتر حراست دانشگاه ادامه خواهند داد.

شب گذشته در ساعت ۳ بامداد، معاون سیاسی استانداری خوزستان در جمع دانشجویان متحصن حضور یافت و اذعان کرد که نیک زاده و رحیمی توسط سپاه بازداشت شده اند. وی مدعی شد که نیروهای سپاه برای این کار حکم قضایی داشته اند اما دانشجویان متحصن، بازداشت این ۲ دانشجو را بیشتر شبیه به آدم ربایی و غیر قانونی می دانند. به گفته ی دوستان امین نیک زاده که به هنگام بازداشت با او بوده اند به امین نیک زاده هیچ حکم جلبی نشان داده نشده است و جرم او تفهیم نشده است.

همچنین دانشجویان در اعتراض به بازداشت این ۲ دانشجو امروز بر سر جلسه امتحان حاضر نشده و اعلام کردند تا زمان آزادی این ۲ دانشجو در جلسات امتحان حضور نخواهند یافت.

گزارش بازداشت صدها دانشجویی ۲ هفته گذشته

خبرنامه امیرکبیر: پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری و اعتراضات مردم تهران و شهرهای دیگر کشور، بیش از ۵۰۰ تن از فعالین مدنی، فعالان حقوق بشر و زنان و نیز جمع کثیری از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی بازداشت شدند. فعالان دانشجویی و نیز دانشجویان دانشگاه های کشور نیز از جمله اقشاری بودند که از این امواج سرکوب بی نصیب نماندند. بگونه ای که با اعلام نتایج انتخابات، اعتراضات گسترده دانشجویان دانشگاه های مختلف بطور مسالمت آمیز آغاز شد. اما این اعتراضات از سوی نیروی های لباس شخصی و انصار حزب الله که مستقیماً توسط نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور حمایت می شدند، و از خشونت آمیز ترین سلاح های گرم و سرد بهره می بردند، به وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب گردید.

ولایت سرکوب

حمله وحشیانه نیروهای انصار حزب الله و بسیج به همراهی نیروی ضدشورش به خوابگاه کوی دانشگاه تهران در یکشنبه شب، ۲۴ خرداد ماه، حمله نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه اصفهان و وادار کردن دانشجویان به انجام اعمال تحقیرآمیز، حمله به کوی دانشگاه شیراز، حمله به خوابگاه های دانشگاه کرمانشاه، حمله وحشیانه به دانشجویان دانشگاه بابل، سمنان، قزوین و نیز دهها دانشگاه دیگر کشور از جمله ابعاد وحشیانه سرکوبی دانشگاه های کشور، تنها پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری بود.

در تهاجم به دانشگاه های کشور و طی ۲ هفته گذشته، جمعا صدها دانشجو با سلاح گرم مجروح، صدها دانشجوي ديگر ر بوده و بازداشت و چندین دانشجو نیز به شهادت رسیدند. مطابق با خبرهای دریافتی، ناصر امیرنژاد دانشجوي رشته هوا و فضای دانشگاه تهران، دانشجوي است که در اثر واقعه حمله نیروهای انصار به کوی دانشگاه تهران به شهادت رسید و هفته گذشته پیکر وي در یاسوج تشییع شد.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر کیانوش آسا دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی از دانشگاه علم و صنعت اهل کرمانشاه یکی دیگر از دانشجویان است که در روز ۲۵ خرداد ماه به شهادت رسید. هم چنین مصطفی غنیا دانشجوي دیگری است که خارج از دانشگاه و در منزل به ضرب گلوله نیروهای لباس شخصی به شهادت رسید.

دانشجوي دیگری نیز در خوابگاه دانشگاه اصفهان بر اثر اصابت گلوله به گردن در دم جان سپرد.

ندا آقاسلطان دانشجوی رشته فلسفه نیز دیگر دانشجویی است که فیلم شهادت وی دنیا را تکان داد.

هم چنین در اثر این حملات وحشیانه حال بسیاری از دانشجویان بستری شده در بیمارستانها نیز نا مساعد گزارش شده است.

دهها دانشجوي دانشگاه تهران در بیمارستان شریعتی بستری هستند و برخی از آنان بدلیل اصابت گلوله به سر و گردن دچار جراحت های شدید و جبران ناپذیری شده اند.

چند دانشجو نیز بر اثر اصابت گلوله ي نیروهای بسیج بینائی خود را از دست خواهند داد.

ولایت سرکوب

هم چنین اشکان ذهابیان دانشجوی دانشگاه بابل نیز بر اثر یورش وحشیانه نیروهای انصار حزب الله در بیمارستان در حالت اغما بسر می برد.

هم چنین در این رابطه، اعتراضات اساتید دانشگاه نیز در خورد توجه است.

اساتید دانشگاه های مختلف دانشگاه های تهران، پس از رخ داد فاجعه کوی دانشگاه تهران، با تحصن در مقابل مسجد دانشگاه به این وحشیگری آشکار اعتراض کردند. در این رابطه اساتید بسیاری در قالب امضای بیانیه های مختلف و طومارهای اعتراضی، مراتب انزجار خود را از خشونت ها و نیز نتایج نادرست انتخابات اعلام کردند. از سوی دیگر نیروهای امنیتی نیز در مقابل اقدام به تهدید شدید و ارباب اساتید و حتی بازداشت شمار قابل توجهی از آنان نمودند.

بازداشت اساتید دانشگاه های همدان و دانشگاه بین المللی قزوین از جمله این موارد است. هم چنین طی چند روز گذشته ۷۰ تن از اساتیدی که برای دیدار با میرحسین موسوی رفته بودند بطور دسته جمعی بازداشت شدند اما اکثر آنها پس از ساعتی آزاد شدند.

گرچه بنابر گزارش ها در طی ۲ هفته گذشته حداقل ۴۰۰ دانشجوی بازداشت شدند اما به دلیل گستردگی سرکوب دانشجویان و شرایط پیش آمده و قطع ارتباطات آمار و مشخصات بسیاری از حملات صورت گرفته علیه دانشجویان تاکنون مشخص نشده است. در شب حمله به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه های شیراز و اصفهان صدها دانشجو بازداشت شدند که پس از یک شب آزاد شدند. با احتساب شمار بازداشت دانشجویان در آن وقایع، شمار دانشجویان بازداشت شده طی ۲ هفته گذشته به بیش از هزار نفر خواهد رسید.

اسامی زیر به تفکیک دانشگاه ها، تنها نام کسانی است که اخبار بازداشت آنها منتشر شده است.

دانشگاه تهران:

احمد احمدیان، اسکندری، امین افضلی، وحید اناری، محمد بلوردی، حسین حامدی، محسن حبیبی مظاهری، نوید حقدادی، محمدرضا حکمی، کاظم رحیمی، مرتضی رضاخانی، میثم زارعی، امین سمیعی، بهرام شعبانی، علیرضا شیخی، ابراهیم عزیزی، سیاوش فیاض، سید حسین میرزاده، حسین نوبخت، جواد یزدانفر، حبیب خدنگی، سهراب

ولایت سرکوب

احدیان، رضا ارکوازی، کریم امامی، محمد حسین امامی، الهه ایمانیان، روح الله باقری، فرهاد بینازاده، ایمان پورطهماسب، عزت تربتی، سمیه توحیدلو، یاسر جعفری، میلاد چگینی، محمدرضا حدآبادی، سید جواد حسینی، فرشید حیدری زمین، بهنام خدابنده لو، محمد خوانساری، محمد داودیان، محمود دلبری، علی راعی، امید رضایی، علی رفاهی، سیف الله رمضانی، ابراهیم زاهدیان، ناصر زمانی، مجید سپهوند، حنیف سلیمی، محمد باقر شعبان پور، حامد شیخ علیشاهی، ایمان شیدایی، فرهاد شیراحمد، سامان صاحب جلالی، فرحان صادق پور، فرشاد طاهری، غمدیده، حمزه فراتی راد، اسماعیل قربانی، محمد کریمی، عرفان محمدی، محسن آزموده، پیام پورنگ، مرتضی جانبازی، حاجی پور، آدرین جلالی، سهراب احمدی، رضا زینلی، صمد مهر علی تبار

دانشگاه امیرکبیر:

پدرام رفعتی، هادی پلاور، مجتبی علیجانی، بیتا صمیمی زاد، امیرحسین استیری، آدرین جلالی، میترا عالی، احمد جابری

دانشجویان محروم از تحصیل:

ضیاء نبوی (دبیر شورای دفاع از حق تحصیل)، علیرضا خوشبخت (دانشجوی محروم از تحصیل)، زهرا توحیدی (دانشجوی محروم از تحصیل)، پیمان عارف (دانشجوی محروم از تحصیل)، شیوا نظر آهاری

دانشگاه آزاد:

امیر کلهر (دانشجوی دانشگاه آزاد کرج)، حسام نصیری (دانشگاه آزاد تهران مرکز)، علی بیگس (دانشجوی دکترای رشته تاریخ دانشگاه آزاد)، مجتبی محمدیان (دانشگاه آزاد بابل)

دانشگاه مازندران و دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل:

سیاوش سلیمی نژاد، محسن برزگر، ایمان صدیقی، حسام الدین باقری، علیرضا کیانی، میلاد حسینی کشتان، علی نظری، اشکان ذهابیان، علی دنیاری، رحمان یعقوبی، مازیار یزدانی، علی عباسی، شوانه مریخی، محسن برزگر، محمد علمی، نیما نحوی، حمیدرضا جهان تیغ، مرجان فیاضی و سوگند علیخواه،

ولایت سرکوب

دانشگاه کرمانشاه:

سیامند غیائی و محمد جعفری و بازداشت چندین فعال دانشجویی دیگر

دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین:

پیام حیدر قزوینی، نسیم ریاحی، مجتبی رحیمی، عطا رشیدی،

اساتید دانشگاه : حسین رئیسیان، فضلی، درویش، ایمانی، البرزی

دانشگاه بوعلی همدان:

سیاوش حاتم، حجت بختیاری، مهدی مسافر، پوریا شریفیان، رضا جعفریان، مصطفی

مهدی زاده و امین نظری (عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت)، محمد صیادی

دانشگاه تربیت معلم:

سجاد بازوند، ناصح فریدی (فارغ التحصیل)

دانشگاه سمنان:

بازداشت ۲۵ دانشجوی این دانشگاه پس از تجمع اعتراضی

دانشگاه فردوسی مشهد:

رضا لطفی

دانشگاه هرمزگان:

علی شجاعی

دانشگاه شیراز:

اسماعیل جلیلود، حمدالله نامجو

دانشگاه علامه طباطبائی:

مجید دری

دانشگاه نفت اهواز:

حسین رحیمی و امین نیک زاده

تزریق آمپولهای مشکوک به آیت الله بروجردی در زندان

خبرگزاری هرانا: مسئولان زندان مرکزی یزد کماکان از ملاقات آقای بروجردی با وکلای خود جلوگیری می کنند همچنین گزارشها از وضعیت نگران کننده ایشان کماکان ادامه دارد.

روز 4 شنبه مورخ 13 خرداد 1388، خانم دکتر گیتی پورفاضل، نایب رئیس کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری تهران، به همراه خانواده آقای بروجردی به زندان مرکزی یزد مراجعه نمود تا ضمن دریافت وکالت نامه رسمی از آقای بروجردی برای پیگیری قضائی و ملاحظه پرونده ایشان، وضعیت نگران کننده این روحانی زندانی را نیز از نزدیک ملاحظه نماید که متأسفانه، با وجود چندین ساعت انتظار و مذاکره با مسئولین زندان مذکور، اجازه ملاقات به وی داده نشد.

همچنین بنابر گزارشات دریافتی، طی دو هفته اخیر، در دو نوبت مامورین با همراهی دکتر ولی زارع (رئیس بهداری زندان مرکزی یزد) با اجبار اقدام به تزریق آمپولهای نامعلومی به ایشان نموده اند، نزدیکان این روحانی عنوان می دارند آمپولهای تزریق شده خاصیت آسیب وارد نمودن به روان و اعصاب را دارد. همچنین گزارش شده است مجدداً این زندانی عقیدتی برای انجام مصاحبه با رسانه های دولتی تحت فشار مضاعف قرار گرفته است.

منبع خبر : مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

اسامی تعدادی از زخمی شدگان که مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند

بنابه گزارشات رسیده ، یکی از دانشجویان رشته اقتصاد بنام علی محمود نصب روز چهارشنبه که مورد اصابت 2 گلوله پاسدارن قرار گرفته بود و بشدت مجروح شده بود توسط پاسداران دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شد .

دانشجوی مفقود شده علی محمود نصب در تاریخ 27 خرداد ماه در اعتراضات گسترده ای که در خیابان ونک روی داده بود شرکت داشت.

که پس از گذشت مدتی مورد هجوم گارد ویژه و بسیج و لباس شخصیها قرار می گیرند پاسداران به سمت جوانان معترض آتش می گشایند که او مورد اصابت 2 گلوله قرار می گیرد. گلوله او به پای راست و گلوله دوم به کمر وی اصابت می کند دوستان او که قصد خارج کردن علی را داشتند با شلیک پاسداران مواجه می شوند. بنابه گفته شاهدان عینی

ولایت سرکوب

او توسط پاسداران دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شد. آقای محمود نصب اهل لاهیجان می باشد.

اسامی تعداد از زخمی شدگان اخیر که مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند به قرار زیر می باشد:

کیوان ز. 18 ساله 28 خرداد ماه در خیابان لیلی از ناحیه بازو مورد اصابت گلوله قرار گرفت. او از ترس دستگیری به بیمارستان مراجعه نکرده است و در خانه با وسائل اولیه مداوا می شود

فرزانه و. م. 26 ساله، خانه دار، او رهگذری بود که در خیابان امیر آباد بالاتر از تقاطع جلال ال احمد از ناحیه کتف مورد اصابت گلوله قرار گرفت. او بخاطر ترس از دستگیری در منزل مورد مداوا قرار گرفت.

ما اسامی کامل افراد فوق را در اختیار داریم ولی برای حفظ امنیت آنها از انتشار نام کامل آنها خوداری می کنیم ولی اسامی کامل افراد فوق را در اختیار سازمانهای حقوق بشری قرار خواهیم داد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، آتش گشودند به اعتراضات مردم در تهران و شهرستانها که منجر به مرگ و زخمی شدند تعداد بیشماری شده است را محکوم می کند. و از مراجع بین المللی خواستار دخالت برای پایان داد به کشتار مردم ایران است.

کشف چهار صندوق رای در شیراز

دست کم چهار صندوق رای در کتابخانه مرکزی شیراز کشف شد. امروز چهارشنبه 10 تیر، در جریان بازدید «محمد رضا رضازاده، استاندار فارس و آیه الله ایمانی، امام جمعه شیراز» و خبرنگاران روزنامه های محلی شیراز از عملیات احداث ساختمان کتابخانه مرکزی شیراز، چهار صندوق رای در ساختمان نیمه کاره کتابخانه کشف شد.

استاندار فارس پس از مواجه شدن خبرنگاران با این صندوق ها از آن ها خواست که به این موضوع در رسانه ها اشاره ای نکنند. او این صندوق ها را جزو «اسناد ملی» اعلام کرد.

ساختمان نیمه کاره کتابخانه مرکزی شیراز که شعبه ای از کتابخانه ملی است در نزدیکی تالار حافظ شیراز (چهار راه حافظیه) قرار دارد.

صندوق های رای در حالی کشف شده اند که بنا بر قوانین انتخابات، پس از پایان شمارش آراء، صندوق ها باید به تهران فرستاده شده باشند.



لیست یکصد نفره از اسامی شهروندان بازداشتی

فعالان حقوق بشر در ایران

لیست ذیل دربرگیرنده اسامی و مشخصات یکصد تن از شهروندان معترض بازداشت شده روزهای اخیر در شهر تهران است.

1. ابراهیم نظری - فرزند بهرامعلی - زندان اوین

2. احسان بهروز - فرزند محمود - زندان اوین

3. احسان دهقانی شنبه - فرزند حسین - زندان اوین

4. احمد قربان زاده - فرزند صادق - زندان اوین

5. احمد ولی زاده - فرزند قنبرعلی زندان اوین

6. اکرم کبیری - فرزند محمد علی - بازداشت شده در 25/3/1388 - زندان اوین -

لیسانس - متاهل - خانه دار

7. امید مهر اندیش - بازداشت شده در 30/3/1388 - زندان اوین - دانشجو

8. امیدرضا سردار زاده - بازداشت شده در 1/4/1388 - محل نگهداری نامعلوم - دارای

سابقه بازداشت مشابه در خردادماه 78

9. امیر احمدی - فرزند یونس - زندان اوین

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

10. امیر محجوبی - فرزند محسن - زندان اوین
11. امین مرادی - فرزند منوچهر - زندان اوین
12. ایمان بصیری راسته - فرزند عباس - زندان اوین
13. ایمان ثفقت - فرزند محسن - زندان اوین
14. بتول قربانزاده - فرزند پرویز - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین -
فوق دیپلم - مجرد - گرافیسیت
15. بهروز فرزادی - فرزند شیرزاد - بازداشت شده در تاریخ 1/4/1388 در میدان هفت
تیر - زندان اوین
16. بهنام عظیمی کنده - فرزند گل محمد - زندان اوین
17. پیمان قدیمی - فرزند محمد حسین - زندان اوین
18. حامد احسانی تبار - فرزند غلامعلی - زندان اوین
19. حامد ایرانیان - فرزند محمد - زندان اوین
20. حامد عبدلی - فرزند اکبر - زندان اوین
21. حسین احمدی - فرزند حسین - زندان اوین
22. حسین بیگلر حسنی - بازداشت شده در تاریخ 31/3/1388 - زندان اوین - دانشجو
23. حسین زینلی سرلیه - فرزند محمد - زندان اوین
24. حمید قزوینی - فرزند صمد - زندان اوین
25. حمید کارخانه - فرزند امان الله - زندان اوین
26. حمیدرضا محمدوالی - فرزند مسعود - زندان اوین
27. حمیدرضا نصیر پور - فرزند علی - زندان اوین
28. داود حیدری - فرزند صالح - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین
29. داوود قهرمانی - فرزند یوسف - زندان اوین
30. رامین رویگردان - فرزند نبی الله - زندان اوین
31. رامین ساری اصلانی - فرزند افشین - زندان اوین
32. رامین سلیمان زاده مقدم - فرزند محمود - زندان اوین

ولایت سرکوب

33. رضا مرادی - فرزند رستم - زندان اوین
34. زهرا صادق زاده حلاج - فرزند احمد - بازداشت شده در تاریخ 27/3/1388 - زندان اوین - سیکل - متاهل - خانه دار
35. زینب کریمی بیوک بلوغ - فرزند حسین - بازداشت شده در تاریخ 22/3/1388 - زندان اوین - دیپلم-متاهل - خانه دار
36. سارا رنجبری - فرزند حسن - بازداشت شده در تاریخ 24/3/1388 - زندان اوین - دانشجو - مجرد - دانشجو
37. سمیه لقایی - فرزند علیار - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین - لیسانس - مجرد - دانشجو
38. سوسن آل آقا - فرزند ناصر - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 در میدان انقلاب - زندان اوین - دانشجو - مجرد - دانشجو
39. سید آرمین میر خواجه الدین - فرزند سیدجمال - زندان اوین
40. سید محمد رؤف صفاری - فرزند سید احمد - زندان اوین
41. سید هادی شاه ولایتی - فرزند سید احمد - زندان اوین
42. شاهین رجب زاده منفرد - زندان اوین - دانشجو
43. شاهین میرزایی - فرزند علی همت - زندان اوین
44. شمس الله میانه دری - فرزند فرمان - زندان اوین
45. شهاب حسارات - فرزند محمد علی - زندان اوین
46. صابر امیری - بازداشت شده در تاریخ 31/3/1388 در میدان 7 تیر - محل بازداشت نامعلوم
47. صدیقه گلشن لطفی - فرزند بهمن - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین - دیپلم - مجرد - حسابدار
48. عاطفه نصیری - فرزند فضل الله - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین - لیسانس - متاهل - شاغل در کتابفروشی
49. علی افشار - فرزند خدابخش - زندان اوین

ولایت سرکوب

50. علی حبیبی - فرزند حنیف - زندان اوین
51. علیرضا جمال اسفرجانی نژاد - فرزند محمد حسین - زندان اوین
52. فاطمه خواجه نصیری - فرزند جواد - بازداشت در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین
- دیپلم - مجرد - دانشجو
53. فرزانه رنجبری - فرزند خلیل - بازداشت در تاریخ 25/3/1388 - زندان اوین -
دیپلم - متاهل - خانه دار
54. فرناز کمائی - فرزند اسماعیل - بازداشت در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین -
دانشجو - مجرد - دانشجو
55. فهیمه رضائی افشار - فرزند حسن - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان
اوین - دیپلم - متاهل - شاغل در تولیدی چاپ پارچه
56. کامران ایروانی - فرزند بهرام - زندان اوین
57. کامران برهانی - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - بهارستان - بند 209
58. کرامت الله زارعیان جهرمی - فرزند فرج - زندان اوین
59. کیوان راوی - فرزند کیومرث - زندان اوین
60. لیلیا سلمانی پور - فرزند احمد - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین -
فوق دیپلم - مجرد - طراح لباس
61. مجتبی محمدیان - بازداشت شده در تاریخ 4/4/1388 - زندان اوین
62. مجید اسلامی - فرزند غدیر - زندان اوین
63. مجید زین العابدین - فرزند داود - زندان اوین
64. مجید عسگری - فرزند محمود - زندان اوین
65. مجید معتمد زاده - فرزند علی اکبر - زندان اوین
66. مجید وهاب - فرزند بیرامعلی - زندان اوین
67. محرمعلی افشاری - فرزند مسعود - زندان اوین
68. محسن بابایی - فرزند رجبعلی - زندان اوین
69. محسن لطیفیان - فرزند محمد مهدی - زندان اوین

ولایت سرکوب

70. محسن نوروزی مازندرانی نژاد - فرزند حسین - زندان اوین
71. محمد اسماعیل حق پرست - بازداشت شده در تاریخ 1/4/1388 در میدان 7 تیر - زندان اوین - دانشجوی روزنامه نگاری دانشگاه آزاد
72. محمد باقر بخشی - فرزند ارسلان - زندان اوین
73. محمد بدیعی - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 در حوالی خیابان بهبودی - زندان اوین - 17 ساله
74. محمد جواد مهردادپایان - فرزند ماشاالله - زندان اوین
75. محمد حاجی زاده - فرزند حسین - زندان اوین
76. محمد حسن گل پسند - فرزند اسماعیل - زندان اوین
77. محمد حسین حسینی - فرزند علی اکبر - زندان اوین
78. محمد درمناکی فراهانی - بازداشت شده در تاریخ 4/4/1388 در میدان بهارستان - زندان اوین
79. محمد رضوانی ناظری - فرزند محمد امیر - زندان اوین
80. محمد مهدی یوسفی - فرزند محمد - زندان اوین
81. محمد میراحمد - فرزند حسین - زندان اوین
82. محمدرضا بیات - فرزند محمود - زندان اوین
83. محمدرضا کاویانی - فرزند محمد حسن - زندان اوین
84. محمدرضا کوهینی تفرشی - فرزند ماشاالله - زندان اوین
85. محمدرضا مرادی مجاهد - فرزند مسعود - زندان اوین
86. محمدعلی ولی زاده - فرزند قنبرعلی - زندان اوین
87. مرضیه بهرامی کوشکی - فرزند نوروزعلی - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین - دیپلم - مجرد - شاغل در کتابفروشی
88. مریم محمدی - فرزند محمد - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 - زندان اوین - دانشجو - متاهل - دانشجو

ولایت سرکوب

89. مصطفی شجری - فرزند حسن - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 در میدان انقلاب - زندان اوین
90. مصطفی فتاحی - فعال دانشجویی - محل نگهداری نامعلوم
91. مهتاب آجودانی - فرزند مهدی - بازداشت شده در تاریخ 26/3/1388 - زندان اوین - دیپلم - متاهل - خانه دار
92. مهدی درویشی - عضو ستاد مرکزی مهندس موسوی - محل نگهداری نامعلوم
93. مهدی رجب سلوکات - فرزند جلیل - زندان اوین
94. میثم محمدحسن نقاش - فرزند محمد تقی - زندان اوین
95. میلاد قریبیان - فرزند محمود - زندان اوین
96. نوید احدی - بازداشت شده در تاریخ 30/3/1388 در خیابان جیحون - زندان گوهردشت
97. وحید جراحی - بازداشت شده در تاریخ 24/3/1388 در میدان فاطمی - زندان اوین
98. وحید محمدی - فرزند موسی - زندان اوین
99. وحید نوری - فرزند دوستعلی - زندان اوین
100. یعقوب شائولیان - فرزند یوسف - زندان اوین
- لیست های تکمیلی منتشر خواهد شد.

دستگیرشدگان تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بنابه گزارشات رسیده از زندان های مختلف حاکی از آن است که هزاران زندانی از دستگیر شدگان اخیر تحت شکنجه های وحشیانه قرار دارند و جان آنها در معرض خطر جدی است.

گزارشات رسیده از زندانها حاکی از شکنجه های وحشیانه دستگیر شدگان اخیر است که در مواردی جوانان دستگیر شده زیر شکنجه جان باخته اند و تحت عنوان اینکه درگیری خیابانی به قتل رسیده اند اجساد آنها به پزشک قانونی منتقل می شود. بنابه گفته کسانی که اخیرا از بازداشتگاهها آزاد شده اند.

جوانان دستگیر شده از بدو دستگیری آماج ضربات باتوم ،مشت و لگد که اکثرا به سر آنها کوبیده می شود قرار می گیرد.

ولایت سرکوب

آنها با چشم های بسته به بازداشتگاههایی برده می شوند که هنگام ورود در 2 طرف راهروها افرادی قرار دارند که با وحشیانه ترین شیوه جوانان دستگیر شده را آماج باتومهای خود قرار میدهند. ضربات باتوم به سر صورت و جاهای حساس بدن کوبیده می شود که منجر به شکستن سر، بینی، دستها، پاهای و شکاف برداشتن صورت جوانان دستگیر می شود.

سپس آنها را به سلولهایی هدایت می کنند که مملو از دستگیر شدگان می باشند فضای بسیار محدود سلولها که زندانیان بطور نوبتی و فقط 4 ساعت می توانند استراحت کنند. برای تحت فشار و مورد تحقیر قرار داد آنها از رفتن به دستشویی محروم هستند و آنها در سلول خود مجبور به دستشویی می شوند.

از طرفی دیگر بازجویها بسیار طولانی و بعضا به مدت 8 ساعت در روز طول می کشد. در حین بازجویها شکنجه های جسمی و روحی وحشیانه می باشد و در مواردی آنهایی که به اتاق بازجویی برده می شوند به سلول بازگردانده نمی شود و این بدین معنی است که در حین شکنجه یا به قتل رسیده و یا وضعیت جسمی آنها بسیار وخیم می باشد. بازجویان برگه هایی در مقابل بازداشت شدگان قرار میدهند و از آنها می خواهند که آنها را امضاء کنند. در این برگهها نوشته شده که مسجد را آتش زدند ، ماشینها را آتش زدند ، بسیجی ها را به قتل رسانده اند و اینکه از خارج به آنها گفته شده که در اعتراضات شرکت کنند و اقدام به تخریب کنند .

حسن زارع دهنوی و روسای بازپرسی امنیت 2، 1 و 3 مانند حیدری فرد ، حسینی ، راسخ و موسوی در زندان اوین مستقر شدند. و این افراد در اتاقهای بازجویی دستگیر شدگان حاضر می شوند و دستگیر شدگان اخیر را تهدید می کنند که باید این برگهها با اتهامات فوق را بپذیرند. بخصوص آنهایی که در معابر دستگیر شدند و قصد آزادی آنها را دارند. در موارد متعدد آنها را تهدید می کنند که اگر امضاء نکنند همین جا می مانند و تا به حال هم کسی ندانید که شماها کجا هستید، ما شما را می کشیم و می گوئیم که در اعتراضات خیابانی به قتل رسیده اید.

ولایت سرکوب

تعداد بازداشت شدگان در زندان اوین که به چند هزار می رسند و ما در اینجا لیست اسامی تعداد دیگری از دستگیر شدگان اخیر را به سازمانهای حقوق بشر ارسال و به اطلاع عموم می رسانیم

1-دانیال امیری 23 ساله شنبه 30 خرداد در میدان انقلاب بازداشت و ابتدا به آگاهی شاپور وبعد از سه روز به اوین منتقل شده

2-مهدی ذوالقدر 29 ساله دوشنبه 1 تیر در میدان هفت تیر بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

3-سهراب سلیمی 25 ساله شنبه 30 خرداد در پارک اوستا مابین انقلاب و آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده

4-علی سلیمانی نژاد 18 ساله محصل سه شنبه 26 خرداد در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده

5-آرش علوی 27 ساله چهارشنبه 27 خرداد در سعادت آباد بازداشت و به اوین منتقل شده

6-محمود حمیدی 25 ساله دوشنبه 25 خرداد در ونک دستگیر و به اوین منتقل شده

7-بهروز مصطفوی 20 ساله دانشجو شنبه 30 خرداد در آزادی دستگیر و به اوین منتقل شده

8-سید رضا موسوی 19 ساله شنبه 30 خرداد در امیرآباد دستگیر و به اوین منتقل شده

9-محسن بیگی 30 ساله یکشنبه 31 خرداد در پاسگاه نعمت آباد دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص

10-ناصر صمدی 24 ساله یکشنبه 24 خرداد در ونک دستگیر و به اوین منتقل شده

11-عرفان اسدی چهارشنبه 27 خرداد در ونک دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص

12-صادق محمدی پور 25 ساله پنجشنبه 4 تیر در ولی عصر دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص

13-حامد اسماعیلی 19 ساله دانشجو چهارشنبه 3 تیر در بهارستان دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص

ولایت سرکوب

14- وحید کاووسی 24 ساله شنبه 30 خرداد در آذربایجان (نواب) دستگیر و به اوین منتقل شده

15- یاسین برزگر 22 ساله شنبه 30 خرداد در ازادی دستگیر و به اوین منتقل شده

16- سینا افشار 23 ساله دوشنبه 25 خرداد در ونک دستگیر و به اوین منتقل شده

وضعیت و شرایط بازداشت شدگان در سایر زندانها و شهرستانها وخیم تر می باشد و جان دستگیر شدگان در معرض خطر جدی قرار دارند. تمام شواهد و قرائن حاکی از آن است که زمینه سازی لازم برای اعدام دستگیر شدگان در حال انجام شدن است . از جمله شواهد که علنی شده تشکیل هیئت ویژه توسط دری نجف آبادی، رئیسی و مصطفی پور محمدی که 2 نفر آخر از هیئت مرگ سال 1367 می باشند، یا محارب خواندن دستگیر شدگان و همچنین ترتیب دادن مصاحبه های تلویزیونی و وادار کردن دستگیر شدگان به اعترافات تلویزیونی است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به جان دستگیر شدگان اعتراضات اخیر مردم ایران که در زیر شکنجه های وحشیانه و یا زمینه سازی برای اعدام آنها می شود هشدار میدهد. و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و سایر مراجع بین المللی خواستار پایان دادن به سکوت خود هستند و برای نجات جان بازداشت شدگان اقدام فوری نمایند.

10 تیر 1388 برابر با 01 ژولای 2009

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

هلهله‌های سوگواری برای کیانوش

روز سه‌شنبه، نهم تیرماه مراسم ختم و سوگواری در شهر کرمانشاه برای کیانوش آسا، دانشجوی ۲۷ ساله که در جریان وقایع اخیر کشته شده از سوی خانواده او برگزار شد. در این مراسم هزار نفر از شهروندان کرمانشاه و دوستان دانشجو و استادان او شرکت داشتند.

کیانوش آسا، دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد رشته پتروشیمی دانشگاه علم و صنعت تهران بود.

او در روز ۲۵ خرداد در تظاهرات اعتراض مردم به تقلب در انتخابات شرکت داشت، که با گلوله‌ای به گفته دوستان او از طرف لباس شخصی‌ها کشته شد.

کاوه قاسمی کرمانشاهی، فعال حقوق بشر در گفت و گویی با رادیو زمانه درباره چگونگی کشته شدن کیانوش آسا و نحوه اطلاع خانواده از این موضوع می‌گوید:

ولایت سرکوب

البته به خاطر آن شرایط روحی و موقعیتی که خانواده او در آن قرار داشتند امکان این وجود نداشت که بشود با آن‌ها صحبت کرد و اطلاعات بیشتری گرفت. ولی موثق‌ترین خبر این بود که در روز بیست و پنج خرداد و همان حوالی میدان آزادی کیانوش تیر می‌خورد و کشته می‌شود. و این‌که این جسد به دست چه کسی می‌افتد و کجا می‌رود، هنوز نمی‌دانیم.

نمی‌دانیم وقتی تیر شلیک می‌شود لحظه مرگ کیانوش هست و یا این‌که بعد از انتقال به بیمارستان این اتفاق برایش می‌افتد؟ برای ما هنوز مشخص نیست. ولی این‌که کسی مشخصاً شاهد این واقعه باشد نه چنین نبوده است. اگر چنین بود دوستانش و یا همراهانش به نوعی امکان این را داشتند که با جنازه به محل بیمارستان بروند و یا اگر هنوز زخمی بوده این کار را بکنند و به هر شکل قضیه را پیگیری بکنند.

به شکلی بوده که دوستان کیانوش با خانواده‌اش تماس می‌گیرند و اطلاع می‌دهند که بعد از حضور کیانوش در این تجمع ایشان گم شده و هیچ خبری از او نیست. خانواده او می‌آیند تهران و خیلی پی‌گیری می‌کنند و فکر می‌کنند ممکن است کیانوش تیر خورده باشد و به بیمارستان تهران مراجعه می‌کنند و به خیلی از بیمارستان‌ها برای جست‌وجو می‌روند. یکی از دوستان کیانوش در مراسم ختم او می‌گفت حداقل چند بیمارستان را با خواهر او گشته ولی هیچ نشانی پیدا نکرده بودند.

نهایتاً در پزشکی قانونی بعد از مشاهده چند جسد موفق می‌شوند جسد کیانوش را شناسایی کنند. و چون زمانی که این اتفاق افتاده هیچ مدرک شناسایی همراه کیانوش نبوده، پزشک قانونی هم خیلی راحت جنازه را تحویل خانواده‌اش نمی‌دهد و این باعث می‌شود که تحویل جنازه به تأخیر بیفتد.

تا دو روز پیش که جنازه را از تهران به کرمانشاه آوردند و در مزار شهر کرمانشاه به خاک سپرده شد و تشییع جنازه‌اش هم خیلی اطلاع‌رسانی نشده بود و جز دوستان و آشنایان کسانی دیگر حضور نداشتند ولی روز سه‌شنبه، نهم تیرماه که مراسم ختم او از طرف خانواده برگزار شد جمعیت کثیری از مردم کرمانشاه شاید حدود شش هزار نفر در مراسم حضور داشتند.

مراسم ختم کجا و چطور برگزار شد؟

مراسم ختم در تالار امام حسین کرمانشاه واقع در چهارراه شیر و خورشید بود که اتفاقاً مراسم یکی دیگر از کشته شدگان وقایع اخیر آقای «حسین طهماسبی» که همان روز دوشنبه ۲۵ خرداد در جریان تجمعی در کرمانشاه کشته شدند، هفته گذشته در همین تالار برگزار شده بود، اما تفاوتی که مراسم کیانوش داشت شلوغی بیش از اندازه مراسم بود یعنی تالاری که مراسم در آن بود چندین بار پر و خالی شد.

کیانوش از کردان اهل حق کرمانشاه بود و از وابستگان مذهبی آیین یا احسان بود. تعدادی از جامعه اهل حق حضور داشتند و تعداد زیادی از همدانشگاهی‌های دوره لیسانس کیانوش در دانشگاه رازی کرمانشاه آنجا بودند و تعدادی هم از همدانشگاهی‌هایش از دانشگاه علم و صنعت آمده بودند. آقای اشرفی‌زاده، استاد کیانوش در دانشگاه علم و صنعت هم این‌ها را همراهی می‌کرد و صحبتی هم آنجا داشتند و سخنرانی هم در مراسم ختم کردند.

در این مراسم، از خانواده کیانوش هم کسی صحبت کرد و اساساً می‌دانید که خانواده درباره نحوه کشته شدن فرزندشان و پیگیری آن چه می‌خواهند بکنند؟

ببینید، هیچ کدام از اعضای خانواده صحبت نکردند گویا تحت فشار قرار داشتند که هیچ صحبتی از نحوه مرگ کیانوش در مراسم نشود. مراسم به همان شیوه سنتی از آغاز شروع شد. به هر حال سن کیانوش خیلی کم بود و در مناطق ما رسم است که وقتی جوانی ناکام از دنیا می‌رود یک سری سمبل‌هایی که در مراسم عروسی‌اش استفاده می‌شود در مراسم ختمش استفاده می‌کنند.

برادران کیانوش هم این کار را کرده بودند و یک ماشین را شکل ماشین عروس گل‌کاری کرده بودند و درب تالار پارک کرده بودند و مرتباً از قسمت زنانه تالار هم صدای هلهله‌هایی می‌آمد که به رسم هلهله‌هایی که برای عروس و داماد می‌کشند از طرف خواهرانش مرتب تکرار می‌شد و فریادهای گریه و شیون مادرش و یا اقوام دیگر کیانوش که فضای آن محل را گرفته بود این‌قدر تاثیرگذار بود که هنوز که چند ساعت از حضور من در آن مراسم می‌گذرد تحت تاثیر آن فضا قرار دارم.

گفتید دوستان دانشجو و استاد کیانوش آسا در مراسم ختم حضور داشتند، درباره زندگی و کار او چه صحبتی شد؟

کیانوش یکی از فعالان محیط زیستی در کرمانشاه بود. عضو انجمنی در کرمانشاه بود که در ارتباط با محیط زیست و فضای سبز فعالیت می‌کند. همچنین اهل موسیقی بود. تنبور بسیار زیبا می‌نواخت که دوستانش در این جمع همه به خاطرات تنبورنوازی و خاطراتی که در کرمانشاه در کنار کیانوش داشتند، اشاره می‌کردند.

مشخصاً دکتر اشرفی‌زاده، استاد کیانوش در مقطع فوق لیسانس دانشگاه علم و صنعت، در آن نیم ساعت پایانی مراسم سخنرانی داشت که در همان ابتدا تحت تاثیر فضای حاکم در مراسم مخصوصاً صداهای گریه و زاری و آن شیوه زاری مادر کیانوش که ایشان خطاب به حاضران اشاره‌ای داشت به سوابق علمی کیانوش و گفت من اعلام می‌کنم که ایران یکی از نخبگان خود را در رشته شیمی از دست داده است.

آقای دکتر اشرفی‌زاده خطاب به مادر کیانوش تأکید کرد که اگر شما فرزندان را از دست دادی من هم یک فرزند، یک شاگرد، یک رفیق و یک نخبه را از دست دادم و متاسفم برای درگذشت کیانوشی که سال‌ها باید بگذرد تا کسی مثل او متولد بشود. روی فضایل اخلاقی ایشان و دانش ایشان در علم شیمی تأکید داشتند. صحبت‌های دکتر اشرفی‌زاده جمع را خیلی تحت تاثیر قرار داد.

مراسم بعد از سخنرانی دکتر اشرفی‌زاده پایان یافت. از طرف خانواده اعلام شد اگر کسانی هستند که می‌خواهند خانواده را تا درب منزل همراهی کنند، می‌توانند همراه شوند و جمعیتی حدود دو هزار نفر که خیلی از آن‌ها شاخه‌های گل و عکس‌هایی از کیانوش را در دست داشتند، همراه خانواده شدند. مسیر در سکوت کامل و بدون هیچ شعاری طی شد. ولی حضور مأمورین امنیتی و انتظامی در مسیر راهپیمایی مشهود بود. هر چند که برخوردی صورت نگرفت و اتفاقی برای کسی نیفتاد.

مرتضوی، حرامزاده ای جلادی که در تهران فرمان می‌دهد

گزارشگران بدون مرز: مرد اجرایی سرکوب کنونی روزنامه‌نگاران و معترضان دستگیر شده در تهران، سابقه‌ای سیاه در نقض حقوق بشر دارد. از تاریخ ۲۳ خرداد سعید مرتضوی دادستان تهران سرکوب را در تهران مدیریت می‌کند.

برای ماموران وزارت اطلاعات و ضابطین دادستانی حکم دستگیری هر کس را که " مشکوک" تلقی کنند، صادر کرده است.

پرونده‌ها را آماده و اتهامات بازداشت شدگان را مشخص و بازجویی‌ها را هدایت می‌کند. بنا بر گذشته‌اش ما می‌دانیم که دادستان فعالانه در بازجویی‌ها شرکت دخالت دارد.

سعید مرتضوی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان میبد متولد شده است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان برد، برای ورود به دانشگاه بسیجی شد و توانست بدون کنکور با سهمیه بسیج به دانشگاه آزاد واحد تفت راه یابد.

از سال ۱۳۶۵ بعنوان دادیار کارش را در دستگاه قضایی آغاز کرد و مدتی بعد به ریاست دادگستری شهر بابک رسید. وی خیلی سریع دریافت راه صعود مدارج برای کسی چون

ولایت سرکوب

او نزدیک شدن با "موتلفه اسلامی" است که دستگاه قضایی را در اختیار داشت. به تهران آمد و از سال ۱۳۷۳ در معاونت سیاسی دستگاه قضایی بکار گرفته شد. مدتی بعد رئیس شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران و سپس به شعبه ۳۴ مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت منتقل شد.

اما "قاضی مرتضوی" شدن او به دوران آغاز اصلاحات برمی گردد و نقش اصلی که در پائیز کردن "بهار مطبوعات" بازی کرد.

ریاستش بر شعبه ۱۴۱۰ که "دادگاه مطبوعات" خوانده می شد، وی را با توقیف صدها روزنامه و بازداشت ده ها روزنامه نگار بعنوان جلا د مطبوعات معروف کرد.

دادستان تهران از سال ۱۳۸۳ که گاه در دانشکده روزنامه نگاری درس حقوق هم می دهد! در مسئولیت جدید خود نیز سیاست سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران را ادامه داد. روزنامه نگاران زندانی را در اکثر موارد در سلول های انفرادی نگاهداری و در پشت درها بسته محاکمه می کند.

دو گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر دستگیری های خود سرانه و آزادی مطبوعات آمیبی لیگابو و لویی ژوانه در این باره در گزارش خود در سال ۱۳۸۴ شهادت داده اند. پیش از آنها موريس کاپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای ایران از مقامات ایران خواهان برکناری وی از همه مسئولیت های قضایی شده بود.

یکی از ویژگی های سعید مرتضوی در بازجویی ها که بارها از سوی بازداشت شدگان تائید شده است، استفاده از همه ابزارها برای اعمال فشار بر زندانی و آزار و انیت روحی و روانی زندانی است.

سعید مرتضوی یکی از اصلی ترین مسئولان قتل زهرا کاظمی خبرنگار عکاس کانادایی ایرانی تبار در سال ۱۳۸۲ است.

زهرا کاظمی در دوم تیر ماه ۱۳۸۲ در حین عکسبرداری از تجمع خانواده های زندانیان در مقابل زندان اوین بازداشت شد. این روزنامه نگار در مدت بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و در اثر ضربات وارده در بیست تیر ماه در بیمارستان نظامی بقیه الله اعظم جان سپرد.

ولایت سرکوب

در تاریخ ۳ تیرماه سال جاری وزیر امور خارجه کانادا لورانس کانون اعلام کرد "دو گزارش تحقیق و بررسی در ایران تأیید کرده‌اند که سعید مرتضوی دستور بازداشت و زندانی کردن زهرا کاظمی را که منجر به شکنجه و مرگ وی شد صادر کرده است." عید مرتضوی برای پنهان کردن نقش خود در این قتل اسناد دولتی را جعل و دستکاری کرده است. کانادا بارها از ایران درخواست کرده است که در باره قتل زهرا کاظمی به شکل جدی تحقیق و بررسی انجام شود.

در سال ۱۳۸۳ و در ماجرای معروف به "پرونده وبلاگ نویسان" که آن نیز تحت هدایت سعید مرتضوی انجام گرفت. روزنامه نگاران و وبلاگ‌نویسان امید معماریان، روزبه میرابراهیمی، جواد غلام تیممی و شهرام رفیع زاده با شکنجه و تهدید مجبور به اعتراف و مصاحبه شدند.

شهرام رفیع زاده یکی از "متهمان" این پرونده در سال ۱۳۸۳ روزنامه‌نگار روزنامه اعتماد بود و از مهر تا آذر ماه زندانی و تحت شرایط دشواری در زندان انفرادی قرار داشت. این نویسنده و شاعر ایرانی در باره نقش دادستان تهران به گزارشگران بدون مرز می‌گوید "در پرونده ما او در کلیه مراحل بازداشت، شکنجه و اعتراف گیری اجباری نقش داشت. با این حال در دو مورد بسیار مهم مرتضوی به شکل مستقیم نقش داشت اول: پس از آزادی صوری ۳ بار ما را به دفترش احضار کرد، و به صراحت ما را تهدید کرد که یا باید اعترافات اجباری را که در بازداشتگاه صورت گرفته در برابر خبرنگاران تکرار کنیم یا اینکه ما را دوباره بازداشت می‌کند و اینبار با حبس طولانی ۲۰ سال به بالا و برای همیشه زندانی می‌شویم. مرتضوی به صراحت ما را تهدید کرد که اگر زیر بار اعترافات نیرویم ممکن است برای خودمان یا یکی از اعضا خانواده ما اتفاقی مثل تصادف رانندگی رخ بدهد. او به ما گفت که این "نمایش" همان جلسه دادگاه شماس است اگر آنچه را که گفتیم و همان محورهای مورد نظر را در برابر خبرنگاران بگویید، می‌توانید به رفت اسلامی نظام امیدوار باشید و برگردید سر زندگی تان ولی اگر این کار را نکنید امکان زندگی از شما و خانواده گرفته می‌شود. مورد دوم او می‌خواست مشکل شخصی‌اش را در متهم شدن به قتل زهرا کاظمی را هم در جریان بازداشت ما حل کند، می‌خواست ما

ولایت سرکوب

اعتراف کنیم و ورود زهرا کاظمی به کشور را به یکی از مسئولان اصلاح طلبان ربط دهیم.

در ۲۸ اسفند امیدرضا میرصیافی وبلاگ نویس جوان در زندان اوین و در اثر ممایشات و تعلل مسئولان زندان درگذشت. این روزنامه نگار نیز به دستور سعید مرتضوی بازداشت و زندانی شده بود. گزارشگران بدون مرز در اولین اطلاعیه خود در همان تاریخ خواهان تشکیل کمیسیون مستقلی برای بررسی و تحقیق در باره چگونگی قتل این روزنامه نگار و وبلاگ نویس شد.

امروز در بندهای سیاه ۲۰۹ زندان اوین بر همه معلوم است که سعید مرتضوی با کدام روش با روزنامه نگاران دستگیر شده برخورد می کند.

لیست شصت نفره از اسامی شهروندان بازداشتی

لیست ذیل دربرگیرنده اسامی و مشخصات شصت تن از شهروندان معترض بازداشت شده روزهای اخیر در شهر تهران است.

1. ابراهیم پور عبدالله - زندان اوین
2. احمد رضا عبادی - زندان اوین
3. اردشیر امیر ارجمند - زندان اوین
4. اشکان کارخانه - زندان اوین
5. امان الله شهبانوی - زندان اوین
6. امیر حجتی - زندان اوین

7. امیر حجتی - زندان اوین
8. امیر حسین مصباح - زندان اوین
9. امیر عباس کلهر - زندان اوین
10. ایلیا فراستی - زندان اوین
11. پوریا فیض اللهی - زندان اوین
12. حسن فراهانی - زندان اوین
13. حسین آقاپور - زندان اوین
14. حسین باری - زندان اوین
15. حسین زمانیان - زندان اوین
16. حمید ترقی - زندان اوین
17. دانیال فرجی - زندان اوین
18. رامون دهقانی - زندان اوین
19. سامان حسینی - زندان اوین
20. سجاد سلطان علی - زندان اوین
21. سجاد طاهری - زندان اوین
22. سعید انوری - زندان اوین
23. سعید برادر - زندان اوین
24. سعید بهرامی - زندان اوین
25. سعید ترابی - زندان اوین
26. سعید شایسته - زندان اوین
27. سید رضا فاطمه - زندان اوین
28. سید محمد حسین حسینی - زندان اوین
29. سینا گرامی - زندان اوین
30. شایان قلی پور - زندان اوین
31. عباس قادریان - زندان اوین

32. عباسعلي گودرزي - زندان اوين
33. علي عاميران - زندان اوين
34. علي محمدي - زندان اوين
35. علي مرادي - زندان اوين
36. عليرضا خدادادي - زندان اوين
37. فرهاد شير احمد - زندان اوين
38. مجتبي صفري - زندان اوين
39. مجتبي كاظمي - زندان اوين
40. محمد ابراهيم خسرو تاج - زندان اوين
41. محمد باقري - زندان اوين
42. محمد حسن عليخاني - زندان اوين
43. محمد رضا حسني - زندان اوين
44. محمد رضا سلطان فر - زندان اوين
45. محمد رضا هاشمي - زندان اوين
46. محمد عظيمي - زندان اوين
47. محمد علي كارگران - زندان اوين
48. محمد علي كشاورز - زندان اوين
49. محمد نجاري - زندان اوين
50. مرتضي جعفري فرد - زندان اوين
51. مرتضي سيطري - زندان اوين
52. مسلم دلشاد - زندان اوين
53. مظاهر پرهيزگار - زندان اوين
54. مهدي حبيبي - زندان اوين
55. مهدي طاهريان - زندان اوين
56. مهدي فرجي - زندان اوين

ولایت سرکوب

57. مهدي کریمی - زندان اوین
 58. میلاد پیشداد - زندان اوین
 59. نیما کاکاوند - زندان اوین
 60. ناصر نمازی - زندان اوین
- این لیست تکمیل خواهد شد.

برنامه ریزی ایرانیان برای نصب طومار سبز بر برج ایفل (روزهای 10 تا 12 جولای)

در روزهای 10 تا 12 جولای (ژوئیه) ، از ساعت 5 تا 8 بعد از ظهر در تمام نقاط دنیا در محل های مناسب ، پارچه ای با رنگ سبز می آویزیم و از ایرانی ها امضا جمع کنیم که " احمدی نژاد ، رییس جمهور ایران نیست." سپس همه پارچه ها را به محلی که در روز آخر امضا گیری اعلام می شود ، ارسال می کنیم تا به هم دوخته شود . سپس از رسانه های بین المللی و نیز موسسه رکورد گینس دعوت کنیم و تومار را از یکی از ساختمان های بلند و مشهور دنیا نظیر برج ایفل یا برج تورنتو می آویزیم ، و سپس برای ثبت در تاریخ ، به موزه سازمان ملل متحد می فرستیم.

1- این کار ، احمدی نژاد را به عنوان منفور ترین رییس جمهور وارد کتاب رکورد خواهد کرد.

ولایت سرکوب

- 2- تمام دنیا را با این جمله "احمدی نژاد ، رییس جمهور ایران نیست" ، آشنا خواهد کرد
 - 3- این کار که قبل از مراسم سوگند خوردن انجام می شود ، این مراسم را از آنچه که هست هم ننگ آلود تر خواهد کرد.
 - 4- سبب می شود دولتهای خارجی در به رسمیت شناختن این دولت تعلل کنند.
 - 5- اتحاد ایرانیان خارج از کشور را نشان خواهد داد.
 - 6- به مردم داخل قوت قلب می دهد که هزینه هایی که داده اند بیهوده نبوده و اقلاً باعث وحدت عمل خارج نشینان شده.
 - 7- اگر خوب کار شود ، صف های طولی برای امضای این تومار تشکیل خواهد شد که انعکاس بین المللی خواهد یافت. ...
- و حسن های دیگری که حتما به ذهن شما خطور خواهد کرد

اعتراضات شبانه ی مردم تهران به صورت گسترده ادامه دارد

مجموعه ی فعالان دموکراسی و حقوق بشر در ایران: بنابه گزارشات رسیده از تهران، صدای اعتراضات شبانه ی مردم تهران همانند شبهای گذشته بصورت گسترده از نقاط مختلف شنیده می شود.

مردم تهران امشب از ساعت ۲۲:۰۰ بر بام خانه های خود حاضر شدند و به اعتراضات شبانه ی خود ادامه دادند.

آن ها بصورت خانوادگی و همراه با کودکان خود بر بام منازل خود حاضر شدند و بصورت گسترده ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور را سر دادند. ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور بصورت شبانه در همه ی محلات تهران سر داده می شود، اما شدت اعتراضات در مناطق جنوبی تهران بیشتر از جاهای دیگر می باشد.

ولایت سرکوب

شعارها، نیروهای سرکوبگر را هراسناک و کلافه کرده است و علیرغم بکار بردن همه ی شیوه های وحشیانه تا به حال موفق به خاموش کردن آن نشده اند. استبداد حاکم با ظاهری فریبکارانه و با سوءاستفاده از مذهب سعی داشت که به اعمال ضدبشری خود مشروعیت بدهد. ولی درک و فهم مردم ایران فراتر از آن است و با سر دادن این شعارها مستبدین حاکم را ضد هر دین و آیین و هر قوم و مذهب ایران و ایرانی میدانند و آنها را از این بابت خلع سلاح کرده اند.

اگر چه امشب ۱۲ تیر ماه جمعه و روز تعطیل بود و انتظار می رفت مردم در روزهای تعطیل بیرون از خانه باشند، اما بیشتر مردم در این ساعات خود را به خانه رسانند تا بر بام خانه هایشان اعتراض خود را نشان دهند. عده ای هم سوار بر وسایل نقلیه خود در خیابان ها شعار اعتراضی خود را سر می دادند. اعتراضات شبانه تا حوالی ساعت ۰۰:۲۳ ادامه داشت.

این گزارش می افزاید، برای مقابله با اعتراضات شبانه ی مردم، تعداد زیادی از نیروهای گارد ویژه، لباس شخصی ها در پایگاه های بسیج و مساجد محله مسقر شده اند. آنها برای خاموش کردن صدای اعتراضات شبانه ی مردم به هر اقدامی متوسل می شوند، از جمله یورش به منازل، ضرب و شتم، دستگیری و تخریب اموال مردم و موارد متعدد دیگر... ولی تا به حال اعتراضات مردم نه تنها خاموش نشده است بلکه بر شدت آن افزوده شده و نواحی بیشتری به آن پیوسته اند.

فراخوان به شرکت در راه پیمایی های روز ۱۸ تیر

اخبار روز: جبهه ی متحد دانشجویی اعلام کرد در راه پیمایی های روز ۱۸ تیر شرکت می کند. این راه پیمایی ها که از سوی جمعی از دانشجویان دانشگاه های ایران اعلام شده و قرار است در بسیاری از نقاط کشور برگزار شود، با استقبال بسیاری روبرو شده و خبررسانی و فراخوان برای شرکت در آن از همه سو ادامه دارد. متن اطلاعیه ی جبهه ی متحد دانشجویی به شرح زیر است:

در آستانه دهمین سالگرد قیام دانشجویی ۱۸ تیر و در اعتراض به خاک و خون کشیده شدن کوی دانشگاه تهران و سایر دانشگاه ها و به شهادت رسیدن عده ای از هم میهنان بی دفاع توسط دشمنان ایران و ایرانی در کودتای ننگین ۲۲ خرداد، هواداران جبهه متحد دانشجویی طی فراخوانی از همه دانشجویان، کارگران، فرهنگیان، فعالین حقوق زنان،

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

فعالین حقوق بشر و ایرانیان آزاده ای که برای آزادی و حقوق انسانی خود مبارزه می کنند؛ دعوت می کنیم که در حمایت از زندانیان سیاسی و گرامیداشت یاد شهدای ۱۸ تیر و شهدای کودتای ننگین ۲۲ خرداد در "راهپیمایی سکوت" روز پنجشنبه ۱۸ تیر ساعت ۸ غروب شرکت نمایند.

مسیر های راهپیمایی به قرار زیر می باشند:

تهران: پنج منطقه اصلی:

مسیر شماره ۱- مرکز تهران در نزدیکی سفارت روسیه - میدان فردوسی.

مسیر شماره ۲- خیابان ستارخان - میدان صادقیه.

مسیر شماره ۳- خیابان مولوی - میدان رازی.

مسیر شماره ۴- خیابان رسالت - میدان رسالت.

مسیر شماره ۵- خیابان میرداماد - تقاطع مدرس

اسلامشهر: خیابان باغ فیض

ورامین: میدان اصلی ورامین

ری: میدان شهرری

رباط کریم: مقابل شهرداری

شهریار: خیابان ولیعصر

فیروزکوه: میدان امام

لواسانات: بلوار امام خمینی

پیشوا خیابان شریعتی

قرچک ابتدای خیابان محمدآباد

هشتگرد: خیابان امت

پاکدشت خیابان شهید قمی

شهر قدس: میدان قدس

ملارد: بلوار رسول اکرم

دماوند بلوار خامنه ای

نظرآباد میدان شهدا

کرج خیابان اصلی گوهردشت

آذربایجان شرقی:

تبریز خیابان اصلی راسته بازار و مقابل دانشگاه

مراغه : خیابان خواجه نصیر

میانه : خیابان امام خمینی

مرند : خیابان امام خمینی

ملکان : خیابان امام خمینی

هشترود : خیابان امام خمینی

شبستر : خیابان گلشن راز

جلفا : خیابان ولیعصر

سراب : خیابان امام خمینی

اهر : خیابان شهید رجایی

آذربایجان غربی:

ارومیه خیابان خیام

مهاباد : خیابان جمهوری اسلامی

سلماس : خیابان امام

نقده : خیابان شهید علمی

ماکو ، خیابان امام

بوکان : میدان فرمانداری

اردبیل:

اردبیل مقابل استانداری

خلخال: خیابان امام

مشکین شهر: خیابان امام

پارس آباد: خیابان امام

بیله سوار: خیابان امام

گرمی: خیابان امام

سرعین: مقابل آب گرم گاو میش گلی

کوثر: خیابان امام

نیر: خیابان امام

نمین: خیابان امام

ایلام:

ایلام خیابان مسجد جامع

آبدانان خیابان طالقانی

دره شهر خیابان امام خمینی

ایوان خیابان امام

بوشهر:

بوشهر خیابان طالقانی

چهارمحال و بختیاری:

شهرکرد میدان انقلاب

فارسان خیابان شهید بهشتی

لردگان خیابان چشمه برم

بروجن میدان امام حسین

کوه رنگ خیابان مرکزی

شلمزار خیابان رسالت

خراسان جنوبی:

بیرجند خیابان مدرس

خراسان رضوی:

مشهد پارک ملت و میدان احمدآباد

سبزوار : خیابان کاشفی

قوچان : میدان توحید

نیشابور : میدان ایران

بردسکن : میدان مرکزی

چناران : میدان بسیج

ترتت جام : میدان مرکزی

خاف : میدان خاتم الانبیا

فریمان : میدان امام رضا

سرخس : میدان مرکزی

تایباد : میدان مرکزی

گناباد : میدان امام ، رشتخوار : میدان شهرداری

بجستان : خیابان بهشتی

ترتت حیدریه : میدان مسجد جامع

درگز : میدان گلها

شاندیز و طرقله : میدان امام خمینی

کاشمر : میدان مرکزی

خراسان شمالی:

بجنورد چهارراه مخابرات

جاجرم : خیابان شهید بهشتی

گرمه : خیابان ولیعصر

ایور : خیابان ولیعصر

اسفراین : خیابان معلم

فاروج : خیابان شهید موفق

آشخانه : خیابان شهید بهشتی

خوزستان:

اهواز خیابان نادری و پل اهواز

دزفول : خیابان امام خمینی

شوشتر : خیابان امام خمینی

آبادان : خیابان ولیعصر

ایذه : خیابان امام خمینی

باغملک : خیابان بهشتی

قلعه تل : خیابان ۲۲ بهمن

ماهشهر : ناحیه صنعتی

مسجد سلیمان : خیابان آزادی

لالی : خیابان معلم

گتوند : خیابان آزادی

بهبهان : خیابان عدالت

شادگان : خیابان امام خمینی

رامهرمز : میدان آزادی

شوش : میدان هفت تیر

اندیمشک : خیابان امام خمینی

زنجان:

زنجان خیابان سعدی

سمنان:

گرمسار : میدان امام

شاهرود : خیابان ۲۲ بهمن

سمنان : میدان سعدی

دامغان : میدان امام

فارس:

شیراز خیابان حافظ و خیابان ملاصدرا

آباده : خیابان امام

اقلید : میدان شهدا

لار : خیابان طالقانی

جهرم : میدان شهدا

فسا : روبروی فرمانداری

داراب : میدان انقلاب

نیریز : میدان ۱۵ خرداد

استهبان : خیابان امام

فیروزآباد : خیابان روزبه

سروستان : فلکه شیخ

لامرد : میدان امام

قم:

قم خیابان ارم

کردستان:

سنندج خیابان ششم بهمن

سقز : خیابان جمهوری

دیواندره : خیابان امام

بانه : خیابان امام ، مریوان : خیابان رجایی

بیجار : میدان اصلی

کرمان:

کرمان: میدان بسیج

رفسنجان : خیابان شهدا

سرجان : بلوار دکتر صادقی

ماهان : خیابان امام خمینی

کهنوج : بلوار بهشتی

بافت : خیابان امام خمینی

زرند : میدان بسیج

جیرفت : میدان آزادی

بم : خیابان امام خمینی

کرمانشاه:

کرمانشاه خیابان طالقانی و شش بهمن و میدان فرهنگیان

کنگاور : میدان امام

دهدشت : میدان مرکزی

صحنه: میدان مرکزی

کهگیلویه و بویراحمد:

یاسوج خیابان استاد لنده میدان مرکزی شهر

گچساران : خیابان شهید بلاذیان

سوق : خیابان امام

گلستان:

گرگان فلکه کاخ

گنبد کاووس : فلکه مرکزی

آق قلا : خیابان باهنر

آزادشهر : میدان مرکزی

کردکوی : خیابان امام

بندرگز : خیابان امام

بندر ترکمن : خیابان آزادی

علی آباد : خیابان امام خمینی

گیلان:

رشت خیابان منظریه و میدان گلزار

انزلی : میدان امام

لاهیجان : میدان امام

ولایت سرکوب

کیاشهر : خیابان امام

رودسر : خیابان امام

هشتپر : خیابان امام

آستارا : مقابل اداره آموزش و پرورش

فومن : میدان مرکزی شهر

لرستان:

خرم آباد خیابان خرم رود و فرمانداری

دورود : بلوار ۶۰ متری

بروجرد : خیابان شهدا

کوهدشت : خیابان فردوسی

نورآباد : خیابان امام

پلدختر : خیابان امام

مازندران:

ساری وسط خیابان انقلاب آخر خیابان قارن

چالوس خیابان رادیو دریا

بابل : مقابل دانشگاه صنعتی نوشیروانی

آمل : خیابان امام رضا

نوشهر : میدان همافران

بابلسر : خیابان رجایی

قائمشهر : میدان طالقانی

سوادکوه : میدان شهدا

بهشهر : پارک بوستان سرو

تنکابن : بلوار جمهوری

رامسر : خیابان مطهری

نکا : چهارراه امام

مرکزی:

اراک میدان ولیعصر

ساوه : خیابان شریعتی

خمین : خیابان شریعتی

تقرش : خیابان امام خمینی

کمیجان : خیابان معلم

دلیجان : خیابان طالقانی

محلات : روبروی دانشگاه آزاد

آشتیان : خیابان امام

همدان:

همدان میدان بوعلی

نهاوند : میدان ابوذر

تویسرکان : خیابان شهدا

ملایر : چهارراه خیام

هرمزگان:

بندرعباس روبروی مجتمع ستاره جنوب

کیش : خیابان سنایی

قشم : بلوار ۲۲ بهمن

حاجی آباد : میدان امام

میناب : خیابان شهید امینی

یزد:

یزد خیابان پرفسور حسابی

طبس : میدان امام خمینی

بافق : خیابان وحشی بافقی

میبد : خیابان امام خمینی

مهریز : بلوار هفتم تیر

اردکان : میدان شهدا

تفت : میدان امام

اردکان : میدان امام

اصفهان:

اصفهان خیابان چهارباغ بالا و دروازه شیراز

کاشان میدان پانزده خرداد

سمیرم : خیابان قدس

مبارکه خیابان امام

نائین : خیابان امام

شهرضا : میدان شهدا

نطنز : خیابان امام خمینی

نجف آباد : روبروی دانشگاه آزاد

خوانسار : خیابان امام

گلپایگان : سه راه سعیدی

سیستان و بلوچستان:

زاهدان خیابان آزادی

چابهار : بلوار امام

زابل : خیابان فردوسی

ایرانشهر : خیابان ولایت

خاش : خیابان امام

قزوین:

قزوین مقابل استانداری

روزنامه گاردین: نقش مجتبی خامنه ای در کودتا علیه موسوی

روزنامه گاردین: مجتبی خامنه ای که در رئیس جمهور کردن احمدی نژاد در سال 84 نقش اصلی را داشت، در سرکوب مردم ایران، پس از انتخابات اخیر نیز دست دارد. او 40 سال دارد و در گذشته از دوستان نزدیک سعید امامی بوده است. و در سال 67 مشترکاً به انگلستان سفر کرده بودند. او اکنون یکی از موثرترین عوامل کودتای منجر به پیروز اعلام شدن احمدی نژاد شناخته می شود.

مجتبی دومین فرزند علی خامنه ایست. برادر بزرگ وی مصطفی و دو برادر کوچکترش محسن و میثم نام دارند. غیر از میثم همگی معمم اند

برادر بزرگش، حجت السلام و المسلمین سید مصطفی خامنه ای از شاگردان آیت الله مجتهدی و آیت الله شاهرودی است. وی نیز با دختر آیت الله عزیز خوشوقت از روحانیون راستگرای حامی احمدی نژاد ازدواج کرده است. برادران کوچکش، حجت السلام سید محسن نیز از شاگردان آیت الله مجتهدی است. دختر بزرگ خامنه ای نیز عروس فرزند آیت الله گلپایگانی رئیس دفتر رهبری است.

علی خامنه ای از حضور فرزندانش در محافل رسمی و انظار عمومی جلوگیری می کند. چنان که مردم حتی تا انتخابات اخیر و حوادث بعد از آن نمی دانستند رهبر چند فرزند

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

دارد. سید مجتبی به همراه تیم اطلاعاتی‌اش بسیاری از اقدامات را علیه و یا له مسئولین نظام انجام می‌دهد. حتی انتخاب فرماندهان نظامی یا حتی سیاست‌های اصلی نظام نیز به سید مجتبی نسبت داده می‌شود. گفته می‌شود او به شورای فرماندهان سپاه رابطه نزدیکی دارد و دارای نفوذ بالایی در لایه‌های بالایی نظامی و سیاسی کشور است.

پس از 22 خردادماه امسال و با اعلام پیروزی احمدی نژاد در انتخابات، نام مجتبی بیشتر از همیشه شنیده شد. گفته می‌شود که در پس کودتای انتخاباتی، سید مجتبی و حمایت آیت الله خامنه‌ای قرار دارد. سید مجتبی و آیت الله خامنه‌ای دست به اقداماتی زدند تا مهندس موسوی، منتخب مردم به ریاست جمهوری نرسید و محمود احمدی نژاد برای نیل به مقصود یعنی جلوگیری از به قدرت رسیدن مشارکت و سازمان مجاهدین به این مقام منصوب شود.

سید مجتبی با دختر غلامعلی حداد عادل ازدواج کرده است.

فراخوان فوری عفو بین الملل هفت رهبر بهایی در خطر اعدام قرار دارند

فراخوان فوری

هفت رهبر بهایی در خطر اعدام

هفت عضو اقلیت مذهبی بهائیت در روز ۱۱ ژوئیه محاکمه خواهند شد در صورت محکومیت. آنها ممکن است با مجازات اعدام روبرو شوند.

به خانواده‌های بازداشتیان در ماه مه گفته شده که آنها به عنوان مفسد فی الارض هم متهم هستند، که ممکن است به مجازات اعدام بیانجامد، و تاریخ جدیدی برای محاکمه شان تعیین شده است. آنها قرار است در روز ۱۱ ژوئیه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب در تهران

ولایت سرکوب

حاضر شوند و احتمالاً با اتهام مفسد فی الارض و نیز «جاسوسی برای اسرائیل»، «اهانت به مقدسات مذهبی» و «تبلیغ علیه نظام» روبرو خواهند شد. وکلای آنها از زمان دستگیریشان تاکنون به هیچ وجه موفق به دیدار با آنها نشده اند، گرچه به خانواده هایشان اجازه ملاقات با آنها داده میشود.

این هفت نفر اعضای گروه مسئولان امور مذهبی و اداری جامعه بهائیت در ایران هستند. آنها در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می‌برند که در اختیار وزارت اطلاعات است. شش نفر از رهبران گروه - فریبا کمال آبادی طائفی، جمال الدین خانجانی، عفیف نعیمی، سعید رضایی، بهروز توکلی و وحید تیزفهم - در پی حمله ماموران وزارت اطلاعات به خانه-هایشان در ۱۴ مه ۲۰۰۸ دستگیر شدند. نفر هفتم که به عنوان منشی گروه فعالیت می‌کرد، یعنی مهوش ثابت، در ۵ مارس دستگیر شد. فریبا کمال آبادی طائفی، بهروز توکلی و جمال الدین خانجانی قبلاً نیز به خاطر فعالیت-هایشان برای جامعه بهائیت دستگیر شده بودند. مذهب بهائیت در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته نشده است.

لطفاً فوراً نامه-هایی به فارسی، عربی، انگلیسی یا زبان خودتان بنویسید و:

- از مقامات ایرانی بخواهید هفت عضو اقلیت بهایی (با ذکر نامشان) را آزاد کند. عفو بین الملل آنها را زندانی وجدانی می‌داند که به خاطر باورها یا فعالیت-های مسالمت آمیزشان برای جامعه بهائیت زندانی شده-اند؛
- از مقامات بخواهید اتهامات علیه آنها را لغو کنند. عفو بین الملل این اتهام-ها را دارای انگیزه سیاسی می‌داند؛
- اظهار نگرانی کنید که در صورت محکومیت آنها به اتهامات مذکور ممکن است این هفت نفر به مرگ محکوم شوند؛
- از مقامات بخواهید محافظت از این هفت نفر را در مقابل شکنجه و دیگر اذیت و آزارها تضمین کنند؛
- از مقامات اکیدا بخواهید که دسترسی این هفت نفر را به خانواده-ها و وکلای انتخابی-شان و نیز مراقبت پزشکی مورد نیازشان تضمین کنند؛

ولایت سرکوب

لطفا نامه‌های خود را تا پیش از ۱۴ آگوست ۲۰۰۹ به مقامات زیر ارسال کنید:

رهبر جمهوری اسلامی ایران

آیت الله سید علی خامنه ای

دفتر مقام رهبری

خیابان جمهوری اسلامی، خیابان شهید کشور دوست، تهران، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی: info_leader@leader.ir

از طریق تارنمای: (انگلیسی)

<http://www.leader.ir/langs/en/index.php?p=letter>

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=letter> (فارسی)

عنوان: جناب آقای

رئیس قوه قضاییه

آیت الله محمود هاشمی شاهرودی

حوزه ریاست قوه قضاییه

خیابان پاستور، خیابان ولی عصر، پایین تر از سه راه جمهوری، تهران کد پستی

۱۳۱۶۸۱۴۷۳۷، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی: shahroudi@dadgostary-tehran.ir (در قسمت موضوع بنویسید:

خدمت آیت الله شاهرودی)

رونوشت برای:

دبیرستاد حقوق بشر ایران

محمد جواد لاریجانی

حوزه ریاست قوه قضاییه

خیابان پاستور، خیابان ولی عصر، پایین تر از سه راه جمهوری، تهران کد پستی

۱۳۱۶۸۱۴۷۳۷، جمهوری اسلامی ایران

فکس: ۴۹۸۶ ۳۳۹۰ ۲۱ ۹۸ + (لطفا به کوششتان ادامه دهید)

پست الکترونیکی: info@dadgostary-tehran.ir (در جلوی موضوع بنویسید: خدمت جواد لاریجانی)

عنوان: آقای لاریجانی عزیز

ضمناً رونوشت هایی برای نمایندگان دیپلماتیک ایران در کشور خودتان بفرستید. در صورتی که بخواهید نامه ها را پس از تاریخ بالا بفرستید، از دفتر عفو بین الملل بخش خودتان سوال کنید.

این چهارمین روزآمدسازی فراخوان فوری ۱۲۸/۰۸، شماره نمایه MDE ۲۰۰۸/۰۶۸/۱۳ مورخ ۱۵ مه ۲۰۰۸ است.

اطلاعات بیشتر

محدوده جرائم مستوجب اعدام در ایران بسیار گسترده است و شامل اتهامات مبهمی مثل «مباربه با خدا» و «افساد فی الارض» است که علیه کسانی که متهم به استفاده از سلاح علیه دولت، سرقت یا جاسوسی هستند اقامه می‌شود. این جرائم علیه خدا محسوب می‌شوند و قابل عفو نیستند. جرائمی که قضات می‌توانند به خاطر آنها حکم اعدام صادر کنند شامل جرائم مربوط به امنیت ملی است.

طبق ماده ۵۰۲ قانون مجازات، افرادی که به اتهام جاسوسی محکوم شوند ممکن است به زندان از یک تا پنج سال محکوم گردند. اتهام سنگینتر «همکاری با دولت-های متخاصم» را می‌توان به عنوان مصداق مباربه و افساد فی الارض دانست که در ماده-های ۱۸۳ تا ۱۹۵ قانون مجازات به آنها پرداخته شده و می‌توان یکی از چهار مجازات اعدام، قطع دست راست و پای چپ، آویختن از دار یا تبعید را برای آنها صادر کرد گرچه مجازات اعدام مرسومترین آنهاست؛ یا این که طبق ماده ۵۰۸ می‌توان از یک تا ۱۰ سال حکم زندان صادر کرد. «اهانت به مقدسات مذهبی» مستوجب مجازات اعدام یا یک تا پنج سال زندان است. «تبلیغ علیه نظام» مستوجب سه ماه تا یک سال زندان است. علی‌اشتری، بازرگان تجهیزات مخابراتی، پس از محکومیت به خاطر جاسوسی برای اسرائیل در نوامبر ۲۰۰۸ به دار آویخته شد.

ولایت سرکوب

دین بهائیت ۱۵۰ سال پیش در ایران تاسیس شد و از آن پس در جهان گسترش یافته است. پس از تاسیس جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، جامعه بهائیت منظمًا تحت آزار و اذیت قرار داشته است. بیش از ۳۰۰۰۰۰ بهایی در ایران وجود دارند، اما قانون اساسی ایران مذهب آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و فقط اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی‌گری را به رسمیت می‌شناسد. بهائیان در ایران با قوانین و مقررات تبعیض آمیزی روبرو هستند که حق آنها در آزادی عمل کردن به مذهبشان را که در ماده (۱) ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده و ایران نیز عضو آن است، نقض می‌کند. مقامات ایرانی با ایجاد محدودیت بر امکان اشتغال و مزایایی مثل حقوق بازنشستگی، حق برابری بهائیان در تحصیل، کار و استاندارد مناسب زندگی را نیز از آنها دریغ می‌کنند. آنها از حق تجمع، انجام مراسم مذهبی یا عمل کردن دسته جمعی به مذهبشان محروم هستند. از زمان انتخاب رئیس‌جمهور احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵، ده‌ها بهایی دستگیر شده‌اند. اعضای جامعه بهائیت در ایران به کشور اظهار وفاداری می‌کنند و شرکت در اقدامات براندازی علیه دولت را تکذیب می‌نمایند و می‌گویند این کار علیه مذهبشان است. جامعه بین‌المللی بهائیت بر این باور است که اتهام جاسوسی برای اسرائیل که سالهاست در ایران علیه این جامعه در ایران مطرح می‌گردد صرفاً ناشی از این واقعیت است که مرکز جهانی بهائیت در اسرائیل قرار دارد.

Clotilde Reiss استاد ۲۳ ساله زبان فرانسوی به جرم جاسوسی متهم و به زندان اوین منتقل شد

کلتیلد ریس دختر ۲۳ ساله فرانسوی که برای تدریس زبان فرانسه در دانشگاه اصفهان در ایران بود هنگامه خروج از ایران به مقصد بیروت در فرودگاه امام خمینی به دلیل داشتن تعدادی فیلم از صحنه تظاهرات در اصفهان در تلفن موبایل خود از طرف نیروهای اطلاعات جمهوری اسلامی ایران دستگیر و به جاسوسی به زندان اوین منتقل شد. خانواده‌ای که برای استقبال از او به فرودگاه بیروت آماده بودند پس از اینکه او را در بین مسافران پیدا نکردند به سفارت فرانسه در لبنان اطلاع دادند. و مسولان سفارت فرانسه در تهران پس از ۱ هفته بازداشت او را به جرم جاسوسی توسط ماموران فرودگاه تأیید کردند.

کلتیلد به قول دوستانش عاشق ایران بود و علی‌رغم تمام بدگویی‌هایی که از وضعیت ایران میشد، بدون هیچ اعتنایی بارها به ایران برای تدریس زبان فرانسه سفر کرده بود

ولایت سرکوب

وزارت امور خارجه فرانسه عصر دوشنبه (۶ ژوئیه) اعلام کرد که فرانسه در این مورد به تمام کشورهای اتحادیه اروپا خبر داده و خواستار همبستگی این کشورها برای آزادی شهروند دستگیر شده خود در ایران است. زن فرانسوی دستگیر شده در ایران کارمند دانشگاه است.

در همین رابطه دولت فرانسه سفیر ایران را فراخواند و از او خواست تا این شهروند فرانسوی هر چه زودتر آزاد شود.

فعال حقوق بشر به اقدام علیه امنیت ملی متهم شد

فعالان حقوق بشر در ایران

ابوالفضل عابدینی به اقدام علیه امنیت ملی متهم و صبح امروز ایشان با قرار وثیقه‌ی چهل میلیون تومانی به زندان کارون اهواز منتقل شد.

خبرگزاری هرانا: ابوالفضل عابدینی به اقدام علیه امنیت ملی متهم و صبح امروز ایشان با قرار وثیقه‌ی چهل میلیون تومانی به زندان کارون اهواز منتقل شد.

صبح روز جاری 14 تیر ماه با مراجعه خانواده‌ی ابوالفضل عابدینی از اعضای مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به شعبه 12 بازپرسی دادگاه انقلاب اهواز به آن‌ها اعلام شد اتهام وی اقدام علیه امنیت ملی است و وی با قرار وثیقه‌ی چهل میلیون تومانی به زندان کارون اهواز منتقل شده است.

ولایت سرکوب

با مراجعه خانواده ایشان به زندان مسولین زندان از ارجاع ایشان به زندان سپیدار خبر دادند و اعلام کردند چند روز پیش این فعال حقوق بشر به زندان سپیدار منتقل شده است، در مراجعه خانواده‌ی عابدینی به زندان سپیدار مسولین زندان از وجود شخصی به نام ابوالفضل عابدینی نصر در این زندان ابراز بی اطلاعی می‌کنند.

لازم به یادآوری است که پرونده‌ی قبلی ابوالفضل عابدینی در خصوص اتهام معاونت در فعالیت تبلیغی علیه نظام مربوط به اعتصابات کارگران هفت تپه که یک بار در شعبه دو دادگاه انقلاب اهواز بررسی شده بود و منجر به حکم برائت شده بود، بار دیگر در دادگاه دزفول مورد بررسی و مجددا حکم برائت ایشان صادر شد که با اعتراض دادستان به شعبه سیزدهم دادگاه تجدید نظر اهواز منتقل شده است.

این فعال حقوق کارگران همچنین دارای شش ماه حکم تعلیقی مربوط به سال 86 به مدت دو سال است که در صورتی که حکم مجددی دایر بر محکومیت ایشان صادر شود این حکم نیز قابل اجرا است.

ابوالفضل عابدینی سه شنبه هفته گذشته ساعت 9 صبح در خانه شخصی خود بازداشت و به نقطه نا معلومی انتقال داده شد.

از روز بازداشت تا کنون با خانواده خود تماسی نداشته و از داشتن وکیل نیز تاکنون محروم بوده است.

سالگرد 18 تیر؛ فریاد نه به جمهوری اسلامی

فراخوان پشتیبانی در دهمین سالگشت 18 تیر از مبارزات اخیر مردم ایران دفاع کنیم!
هم میهن!

پرده آخر خیمه شب بازی انتخابات در جمهوری اسلامی با تقلبی بی سابقه به پایان رسید.
تقلبی که بار دیگر نشان داد جمهوری اسلامی حتی تحمل افراد عبورکرده از فیلترهای
چندلایه ای خود را هم ندارد.

تا جایی که رژیم این بار مغلوب واقعی این انتصابات را به جای پیروز آن از بوق های
تبلیغاتی خود جار زد.

اما واقعیت موجود آن است که مردم ایران این نمایشات از پیش طراحی شده را به عرصه
نمایش واقعی خواست های انباشته خود در طول 30 سال گذشته تبدیل نموده و کلیه جناهای
رژیم اسلامی را به واکنشی بی سابقه واداشتند.

ولایت سرکوب

جناح باصطلاح اصلاح طلب که این خیزش را در ظاهر به نفع خود می دید، با ظرفیت های خود از آن استقبال نمود و جناح انحصارطلب و اقتدارگرای حاکم که مرگ نزدیک خود را در آن می دید به شدت به مقابله با آن پرداخت. خیزش بی سابقه توده مردم و نیز وحشت بی سابقه حاکمان نظام جمهوری اسلامی به خلیفه گری سید علی خامنه ای از این خیزش، آنان را به رویارویی وحشیانه با خواست های متراکم، به حق و مسالمت آمیز مردم ایران کشاند. حاصل آن دهها و صدها کشته و زخمی و هزاران زندانی و دستگیرشده و سانسور و بستن مطبوعات و امنیتی کردن هر چه بیشتر فضای جامعه است. اما علیرغم همه این فشارها و سرکوبی ها و کشتارها، مردم ایران بیش از دو هفته است که از راههای گوناگون به مقابله با رژیم سرکوب و خفقان پرداخته اند. بی گمان خیزش کنونی مردم ایران، حتی اگر در اثر این سرکوبی وحشیانه موقتاً به سکوت کشانده شود اما هرگز شکست نخواهد خورد.

مبارزات کنونی مردم ایران، ادامه تکوین یافته حرکت های آنان علیه نظام جمهوری اسلامی طی 30 سال گذشته است. اگر سرکوب ها و کشتارهای سال های 60 و 61؛ اگر کشتارهای زندانیان بی دفاع سیاسی در سال 67؛ اگر کشتارهای دانشجویان در 18 تیر 78؛ اگر کشتار نخبگان و روشنفکران در قتل های زنجیره ای؛ اگر سیاست سرکوبی وحشیانه جنبش های زنان، کارگران، معلمان و... سرکوبی ریز و درشت دیگر در طول این سالها مؤثر می بود، ما هرگز شاهد چنین خیزش آگاهانه چندمیلیونی نبودیم.

و اینک در آستانه دهمین سالگشت 18 تیر 1378 قرار داریم و این بر تک تک انسان های آزاده است که در بزرگداشت این روز تاریخی، یاد همه قربانیان این جنبش و قربانیان اعتراضات اخیر را گرامی داشته و خواستار آزادی بازداشت شدگان اخیر و همه زندانیان سیاسی ایران و همدردی با خانواده های آنان باشیم.

ما برای فریاد نه به جمهوری اسلامی ایران- زنده باد آزادی، در میتینگ همبستگی ایرانیان سکولار طرفدار آزادی و دموکراسی- برلن

مکان: Breitscheidplatz (U-Bhf. Kurfürstendamm)

زمان: پنجشنبه، 9 ژوئیه 2009/ برابر با 18 تیرماه 1388، ساعت 18

شرکت خواهیم کرد.

کانون پناهندگان سیاسی ایرانی (برلین)

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی (برلین)

برلین، 3 ژوئیه 2009

دانشجویان زندانی بابل تحت شکنجه هستند

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بنابه گزارشات رسیده از زندان ساری و بابل، دانشجویان زندانی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل تحت شکنجه بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارند.

دانشجویان زندانی نیما نحوی و علی تقی پور در زندان وزارت اطلاعات ساری بسر می برند. نیما نحوی در اثر شکنجه های بازجویان وزارت اطلاعات به سختی قادر به راه رفتن است و دستهای او متورم می باشد.

از وضعیت و شرایط علی تقی پور خبری در دست نیست. 2 دانشجوی زندانی در سلولهای انفرادی وزارت اطلاعات بسر می برند.

از طرفی دیگر 5 دانشجوی زندانی بعد 10 روز بازجویی و شکنجه های جسمی و روحی به زندان بابل منتقل شدند. تعدادی از آنها در بند ویژه روحانیت بسر می برند و تعدادی دیگر در بندهای دیگر با شرایطی غیر انسانی نگه داری می شوند که از جمله آنها محسن

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

برزگر می باشند. او همراه با 1 نفر دیگر در اعتراض به برخوردهای وحشیانه و ننگه داری در شرایط غیر انسانی اقدام به اعتصاب غذا نموده اند، ولی بازجویان وزارت اطلاعات بجای رسیدگی به وضعیت آنها ، آنها را به سلول انفرادی منتقل کرده اند.

از زمان انتقال تا به حال هیچ خبری از وضعیت آنها در دست نیست.

اسامی دانشجویانی که در زندان بابل بسر می برند عبارتند از ایمان صادقی، محسن برزگر، حمید جهان تیغ ، سیاوش سلیمی نژاد و احسان باقری می باشند.

از طرفی دیگر یکی از دانشجویان پیام نور بابل بنام محمد اسماعیل زاده تحت فشارها و اذیت آزارهای پاسداربندها می باشند و به دستور اکبر زاده به بند معتادین و افراد شرور منتقل شده است او شرایطی بسیار دشواری دارد

اکبرزاده معاون دادستان بابل رفتاری غیر انسانی با خانواده دانشجویان زندانی دارد. خانواده ها که بعضی از آنها برای پیگیری فرزندانشان ناچار هستند که از تهران عازم ساری و بابل شوند تا بتوانند وضعیت فرزندانشان را پیگیری کنند. در اثر پیگیریهای مستمر خانواده ها به آنها قول داده شده که 20 تیر ماه آزاد خواهند شد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش وحشیانه مامورین وزارت اطلاعات به حریم دانشگاه ، دستگیری دانشجویان و تحت شکنجه قرار داند و ادامه بازداشت آنها را محکوم می کند. از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستار اقدامات لازم برای آزادی تمامی دانشجویان زندان است.

17 تیر 1388 برابر با 8 ژولای 2009

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

پرونده ۵۰۰ بازداشتی هفته آینده در دادگاه

محمدرضا تابش نماینده مردم اردکان در مجلس، به نقل از قربانعلی دری نجف‌آبادی دادستان کل کشور گفت که پرونده ۵۰۰ تن از بازداشت شدگان وقایع اخیر تا هفته آینده به مراجع قضایی ارسال می‌شود.

به گزارش «پارلمان نیوز»، وب‌سایت وابسته به فراکسیون اقلیت مجلس، آقای تابش پس از دیدار با دادستان کل کشور، افزود که آقای نجف‌آبادی در این جلسه از بازداشت دو هزار و ۵۰۰ نفر در جریان ناآرامی‌های اخیر خبر داد که تاکنون دو هزار نفر از آنها آزاد شده‌اند.

به گفته آقای تابش، مقام‌های قضایی قول داده‌اند که تحقیقات پرونده دیگر بازداشت‌شدگان را تکمیل و به مراجع قضایی ارسال کنند.

دبیرکل فراکسیون خط امام اظهار داشت: «دادستان کل کشور همچنین در این جلسه گفت که سعی بر این است افرادی که اتهامات کمتری دارند با قرار وثیقه آزاد شوند.»

قربانعلی دری نجف‌آبادی دادستان کل کشور یکی از اعضای هیات سه نفره‌ای است که هفته دوم تیر ماه از سوی آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه تشکیل شد.

«دادستان کل کشور گفته که سعی بر این است افرادی که اتهامات کمتری دارند با قرار وثیقه آزاد شوند»

ابراهیم رئیسی معاون اول قوه قضائیه و مصطفی پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور از دیگر اعضای این هیات هستند.

این هیات سه نفره ماموریت دارد در خصوص روند رسیدگی به وضع بازداشت‌شدگان اخیر و همچنین «تسریع در رسیدگی به وضع آنان» گزارش‌هایی تهیه کرده و در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار دهد.

مقام‌های جمهوری اسلامی پیش از اعلام آقای تابش، آمار دقیقی از تعداد بازداشت‌شدگان در سه هفته گذشته منتشر نکرده بودند.

اسماعیل احمدی مقدم فرمانده پلیس پیش‌تر اعلام کرده بود که در جریان ناآرامی‌ها ۱۰۳۲ نفر بازداشت شده‌اند.

این در حالی است که فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر اعلام کرده بود که از زمان آغاز اعتراض‌ها به نتیجه انتخابات در ایران، بیش از دو هزار نفر دستگیر و صدها نفر دیگر ناپدید شده‌اند.

آقای تابش از بازداشت دو هزار و ۵۰۰ نفر در جریان ناآرامی‌های اخیر خبر داد که تاکنون دو هزار نفر از آنها آزاد شده‌اند

در میان افراد بازداشت شده، ده‌ها روزنامه‌نگار و فعال سیاسی و مدنی نیز دیده می‌شود. نهادهای حقوق بشری با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای خواستار آزادی فوری تمامی بازداشت‌شدگان شده‌اند.

مهدی کروبی، میرحسین موسوی و محمد خاتمی نیز روز دوشنبه با تشکیل جلسه‌ای خواستار آزادی فوری تمامی بازداشت‌شدگان شده‌اند.

ولایت سرکوب

در جریان اعتراض‌های خیابانی به نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، ناآرامی‌هایی در سطح برخی شهرهای ایران روی داد که بر اثر آن تعدادی کشته و صدها تن زخمی شدند.

نیروهای امنیتی ایران در این ناآرامی‌ها برخی مقام‌های سابق دولتی را نیز بازداشت کرده‌اند.

نهادهای حقوق بشری و جریان‌های سیاسی اعلام کرده‌اند که نگران تحت فشار قرار گرفتن بازداشت‌شدگان به منظور گرفتن اعتراف از آنها هستند.

روزنامه گاردین: مجتبی خامنه‌ای پشت کودتا و سرکوب است!

روزنامه گاردین دیروز (4 شنبه) به نقل از یک "منبع بلندپایه سیاسی" در ایران گزارش داد که کنترل بسیج به مجتبی خامنه‌ای، پسر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سپرده شده است. گاردین منبع خبری خود را یک سیاستمدار ارشد با پیوندهای قوی با دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی اعلام کرد. این منبع گفته است: "این بازی تمام نشده. تازه شروع شده است." وی گفت که مجتبی خامنه‌ای نقشی اساسی در سازمان دادن پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات 22 خرداد بازی کرد و از طریق کنترل مستقیم بسیج، تظاهرات مخالفان - که با تلفات در میان معترضان همراه بود - را رهبری کرد.

مقام‌های ایرانی شمار کشته‌ها در تظاهرات مخالفان را 20 نفر اعلام کرده‌اند اما گاردین به نقل از یک پزشک تهرانی می‌نویسد که شمار واقعی تلفات خشونت‌ها بسیار بیش از این است و در هفته اول تظاهرات تنها در بیمارستانی که او کار می‌کرده 38 نفر

ولایت سرکوب

جان باخته اند. بسیجی ها قتل تظاهرکنندگان را پنهان کرده و بر پزشکان فشار آورده اند که در این مورد با کسی صحبت نکنند.

سیاستمدار ایرانی که با گاردین صحبت کرده گفته است: "مجتبی فرمانده کودتا است. بسیجی ها تحت فرماندهی مجتبی هستند، اما نام او همواره در این ماجراها مخفی است. دولت هرگز نام او را ذکر نمی کند. همه از این موضوع عصبانی هستند. مرجعیت و روحانیون عصبانی هستند، محافظه کاران خیلی عصبانی هستند و به شدت از مجتبی انتقاد دارند. این وضعیت نمی تواند ادامه یابد چون این همه شخصیت در سطوح بالا با آن مخالفند."

پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران که این کشور را درگیر بحرانی عمیق کرد، حدس و گمان های زیادی درباره نقش مجتبی خامنه ای در انتخابات منتشر شد. اطلاعات زیادی درباره او که پسر دوم رهبر جمهوری اسلامی است وجود ندارد. خامنه ای رهبر ایران به دلیل تحولات اخیر مقدار زیادی از نفوذ خود را در میان مراجع از دست داده است.

همین منبع گفته است شکاف هایی در داخل سپاه پاسداران وجود دارد. علی جعفری فرمانده کل سپاه و علی فضلی فرمانده سپاه در استان تهران با قدرت گرفتن مجتبی خامنه ای مخالفند.

گاردین از قول همین منبع اضافه می کند: بیانیه های تندی که به نام سپاه صادر می شود و تظاهرکنندگان را به "برخورد قاطعانه" تهدید می کند، کار بخش های سیاسی و روابط عمومی سپاه است که تحت نفوذ احمدی نژاد قرار دارد و نمایانگر یک موضع واحد در سپاه نیست. درحالیکه اکثر تحلیلگران سپاه پاسداران را یک گروه یکدست که کاملاً پشت سر رژیم است ارزیابی می کنند.

محمد اصغری از صدرنشینان افشای کودتای 22 خرداد

بدنبال فراخوان پیک نت برای آگاهی دقیق از ماجرای قتل "محمد اصغری" کارمند قراردادی وزارت کشور، که گفته می شود لیست واقعی نتیجه شمارش آراء انتخابات را فاش کرده بود، اطلاعاتی در اختیار پیک نت قرار گرفته که از مجموع آنها گزارش زیر را تنظیم کرده ایم:

یکشنبه بعد از انتخابات با چند نفر از دوستان محمد اصغری تماس گرفته شد تا جنازه سوخته او را شناسایی کنند!

"محمد اصغری" سیسکو کار و مدرس سیسکو و مسئول امنیت شبکه وزارت کشور بود. دو روز بعد از انتخابات و بعد از اینکه خبر شمارش داخلی آرا در وزارت کشور به شرح زیر فاش شد:

افراد واجد شرایط رای: 49322412

افراد شرکت کننده در انتخابات: 42026078

تعداد آرای باطله: 387161

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

میرحسین موسوی خامنه 19075623

کروبی 13387104

محمود احمدی نژاد 5698417

محسن رضایی میرقائد 3754218

بدنبال این افشاگری، اصغری در یک حادثه عجیب رانندگی سوخت. وی از اساتید سیسکو در ایران بود که در موسسه اینفوتک واقع در خیابان میرعماد روبروی سفارت هندوستان تدریس می کرد و ظاهراً در سانحه رانندگی در تاریخ 24 خرداد به رحمت ایزدی فرستاده شد!

من آقای اصغری را از نزدیک می شناسم. ایشان کارمند وزارت کشور نبودند ولی مجری یک پروژه امنیت شبکه در وزارت کشور بودند.

ایشان یکی از متخصصین برجسته تجهیزات سیسکو بودند و منزلشان در کرج بود. ظاهراً ماشینشان دستکاری شده بود و در راه برگشت از تهران به کرج دچار حادثه شده و به قتل رسیدند. ایشان قبلاً کارمند شرکتهای الیسون رایانه و عصر دانش افزار بود.



ایران یکپارچه اعتراض بود

با وجود تهدید مقامات امنیتی و نظامی، دیروز مردم در نقاط مختلف کشور به خیابان ها ریختند و سالگرد 18 تیر را با شعار "مرگ بر دیکتاتور" آغاز و با فریاد "الله اکبر"، که تا دیروقت به گوش می رسید، به پایان رساندند تا عزم خود را برای مقابله با کودتای انتخاباتی نشان دهند.

شهرهای مختلف کشور دیروز در حالی شاهد حضور گسترده مردم بود، که نیروهای ضد شورش، بسیجی و لباس شخصی از صبح روز 5 شنبه خیابان های مسیر راهپیمایی ها را اشغال کرده بودند. همزمان بسیجیانی هم که از چند روز پیش در مساجد و ادارات دولتی مستقر شده اند تا در صورت لزوم برای مقابله با اعتراضات مردمی به خیابان ها بریزند، به خیابان ها گسیل شده بودند.

حضور پررنگ زنان

در تهران تظاهرات مردمی از نقاط مختلف شهر آغاز شد و در زمانی کوتاه، راهپیمایان در مسیرهای انقلاب، بلوار کشاورز، آزادی، وصال، طالقانی... به هم پیوستند و به سمت نقاط مرکزی شهر راه افتادند.

تجمع مردم بعد از مدتی کوتاه با حرکت های خشونت آمیز نیروهای امنیتی، نظامی و لباس شخصی رو به رو شد که از یک سو تیرهوایی شلیک می کردند و از طرف دیگر می کوشیدند با شلیک گاز اشک آور، آنها را متفرق کنند.

در عین حال موتورسواران بسیجی و لباس شخصی نیز با سرعت زیاد به سوی جمعیت جمعیت می رفتند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند.

در تظاهرات دیروز آنچه بیش از همیشه به چشم می خورد حضور زنان در سنین مختلف بود؛ یکی از مردان تظاهر کننده به روز گفت: "امروز علاوه بر اینکه حضور جمعیت بیش از حد انتظار است، حضور خانم ها نیز پررنگ تر از همیشه است."

او افزود: "درد بر زن ها و دختران ایرانی که آدم از شجاعت آنها شرمند می شود." زنان که در میان آنان از سنین مختلف دیده می شد در میان شلیک هوایی، گاز اشک آور، و چماق های آماده لباس شخصی ها فریاد می زدند:

"مرگ بر دیکتاتور"،

"دولت کودتا، استعفا، استعفا"،

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد"،

"نترسیم، نترسیم، ما همه با هم هستیم"...

ضرب و شتم افراد سالخورده

با بالا گرفتن شعارها که در برخی نقاط با گفتن «مجتبی، مجتبی، بمیری، رهبری رو نبینی» به فرزند آیت الله خامنه ای نیز رسید، نیروهای ضد شورش، به طرز بی سابقه ای به ضرب و شتم مردم پرداختند که این برخورد شامل افراد مسن نیز شد.

به گفته یک شاهد عینی وقتی مردم از سمت جنوبی خیابان انقلاب، در مسیر غرب به شرق در حرکت بودند، نیروهای بسیجی به پیر مردی که نمی توانست با سرعت مورد

ولایت سرکوب

نظر آنها، خیابان را ترک کند، حمله کردند و او را به باد کتک گرفتند. در اینجا مردم در دفاع از مرد سالخورده برآمدند و فریاد زدند:

خجالت، خجالت.

در اینجا بود که نیروهای انتظامی از لباس شخصی‌ها و بسیجی‌ها خواستند «آرام‌تر» عمل کنند و مردم آنها را تشویق کردند.

در تقاطع خیابان وصال و انقلاب، نیروهای ضد شورش کوشیدند مانع عبور مردم شوند و آنها را به طرف خیابان شهدای ژاندارمری برانند؛ جایی که نیروهای امنیتی و بسیجی با گاز اشک‌آور، انتظار آنها را می‌کشیدند. به این ترتیب تظاهر کنندگان در لابلای نیروها گیر افتادند، اما مامورین ناگهان در پشت سر خود گروه دیگری از تظاهر کنندگان را دیدند که به یاری مردمی که در این خیابان گیر افتاده بودند، می‌آمدند.

یکی از عابران در این مورد می‌گوید: در حالی که ما به سوی بلوار کشاورز در حرکت بودیم ناگهان صدای شعار دادن جمعیت را از سر تقاطع شنیدیم و فهمیدیم جمعیتی که نیروهای امنیتی و انتظامی مانع حرکتشان شده بودند، در آن تقاطع جمع شده و شعار می‌دهند.

شعارهای مردم در این نقطه عبارت بود: "یا حسین میر حسین"، "الله و اکبر"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد".

یار دبستانی در پیاده رو

در تقاطع ولی عصر - طالقانی نوازنده‌ای که با فرزند کوچک خود کنار خیابان نشسته بود، با تار، آهنگ یار دبستانی را می‌زد. تظاهر کنندگان نیز دور او جمع شدند و ترانه یار دبستانی را با ساز وی خواندند.

در این خیابان حضور مردم چنان چشمگیر بود که در بعضی موارد می‌شد بسیجیانی را که بین مردم گیر افتاده و در حال فرار بودند، مشاهده کرد.

در خیابان طالقانی، مردم با شعار "ایرانی با غیرت، حمایت، حمایت"، عابران را به ورود به صف خود دعوت کردند و همراه با حضور آنان فریاد زدند: "مرگ بر دیکتاتور" و "دولت کودتا، استعفا، استعفا". در این خیابان نیز مانند سایر خیابان‌ها رانندگان اتومبیل‌ها با زدن

ولایت سرکوب

بوق، با تظاهر کنندگان همراهی می کردند. یکی دیگر از شعارهایی که در این نقطه نیز مانند سایر نقاط به گوش می رسید شعار "یا حسین، میرحسین" بود؛ آن هم در حالیکه این خبر بین مردم دهان به دهان می گشت که میرحسین موسوی، عملاً امکان ارتباط با بیرون را ندارد و سایت کلمه هم هک و پیام تسلیت موسوی به داغداران حوادث اخیر از روی آن حذف شده است.

راهپیمایان در تقاطع طالقانی - ولی عصر، به سمت میدان ولی عصر پیچیدند که در اینجا با حمله نیروهای گارد ویژه همراه با باتوم و شلیک گاز اشک آور روبه رو شدند. مردم به همین علت حرکت خود را مجدداً به سمت خیابان طالقانی ادامه دادند که در آنجا، بعد از رسیدن به کلانتری 107 فلسطین، دوباره با حمله این نیروها روبرو شدند. نکته جالبی که در این راهپیمایی دیده می شد این بود که مردم بعد از حمله نیروهای حکومتی، به سرعت متفرق می شدند اما به همان سرعت هم دوباره گردهم می آمدند و فریاد می زدند: نترسیدیم، چون همه با هم بودیم.

یک شاهد عینی در این مورد می گوید: وقتی صدای شلیک بالا گرفت، مردم باسطل های آشغال، عرض خیابان را مسدود و با انداختن کاغذ و چوب در درون این سطل ها آنها را به آتش کشیدند تا هم

مانع حمله نیروهای امنیتی - لباس شخصی شوند و هم مانع تاثیر گذاری گاز اشک آور.

دستگیری های گسترده

اما در خیابانهای ۱۶ آذر، کارگر و خیابان های اطراف دانشگاه، درگیری ها گسترده تر بود و به نظر می رسید جمعیت بیشتری در آنجا حضور داشتند.

هزاران نفر از مردمی که در این خیابان ها گرد آمده بودند، با نیروهای سرکوب گر درگیر و تعداد زیادی از تظاهر کنندگان، به ویژه جوانان، دستگیر شدند. بیشتر دستگیر شدگان به کلانتری خیابان انقلاب، نبش کاخ منتقل شدند.

تعداد مجروحین در خیابان های اطراف دانشگاه تهران نیز که اغلب در اثر ضربات باتوم و چماق لباس شخصی ها، زخمی شده بودند، بسیار زیاد بود. در این منطقه نیروهای حکومتی علاوه بر ضرب و شتم مردم، به صورت گسترده ای از گاز اشک آور و گاز

ولایت سرکوب

فلفل استفاده کردند. در هر هجوم این نیروها به مردم و دستگیری تظاهر کنندگان، بقیه فریاد می زدند: "مرگ بر دیکتاتور" و "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم".

بیشتر این تظاهر کنندگان که ماسک های سبز بر صورت داشتند، با وجود شلیک گاز اشک آور از سوی نیروهای انتظامی و ضرب و شتم مامورین لباس شخصی، دوباره جمع می شدند و به شعار دادن ادامه می دادند. تظاهرات دیروز که با سرکوب شدید رو به رو بود نسبت به روزهای دیگر یک تفاوت آشکار داشت: مردم، بدون هیچ سازماندهی، از روش های تازه ای استفاده می کردند و مانند کسانی بودند که روزهای تمرین را پشت سر گذاشته اند.

تجاوز به دختر دانشجو در دانشگاه آزاد اراک

خبرنامه دانشگاه آزاد اراک

هفته گذشته دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اراک بار دیگر شاهد تجاوز یک استاد به یکی از دختران دانشجو در گروه محیط زیست و منابع طبیعی بود.

فریاد های دختر دانشجو رئیس و مدیران دانشکده و دانشجویان را راهی طبقه دوم این ساختمان کرد و مطابق انتظار آقای دکتر محسن گرجی که همواره با دختران دانشجو در ارتباط تعریف نشده است و دو پرونده انضباطی و اخلاقی نیز در سوابق وی موجود است دختری را که برای پرسش در مورد نمره امتحانی اش راهی اتاق وی شده بود را بعد از قفل کردن درب اتاق وا دار به آنچه که وی خواسته بود کرده و دختر دانشجو نیز با فریادهای خود از دانشجویان کمک می طلبید .

گرجی که معتاد به مواد مخدر (هروئین) نیز است یک پرونده تجاوز به یک دختر دانشجو را نیز در سوابقش داشت و متأسفانه مشخص نیست کدامین مقام مسئول در دانشگاه آزاد

اراک هر بار وی را مورد لطف قرار داده و مانع از اخراج وی میشود. گرجی از جمله بدنام ترین اساتید دانشگاه آزاد اراک است به نوعی که حتی اساتید اعلام میکنند وی آبروی همه را برده است اما هر بار دست هایی از پشت پرده به کمک وی می آیند و مانع از اخراج وی میشوند. این فرد بد سابقه پس از اعتیاد شدید به مواد مخدر مدتی از دانشگاه با فشار رئیس وقت دانشکده کشاورزی (مهندس چنگیزی) کنار گذاشته شد اما باز هم وی با پارتی بازی به دانشکده بازگشت تا بار دیگر به پرونده ننگینش سابقه تجاوز را برای بار دوم اضافه کند.

باعث خجالت است که در دانشگاهی یک فرد از چنان نفوذی برخوردار است که حتی پس از تجاوز به باز هم در دانشگاه باقی میماند. این بار حتی رئیس دانشکده کشاورزی نیز سخنان دختر دانشجو را تایید و ابراز تاسف کرد و گرجی را به مدیران حراست معرفی کرد اما مشخص نیست آیا باز هم گرجی برگ برنده جدیدی را رو خواهد کرد و با پوزخندی به همگان به دانشکده باز میگردد. بعید نیست باز هم در این مجموعه مافیایی و بی قانون دانشگاه آزاد اراک چنین اتفاق رخ دهد.

آقای دکتر ملک حسینی رئیس دانشگاه آزاد اراک به جای شما خجالت کشیدیم وقتی عدم کفایتتان را در همراهی با دانشجویان پس از اعتراضات دانشجویی به نتایج انتخابات دیدیم خجالت کشیدیم وقتی دانشجویان به دستور شما زیر مشت و لگد و باتوم نیروی کثیف انتظامی غرق به خون شدند و امروز خجالت میکشیم که در دانشگاهی درس میخوانیم که امنیت نداریم.

بهتر است بیش از خود و دیگران را به زحمت نیندازید و کاری را بکنید که مدتهاست همگان منتظر آن هستند. لطفا استعفا کنید.

به میرزایی رئیس حراست نیز توصیه میکنیم این صندلی را به فرد دیگری که صلاحیت عقلی دارد واگذار کند تا حداقل به غیر از کوتاه بودن آستین پیراهن پسران و مانتوی دختران موارد دیگر انضباطی را مد نظر داشته باشد

گزارش دیگری از شکنجه گاه وزارت کشور

اخبار روز: بعد از حمله ی گارد و لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران، ده ها دانشجو به زیرزمین وزارت کشور منتقل شده و در آن جا تحت شکنجه های وحشیانه ای قرار گرفتند. تا کنون چندین گزارش از این شکنجه ها منتشر شده است. گزارش زیر، شرح دیگری است از شکنجه گاه وزارت کشور که در وبلاگ «۲۵ خرداد» درج شده است:

۲۵ خرداد - تهران - امیرآباد - کارگر شمالی - کوی دانشگاه تهران

شما متهم به اقدام علیه امنیت ملی هستید. از خود دفاع کنید

پایش را میگذارد روی پنجه ی پام و مثل یک ته سیگار له اش میکند. میخوامم فحش و بدویبراه را بکشم به هیکلش اما از ترس فقط ناله میکنم.

...

"شما متهم به اقدام علیه امنیت ملی هستید. از خود دفاع کنید." یه سری سوال با خط خرچنگ قورباغه نوشته بودند توی یک سربرگ -یادم نیست سربرگ کجا بود- و کپی کرده بودند و فله ای میبردندمان که پرش کنیم. اسم و مشخصاتی که ده بار ازمان پرسیده و یادداشت کرده بودند را دوباره میخواستند. شرح ماجرای دستگیری و از این حرفها. یه سوال هم داشت که تقاضای شما از مسئولین چیست؟ یعنی واقعا توقع داشتند در آن اوضاع بدون لکنت حرفمان را بزنیم؟! ...

کنار کوچه روی زمین نشانده اندمان و یا بهتر بگویم در هم چپانده اندمان! فریاد میزند: "سر پایین!" لباس شخصی و یگان ویژه قاطی هم اند. دیگر به لگدهایی که به کمرم میزنند عادت کرده ام. هر کس سهم خود را میپرازد. عدالت را رعایت میکنند. "بچه ها به قصد قربت بزنید!" در دل نگران آسیب دیدن کلیه هایم هستم که ناگهان سرم از شدت درد میترکد! چشمانم سیاهی میروند. پشت سرم داغ میشود. خدایا! همین چند لحظه پیش پزشکشان معاینه مان میکرد و میپرسید "جاییت درد نمیکنه؟" و من ساده لوح هم میگفتم "نه! چیز مهمی نیست!" با خود میگویم لابد میدانند چه جور بزنند که اتفاق زیاد بدی نیفتد! خنده ام میگیرد! همین چند ساعت پیش بود که اتاق یکی از رفقا بودیم و آمدن لباس شخصی ها با چوب و چماق را تصور میکردیم و میخندیدیم. گفته بودند که حمله به کوی قطعی است.

یاد آن دختره افتادم که التماس میکرد "تو رو خدا امشب خوابگاه نرید!" یاد وعده ی ۴ صبح بسیجی ها افتادم. اما چه کسی باور میکرد؟ فقط یکی از رفقا که در اتاقش را قفل کرده و برایش رمز گذاشته بود: سه ضربه با فاصله! و ما به او میخندیدیم. "تو هم زیادی جوگیر شده ای! مگه شهر هرته! اینجا کوی دانشگاه! ۱۸ تیر اونقدر تلخ و پرهزینه بود که عمراً تکرارش نمیکنند. اصلاً آگه لباس شخصی ها بیان خود پلیس جلوشونو میگیره". گفت خاطره های بچه های ۱۸ تیر را مرور کنید. در اتاقتان خوابیده اید و از آرامش تان لذت میبرید. خوشحالید که در این شهر شلوغ و کثیف چند متری جا دارید برای پا دراز کردن و سر بر زمین گذاشتن و آرمیدن.

ولایت سرکوب

خوشحالید که در این شهر آشفته اتاقی دارید با رفیقانی از جنس خودتان که در کنارشان احساس امنیت میکنید. در همین خیالات خام پرواز میکنید که ناگهان چند نفر آدم چماق به دست عصبانی در را شکسته و چرتتان را پاره میکنند و پرده ادب و عفت را میدرند. نوامیستان را پیش چشمانتان ردیف میکنند و بر سر و رویتان میکوبند. از شکستی هر چه می یابند میشکنند و از دریدنی هر چه می یابند میدرند.

حیا و ادب را میبلعند و ظلم و تجاوز قی میکنند"...

بیخیال رفیق! جوگیر شده ای! ده نمکی هم دوربین به دست گرفته و فیلم میسازد. دوران چماق سالاری به سر آمده."

...

ضربه بعدی برق از چشمانم میپرانند. سرم به قدری داغ شده که در شکستش شک نمیکنم.

خدایا! اینا دیگه کین؟

این باتوم بود یا تیر آهن؟

اینجا ایرانه یا عراق؟

من دانشجو ام یا قاتل؟

"من مسئول بسیج الهیاتم! آقا تو رو خدا زنگ بزنی استعلام کنید!" دلم برایش میسوزد. یاد دوست حزب اللهی و احمدی نژادیم (!) می افتم که موقع حمله به اتاق، سعی میکرد بهشون حالی کنه که بسیجیه، اما اونا کاری به این حرفها نداشتند. یاد چند ساعت پیش می افتم. یاد آن دانشجوی بسیجی که تیر به چشمش خورده بود. بنده خدا با رفقای مذهبی اش جلوی مسجد کوی بوده اند که گاردیها تیر مستقیم به سمت کوی شلیک میکنند و چشمش آسیب میبیند.

باز جای شکرش باقی است که اگرچه عقلشان منجمد مانده اما ابزارشان کمی مدرن شده است! تیرهای پلاستیکی شلیک میکنند. یکی از همین بسیجیها میگفت اینها اندازه جلبک هم مغز ندارند! اگر داشتند که دیشب با آن فضاخت ساختمان ۲۳ را آتش نمیزدند. احمقها مثل نقل و نبات گاز اشک آور میزدند. میدانستند که همینجوری اوضاع کشور اشک آور هست. دانشجو نیازی به این گازها و فلفلها ندارد.

...

توی سلول در هم می‌لولیم. بوی گند دستشویی حالمان را به هم میزند. هر از گاهی دست و پای یکی از بچه‌ها میخورد به پای شکسته و ناله‌ی جگرسوز... بچه‌ها خسته شده‌اند. حال و حوصله رسیدگی به کسی که پایش شکسته را ندارند. احساس میکنیم که از زندگی ساقط شده. با اون پای شکسته و سر و کله خونی و هیکل استخوانی اش اصلا به چشم نمی‌آید. به یک تکه گوشت تبدیل شده. یکی از بچه‌ها بغلش کرد آورد توی سلول. بیچاره را باتوم میزدند تا بلند شود اما بنده خدا نمیتوانست تکان بخورد.

...

[...] "ها رو بشمار!"
"یک!" - "خواهر موسوی!"
"دو!" - "خواهر هاشمی!"
"سه!" - "خواهر خاتمی!"
"چهار!" - "خواهر کروی!"
"پنج!" - "خواهر ناطق!"
"شش!" - "خواهر کرباسچی!"
"هفت!" - "خواهر همه اینا!"

...

دستش را تا فیها خالدونمان فرورده تا مبادا آنجایمان کلاشینکوف قایم کرده باشیم. عجب بازرسی دقیقی!! با این مینی بوس کجا میبرندمان؟ اینطور که اینها پیش میروند کله ما را سوراخ خواهند کرد و دستشان را توی کله ما فرو خواهند برد تا ببینند آنجا چه خبر است. تویش خالی است و یا با گچ پر شده. خودم را برای انواع اعترافات و اقسام توبه‌ها و ندامتنامه نوشتن‌ها آماده میکنم. اعتراف به اینکه تا به حال هفت نفر را کشته‌ام. ۱۳ بانک را به طور مسلحانه غارت کرده‌ام. به همکلاسیهای دخترم به بهانه‌های سیاسی و

ولایت سرکوب

فرهنگی تجاوز کرده ام. از آمریکا پول گرفته ام. به تحریک موسوی و کروی قصد آشوب داشته ام. بسیاری از بانکها و مراکز دولتی و ساختمانهای مسکونی، مغازه ها، رستورانها و بیمارستانها و خیلی جاهای دیگر را آتش زده ام. دو تا مامور نیرو انتظامی را گروگان گرفته، یکیشان را کور کرده و دیگری را کشته ام. با سلاح تمام اتوماتیک به سمت مردم تیراندازی کرده ام.

سه نیروی لباس شخصی را با اطلاع از اینکه سرباز گمنام آقا هستند چاقو زده ام. مقادیر زیادی سلاح و مهمات به داخل کوی قاچاق کرده ام.

روش ساخت انواع بمب و کوکتل مولوتف را به همکلاسیهایم آموزش داده ام. عضو انواع گروهک ها هستم. ماه ها قبل از انتخابات در طراحی انقلاب مخملی همکاری داشته ام. از بنگاه های صهیونیستی خط میگیرم... مشغول اعتراف و ابراز ندامت که صدای نکره ای حواسم را پرت میکند: "بچه ها تونل درست کنید!" میخواهند با باتوم پذیرایی کنند. خدایا! انگار این یارو فیلم جنگی زیاد دیده! اما... نکند... شاید... ما که خرد و خمیر شدن اتاقهای خوابگاه و باتوم و مشت و لگد خوردن و فحش ناموس شنیدن را باور نمیکردیم، حالا در شش و بش آن بودیم که شکنجه های وزارت اطلاعات را باور کنیم یا نه!... شما چی؟... باور میکنید؟...

شبح سپر را روی سرم حس می‌کنم. دلم کمی آرام میشود که اگر باتوم بزنند به سپر میخورد.

اما اینبار مغزم از داخل میترکد. عجب خلاقیتی! باتوم را روی سپر میکوبید! به هیچ چیز نمیشود فکر کرد. تنها به درد و رنج. این کارها را از ساواک یاد گرفته اید؟

...

"من هفت روزه کسی رو... "سرباز گاردی که توی مینی بوس روی کمرم نشسته بود اینو میگفت. له شدن زیر یک تن لش با بوی گند عرق و تهدید شدن به اینکه امشب...

...

"مانکن! پاشو بیا!... زانو بزن! از این طرف نه! از اون طرف!"

"تو رو میگم! موقشنگ! پاشو ببینم"

ولایت سرکوب

"بدو! یالا! بشین! یک! دو! یک! دو! دستها بازتر! آشغال"

...

"خدا رو شکر کنید که سپاه شما رو نگرفت!" یکی از گاردیها تو زیرزمین وزرات کشور اینو میگفت. آدم بدی نبود. ستوان بود.

از اون کلاه کجها روی سرش بود. میگفت لیسانس حقوق داره. باهش گپ زدیم. ازمون پرسید "از من بدتون میاد؟" من گفتم "نه" اما فکر کنم دروغ گفتم. یاد قصه چماق و هویج افتادم. ظاهرا این بابا هویجشون بود!

...

"تازه ما به شما رافت اسلامی نشون دادیم. اونجا که برید سر جاتون میشاشید" اینو سرهنگشون که لباس شخصی داشت میگفت.

بعدا عکسش رو توی عکسهای اینترنت پیدا کردیم. خودشون خیلی هم ترسناک نبودند اما هر از گاهی ما رو از لولو میترسوندند. گاهی پلیس امنیت، گاهی سپاه، گاهی وزارت اطلاعات، گاهی اوین و گاهی جوخه اعدام و چوبه دار! راستش رو بخواهید من ترسیده بودم. ادعای مسلمانی داشتند اما اصلا قابل پیش بینی نبودند. سرمون منت میذاشت که اسلامی عمل کرده و گرنه اینا وظیفه ندارند اسلامی عمل کنند که! چه توقعاتی!؟

...

"برای ما فرقی نمی‌کنه شما به کی رای دادین. اصلا شاید من خودم به موسوی رای داده باشم. ما فقط ماموریم «نظم» رو توی جامعه برقرار کنیم" هفت خواهر رو که یادتونه؟

...

"مادر [...] را فحش میدهید؟! دقت میکنید؟"

سرباز گارد به جای اسم یکی از سران مملکت... آنقدر عجیب است که حتی الان شک میکنم که آیا واقعا چنین چیزی را شنیدم یا نه! بعدها که آقا گفت حمله به کوی محکوم است - یا یه همچه چیزهایی - توی دلم گفتم نکنه واقعا خبر نداره آقا؟

نکنه این لباس شخصی ها گوش به فرمان کس دیگری هستند. نکنه قصه کودتای مخملی (!) راست باشه؟

ولایت سرکوب

ای آقا! وارد معقولات نشیم بهتره! دوستان به ما توصیه کردند که سیاسی و احساسی و یا جانبدارانه ننویسیم. چشم! ما سعی خود را میکنیم، اما مگر میشود کتک بخوری و بیطرف بمانی؟ نمیدانم. شاید بشود.

...

اولین شنبه شب بعد از انتخابات- امیرآباد شمالی- جلوی کوی پسره گیر داده به بانک. میله- ی یکی از این تابلوهای ورود ممنوع را گرفته هی لای در آکاردئونی بانک میکنه تا بازش کنه. میرم جلو میگم بیخیال شو. اما گیر داده ول نمیکنه. جمعیت مردد است. بعضیها تشویقش میکنند و بعضی ها هم میگویند نکن. میله را از دستش میکشم و میبرم پرت میکنم وسط خیابون. گاردیها پایین امیرآباد ایستاده اند. میروم جلو. سه چهار تا از بچه ها جلو هستیم.

گاردی ها کمی عقب نشینی کرده اند. تعجب کرده ایم. موانع را کمی جلوتر میبریم تا در پایین کوی آزاد شود. دارم یکی از این بشکه ها -از همانها که برای بنایی استفاده میکنند- قل میدهم که ناگهان از لای درختهای جلوی فنی -همون که شهرداری گل و گلدون توش میفروشه- لباس شخصی ها مثل مور و ملخ میریزند بیرون. منو میگی با دمپایی مثله اسب میدوم بالا. بچه ها شیاطین لباس شخصی را با سنگ رجم میکنند. پچ پچ بلند میشود که چندتا از بچه ها رو گرفتند. خدایا! این لباس شخصی ها عجب مارمولکهای هستند! دزد و پلیس بازی میکنند. جوگیر شده اند.

آن وقت توقع دارند که... برمیگردم بالا نزدیک بانک. میبینم میله را لای در فروبرده اند و این بار چند نفری باهم... بالاخره در را میشکنند و هورا میکشند و آتش میزنند بانک را و بر باد میدهند غیره و ذالکش را.

...

"من توی این سه سال به اندازه امشب کتک نزده بودم" این را یکی از سربازهای گارد توی زیرزمین وزارت کشور میگفت.

برای سربازهای گارد هم تجربه هیجان انگیزی بود. وقتی ما را از اتاق بیرون آوردند جلوی ساختمان ۱۶ و ۱۷ نشاندد و شروع کردند به حال و هول. یکیشان روی زمین

ولایت سرکوب

زانو زد و با مشت پرید توی صورت رفیقم. آن دیگری کله مرا گرفت و با زانو زد توی صورتم و صدایی درآورد که ما وقتی بچه بودیم برای هیجان دادن به بازی ها و دعواهایمان در میآوردیم.

خدا رو شکر ضربه اش خیلی هم جون نداشت.

همه ی انرژی اش را صرف شکستن در و پنجره ها و وسایل اتاق ها کرده بود. دق دلی سه سال خدمت آرام را سر ما خالی میکرد. هیجان قضیه بالا بود.

بعدها از دیگر رفقا شنیدیم که آنها را دمر روی زمین خوابانده اند و وقتی یکی از بچه ها - که کاملا اتفاقی همان رفیق فوق الذکر بود که اتاقش اسم رمز داشت! - سرش را کمی بالا آورده آنچنان با باتوم بر سرش کوبیده اند که... برای که مینویسی؟ چه کسی باور میکند؟ ما خودمان هم باور نمیکردیم.

...

گفتند "برگردین آسایشگاهتون (!)" اما وقتی داشتیم گیج و منگ برمیگشتیم سمت اتاق دوباره صدامون کردند.

"احمق! سنگ میزنی؟"

فحش میدی؟

تو بچه سوسول میخوای انقلاب کنی؟

"ضربات دستش پیوسته بر سر و صورتم فرود می آمد! صدای فرشته ای بلند شد "نزنش آقا! نزن! نزن!" فرشته من را از چنگ او در آورد... با دستی سنگینتر و شرارتی افزونتر شکم را هدف گرفت. یعنی حتی فرشته-ها هم...؟"

...

"توکه به ما میخندیدی و میگفتی الکی جو میدیم! چی شد؟" اینو همون رفیقمون بعد از آزادی میگفت. آخر ما مسخره اش میکردیم که حمله به کوی را جدی گرفته. برای اتاقش اسم رمز گذاشته. از اول شب توی اتاقش کز کرده و... "همین دیگه! اینقدر الکی جو دادین که آخر جو هممون رو گرفت!" باز هم مسخره بازی در می آوریم و جوابش را با

ولایت سرکوب

خنده می‌دهیم. به قول آن نویسنده-ی معلوم الحال زندیق «فریبی که ما را خرسند میکند بیش از صد حقیقت بر ایمان ارزش دارد»

...

"مادر [...]! بیایید بیرون!" او هل میداد و من مقاومت میکردم. یکی از تخت‌ها را جلوی در گذاشته بودیم. خسته شده بود. از پنجره اتاق دیده بودیمشان که چطوری ده نفری میریختند سر بچه‌ها و میزدندشان.

از ترس تخت را جلوی در گذاشته و ترسان و لرزان به انتظار نشسته بودیم. شیشه‌ها و درها را میشکستند و بالا می‌آمدند. خسته بودند و خسته‌تر شدند از مقاومت ما. رهایمان کردند. نفسی نیمه‌آسوده کشیدیم که یک نفر دیگر گیر داد که شماها چرا بیرون نیامده‌اید و شروع کرد به فحش دادن و تهدید کردن. چند نفر دیگر هم به کمکش آمدند. یکیشان از روی تخت آمد تو. بالاخره تسلیم شدیم. به زور باتوم بیرونمان کردند.

...

"چه بوی گندی میاد! کسی تو شلوارش ریده؟" اگر رفقای ما فلان جایشان را از ترس خراب کردند، حق داشتند. چرا که نمیدانستند با چه کسانی روبرو شده‌اند. چه بسیار امثال من که منکر شکنجه‌های حکومت بودند و آن شب همه‌اش را باور کردند حتی از فلان آویزان کردن را. خرابی ما با دو آفتابه آب برطرف میشود اما خرابی شما چطور؟ خودتان را خراب کردید حضرات نیروی انتظامی! بدجور هم خراب کردید. دل‌تان خوش باشد که زهر چشم گرفته‌اید.

اما نفهمیده و ندانسته خودتان را رسوا کردید حضرات آقایان! ترس‌ها و دلهره‌هایتان را آشکار کردید. از چهارتا دانشجوی لاغر و زردنیو می‌ترسید؟

باتوم و شلاق و سپر و لباس ضدشورش و موتور و گاز اشک‌آور و فلفل و تیر و... پایش بیفتد تانک هم می‌آورد. پشتوانه ۴۰ میلیونی که دارید، پس از چه می‌ترسید؟

مجوز میدادید برای راهپیمایی‌ها، حمایت میکردید از تظاهرات مردم. مانند قبل انتخابات عمل میکردید که دانشجویها با زیرپوش و لباس راحتی تا میدان انقلاب میرفتند و می‌آمدند

ولایت سرکوب

و هیچ اتفاقی هم نمی افتاد. ای کاش اندکی عقل داشتید. (از خواننده گرامی بابت این سخنان تند عذر میخوام. اما واقعا به اینجام!) رسیده!

...

شبهای مناظره- هفته قبل از انتخابات- منطقه امیرآباد و میدان ولیعصر
مناظره احمدی نژاد و کروبی دقیقی پیش تمام شده. دانشجویها مثل شبهای پیش- با شور و
حالی که از دانشجوی جماعت بعید است!- راهپیمایی انتخاباتی را آغاز میکنند. از کوی
دانشگاه به سمت خیابان فاطمی و سپس میدان ولیعصر و بلوار کشاورز و دوباره کوی
دانشگاه. با زیرپوش و دمپایی و شلوارک. حتی بعضی ها بالش هم بغل میکنند! پلیس
حضور دارد اما دخالتی نمیکند.

هیچ خشونت‌ریخی نمیدهد. گاهی رفتار پلیس تهدیدآمیز میشود اما انگار از دمپایی و
زیرپوش بچه ها خجالت میکشند! بچه ها از اینکه می توانند بدون مزاحمت و بدون
خشونت آزادانه در خیابان های تهران بچرخند و شعار بدهند در پوستشان نمی گنجند!
بیشتر دانشجویها طرفداران موسوی و کروبی اند. در میدان ولیعصر طرفداران احمدی
نژاد هم هستند. با وجود شعارهای تند هیچ برخورد فیزیکی رخ نمیدهد. پلیس فقط تماشا
میکند.

...

[...] " نکبت ایستاده میشاشه! اگه یکی دیگه رو ببینم که ایستاده میشاشه خشتکشو
میکشم سرش!" مگر در را باز میکنند؟
از کجا دیده؟

ما را که برد دستشویی در را بستیم و با خیال راحت خودمان را تخلیه کردیم تا مبادا در
ادامه بازداشت و توهین و تحقیرها شلوارمان را خیس کنیم. همان دستشویی دو طبقه
بالاتر؟

زیرزمین دوم وزارت کشور؟

همانجا که ماشین های قفس دار یگان ویژه پارک بودند؟

مگر شما را هم همانجا نبردند؟

ولایت سرکوب

اتفاقاً درش هم خراب بود و باز میشد و یک سنگ پشت در می گذاشتند تا در باز نشود. آنجا برای من واقعا مستراح بود و محل استراحت! در کل آن ۲۴ ساعت فقط همان ۳۰ ثانیه آرامش داشتم! اما انگار همین آرامش را هم از بعضی دریغ کرده اند!

...

"-سرها پایین!"

"-بخواب!"

[...]"-سرت رو بگیر بالا!"

"-همکارتون گفت..."

"-خفه شو! سرت رو بگیر بالا. خوابت نبره."

"-بگیر پایین سرتو!"

"-مادر!" [...]

...

باتومها بال در می آورند و پرواز میکنند. مثل مرغ ماهیخوار شیرجه میزنند. سپرها رژه میروند. حجم خالی فضا از گاز و دود پر میشود. بوی اشک آور می آید. اشکها به رودها و رودها به سیلاب تبدیل میشوند و بالا میروند و باران میشوند و دوباره... چشمها از حدقه درآمده اند و در میان پوتینها قدم میزنند. پوتینها رشد میکنند. قد میکشند و بالا میروند. بالا و بالاتر.

دستها کنده و در گوشه ای تلنبار شده اند. پاها در صفهای منظم خبردار ایستاده اند و گوش به فرمانند. سکوت سروصدایی برپا کرده است!

...

دیگر چیزی برایم مهم نیست، از همان اول هم مهم نبود. از همان موقع که در اتاق نشسته بودیم. انگار همه‌اش رویایی بیش نبود. نقشه‌هایشان برایم نقش بر آب شده بود. دستشان را خوانده بودم. بازیشان را خوب بلد بودم. فقط باید مواظب ضربات بود. باقی اش ارزش فکر کردن هم ندارد. تنها یک چیز نگرانم می‌کرد: مادرم.

...

ولایت سرکوب

توی زیرزمین وزارت کشور دنبال دوستانم گشتم و یکی یکی پیدایشان کردم. هم اتاق که بودیم هم بند هم شدیم! چندباری به هم نگاه انداختیم و چشمکی و گهگاهی حرف و سخنی. همه بودند. به جز... معده ام سوخت. یکی از بچه ها را هر چه میگشتم پیدا نمیکردم. یعنی کجا بردنش؟ اطلاعات؟ اوین؟...

...

پرسید "به کی رای دادی؟" گفتم "کروبی" یکی از این ستوان و سرهنگ ها بود. چند کلمه ای با هم اختلاط کردیم. همون موقعی بود که یه یاروی لباس شخصی که گویا اسمش هم علی بود داشت از ما فیلم میگرفت با موبایلش و اسم و مشخصات و گهگاهی هم یک متلک و مثنی یا لگدی.

یادم نیست دقیق چی گفتم و چی گفت.

گفتم "شماها بچه ها رو تحریک کردین" اما یادم نیست چی جواب داد. اشاره میکرد به ماجرای سال ۸۶ که کوی به خاطر اعتراض به غذا شلوغ شده بود.

خلاصه هرکسی از راه میرسید یه سری به ماها میزد و یه سوالی میکرد و یه انگولی مینمود! علی الخصوص یه سرباز صفر بچه سال که هنوز ریشش هم در نیومده بود! چپ و راست میرفت و به هر بهانه ای لگدی یا شلاقی حواله ما میکرد.

از هیچ کدام این گاردیها به اندازه این یه الف سرباز صفر متنفر نشدیم. مثلا به شما گیر میداد که چرا گوشه لبنتان لبخند است! یا اینکه چرا به جای دوزانو نشستن زانوهایتان را بغل کرده اید یا چرا چهارزانو نشسته اید یا چرا سرتان کمی به بالا متمایل شده و یا چرا از گوشه چشمتان اطراف را نگاه کرده اید. یا چرا دستهایتان کمی شل بسته شده.

آنقدر ادیتمان کرد که آخرهای قصه، فرمانده شان به طور غیابی و خطاب به باقی گاردیها تهدیدش کرد که میفرستدش بازداشتگاه! ایول به مرام فرمانده! جمله آخر را هم گفتیم تا فردا نگویند فلانی بی انصاف است! راستش را بخواهید سربازهای گارد نمیفهمیدند که چه زجر و توهینی به ما روا داشته اند.

از ما میپرسیدند که چند نفرتان خدمت رفته اید. کاملا محسوس بود که میخواهند دق دلی سختی خدمتشان را سر ما خالی کنند!! دعوای دیشب با خانواده شان را هم ایضا. یکیشان

ولایت سرکوب

میگفت "شماها که پول مملکت را میخورید و میخوابید و صبح تا شب هم دختربازی میکنید! چه مرگتان است؟"

مته بچه آدم بشینید درستان را بخوانید!" شاید همه اش بروز ناخودآگاهانه ی عقده های سرکوفته بود. شاید فروید راست میگفت! شاید آنها هم مقصر نبودند...

...

"بچه ها شرمنده اگه بوش میاد!" دستشویی کنار سلول در نداشت. دمپایی یکی را قرض گرفتم رفتم دستشویی تا اگر کتکمان زدند مثانه ام خالی باشد آبروریزی نشود! سلول حدود پانزده الی بیست متر مربع بود. بدون نورگیر و هواگیر. ۴۶ نفر کنار هم تلنبار شده بودیم. یه سوراخ کوچکی بود که هواکش داشت و یه لامپ کم مصرف کوچک. مرکز مبارزه با مواد مخدر شاپور. به قول وزارت کشوری ها "پلیس امنیت."

...

"میخواستید انقلاب کنید؟"

میخواستید نظام را عوض کنید؟

چرا مته موش آب کشیده شدید؟"

احساس میکردند جلوی یک انقلاب را گرفته اند. واقعا جوگیر بودند. دلشان میخواست کار مهمی کرده باشند.

...

"میشناسمش!" دانه دانه چنگ میزد به مویمان و سرمان را میکشید عقب تا شناساگرشان شناساییمان کند. یادم نیست گفت "میشناسمش" یا گفت "آشناست". توی دلم گفتم شاید واقعا از رفقاییمان است.

بالاخره ما توی فامیل و دوستهاییمان رفیق بسیجی هم داریم. خودمان هم در نزد بعضی دیگر از رفقاییمان بسیجی محسوب میشویم! مرا بردند کنار تیر چراغ برق. روی سر بعضی از بچه ها کیسه میکشیدند.

یه چیزی مته پاکت شیرینی. گفت دستهایت را بگیر به تیر چراغ. تیر چراغ را بغل کردم تقریبا. یه نفر با باتوم روی انگشتانم میزد تا روی تیر چراغ مرتب شوند! پیرهنم را

ولایت سرکوب

کشیدند روی سرم. انگشتهای شست دو دستم را از پشت به هم بستند با تسمه ای پلاستیکی.

...

وقتی از تونل لباس شخصی ها در نزدیکی ساختمان ۲۳ با لگد و فحش بدرقه شدیم و از در پایین خوابگاه آمدیم توی امیرآباد، من را از بقیه جدا کرده و سوار موتورم کردند و بردند. فلان فلان شده ها استاد جنگ روانی بودند. بدجور جو میدادند! آنقدر که حتی خودشان هم باورشان شده بود خبر خاصی است! موقعی که سوار موتورم کردند، پیوسته بدویبراه میگفتند. موهام در چنگ نفر پشتی بود و نفر جلو سرش را به عقب پرت میکرد تا کوتاهترین لحظات را از دست ندهد!

...

"سیاسی هستی؟" خنده ام گرفته بود از سوالش. گفتم "منظورتون چیه؟"

یعنی روزنامه و کتاب بخونم؟"

اوضاع خنده داری بود. پرسید "هم کلاسیهای سیاسی ات کیان؟"

کیا توی خوابگاه جو میدن؟" یادم نیست چی شد که یه دونه خوابوند زیر گوشم و گفت "دروغ نگو!" عجب دست توپولی داشت!

گفتم "من دروغ نمیگم" گفت "کیا توی خوابگاه جو میدن؟"

من اسم میخوام. نیگا کن رفیقت اسما رو نوشته برام" یه تیکه کاغذ رو جلوم گرفت که با خط خرچنگ قورباغه یه چیزایی توش نوشته شده بود. گفتم "من آدم سیاسی نیستم" گفت "شجاع بازی در میاری؟"

وقتی [...] تو [...]ت کردم حرف میزنی" اون طرف تر چند تا از بچه ها رو روی زمین نشونده بودند. باتوم برقی میزدند یا چیز دیگه نمیدونم اما ناله بچه ها درآمده بود. دلم ضعف میرفت.

...

"-اینو نیگا چه قیافه مظلومی داره" پای برهنه ام رو نشونش دادم گفتم "اینجا از گوانتانامو هم بدتره" از پشت لگد زد.

ولایت سرکوب

کمی بعد او مد جلوتر. موهای جلوی سرم رو گرفت کشید. "شماها نجس اید! آگه ما رو گیر میاوردین تیکه پارمون میگردین" جواب دادم "فعلا که شما داری منو تیکه پاره میکنی"

...

خیلی هایمان پابرهنه بودیم. کف پارکینگ چهارم وزارت کشور روی زمین خاک و خل و روغنی حدود ۱۴ ساعت نشسته بودیم. با دستانی که از پشت بسته بودند. البته رفت اسلامیشان را هم بگویم که فردا نگویند فلانی بی انصاف است: یکی دو ساعتی اجازه دادند کف زمین ولو شویم. دست من را هم یکیشان از پشت باز کرد از جلو بست که راحت بخوابم. کمرم درد میکرد. پشت سرم را نمیتوانستم زمین بذارم. با کوچترین تماسی تیر میکشید. به پهلو دراز شدم.

...

آهای لباس شخصی ها! آهای نیروی انتظامی! خیلی خوب زهر چشم گرفتید از ما! دست مریزاد! ایول به هنرنمایی هایتان! من اعتراف میکنم که از شما ترسیدم. شماها به طرز وحشتناکی احمق هستید. و چه چیز ترسناکتر از یک احمق؟ (خواننده گرامی! ما سعی میکنیم که بیطرف باشیم و جانبدارانه ننویسیم اما چه کنیم که این لباس شخصی ها و نیروی انتظامی نمیگذارند که ما بیطرف بمانیم!)

...

"مگه شماها نماز هم میخوانید؟"

خاک بر سرتون. حالا همشون نماز خون شدن!" سر ظهر کمی مهربان شده بودند. یکی از دوستان نزدیکم و چندتای دیگر رفتند برای نماز. آن دوستم را خوب میشناسم. نمازش قضا نمیشود. اما تا آن لحظه نماز صبحش قضا شده بود. بعضیها که سر و دست و لباسشان خونی بود سوال میکردند که چه باید کرد؟ یادم باشد برای دفعات بعد از آقا استفنا کنم که در این مواقع چه باید کرد!؟

"-ببخشید. صابونی چیزی هست؟ با این دست و پای کثیف..."

"-همینی که هست. وضوتو بگیر خدا خودش قبول میکنه!"

...

یکشنبه بعد از انتخابات، امیرآباد شمالی، جلوی دانشکده فنی، ساعاتی قبل از تجمع احمدی نژادها در ولیعصر

دو تا موتور شاسی بلند خفن، لباس شخصی، دوترکه، باتوم به دست، مشغول استعمال الفظ رکیک کاف دار برای مردمی که جلوی در فنی ایستاده اند.

در حال محافظت از گروه بیست نفره ای که در حمایت از احمدی نژاد به سمت جشن پیروزیشان در ولیعصر در حرکت اند و هنگام عبور از جلوی در فنی امیرآباد با شعارهای "احمدی بای بای" و "مرگ بر دیکتاتور" بدرقه میشوند. حتی به خانمهای محجبه هم رحم نمیکنند.

با چنان اطمینانی فحش میدهند که من حقیقتاً میترسم. جهالت در چهره هایشان موج میزند. از محیطی که برای رشد این قبیل آدمها فراهم شده میترسم. دوست بسیجی و حزب اللہیم جلو میرود و میگوید "آقا صلوات بفرست!"

...

"-از ثارالله اومدید؟"

"-اسم نبر احمق!"

...

موهای سرم را در مشت گرفته و سرم را میپیچاند. "چی مصرف میکنی؟" لگد میزنند تا نقش زمین ات کنند.

...

یکشنبه بعد از انتخابات - خ فاطمی - پیاده روی جلوی وزارت کشور - ساعاتی قبل از تجمع احمدی نژادها در ولیعصر (ساعتی پس از ماجرای جلوی فنی)

"آقا سریعتر برو! وای نستا!" یه سربازه باتومش رو تکون میده و نمذاره کسی اون جلوها وایسه.

چند لحظه ای می ایستم و وزرات کشور را تماشا میکنم. "وای! اونجا رو ببین! یکی از اون موتورهای لباس شخصی که جلوی در فنی امیرآباد دیدیم! چه جالب! عین فیلم

ولایت سرکوب

سینمایی شده! یعنی دنیا اینقدر کوچیکه؟" به میدان فاطمی که میرسم... یا ابوالفضل! مثل سوسک و مورچه و ملخ، پلیس و گارد و غیره ...

...

"راه بیفت [...]!" و باز هم قصه فحش و مشت و لگد. "از پایین نبرید تکه پاره شان میکنن" دلش بر ایمان سوخته بود؟

لباس شخصی ها ساختمون ۲۳ را گرفته بودند.

لباس شخصی ها از پایین کوی و گاردی ها از بالا و از در اصلی کوی حمله کرده بودند. "سر پایین!" یعنی میترسیدند از شناخته شدن؟

"به رهبر فحش میدید؟" احساس میکرد فتنه عظیمی را خاموش کرده و کار بزرگی را به ثمر رسانده "ما برای نظام شهید دادیم."

...

"زنگ بزنی بنیاد شهید آقای [...]]. من فرزند شهیدم. نامه داده بود که کوی مهمان بشم" التماس میکرد. "خفه شو! من خودم برادر شهیدم! آبروی ما رو بردی! اون پسره میگه دیده که داشتی سنگ میزدی!" یه پسره را که ته صف نشسته صدا میکند. پسره می آید و مثل یک آدم رذل میگوید او را دیده که سنگ میزده است! خدایا! این پسره دانشجوست؟

حضرات اینقدر ترسناک اند یا دانشجوها اینقدر ترسو شده اند که برای خودشیرینی...

...

"بگو من خرم!" با موبایل از بچه ها فیلم میگرفت. پسره هم بی معطلی گفت "من خرم!" نمیدانستم اگر از من چنین چیزی بخواهد چه میکنم.

آیا از لگدها و شلاق زدنهایش میترسم یا اینکه... بدبختانه قابل پیش بینی هم نبودند. آنچنان زهر چشمی از ما گرفتند که هیچ شکنجه ای را از آنها بعید نمیدیدیم.

"-اسمت چیه؟... بگو الاغ"

"-الاغ"

ولایت سرکوب

یاد حرفهای اون سرهنگه که می افتم دلم میخواد یک فصل کتکش بزنم. سر ما منت میذاشت که با رافت اسلامی باهامون برخورد کرده.

"چی میخونی؟"

"الهیات"

"خفه شو [...]! تو الهیات میفهمی؟" (خواننده گرامی! من حوصله ندارم هر جا که مشتم و لگد و باتوم میزدند بنویسم که چه گونه میزدند. خسته شدم. همانطور که آن لحظات از این همه کتک خوردن و تحقیر شدن و بلاتکلیفی خسته شده بودم).

...

"سرش خونریزی داره. همینطوری بمونه ممکنه بمیره!"

"بذار بمیره!"

...

شایع شده بود که چند نفری را کشته اند. همه میپرسیدند از کشته ها چه خبر؟ میگفتم من خبر موثق ندارم. اما آنطور که آنها حمله کردند هیچ بعید نیست چند نفری را هم...

...

"شما فکر کن برادر کوچیک خودت. پسر خودت. این آگه چشمش رو از دست بده یک عمر بدبخته. یه پزشک ببریدش. چشمش چرک کرده." چشمش آنقدر سیاه شده و باد کرده بود که خود گاردی ها بهش میگفتند "اونی که کوره!". ما نگرانش بودیم. خودش هم خیلی ساده بود.

"بره از همونهایی که تحریکش کردن کمک بخواد!"

...

خواننده گرامی خیال نکند به ما خیلی هم بد میگذشت. پس از مدتی به نظم موجود (یا همان بی نظمی خودمان!) عادت کردیم. انگار درستش هم همین بود. درستش همین بود که آن ها بازخواست کنند و ما پاسخگو باشیم. آنها فرمان بدهند و ما مطیع باشیم. درستش همین بود که ما با دستان بسته روی خاک و خل بشینیم و آقایان با پوتین واکس زده جلوی ما رژه بروند و بر سر ما بکوبند. انگار از اول هم حق ما همین بود که کتک بخوریم و

ولایت سرکوب

فحش بشنویم و سرمان را پایین بگیریم. انگار تا آخرش هم همین-طور بود: آن هنگام که فرشته های نجات در حیاط "پلیس امنیت" برایمان نطق آزادی میکردند. آن هنگام هم طبق عادت روی زمین، در صف و ستون منظم مینشستیم و سرمان را پایین میگرفتیم! شنبه بعد از انتخابات- خ فاطمی- سه راه کاج- نزدیک وزارت کشور- بعد از ظهر جمعیت معترضین از غرب خیابان حجاب به سمت وزارت کشور در حرکت هستند. سر سه راه کاج عده ای بسیجی که پرچم ایران و عکس احمدی نژاد در دست دارند خیابان را سد کرده اند.

جمعیت معترض با فاصله صد متری آنها کف خیابان مینشیند و آرام شعار میدهد. ناگهان «الله اکبر» گویان راهرویی در صف بسیجیها باز میشود و گاردیها با لباسهای سوسکی از پشت سر بسیجیها به سمت جمعیت معترض حمله ور میشوند. موتورسوارهای سوسکی هم پشت پیاده ها می آیند و جمعیت معترض را میزنند و متفرق میکنند. عده ای از مردم در پیاده روها و کنار خیابان مثل تماشاچیها ایستاده اند. جمعیت معترض که به عقب رانده شده بود ماشین آر دی یک آخوند را که از غرب به شرق فاطمی حرکت میکرد خرد و خمیر میکند. ماشین آخوند از یکی از کوچه های قبل از سه راه کاج به سمت جنوب میرود و از مهلکه میگریزد. لباس سوسکی ها موبایل یه پسره را ازش میگیرن. پسره گریه می کند.

مادرش هم پیشش هست. میگوید موبایل برای خودش نیست. خودش رو هم میخوان بگیرن. مردم پادرمیانی میکنند. یه درگیری لفظی بین پلیس ها و مردم پیش می آید. خانم چادری تسبیح به دست در حال عبور، زکرش شده لعن و نفرین به...

...

آن طرف زیرزمین داشتند کار ساختمانی میکردند. سروصدا و گرد و خاکش نصیب ما بود. نور آفتاب را آن سمت میدیدم. شاید هم نور چراغ بود. حدس زدم صبح شده. یک کارتن آوردند تویش ساندویچ نان و پنیر بود. میگفتند اضافه ی صبحانه بچه هاست که برایتان آورده ایم.

ولایت سرکوب

بیچاره ها دلشان میخواست مهربان و بامرام باشند اما راهش را بلد نبودند. نمیدانستند که درد ما نان و پنیر نیست.

...

"فکر کردین فقط نظر شماها مهمه؟"

یعنی اون کشاورزی که توی دهاته رایش به درد نمیخوره؟

شماها فکر کردین کشور فئودالیه؟"

داشت نصیحتمان میکرد در حد وسع خودش.

...

طرفهای بعدازظهر هم که قرار بود بفرستندمان "پلیس امنیت" میگفتند هنوز اتوبوس نیامده. منتظر بودیم. سه تا سه تا جدایمان کردند و برایمان ماکارونی آوردند. میگفتند از سهم ناهار خودشان برایمان آورده اند.

آب هم دادند. قاشق نداشت.

ولی سس گوجه داشت. نان لواش هم بود.

رفت اسلامی آقایان است دیگر. از تساهل و تسامح، نان و پنیر و ماکارونی اش را خوب یاد گرفته اند! سرهنگشان میگفت "اگه نخورید جلوی اسمتان مینویسم اعتصاب غذا تا پدرتان را دربیاورند" در آن اوضاع مسخره، خوشمزگیهای جدی مآب آقایان هم بدجوری بیمزه بود.

...

سوار اتوبوسمان کردند. "به پرده ها دست نزنید. سرها رو بذارید رو صندلی جلو. کسی سرشو بیاره بالا سرشو میترکونم" سرم روی صندلی بود اما زیرچشمی به بیرون نگاه می کردم. از پشت پرده بیرون خوب دیده نمی شد. اما به خوبی ساختمون وزارت کشور رو تشخیص دادم. بعدش هم میدون فاطمی، بلوار کشاورز، پل کالج... "پایینو نگاه کن [...]!" نمی دونم با من بود یا نه. اما در هر صورت ترسیدم و نگاهم رو به پایین انداختم. دیگه نتونستم بقیه ی مسیر رو دنبال کنم.

...

ولایت سرکوب

زیرزمین وزارت کشور خلایی بود که هر بلایی میخواستند میتونستن سرمون بیارن. هیچ نشانی از قانون نبود. رافت اسلامی شان هم که... وارد "پلیس امنیت" یا همون مرکز مبارزه با مواد مخدر که شدیم خیالمون کمی راحتتر شد.

چون لااقل یه دفتر و دستکی میدیدیم. بوی ضعیف قانون می آمد. چهارتا کاغذی، عکسی، پرونده ای... بچه ها را توی راهرو نشانده بودند.

دانه دانه صدا می کردند. باید اسم پدرتو بلند می گفتم. اسم من رو که خوند بلند شدم و رفتم. دو ضربه ی باتوم محکم بر گرده ام فرود آمد.

فقط به خاطر اینکه ۲ ثانیه و ۵ صدم ثانیه اسم پدرم را دیر گفتم! یکی از بچه ها که خیلی اعصابش به هم ریخته بود بعدها میگفت "بدترین چیزی که حال منو به هم می زد این بود که جای شاکی و متهم عوض شده بود. نصفه شبی می ریزن تو محل زندگیت، همه چیز رو له و لورده می کنن.

از روی تختخواب با چک و لگد و فحش و بدویبراه می برنت. یه ۲۴ ساعت عذابت میدن. بعد به خاطر اقدام علیه امنیت ملی ازت شکایت می کنن بعد هم با ریش سفیدی و پادرمیانی دو نفر که از خودشون منت سرت می ذارن و آزادت می کنن، تازه اونم به قرار کفالت، یعنی مرامی، یعنی در واقع باید می فرستادنمون اوین، اما لطف کردن و موقتا آزادمون کردن، اما پروندمون همچنان بازه. این است مملکت اسلامی آقایان"

...

"-گرایشم کنترله"

"-کنترل کیفیت؟"

توی زیرزمین وزارت کشور پایم را دراز کرده و به ستون تکیه داده بودم. ماکارونی را میبلعیدم که سربازه آمد سر صحبت را باز کرد و راجع به رشته ام پرسید.

جواب دادم "نه! منظور کنترل یک سیستم. کلا از هر نوع"

گفت "خفه شو! خودم میدونم!"

نمیدانستم باید بخندم یا گریه کنم!

...

ولایت سرکوب

بالاخره اینها هم مامورند و معذور. باید امنیت را تضمین کنند برای مردم. اگر روی خوش به مجرم نشان بدهند که دیگر امنیت را نمیتوانند برقرار کنند. بالاخره تشر زدن و زهرچشم گرفتن لازم است. توهین و فحش و تحقیر اجناب ناپذیر است. (خواننده گرامی! کمی شوخی با برویج وزارت و نیرو انتظامی که ایرادی نداره؟)

امنیت ملی که دچار مشکل نمیشه؟ ها؟) دانشجو باید بداند که در رختخواب خوابیدن(!) بدون هزینه نیست. دانشجو نباید فکر کند که استراحت کردن کار راحتی است. دانشجو نباید فکر کند که ایجاد تغییر و یا حتی ایجاد عدم تغییر (!) آسان است. دانشجو باید بداند که همه ی اینها در حکم محاربه با نظام و اقدام علیه امنیت ملی است. خوابیدن در اتاق کوی که جای خود دارد، اعتراض و انتقاد که دیگر حرفش را هم نزن که ازت دلخور میشم! دانشجو بداند که اصلاحات و انقلابات و تغییرات و کلا این مزخرفات هزینه دارد. دانشجو باید پیه این هزینه ها را به تنش بمالد.

مگر دیگری که برای ما انقلاب کردند و سپردندش به دست ما کم سختی کشیدند؟

حالا ما الکی الکی این انقلابی را که برای ما کردند بدهیم دست شما؟

بدهیم دست شما بچه مزلفهای غربتی؟

نخیر! دانشجو بداند که مملکت هرکی به هرکی نیست. مملکت باتوم و گاز اشک آور دارد. مملکت لباس شخصی دارد. مملکت پلیس ضدشورش و یگان ویژه دارد. وزارت کشور مملکت، زیرزمین دارد! زیرزمین وزارت کشور چراغ دارد. دستشویی دارد. کمربند و شلاق دارد.

هرچند به بیرون در و پنجره ندارد اما مملکت "حاج مالک" دارد! برای بریدن موهای بلند تیغ دارد! برای تراشیدن موی مو قشنگها ماشین اصلاح موزر آلمانی دارد! برای غلتاندن و ادب کردن بچه های بد، زمین خاک و خل و روغنی دارد. یک لباس شخصی به اسم "علی" دارد که موبایل دوربین دار از نوع سونی اریکسون کا-سیصد دارد و حتی با پای شکسته اش هم حال و حوصله بازجویی سرپایی دارد.

یک سرباز صفر عقده ای دارد. مملکت زندان و شکنجه دارد. مملکت بازرس اطلاعات دارد. مملکت مفتش عقیده دارد.

ولایت سرکوب

مملکت پلیس امنیت دارد. لولوخرخره دارد. مرکز مبارزه با مواد مخدر دارد. آن مرکز چندین سلول دارد. سلول، دستشویی بدون در و پیکر دارد. بوی گند دارد. البته مملکت سیب زمینی هم دارد!

...

پوستش را ریختیم جلوی دستشویی. جای دیگری که نمیشد ریخت. تازه جلوی دستشویی هم بچه ها دراز کشیده بودند. بوی گند دستشویی جلوی آن را خلوت میکرد. نان و سیب زمینی را به زور فرو کردیم در حلقمان. "نگهبان! نگهبان! نمک را بیاورید!" سیب زمینی را با نمک خودمان خوردیم!! سلول پانزده بیست متری فرصتی بود تا با خودمان خلوت کنیم. راحت حرف بزنیم و درد دل کنیم. بگوییم و بخندیم و شعری زمزمه کنیم. با اتوبوس آوردندمان اینجا. ۴۶ نفری که با دو دستگاه مینی بوس برده بودند وزارت کشور با یک اتوبوس منتقل کردند به اینجا. آنجا -منظورم همین اینجا است!- عده دیگری از بچه های خوابگاه را دیدیم. ۸۷ نفر را. ۸۷ نفری که از همان اول آورده بودند پلیس امنیت. جمع بزنید این دو را میشود ۱۳۳ نفر؟

۱۳۳ تا دانشجو را گرفتند برایشان پرونده اقدام علیه امنیت ملی ساختند. تعداد دیگری را هم بردند اوین. بعضیها را تا همین الان که اینها را مینویسم آزاد نکرده اند.

...

"-اینجا هوا خیلی بده. بیزحمت برای ما آب بیارید"

"-از همون دستشویی بخورید"

"-لااقل یه لیوانی چیزی بدید"

...

با اینکه به لحاظ فیزیکی سلول پلیس امنیت خفترین جایی بود که ما رو بردند اما برای اولین بار اونجا احساس یه آزادی نسبی پیدا کردم. اونجا کسی غیر از خود ما نبود. همه دانشجو بودند. با رفقا حرف میزدیم و حال و احوال میکردیم. به همدیگه قوت قلب میدادیم که به زودی آزاد می‌شیم. زیر لب زمزمه میکردیم "مرغ سحر"...

...

ولایت سرکوب

اسمهامون رو می‌خوندن تا بریم پرونده‌مون رو انگشت بزنیم و سوار اتوبوس آزادی شیم! اسم منو که خوندن می‌خواستم یه نگاهی به پرونده بندازم و بعد انگشت بزنیم. "بزن انگشتو ببینم، حالا می‌خواد بخونه واسه من" قیافه اش را که میدیدی برای زهره ترک شدن هفت پشتت بس بود. "چی می‌گه؟ بیا اینجا ببینم. چی می‌گی؟" هر حرفی که می‌زدی از نظر آنها اضافه بود. ممکن بود مجبور شی مهمونشون بمونی. باید خفه می‌شدی.

...

راستی! راجع به دستبندها چیزی براتون گفتم؟

گفتم که دست منو از پشت با دستبند پلاستیکی (معروف به اسرائیلی) بستند؟

گفتم توی زیرزمین وزارت کشور دستهای همه را با بند کفش از پشت بستند؟

گفتم در کل ماجرا فقط توی "پلیس امنیت" دست هامون رو باز کردند تا پرونده هامون رو

کامل کنیم و امضا و انگشت بزنیم؟

(البته برای ماکارونی خوردن و دستشویی رفتن دستمان را لحظاتی باز کردند) گفتم که

نان و پنیر وزارت کشور به بعضی‌ها نرسید؟

گفتم که یه ذره ماکارونی ریخت کف زمین سرباز تشر زد که بردار بریز توی ظرف

غذات؟

گفتم که به یه سرباز گفتم "غذا میدید تا جون بگیریم دوباره بزنیدمون؟"

و سرباز خندید؟

گفتم که یکی از بچه‌ها به حاج مالک که با ماشین اصلاح موزر روی سر بعضیها

چهارراه درست کرده بود خیلی جدی گفت "مالک جان! این پشت موی مرا میتوانی یه

خط بندازی؟"

و حاج مالک با خنده گفت "مگه من آرایشگرم؟!"

و ما زیر لب خندیدیم؟

قصه آن کسی که اسمش را اشتباه گفته بود و موقع رفتن به "پلیس امنیت" راستش را به

حاج مالک گفت و حاج مالک و رفقاییش حسابی از خجالتش درآمدند و حسابی روی خاک

و خل زیرزمین غلتش دادند گفتم؟

گفتم یا نگفتم؟

گفتم که هنگام پرکردن آخرین برگه- ی کفالت بچه- ها طبق عادت کپ زدن دوران دانشجویی، از روی دست هم کپ میزدند؟

گفتم که یارو گفت "امتحان که نمیدید. دو خط بنویسید تموم شه بره" و یکی از بچه ها خندید و یه یاروی دیگه زد توی گوشش؟

گفتم که بعضی از بچه ها گریه میکردند؟ گفتم که...

...

اتوبوس حامل(!) ما که از پلیس امنیت خارج می شد خانواده های بازداشت شدگان را دیدیم که پشت در پلیس امنیت به انتظار خبری از فرزندان شان جمع شده بودند.

یاد صحنه های آزادی اسرای جنگ ایران و عراق افتادم. دلمان میخواست سرمان را از پنجره بیرون ببریم و برای آنها دست تکان بدهیم!! اشک شوق بریزیم و فریاد بزنیم "به

امید آزادی تمام اسرا!"

...

"هرکی لباسش خونی شده بیاد تی شرت و شلوار بگیره" چه ارزان خریدند جنایاتشان را. توی حیاط مرکز مبارزه با مواد مخدر نشانده بودندمان.

در این یک ساعت آخر با ساندویچ کالباس و نوشابه و کیک و ساندیس و تی شرت و شلوار سرمان را حسابی گول مالیدند.

فرهاد رهبر، رییس دانشگاه تهران و زاکانی، نماینده مجلس فرشته نجات ما شده بودند. انصافا بعد از ۲۴ ساعت درد و رنج و وحشت و بلاتکلیفی همه ما با ولع بسیار گولها را

خوردیم و پوشیدیم.

شیرینی این آزادی آنقدر زیاد بود که حس و حال اندیشیدن به ۲۴ ساعت گذشته را نداشتیم. فرهاد رهبر میگفت که آن شب توی دانشکده تربیت بدنی بوده.

بچه ها میگفتند آن شب بعد از حمله آمده کوی گفته من به گاردی ها اجازه دادم بیان تو تا جلوی لباس شخصیها رو بگیرن! (البته بعدها حرفشو تکذیب کرد.

ولایت سرکوب

گفت من به گارد اجازه ورود ندادم) می‌گفت باید دوباره تلفنی از احمدی مقدم تشکر کنم که همکاری کرد تا شما زودتر آزاد بشید! اینو که گفت می‌خواستم همونجا بلند شم مرتبش کنم (!) و ازش بپرسم "تشکر بابت چی؟"

شاید نسبت به رهبر، حتی بیشتر از اون سرباز صفره... فردا پس فردا توی تلویزیون دیدمش که آمده تا کشته شدن دانشجویان در کوی را انکار کند. یاد آن شایعات افتادم که میگفتند رهبر توی وزارت اطلاعات بوده.

آمده بود تلویزیون تا جنایات را به جای محکوم کردن انکار کند! هرچند شاید خواننده گرامی ندیده باشد و باور نکند اما رهبر روزی در برابر انتقادات نسبت به نصب گیت در ورودی دانشگاه ادعایی شبیه به تهدید کرد: "میخواهی من هفته گذشته بهت بگم کجا رفتی؟"

اصلن مستند بهت بگم کجا رفتی؟"

...

توی اتاق نشسته ایم. تخت پشت در است. از پنجره له شدن یکی از بچه‌ها زیر باتوم‌های گاردی‌ها را میبینیم.

به یکی از بچه‌ها زنگ می‌زنم. خدارو شکر ایرانسل دولتی نیست. وضعیتمون رو برایش توضیح می‌دم. می‌گم به هرکس که میتونه زنگ بزنه. چه باید کرد؟ مقاومت کنیم؟ تسلیم شیم؟

زیر تخت‌ها قایم شیم؟

گوشه‌ی اتاق جمع شیم و بالش‌ها رو بالای سرمون بگیریم؟

خفه شیم یا داد بزنیم؟

صدای شکسته شدن درها و شیشه‌های طبقه‌ی پایین به گوش می‌رسه.

تظاهرات ۱۸ تیر در اصفهان

روز ۱۸ تیر، دهمین سالگرد یورش ماموران حکومت به خوابگاه دانشجویان، در شهر اصفهان نیز تظاهرات پراکنده ای صورت گرفت. بنا به گزارش ها در این تجمعات حدود سیصد نفر دستگیر شدند.

امروز صبح خانواده های بازداشت شدگان در برابر بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی تجمع کردند و هنگامی که صدای جوانان بازداشت شده از داخل بازداشتگاه به گوشش رسیدند که درخواست آب می کردند، خانواده ها به اعتراض برخاستند و با سنگ به درب بازداشتگاه کوبیده و فریاد الله اکبر سر دادند.

آن ها خواستار رسیدگی به وضعیت بازداشت شدگان شدند.

یگان ویژه ی مستقر در بازداشتگاه، خانواده ها را متفرق کرده و دیگر اجازه ی تجمع در مقابل بازداشتگاه را به آنان نداد.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

محمدعلی دادخواه وکیل رایگان هزارها ایرانی دستگیر شد

بنیاد میراث پاسارگاد

ساعتی پیش خبر شدیم که آقای محمدعلی دادخواه، یکی از مؤسسان کانون مدافعان حقوق بشر، و یکی از شریف ترین و خوشنام ترین وکلای ایران بازداشت شد.

این دستگیری امروز هشتم جولای و در دفتر ایشان بوده است. خانم ملیحه دادخواه و خانم سارا صباغیان نیز که از همکاران ایشان هستند به همراه ایشان به نقطه ی نامعلومی برده شدند و دفتر وکالتی ایشان پلوم شد.

آقای محمدعلی دادخواه در تمام سال های گذشته، در هیئت یک وکیل انساندوست، مدافع واقعی حقوق بشر، و علاقمند به فرهنگ ایرانزمین بوده و بدون کمترین جهت گیری عقیدتی و سیاسی صرفا به دفاع حقوقی از موکلین خود پرداخته و این کار را در اغلب موارد به طور رایگان بر عهده می گرفته است.

آقای محمدعلی دادخواه، که یکی از اعضای هیات امنای بنیاد میراث پاسارگاد نیز هستند، در چهار سال گذشته، با داشتن وکالت رایگان از سوی هزارها ایرانی فرهنگدوست، مداوماً در راستای حفظ و نجات میراث های فرهنگی ایران، چون تنگه بلاغی، نقش جهان، و مجموعه ای آثار چهارباغ در تلاش بوده است.

دستگیری شخصیتی چون محمدعلی دادخواه نشانه ی روشنی است بر کارکرد غیر قانونی، ضد حقوق بشر و فرهنگ ستیز حکومت کنونی ایران.

بنیاد میراث پاسارگاد، به عنوان سازمانی فرهنگی، غیر انتفاعی و غیرسیاسی، از تمامی سازمان های مربوط به حقوق بشر، سازمان های فرهنگی، و کانون های وکلا در آمریکا و سراسر جهان درخواست می کند که از دولت ایران بخواهند تا هر چه زودتر امکان آزادی آقای دادخواه و همکاران شان فراهم شود.

شعار مرگ بر خامنه ای جلاد تا پای چوبه دار

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

ناصر خیرالهی از اعدام شدگان روزهای اخیر است

بنابه گزارشات رسیده از زندان اوین ، زندانی ناصر خیرالهی روز چهارشنبه در زندان اوین اعدام شد.

ناصر خیرالهی 49 ساله و از زندانیانی بود که در سال 1382 دستگیر شد و تا روز اعدامش در زندانهای مختلف جمله آگاهی اصفهان، حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، زندان اصفهان و زندان اوین و زندان گوهردشت کرج بسر برد.

آقای خیرالهی روز سه شنبه 9 تیرماه از بند 4 زندان گوهردشت کرج به سلولهای انفرادی جهت اجرای حکم اعدام انتقال داده شد و روز چهارشنبه همراه با 5 زندانی دیگر به دار آویخته شد.

ولایت سرکوب

بنابه گفته شاهدان عینی و خانواده اش هنگامی که او را به سوی طناب دار می بردند دائم شعار مرگ بر خامنه ای سر میداد. او با روحیه ای بسیار قوی بالای طناب دار رفت. جسد وی به خانواده اش تحویل داده شد و در قطعه 256 بهشت زهرا به خاک سپرده شد. لازم به یادآوری است و بنابه گفته خانواده اش که او با ارگانهای اطلاعاتی رژیم همکاری می کرد ولی وقتی که به جنایتهای آنها پی برد از همکاری با آنها سر باز زد و اقدام به افشای جنایتهای آنها پرداخت که در سال 1382 دستگیر و در زندان مختلف بسر برد. گزارشات تایید نشده ای وجود دارد که برای ایجاد رعب و وحشت رژیم قصد دارد در روزهای آینده تعداد زیادی را اعدام کند.

علی خامنه ای ولی فقیه رژیم پس از قیام اخیر مردم ایران برای ایجاد فضای رعب و وحشت به شاهرودی رئیس قوه قضائیه دستور داده است که موجی از اعدامها را در ایران پیش ببرد که ما در روزهای اخیر شاهد تعدادی از آنها بودیم.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به موج اعدامهای در پیش و بخصوص اعدام جوانان دستگیر شده اخیر هشدار جدی میدهد. برای پیشگیری از اعدامهای گسترده در پیش رو از مراجع بین المللی و دبیر کل سازمان ملل خواستار ارجاع پرونده این رژیم به شورای امنیت سازمان ملل است.

15 تیر 1388 برابر با 6 ژولای 2009

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

لیست تکمیلی بازداشت شدگان - شماره یک

در ادامه گزارش ویژه مجموعه با نام "خرداد خونین" که در تاریخ 14 تیرماه منتشر شد و اسامی 700 بازداشتی و 34 جانباخته را به همراه داشت، لیست 55 نفره ذیل بعنوان لیست تکمیلی شماره 1 از افراد بازداشت یا شناسایی شده اخیر منتشر می شود.

هفت بازداشت شده در قزوین (12 تیرماه) و هشت کارمند سفارت انگلستان (12 تیرماه) که هویت آنان احراز نشده است در این لیست ذکر نام نشده اند، همچنین لازم به ذکر است بنابر گزارشات دریافتی فردی به نام حمید مداح شورچه از اعضای ستاد آقای موسوی در شهر مشهد پس از درگیری در تحصن مسجد گوهرشاد و طی مدت بیماری جان خود را از دست داد (12 تیرماه - نیازمند منابع بیشتر).

ولایت سرکوب

خاطر نشان می‌سازیم، علیرغم گفته‌های دادستان کل کشور مبنی بر تداوم بازداشت 500 بازداشت شده وقایع پس از انتخابات در ایران، منابع آگاه آمار حقیقی شهروندان در بازداشت مانده را بسیار بیش از این تعداد برآورد می‌کنند.

اسامی به ترتیب حروف الفبا :

1. آرش گیتی - 26/3/1388 - فعال دانشجویی دانشگاه زنجان - آزاد شد
2. احمد نصرتی - 3/4/1388 - میدان بهارستان - کارمند شهرداری - زندان اوین
3. اشکان رحمانی - 24/3/1388 - ونک - کتابفروش - زندان اوین
4. اقبال رشیدی - 18/4/1388 - سقز - مدیر موسسه تبلیغاتی نویسا
5. امیر حسین شمشادی - زندان اوین
6. امیر رئیسیان - 17/4/1388 - آزاد شد
7. امید سلیمی - 25/3/1388 - دبیر سابق بخش فرهنگی روزنامه نصف جهان در اصفهان
8. امین میرزایی - 30/3/1388 - میدان جمهوری - کارمند - زندان اوین
9. باقر یونسینان - 30/3/1388 - چهار راه ولیعصر - کتابفروش - زندان اوین
10. پژمان بختیاری - 30/3/1388 - خیابان آزادی - مدرس - زندان اوین
11. جلال محمد لو - 14/4/1388 - عضو جبهه مشارکت -
12. حامد محمدی - 4/4/1388 -
13. حسام سلامت - 30/3/1388 - دانشجوی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
14. حسام قربانی - 25/3/1388 - میدان انقلاب - دانشجوی گرافیک - زندان اوین
15. حسین عبدالهی - 25/3/1388 - خیابان آزادی - زندان اوین
16. حسین علمی - 28/3/1388 - میدان توپخانه - زندان اوین
17. سارا صباغیان - 17/4/1388 - آزاد شد
18. سروش صائمی - 30/3/1388 - خیابان آزادی - دانشجو دانشگاه آزاد - کمپ کهریزک
19. سهند نواری - 12/4/1388 - کمپ کهریزک

ولایت سرکوب

20. سینا بذرفروش - 26/3/1388 - ونک - زندان اوین
21. شاهین آقا بیگی - 1/4/1388 - شغل آزاد - زندان اوین
22. صابر ابراهیمی - 24/3/1388 - میدان ولیعصر - زندان اوین
23. صادق حبیبی - 30/3/1388 - خیابان آزادی - جوشکار - زندان اوین
24. علی اجاقی - 17/4/1388 - اصفهان - دبیر انجمن اسلامی دانشجویان اصفهان
25. علی قاسمی - 26/3/1388 - فعال دانشجویی دانشگاه زنجان - آزاد شد
26. علیرضا اصغری - 31/3/1388 - کارمند - زندان اوین
27. عیسی سحرخیز - 13/4/1388 - روزنامه نگار و عضو انجمن دفاع از آزادی مطبوعات
28. فرهاد رحیمی - 30/3/1388 - میدان آزادی - دانشجوی عمران دانشگاه آزاد - زندان اوین
29. فیض الله عرب سرخی - 15/4/1388 - عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
30. کاظم بابایی - 30/3/1388 - میدان انقلاب - زندان اوین
31. کاوه مظفری - 18/4/1388 - عضو کمپین یک میلیون امضا -
32. کلوتیلد رایس - 9/4/1388 - فرودگاه امام خمینی - مدرس دانشگاه اصفهان - تبعه فرانسه
33. کامران نجفی - 27/3/1388 - ونک - مترجم - زندان اوین
34. مازیار نوروزی - 4/4/1388 - میدان ولیعصر - زندان اوین
35. مجتبی موسوی - 14/4/1388 - اهواز - عضو جبهه ملی ایران -
36. محمد اسماعیل زاده - 17/4/1388 - فعال دانشجویی - زندان بابل
37. محمد تقی نعمتی - 30/3/1388 - منطقه یادگار امام - دانشجوی حسابداری - زندان اوین
38. محمد رضا یزدان پناه - 17/4/1388 - عضو جبهه مشارکت -
39. محمد سلطانی - 27/3/1388 - خیابان شریعتی - محصل - زندان اوین

ولایت سرکوب

40. محمد علی دادخواه - 17/4/1388 - عضو کانون مدافعان حقوق بشر -
41. محمد کاظم کریمی - 30/3/1388 - خیابان ولیعصر - شغل تایپیست - زندان اوین
42. محمد مهدی خانی - 3/4/1388 - بهارستان - زندان اوین
43. مرتضی رادمنش - 3/4/1388 - پارک لاله - کارمند - زندان اوین
44. مسعود باستانی - 14/4/1388 - سردبیر سایت جمهوری -
45. مسعود گرامی - 25/3/1388 - هفت تیر - زندان اوین
46. مسعود محمدی - 31/3/1388 - خیابان نصرت - کارمند اداره برق - زندان اوین
47. مسلم دلشاد - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران - زندان اوین
48. مصطفی قادر پناه - 26/3/1388 - میدان ولیعصر - برقکار - زندان اوین
49. معین یوسفی - 25/3/1388 - میدان انقلاب - زندان اوین
50. ملیحه دادخواه - 17/4/1388 - آزاد شد
51. نادر وحیدی - 30/3/1388 - خیابان آزادی - کارمند - زندان اوین
52. هاره دولو - 17/4/1388 - آزاد شد
53. همایون سربازی - 30/3/1388 - خیابان آزادی - کمپ کهریزک
54. یونس سعادت - 30/3/1388 - خیابان آزادی - کمپ کهریزک
55. نیما کوکلانی - 18/4/1388 - میدان انقلاب - خواننده رپ

حمله نیروهای لباس شخصی به خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر

خبرنامه امیرکبیر: نیروهای لباس شخصی مجهز به سلاح های سرد و گرم با همراهی موتورسواران سازماندهی شده به برخی از خوابگاه های دانشگاه امیرکبیر حمله کردند. نیروهای لباس شخصی در ساعت 20:30 امشب در حمله به خوابگاه گلشن در خیابان به آفرین، با ورود به خوابگاه، تعدادی از دانشجویان و نگهبانان خوابگاه را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

به گزارش خبرنامه امیرکبیر، نیروهای لباس شخصی بخش هایی از ساختمان و امکانات خوابگاه را نیز تخریب کردند. در این حمله این افراد از گاز اشک آور استفاده کرده و به سالن مطالعه، حمام، نمازخانه و طبقات مختلف خوابگاه گلشن حمله کردند.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

از وضعیت چند تن از دانشجویان این خوابگاه پس از این حملات اطلاعی در دسترس نیست.

همچنین نیروهای لباس شخصی به همراهی نیروهای نظامی به درب خوابگاه یآوری دانشگاه امیرکبیر نیز مراجعه نموده و به تهدید دانشجویان پرداختند. نیروهای لباس شخصی اعلام کرده اند که امشب مجدداً به خوابگاه ها حمله خواهند کرد.

بازداشت بهزاد پروین و علی سپندار، دو تن از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه بیرجند

خبرنامه امیرکبیر: بهزاد پروین و علی سپندار، دو تن از فعالان دانشجویی بیرجند و اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی این دانشگاه، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه 16 و 17 تیرماه بازداشت شدند.

بهزاد پروین دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بیرجند در منزل خود در شهر بیرجند توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است. در جریان حمله نیروهای امنیتی به منزل این فعال دانشجویی، کامپیوتر شخصی و برخی دیگر از وسایل شخصی این دانشجو نیز ضبط شده است.

علی سپندار دیگر عضو شورای مرکزی دانشگاه بیرجند نیز در منزل خود در مشهد بازداشت شده و به بیرجند منتقل گردید. بر اساس اخبار و اطلاعات دریافتی، 3 دانشجو بازداشت شده اند و هنوز از هویت دیگر فرد (یا افراد) بازداشت شده اطلاعی در دست نیست.

ولایت سرکوب

بهزاد پروین، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه بیرجند، طی تماس بسیار کوتاهی با خانواده خود، خبر دستگیری خود و چند دانشجوی دیگر را تایید کرده است. به گزارش خبرنگار امیرکبیر، از وضعیت و محل نگهداری این دانشجویان هیچ اطلاعی در دست نمی باشد و همین امر موجب تشدید نگرانی خانواده های دانشجویان بازداشتی شده است.

گفتنی است پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، و همزمان با بازداشت تعداد زیادی از فعالان مدنی و سیاسی و نیز فعالان حقوق بشر، دور تازه ای از فشار و سرکوب دانشجویان و بازداشت آنها نیز آغاز شده است و هم چنان ادامه دارد. بگونه ای که در مدت کمتر از یک ماه صدها دانشجو بازداشت شده اند که هنوز هم تعدادی قابل توجهی از آنها در بازداشت بسر می برند و اطلاعی از وضعیت آنان در دست نمی باشد.

سعید متین پور بازداشت و به زندان اوین تهران منتقل گردید.

سعید متین پور روزنامه نگار و فعال حقوق بشر آذربایجانی که از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به هشت سال حبس تعزیری محکوم گردیده است، جهت گذراندن دوران محکومیت خود، بازداشت و به زندان اوین تهران منتقل گردید.

نزدیکان خانواده متین پور می گویند این روزنامه نگار و فعال حقوق بشر آذربایجانی روز ۲۰ تیر ۸۸ از سوی قاضی صلواتی رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به این دادگاه احضار شده بود که پس از حضور وی در دادگاه، مامورین امنیتی او را بازداشت و به زندان اوین تهران منتقل کردند.

ولایت سرکوب

این منابع می افزایند متین پور ساعت ۶ عصر روز شنبه طی تماسی تلفنی با خانواده خبر از بازداشت خود در زندان اوین داده است.

سعید متین پور چهارم خرداد ۱۳۸۶ در زنجان بازداشت و پس از تحمل ۲۷۸ روز بازداشت موقت، در هشتم اسفند ۸۷ به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شده بود. این روزنامه نگار آذربایجانی روز ۲۰ خرداد ۸۷ طی جلسه ای غیر علنی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی محاکمه و به اتهام ارتباط با بیگانگان به هفت سال حبس و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس و در مجموع به هشت سال حبس تعزیری محکوم گردیده بود. دادگاه تجدید نظر استان تهران نیز آذر ماه ۸۷ حکم هشت سال زندان این فعال حقوق بشر آذربایجانی را تایید کرد.

به گفته متین پور وی بیشتر مدت زمان بازداشت خود را در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین تهران و تحت شکنجه شدید جسمی و روحی قرار داشته است.

همچنین خانواده متین پور خبر از ناراحتی های گوارشی و سردرد و کمردرد شدید وی پس از آزادی از زندان اوین می دهند و اعلام می کنند انتقال سعید متین پور به زندان باعث نگرانی خانواده از وضعیت سلامتی جسمی او شده است. آنها می گویند متین پور در روزهای اخیر سرگرم معالجات پزشکی بوده است.

متین پور فارغ التحصیل رشته فلسفه از دانشگاه تهران و عضو هیات تحریریه هفته نامه های یارپاق و موج بیداری و وبلاگ نویس و از فعالین حقوق بشر آذربایجانی است.

انتقال بازداشت شدگان روز ۱۸ تیر، به زندان اوین

افراد بازداشت شده در روز ۱۸ تیر، امروز به زندان اوین منتقل شدند، هم چنان از تعداد و هویت اکثر افراد بازداشت شده اطلاعی در دست نیست. تعداد افراد منتقل شده به زندان اوین بر اساس گفته شاهدان عینی، کمتر از ۱۵۰ نفر اعلام شده است.

امروز نیز خانواده های بسیاری از بازداشت شده گان و به ویژه بازداشت شده گان در ۱۸ تیر، در مقابل زندان اوین حضور داشتند و در پی حضور خانواده ها، به آن ها اعلام شده است که روز شنبه، با همراه داشتن سند، به دادگاه انقلاب مراجعه کرده تا با قرار دادن وثیقه افراد بازداشت شده آزاد شوند.

هم چنین امروز تعدادی از افراد بازداشت شده روز ۱۸ تیر که زیر سن قانونی (۱۸ سال) بودند آزاد شدند.

سهراب اعرابي ۱۹ ساله در زندان اوین زیر شکنجه به شهادت رسید.



سهراب اعرابي 19 ساله سال آخر دبیرستان و آماده براي امتحان کنکور در اعتراضات دهمین دوره ریاست جمهوری در 30 خرداد روز شنبه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل می شود . بعد از پیگیریهای پی در پی خانواده بخصوص مادرش متوجه می شوند که وی در زندان اوین است، مادر این جوان در روز سه شنبه 16 تیر با گذاشتن کفالت در دادگاه انقلاب هر روز بعد از ظهر منتظر آزادی فرزندش بود، با وجود این که این مادر

ولایت سرکوب

می دانست که فرزندش در زندان اوین است ولی خیلی نگران بود و می گفت می ترسم بچه ام را بکشند. این مادر عکسی از فرزندش تهیه کرده بود و به هر زندانی که آزاد می شد عکس عزیزش را نشان می داد و از آنها می پرسید که آیا او را می شناسند و یا در زندان دیده اند؟

او می گفت به هر کجا و هر کسی مراجعه می کنم جواب نمی دهند و میگویند صبر کن آزاد میشود.

این مادر کارش از صبح تا شب جلو زندان ماندن شده بود تا اینکه يك دفعه از طرف قاضي مر تضوي خبر آمد که سهراب اعرابي در زندان درگذشته است، خانواده اش را خبر کنید تا جنازه فرزندشان را تحویل بگیرند.....

انتشار گزارشهای تکان دهنده از شکنجه زندانیان در اوین

دریافت گزارشهای تکان دهنده از شکنجه وحشیانه زندانیان در اوین باعث نگرانی عمیق سازمانهای حمایت از حقوق بشر شده است.

این گزارشها حاکیست بندهای 240 و 209 زندان اوین پر از زندانی است به طوریه حتما راهروهای سلولهای انفرادی را هم پر کرده اند در هر سلول انفرادی که حدودا 3 در 3 متر است تا جایی که بتوانند آدم پر می کنند.

از 10 تا 20 زندانی بسیاری از زندانیان را به سیاهچالهای مخروبه اوین برده اند. سلولهایی بدون نور خورشید و بسیار کوچک و بدون برق. سلولهایی که مخروبه

ولایت سرکوب

هستند. در اوین: برخی از زندانیان برای اعتراف‌گیری بیش از 12 ساعت بازجویی و شکنجه می‌شوند در این روزها.

طوری زندانیان را می‌زنند و شکنجه می‌کنند که بعد از بازجویی دو نفر آن‌ها را کشان کشان به سلولهای انفرادی می‌برند در قرنطینه زندان اوین آنقدر زندانی هست که زندانیها نشسته می‌خوابند.

می‌توانید تصور کنید 100 نفر در یک جای ده نفره یعنی چه؟

به کسانی که در درگیریها زخمی شده و بازداشت شده اند اصلا رسیدگی نمی‌شود. از نظر بهداشتی وضعیت زندانیان بسیار اسفناک است. (تصحیح تیتراژ بالاترین)

بازداشت مجید امامی و احتمال بازداشت ساتیار امامی دو عکاس خبری

در ادامه بازداشت گسترده ی فعالین سیاسی و روزنامه نگاران از یک ماه پیش صبح روز گذشته مجید سعیدی عکاس خبری در منزل خود بازداشت شد و نیروهای امنیتی برای بازداشت ساتیار امامی اقدام نمودند.

صبح روز گذشته مورخ 20 تیرماه ماموران امنیتی به منزل مجید سعیدی مراجعه کرده و در مقابل همسر و فرزندان وی پس از تفتیش منزل و ضبط وسائل شخصی او را همراه خود به نقطه‌یی نامعلوم منتقل کردند.

مجید سعیدی عکاس برجسته ایرانی که سردبیر عکس ۹ روزنامه از سال ۱۹۹۸ تاکنون بوده است.

ولایت سرکوب

همچنین ماموران امنیتی روز جاری برای بازداشت ساتیار امامی دیگر عکاس سرشناس اقدام نمودند. این در حال است که ساتیار امامی از ظهر امروز در دسترس نیست و منابع آگاه از احتمال بازداشت وی سخن می‌گویند.

مجید سعیدی موسس سرویس عکس خبرگزاری فارس در سال ۲۰۰۴ بوده است، تجربه‌ی همکاری با مجله‌ی تایم در جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ و همینطور همکاری با آژانس گتی‌ایمیجز را دارد. وی برگزیده جایزه کاوه گلستان است و تا کنون چهار بار جایزه آساهی شیمبون ژاپن را نیز از آن خود کرده است.

ساتیار امامی نیز از عکاسان خبری مشهور ایران است که تا کنون با بسیاری از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها از جمله روزنامه جام جم همکاری داشته است. در مورد بازداشت وی هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست و مجموعه فعالان حقوق بشر در حال پیگیری این موضوع است.

گزارش آخرین وضعیت و لیست 90 تن از بازداشت شدگان روز 18 تیرماه تهران

لیست ذیل در برگیرنده اسامی 90 تن از بازداشت شدگان روز 18 تیرماه در شهر تهران است.

حسب اعلام دفتر دادستانی به خانواده های پیگیر وضعیت فرزندان خود جمعاً در 18 تیرماه در شهر تهران 197 شهروند بازداشت شده اند که علاوه بر زندان اوین بسیاری از آنان به کمپ کهریزک منتقل شدند.

معاونت امنیت با الصاق اطلاعیه ای بر روی تابلو اعلانات دادگاه از خانواده های بازداشت شدگان 18 تیرماه خواسته است که برای پیگیری وضعیت فرزندان خود از 28 تیر به دادگاه مراجعه نمایند.

ولایت سرکوب

همچنین لازم به ذکر است دیروز و امروز بسیاری از بازداشت شدگان 18 تیر، از زندان اوین با خانواده های خود تماس گرفتند. هر چند در بازداشت های اخیر، علاوه بر زندان اوین از کمپ کهریزک نیز استفاده می شود که حضور افراد در این کمپ و شرایط نگه داری و بی خبری بر نگرانی درباره وضعیت بازداشتی ها می افزاید.

اسامی 90 شهروند بازداشت شده در 18 تیرماه به ترتیب حروف الفبا :

1. آرش خرمیان - فرزند هاشم
2. آرش نیک فر - فرزند علیرضا
3. احسان حسینی - فرزند مسعود
4. احسان شمس آبادی - فرزند هاشم
5. احمد کوثری - فرزند علی اصغر
6. احمدرضا پولادی - فرزند محمدرضا
7. اصغر پویافر - فرزند نورالدین
8. افرا روشنی - فرزند محمود
9. اکرم عسگری - فرزند جمشید
10. امان ا... فولادوند - فرزند جم
11. امیر قاسمی - فرزند محمد حسین
12. امیر محمد ردایی - فرزند مصطفی
13. امیر نوری فرد - فرزند مهدی
14. ایمان حسنی - فرزند منصور
15. بهرام بابایی - فرزند کریم
16. بی بی هاشمی - فرزند آقا محمود
17. بی تا خاک نگار - فرزند سعید
18. پوریا خوانساری - فرزند حشمت ا...
19. پوریا رستمی پور - فرزند کرامت
20. پویا بیک زاده - فرزند ناصر

ولایت سرکوب

21. توحید بیگی - فرزند محمد حسین
22. حامد صابونی - فرزند کاظم
23. حجت کریمی قمبوانی - فرزند عباسعلی
24. حسین صفا - فرزند علی اکبر
25. حسین فرجی - فرزند احمد
26. حسین مبری - فرزند علی
27. حمیدرضا مسعودی - فرزند صمد
28. دارا رسولی - فرزند کریم
29. رضا طاهری - فرزند ابراهیم
30. رهام امیری فر - فرزند علیرضا
31. زهرا مرادی - فرزند علی
32. سجاد جلالی - فرزند محمد
33. سعید بهرادی - فرزند حبیب ا...
34. سعید حیدری - فرزند علی اکبر
35. سعید سلطانی - فرزند حمید
36. سعید گرایلی - فرزند غلامحسین
37. سکینه آرابی - فرزند غلام رضا
38. سوری ابراهیمی - فرزند حشمت
39. سید حسام الدین پورصرافی - فرزند سیدحسن
40. سید حمید موسوی - فرزند سید محمد
41. سید علی اکبر فردنژاد - فرزند سیدمحمد علی
42. سید کوروش خراسانی - فرزند سید یونس
43. سید محمدرضا حسینی - فرزند سیدمحسن
44. شایان آبیاری علی آباد - فرزند سهراب
45. شروین پارسی - دانشجوی دانشگاه زنجان

ولایت سرکوب

46. شهرام حلاج نیشابوری - فرزند مرتضی
47. علی ابریشمی - فرزند رضا
48. علی عبدا... زاده - فرزند آصف
49. علی کاظم زاده - فرزند مصدق
50. علیرضا زجاجی قمی - فرزند علی اکبر
51. علیرضا قربانزاده - فرزند غلامرضا
52. عماد خیاطی - فرزند محمد
53. عمار قمی - فرزند حسین
54. فخری مریزاده - فرزند علی محمد
55. فرانک خود نگاه - فرزند ملاداداش
56. فرهاد لشگری - فرزند ابوالفضل
57. فلورانس حاجبی - فرزند حسن
58. فهیمه السادات راد تهرانی - فرزند سید اسماعیل
59. قاسم محمدی - فرزند عباس علی
60. کاوه مظفری - عضو کمپین یک میلیون امضا
61. مجتبی راهنما - فرزند حسنعلی
62. مجید قربانی - فرزند علی
63. محمد تکاور صیاد - فرزند عزیز ا...
64. محمد حسی اتیقه چی - فرزند محمد رضا
65. محمد رضا فرضی - فرزند ابراهیم
66. محمد رضا مارال پور - فرزند محمد حسن
67. محمد سجاد بخارایی - فرزند احمد
68. محمد سعادت - فرزند مرتضی
69. محمد شهوند - فرزند حسین
70. محمد عزیزی - فرزند رحمت ا...

ولایت سرکوب

71. محمد علی عاشوری - فرزند پرویز
72. محمد محمدزاده - فرزند مصطفی
73. محمد میرزاخانی - فرزند تیمور
74. محمد نیسی پور - فرزند جعفر
75. محمد علی کرمی نوری - فرزند عبدا...
76. محمود پورباقر مهابادی - فرزند مصطفی
77. مرجان عبدالهی - فرزند محمد
78. مریم سررشته داری - فرزند ناصر
79. مریم عسگری - فرزند محمد
80. منصوره مظفری - فرزند علی اکبر
81. مهدی عباسی - فرزند مجید
82. میلاد قیاسی راد - فرزند منصور
83. ناصر امین علی - فرزند سلیم
84. نگار مقدمی - فرزند غلامحسین
85. نوید نصیرزاده - فرزند مصطفی
86. نیسم کلهری - فرزند علی
87. نیما آقا زاده - فرزند ناصر
88. نیما کوکلانی - فرزند اکبر
89. هادی مولایی - فرزند احمد
90. یاسر حسینی فرد - فرزند غلام علی

در آستانه اعدام قرار گرفتن یک زن زندانی

یک زن زندانی پس از 9 سال تحمل زندان حکم قطعی اعدام خود را در زندان ارومیه دریافت کرد.

محبت محمودی زنی متاهل دارای دو فرزند است که در سال 1379 برای دفاع از خویش در برابر مردی که قصد تجاوز به وی را داشت مرتکب قتل شد.

نامبرده به اتهام قتل عمد در شعب استانی مورد محاکمه قرار گرفت و پرونده برای تائید به دیوان عالی ارجاع داده شد، سر انجام روز گذشته مورخ 20 تیرماه پس از 9 سال تحمل زندان تائید حکم اعدام توسط دیوان عالی به ایشان ابلاغ شد.

حکم اعدام نامبرده با استیذان ریاست قوه قضائیه به مرحله اجرا در خواهد آمد.

بازداشت یکی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

گزارش دریافتی: علی محمدی گراوند دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی نزدیک به یک ماه است که در بازداشت به سر می برد.

علی محمدی گراوند در روز 23 خرداد ماه در جریان اعتراضات به تقلب در انتخابات در خیابان شریعتی_ سه راه ضرابخانه_ در چند متری دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات علامه طباطبائی به وسیله نیرو های لباس شخصی بازداشت شد.

در جریان بازداشت گویا وی را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. بعد از پی گیری های فراوان خانواده ی این دانشجوی بازداشتی سرانجام طی هفته ی گذشته وی در یک تماس تلفنی با خانواده اش اعلام کرده است که در زندان اوین به سر می برد.

بعد از انتشار اخباری در مورد شکنجه زندانیان وقایع اخیر و قتل یکی از آنان به نام سهراب اعرابی نگرانی نسبت به سلامتی دیگر زندانیان تشدید شده است. بیم آن می رود

ولایت سرکوب

که علی محمدی گراوند و دیگر زندانیان در زندان اوین در وضعیت نا مناسبی به سر ببرند و حتی جانشان در خطر باشد.

علی محمدی گراوند پیش از این نیز به وسیله ی کمیته انضباطی دانشگاه علامه طباطبایی به تحمل یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده بود.

دیدار با خانواده های بنی یعقوب و نظر آهاری

جمعی از فعالان جنبش زنان، روزنامه نگاران و فعالان جنبش دانشجویی، عصر روز شنبه، با حضور در منزل خانواده های ژیلا بنی یعقوب روزنامه نگار و فعال جنبش زنان، و شیوا نظرآهاری عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن اظهار همدلی با خانواده های این دو زن زندانی با خانواده هایشان گفت و گو کردند.

یکی از فعالان جنبش زنان با اعلام این خبر گفت: حدود ساعت 6 به خانه ژیلا بنی یعقوب رفتیم. مادرش نگران تماس نگرافتن ژیلا بود و می گفت از زمان بازداشت تا کنون دو بار و هر بار یک دقیقه با خانه تماس داشته است اما دو روز است که از او بی خبریم. و از همسرش بهمن احمدی امویی هیچ خبری نداریم و از روز بازداشت تا کنون تماسی با خانه نداشته است.

ولایت سرکوب

خانواده بنی یعقوب از پی گیری های مکرر در دادگاه انقلاب، مجلس شورای اسلامی و شعبه ای که برای پی گیری وضعیت زندانیان، در کنار زندان اوین نصب شده و از بی نتیجه بودن ای پی گیری ها خبر دادند.

فعال مصاحبه کننده با روز همچنین از حضور این جمع در ساعت 7.30 عصر دیروز در منزل پدری شیوا نظرآهاری فعال جنبش زنان و همنین دانشجوی پی گیر مسائل حقوق بشری خبر داده و اظهار داشت: در منزل وی نیز خانواده از نحوه دستگیری شیوا گفتند و اینکه با وجود مراجعه های مکرر به دادگاه انقلاب و زندان اوین و دفتر پی گیری واقع در خیابان برادران مظفری، و با وجود یک بار تماس شیوا که غیر مستقیم مکان نگهداری خود را اوین گفته، نام او در هیچ یک از فهرست های زندانیان وجود ندارد.

به گفته وی فعالان جنبش زنان همچنین در این جمع در مورد شرایط موجود و نقش فعالان اجتماعی بویژه زنان صحبت کردند. به گفته یکی از این فعالان، فعالان جنبش زنان در بطن وقایع اخیر حضور داشته اند و هرگز از بدنه جامعه جدا نشده اند زیرا خواسته های آنان از خواسته های عمومی مردم جدا نبوده است. همچنین برخی دیگر از فعالان از نیاز به بازخوانی استراتژی های جنبش های اجتماعی و داشتن تحلیل های نو سخن گفتند. زیرا با وضعیت پیش آمده، پرسشهای نویی مطرح است. پرسشهایی که هدف فعالان اجتماعی را تعیین می کند.

ژیلا بنی یعقوب و همسرش بهمن احمدی امویی در نیمه شب 30 خرداد 88 در منزلشان بازداشت شدند و شیوا نظر آهاری که درست یک ماه از زمان بازداشت او می گذرد، در محل کارش بازداشت شد.

نگرانی خانواده های زندانیان، پس از انتشار خبر کشته شدن سهراب اعرابی در زندان اوین و اعلام این خبر به خانواده وی، بعد از قریب یک ماه افزایش یافته است.

عکس؛ سهراب اعرابی در غسلخانه بهشت زهرا



اعدام چهارده شهروند بلوچ را متوقف کنید

فعالان حقوق بشر در ایران

بنا به اعلام دادگستری استان سیستان و بلوچستان 14 متهم به فعالیت‌های سیاسی یا امنیتی فردا راس ساعت 6 و 30 دقیقه صبح در ملاء عام در شهر زاهدان اعدام خواهند شد. فارغ از اینکه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران باور دارد اعدام موجب ایجاد ناهنجاری در جامعه می‌شود و نظم و نسق جامعه و حیات اجتماعی را دچار خلل کرده و خشونت را ترویج می‌کند.

ولایت سرکوب

این مجموعه باور یافته است اعدام 14 بلوچ در سحرگاه فردا و در ملاءعام تنها واکنشی به رویدادهای اخیر این منطقه و نشأت گرفته از فضای سیاسی و امنیتی این نقطه از کشور است بر این اساس احکام مذکور را نه احکامی حقوقی که سیاسی میخواند.

اسامی این 14 زندانی به جز یک تن (عبدالحمید ریگی) مشخص نیست، زمان و محل های بازداشت آنان مشخص نیست، وکیل مدافع منتخبی در پرونده حضور نداشته است، حداقل یک زندانی احراز هویت شده این پرونده ماهها در سلول انفرادی نگهداری شده است. در زمان بازداشت این افراد منابع محلی از شکنجه و بدرفتاری با آنان اطلاع داده بودند. این افراد در دادگاهی غیر علنی محاکمه شده اند و مراحل مختلف پرونده منجمله تجدید نظر یا دیوان عالی روشن نیست چگونه طی شده است. در مجموع رویه محکوم شدن این افراد منطبق با قانون و معیارهای حقوقی پذیرفته شده ارزیابی نمی گردد. لازم به ذکر است مجموعه گزارشاتی دریافت نموده که حاکی از اعدام این افراد با لباس محلی بلوچی همچون سه اعدامی پیشین این شهر در ملاءعام است، مطمئناً این اقدام غیرقانونی علاوه بر مضرات نفسه اعدام باعث ایجاد تنفر قومی و ترویج خشونت در سطح منطقه می شود.

از این رو مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از مقامات قضایی کشور می خواهد ضمن حفظ احترام به حقوق اقلیتهای ملی با متوقف کردن اجرای احکام اعدام این شهروندان علاوه بر جلوگیری از افزایش نفرت و خشونت در این منطقه محروم کشور مقدمات برگزاری یک محاکمه عادلانه و علنی را بر پایه معاهدات و مقوله نامه های جاری فراهم آورند.

این مجموعه همچنین از سایر مدافعان حقوق بشر و نهادهای ذیربط خواستار واکنش مناسب نسبت به موضوع مورد اشاره و تلاش برای توقف احکام اعدام این شهروندان بلوچ دارد.

دانشجوی اهوازی: مادر من برای آزادی کشته شدم

سایت نوروز: جوان دیگری که توسط لباس شخصی ها به شدت زخمی و در بیمارستان بستری شده بود، درگذشت.

یعقوب بروایه، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، روز چهارم تیر ماه توسط نیروهای بسیج از بام مسجد لولاگر مورد اصابت گلوله قرار گرفت، از ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله توسط دوستانش به بیمارستان لقمان انتقال یافت اما به رغم تلاش پزشکان برای جان وی، در نهایت دچار مرگ مغزی شد و به شهادت رسید.

یعقوب بروایه فرزند دوم یک خانواده پنج نفری و اهل اهواز بود. وی متولد تیرماه 1361 بوده و در هنگام مرگ تنها 27 سال سن داشت.

ولایت سرکوب

به نوشته برخی سایت‌های خبری یعقوب بروایه تنها دقایقی پیش از مرگ چشم گشود،
دستان مادرش را گرفت و زیر لب گفت:

مادر من برای آزادی کشته شدم... و چشم فروبست.

گفته می‌شود ماموران امنیتی پیکر بی جان یعقوب را تحویل گرفتند و به محل نامعلومی
بردند و سرانجام بعد از ۴۸ ساعت به خانواده او اطلاع دادند جسد یعقوب به خاک سپرده
شده است. ماموران از خانواده او تعهد گرفته اند که از هرگونه اطلاع رسانی و برگزاری
مراسم برای او خودداری کنند.

فراخوان اقدام فوری نوجوان ایرانی روز ۱۶ ژوئیه به سوی اعدام می رود

زمان اعدام محمد رضا حدادی 20 ساله روز 16 ژوئیه (25 تیر) در شهر شیراز در جنوب ایران اعلام شده است. او به خاطر جرمی که پیش از سن 18 سالگی ظاهراً مرتکب شده به اعدام محکوم شده است. این بار سومی است که برنامه زمانی برای اعدام او اعلام می شود.

رئیس قوه قضاییه در روز 27 ماه مه اعدام محمد رضا حدادی را که بنا بود در آن روز در زندان عادل آباد شیراز انجام شود متوقف کرد. رئیس قوه قضاییه به شعبه 17 دیوان عالی کشور دستور داده بود پرونده را دوباره مورد رسیدگی قرار دهد.

ولایت سرکوب

اما، برادر محمد رضا حدادی در مصاحبه ای با روزنامه سرمایه گفت که گرچه از زمان دستور بررسی مجدد این پرونده تاکنون هیچ جلسه رسیدگی تشکیل نشده، اما زمان اجرای حکم اعدام ۲۵ تیرماه اعلام شده است.

محمد رضا حدادی در سال ۲۰۰۴ به خاطر قتل که ظاهراً در ۱۵ سالگی مرتکب شده بود، به اعدام محکوم شد. او به ارتکاب قتل اقرار کرد، اما بعداً در دادگاه اقرار را پس گرفت و گفت که مسئولیت قتل را فقط به این خاطر پذیرفته بود که دو نفر از شرکای حرم گفته بودند در این صورت به خانواده اش پولی پرداخت خواهند کرد. او در دادگاه گفت که در ارتکاب قتل مشارکت نکرده است.

شرکای جرم بعداً ادعاهای محمد رضا حدادی را تایید کردند و شهادت خود علیه او را پس گرفتند. هر دوی آنها در زمان وقوع جرم بیش از ۱۸ سال داشتند و به زندان محکوم شدند. حکم اعدام محمد رضا حدادی را دیوان عالی کشور در ژوئیه ۲۰۰۵ تایید کرد. بار اول بنا بود او در اکتبر ۲۰۰۸ اعدام شود، اما اجرای حکم به دستور رئیس قوه قضاییه متوقف شد.

لطفاً فوراً درخواست هایی به فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی یا به زبان خودتان بنویسید و:

• از مقامات ایرانی بخواهید اعدام محمدرضا حدادی را فوراً متوقف و در حکم او تخفیف دهند؛

• به مقامات یادآوری کنید که دولت ایران عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک است که به کارگیری حکم اعدام را در مورد افرادی که به خاطر ارتکاب جرم در زیر سن ۱۸ سالگی محکوم شده اند، منع می کند.

نامه‌ها را پیش از ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۹ به مقامات زیر بفرستید:

رونوشت برای:

سخنگوی قوه قضاییه

علیرضا جمشیدی

حوزه ریاست قوه قضاییه

ولایت سرکوب

خیابان پاستور، خیابان ولی عصر، پایین تر از سه راه جمهوری، تهران کد پستی

1316814737، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی:

info@a-jamshidi.ir

عنوان: آقای عزیز

رئیس قوه قضاییه

آیت الله محمود هاشمی شاهرودی

حوزه ریاست قوه قضاییه

خیابان پاستور، خیابان ولی عصر، پایین تر از سه راه جمهوری، تهران کد پستی

1316814737، جمهوری اسلامی ایران

پست الکترونیکی: shahroudi@dadgostary-tehran.ir (در قسمت موضوع بنویسید:

در صورتی که بخواهید پس از تاریخ بالا نامه بفرستید، از دفتر عفو بین الملل بخش

خودتان سوال کنید.

اطلاعات بیشتر

عفو بین الملل خبر بیشتری در باره پرونده دیگر مربوط به ناصر قاسمی ندارد. او نیز به

خاطر جرمی که در 15 سالگی مرتکب شده بود، به مجازات اعدام محکوم شده است. از

سال 1990 به بعد، ایران حداقل 44 نفر را که به جرائم ارتكابی در زیر سن 18 سالگی

محکوم شده بودند، اعدام کرده است. هشت تن از این تعداد در سال 2008 و سه نفر در

سال 2009 اعدام شده اند.

اعدام مجرمان نوجوان، طبق ماده (5) 6 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و

کنوانسیون حقوق کودک ممنوع شده است و دولت ایران عضو هر دوی آنهاست و تعهد

کرده هیچ کس را به خاطر جرم ارتكابی در زیر سن 18 سالگی اعدام نکند.

در ایران، شخص محکوم به قتل حق درخواست عفو یا تخفیف مجازات از دولت ندارد و

این نقض ماده (4) 6 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. خانواده مقتول حق

دارد بر اجرای اعدام اصرار بورزد یا این که قاتل را ببخشد و دیه دریافت کند.

برای اطلاعات بیشتر در باره اعدام نوجوانان در ایران، لطفا نگاه کنید به ایران:
آخرین اعدام کننده کودکان (شماره نمایه: MDE 13/059/2007)، ژوئن 2007
(<http://web.amnesty.org/library/index/engmde130592007>)
اطلاعات بیشتر در باره فراخوان اقدام فوری: 71/08، شماره نمایه MDE
13/070/2009، تاریخ صدور: 10 ژوئیه 2009

بی خبری از وضعیت یک فعال سابق دانشجویی

فعالان حقوق بشر در ایران

در هفته گذشته اداره اطلاعات کرج برخی از فعالان فعلی و سابق این شهرستان و شهرستان های تابعه را با یورش به منازلشان دستگیر کرد که بخشی از آنان تا کنون آزاد شده اند اما در مورد چند تن از آنان کماکان هیچ اطلاعی در دست نیست.
علی رضا باقری دانشجوی اخراجی سال 79 دانشگاه ابهر، منجمله دستگیر شدگان یورش نیروهای امنیتی در منزل مسکونی خود در گوهردشت (رجایی شهر) کرج است.
علیرغم مراجعات و پیگیریهای متعدد خانواده باقری از نهادهای امنیتی و قضایی تاکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت این فعال سابق دانشجویی حاصل نشده است و عدم پاسخگویی نهادهای قضایی در این رابطه موجب نگرانی روزافزون خانواده از سرنوشت فرزند خود شده است.

پیکر صدها تن از کشته شدگان در سردخانه ای در تهران

سایت نروز در تهران: پیکر پاک صدها شهید اعتراضات مردمی یک ماه اخیر در سردخانه ای در جنوب غربی تهران نگهداری می شود.

در حالی که بسیاری از خانواده های زندانیان در بند همچنان نگران عزیزانشان از این نهاد به آن سازمان و از این زندان به آن دادگاه سرگردان و حیران بازی داده می شوند و هیچ مقام مسئول و غیر مسئولی در کشور حاضر به پاسخگویی به این خانواده های نگران نیست، برخی از خانواده ها را به محل نامعلومی دعوت می کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندانیشان و امضاء اوراقی با این مضمون که تائید می کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند جنازه های آنها را

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

تحویل خانواده های داغدار می دهند. به نقل از یکی از این خانواده ها که نخواست نامش فاش شود، وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها شناسایی کند.

به گفته وی دیدن تصاویر کشته سدها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است. وی افزود در زمان خروج از این سردخانه پیکر صدها شهید را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند.

این مادر داغدار می گوید با آنکه جنازه فرزندم را پیدا نکردم اما با دیدن آنهمه جنازه که رو هم دپو شده بود از هوش رفته ام و وقتی به هوش آمدم که در بیرون سردخانه و در ماشین بوده ام.

شیوا نظرآهاری در سلول انفرادی بند مخوف ۲۰۹ اوین

این فعال حقوق بشر، ، وبلاگ نویس و روزنامه نگار یکشنبه، ۲۴ خرداد ماه، ساعت ۱۳:۳۰ توسط مأموران وزارت اطلاعات در محل کار خود بازداشت شد. شب پیش از آن، حوالی ساعت ۱ بامداد، مأموران با ورود به منزل او، اقدام به تفتیش خانه نموده و در غیاب وی، وسایل شخصی اش را با خود بردند.

وی در مدت زمان بازداشت دو بار موفق به تماس تلفنی کوتاه با خانواده خود شده که طی آن سلامتی خویش را اعلام نموده است. شادی صدر، وکیل وی، بارها به دادگاه انقلاب اسلامی مراجعه نموده اما نام وی را در لیست بازداشتی های زندان اوین نیافته است. مسوولان مربوطه نیز ضمن ابراز بی اطلاعی از وضعیت او، وکیل را از دسترسی به پرونده موکل خود محروم داشته‌اند.

ولایت سرکوب

شیوا نظرآهاری در ۲۷ مرداد ماه ۸۳ هـ دلیل شرکت در تحصن خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل بازداشت و پس از سه هفته با سپردن قرار وثیقه ۴۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. در تاریخ ۱۹ اسفند همان سال در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی حدادمحاکمه و به اتهام شرکت در تجمع غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور به ۱ سال زندان با تعلیق ۵ ساله محکوم نمود.

کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت نامشخص این فعال حقوق بشر، و محکوم نمودن برخوردهای ایدایی با فعالان جامعه مدنی، خواستار آزادی هر چه سریع تر شیوا نظرآهاری و سایر بازداشت شدگان است. این کمیته تمامی ارگان ها و سازمان های حقوق بشری دولتی، غیر دولتی و بین المللی را به اقدام قاطع و موثر در خصوص اعمال خشونت جسمی و روانی به زندانیان فرا خوانده و نسبت به نقض صریح حقوق زندانیان در زندان های ایران هشدار می دهد.

کشته ها بسیارند

اخبار روز: به دنبال مرگ غیرمنتظره و مبهم سهراب اعرابی که جسم بی جانش بعد از ۲۸ روز تحویل خانواده اش داده شد، موجی از نگرانی بستگان زندانیان و مفقودین حوادث اخیر را در بر گرفته است. سایت نوروز در خبری تکان دهنده از وجود «صدها شهید» در سردخانه ای در جنوب غربی تهران خبر داده است. در همین حال با انتشار اخبار نگران کننده، خانواده هایی که بستگانش مفقود شده اند و یا به آن ها گفته شده در زندان هستند، با نگرانی در برابر زندان اوین، دادگاه انقلاب، آگاهی شاپور تجمع می کنند و پاسخی قانع کننده از مسئولین نمی شنوند.

پیکر صدها شهید در سردخانه ای در جنوب غربی تهران

نوروز: پیکر پاک صدها شهید اعتراضات مردمی یک ماه اخیر در سردخانه ای در جنوب غربی تهران نگهداری می شود. در حالی که بسیاری از خانواده های زندانیان در بند همچنان نگران عزیزانشان از این نهاد به آن سازمان و از این زندان به آن دادگاه سرگردان و حیران بازی داده می شوند و هیچ مقام مسئول و غیرمسئولی در کشور حاضر به پاسخگویی به این خانواده های نگران نیست، برخی از خانواده ها را به محل

ولایت سرکوب

نامعلومی دعوت می کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندان و امضاء اوراقی با این مضمون که تأیید می کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند جنازه های آنها را تحویل خانواده های داغدار می دهند. به گزارش خبرنگار نوروز به نقل از یکی از این خانواده ها که نخواست نامش فاش شود، وی را به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها شناسایی کند. به گفته وی دیدن تصاویر کشته سدها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است. وی افزود در زمان خروج از این سردخانه پیکر صدها شهید را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند. این مادر داغدار می گوید با آنکه جنازه فرزندم را پیدا نکردم اما با دیدن آنهمه جنازه که رو هم دپو شده بود از هوش رفته ام و وقتی به هوش آمدم که در بیرون سرخانه و در ماشین بوده ام.

چند سهراب دیگر؟

بنابه گزارشات رسیده از آگاهی شاپور تهران - که سرانجام سهراب اعرابی در آن جا یافت شد - از صبح امروز تعدادی از خانواده هایی که از سرنوشت عزیزانشان بی خبر هستند و هنوز نام آنها جزء دستگیرشدگان در ارگانهای رژیم ثبت و تایید نشده است در این محل، تجمع کردند.

به گزارش فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران، خانواده ها بعد از شنیدن خبر شهادت سهراب اعرابی و وعده های دروغین که در طی این مدت که به مادر دردمندش داده بودند و همچنین شنیدن وجود ۵۰ الی ۶۰ پیکر از شهدای راه آزادی مردم ایران در آن شکنجه گاه مخوف سخت نگران هستند.

روز سه شنبه ۲۳ تیرماه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲:۳۰، تعدادی از خانواده با نگرانی زیاد به آگاهی شاپور مراجعه کردند و خواستار پیگیری وضعیت فرزندانانشان شدند. این خانواده ها در روزهای درگیری بعد از انتخابات از فرزندانانشان هیچ اطلاعی ندارند و چندین بار به دادگاه انقلاب و زندان اوین و پزشکی قانونی مراجعه کرده اند، اما تاکنون از طرف

ولایت سرکوب

هیچ یک از سازمانهای فوق نام فرزندانشان تأیید نشده است. خانواده ها می گویند فرزندانشان تنها نبودند و همراه با یکی از بستگان و یا دوستانشان در اعتراضات شرکت کرده اند و به گفته همراهان آنها تعدادی توسط نیروهای گارد و لباس شخصی بازداشت شده اند.

تعدادی از مادران در جلوی آگاهی شاپور فریاد می زدند اگر فرزندانمان را کشته اید لااقل جنازه آنها را تحویل دهید و تعدادی با خشم هر چه تمام تر مرگ بر خامنه ای را فریاد می زدند که مورد حمله سربازان جلوی درب آگاهی قرار گرفتند و با دادن وعده رسیدگی می کنیم، سعی می کردند آنها را آرام کنند اما پدران و مادران فریاد می زدند شما همه دروغ می گوئید ما فرزندانمان را می خواهیم.

بنابه گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، اسامی تعدادی از مفقودین به شرح زیر است:

۱- نوشین عابدینی ۲۵ ساله شنبه ۳۰ خرداد همراه با بستگان درجه ۱ خود در اعتراضات شرکت کرده اما بعد از شروع درگیری و ضرب و شتم توسط نیروهای گارد هیچ اطلاعی از وی نیست .

۲- علی یزدانی همدانی ۲۱ ساله؛ شنبه ۳۰ خرداد همراه با دوستان خود در اعتراضات شرکت کرده و توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت می شود اما از آن روز به بعد هیچ اطلاعی از وی نیست .

۳- شاهین ضیایی ۲۷ ساله از پنجشنبه ۴ تیر بعد از بازگشت از بهشت زهرا و ادای احترام به ندا آقا سلطان هیچ اطلاعی از وی نیست .

۴- وحید بیگی ۳۰ ساله شنبه ۳۰ خرداد بعد اصابت گلوله به دستش توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت و هیچ اطلاعی از وی نیست .

۵- محمد رضا احمدی پور ۲۴ ساله از شنبه ۳۰ خرداد هیچ اطلاعی از وی نیست .

۶- سامان رستمی ۲۴ ساله چهارشنبه ۲۷ خرداد همراه با بستگان درجه ۱ خود در اعتراضات شرکت کرده و به گفته وی بعد از تیر اندازی نیروهای گارد در میدان ونک او را ندیده است .

۷- نیما پرنیان یوسفی ۲۸ ساله شنبه ۳۰ خرداد همراه با بستگان درجه ۱ در اعتراضات شرکت کرده اما در تقاطع یادگار امام بازداشت و هیچ اطلاعی از وی نیست.

تجمع در برابر زندان اوین و دادگاه انقلاب

همزمان گروهی از خانواده های دستگیرشدگان در برابر دادگاه انقلاب و زندان اوین تجمع کردند. بنا به گزارش فوق، تعداد زیادی از خانواده ها از صبح امروز در مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب تجمع کردند و نسبت بی خبری و ادامه بازداشت عزیزانشان دست به اعتراض زدند.

روز سه شنبه ۲۳ تیر ماه بیش از ۱۵۰ نفر از خانواده های بازداشت شده ها به دادگاه انقلاب مراجعه کردند تعدادی در داخل دادگاه انقلاب به انتظار تعیین قرار کفالت برای فرزند خود و تعداد بیشتری در بیرون دادگاه به انتظار آوردن لیست اسامی جدید و تأیید دستگیری فرزندشان و مشخص شدن محل نگهداری آنها از ساعت ۸ صبح تا ۱۵ به انتظار می ایستادند. تعدادی از خانواده هایی که مانند مادر سهراب اعرابی کفالت برای فرزند خود گذاشته بودند، اما فرزندانشان آزاد نشده اند، با خشم هر چه تمام تر وارد دادگاه انقلاب می شدند و خواستار آزادی فوری فرزند خود می شدند و تعدادی اعلام کردند در صورتی که فرزندشان آزاد نشود خود را با زنجیر در جلوی دادگاه انقلاب می بندند و تحصن می کنند. این خانواده ها مرتب فریاد می زدند: چه بلایی بر سر جوانهایمان آورده اید؟ آیا فرزندان ما زنده اند یا ما هم مثل مادر سهراب جنازه فرزندمان را تحویل می گیریم. اگر یک ذره انسانیت در شما وجود دارد به ما جواب بدهید.

در ساعت ۱۰:۳۰ صبح تعداد ۸۰ اسم در ۲ لیست توسط دادگاه انقلاب تأیید شد و در زیر صفحات اسامی عنوان شده بود ۱۵ روز دیگر مراجعه کنید. اما بقیه خانواده ها همچنان در انتظار لیست جدید بودند. در بیرون دادگاه نیروی انتظامی و تعدادی لباس شخصی وضعیت را تحت کنترل داشتند.

همچنین از صبح امروز تقریباً ۱۰۰ خانواده نیز در جلوی زندان اوین با نگرانی شدید و خشم زیاد به انتظار تأیید محل نگهداری عزیزانشان تجمع کردند. شهادت سهراب اعرابی خانواده ها را سخت نگران کرده است و اعتماد آنها نسبت به گفته های افرادی که در

ولایت سرکوب

دادگاه انقلاب و زندان اوین هستند سلب شده است و از خطری که عزیزانش را تهدید می کند شدیداً نگران هستند .

به گزارش فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران، اسامی تعدادی از بازداشت شده ها به این شرح است :

۱ - پرویز تهرانی ۲۴ ساله لیسانس مکانیک دوشنبه ۲۵ خرداد در ولی عصر بازداشت وبعد از انتقال به کلانتری ۱۴۸ انقلاب به اوین منتقل شده .

۲ - آیدین خسروانی ۲۱ ساله دیپلم شنبه ۳۰ خرداد بازداشت و به اوین منتقل شده .

۳ - امیر محمد یعقوبی پور ۲۹ ساله دیپلم جوشکاری شنبه ۳۰ خرداد بازداشت و به اوین منتقل شده .

۴ - وحید رضا کوثری ۱۹ ساله دیپلم دوشنبه ۱ تیر در ونک بازداشت شده و به اوین منتقل شده .

۵ - سید معین میری ۲۷ ساله دانشجوی جغرافی چهارشنبه ۲۷ خرداد در هفت تیر بازداشت و به اوین منتقل شده .

۶ - کامران دماوندی ۲۸ ساله دیپلم ۲۶ خرداد در ونک بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .

۷ - علیرضا ابراهیمی ۲۲ ساله فوق دیپلم هنر پنجشنبه ۱۸ تیر در امیر آباد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .

۸ - پیام عمرانی ۲۴ ساله لیسانس هنرهای تجسمی پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .

۹ - سینا بهمنی ۲۱ ساله دیپلم فنی چهارشنبه ۲۷ خرداد در جنت آباد بازداشت و به اوین منتقل شده .

۱۰ - آریا اکبری ۲۲ ساله فوق دیپلم کامپیوتر شنبه ۳۰ خرداد در رودکی بازداشت وبعد از انتقال به آگاهی شاپور به اوین منتقل شده .

۱۱ - محمود همت ۲۶ ساله لیسانس مدیریت بیمه پنجشنبه ۱۸ تیر در جمالزاده بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .

ولایت سرکوب

- ۱۲- لیلیا محمدی ۲۵ ساله دیپلم طراحی صنعتی پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .
- ۱۳- حامد سیاوشی ۲۳ ساله دانشجوی طراحی صنعتی پنجشنبه ۱۸ تیر در جمالزاده بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۱۴- ماهان خشنودی ۲۲ ساله دیپلم چهارشنبه ۳ تیر در بهارستان بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۱۵- ابراهیم نوری ۲۶ ساله فوق دیپلم عمران پنجشنبه ۱۸ تیر در خیابان ۱۶ آذر بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۱۶- علی بابایی ۲۵ ساله دیپلم شنبه ۳۰ خرداد در نواب بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۱۷- محمد مهدی تاج بخش ۲۵ ساله لیسانس محیط زیست چهارشنبه ۳ تیر در بهارستان بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۱۸- مهرداد طالبی ۲۷ ساله لیسانس فیزیک پنجشنبه ۱۸ تیر در امیر آباد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .
- ۱۹- صادق هادی پور ۲۰ ساله دیپلم شنبه ۳۰ خرداد در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۲۰- حسن الیاسی ۲۲ ساله دانشجوی ریاضی ۳۰ خرداد در یادگار امام بازداشت و به اوین منتقل شده .
- ۲۱- امیر سربندانی ۲۸ ساله فوق دیپلم حسابداری یکشنبه ۳۱ خرداد در ولی عصر بازداشت و بعد از انتقال به آگاهی شاپور به اوین منتقل شده .
- ۲۲- شهاب خسروی ۲۵ ساله دیپلم پنجشنبه ۱۸ تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص .

صف جانباختگان طویل تر می شود

در روزهای اخیر اطلاعات بیشتری در مورد کسانی که در جریان اعتراضات علیه کودتای انتخاباتی کشته شده اند، به رسانه های جمعی درج کرده است. علاوه بر ندا آقا سلطان، کیانوش آسا، سهراب اعرابی، یعقوب بروایه نیز به خیل جان باختگان راه آزادی

ولایت سرکوب

پیوسته است. بنا به نوشته‌ی منابع مختلف او در آخرین لحظات زندگی خویش در بیمارستان، دست‌های مادر خود را گرفته و گفته است که برای آزادی کشته شده است. یعقوب بر رویه توسط لباس شخصی‌ها به شدت زخمی شده و بعد از چند روز در بیمارستان درگذشت. بر رویه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران بود.

به گزارش "خبرگزاری سبز ایران" یعقوب بر رویه روز چهارم تیر ماه توسط نیروهای بسیج از بام مسجد لولاگر

مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بلافاصله توسط دوستانش به بیمارستان لقمان انتقال یافت. یعقوب ساعتی بعد از ورود به بیمارستان به کما رفت. مادر یعقوب بر رویه در گفتگو با خبرنگار «روز آنلاین» به نقل از دوستان یعقوب می‌گوید: رضا و توانا می‌گویند تا آنجایی که توانستیم سعی کردیم که از شلوغی‌ها به سرعت عبور کنیم و مسیرهای ساده‌تری را برای حرکت انتخاب کنیم؛ اما مامورین نیروی انتظامی مردم را به سمت خیابان‌های اطراف هدایت می‌کنند و ناخواسته به طرف میدان جمهوری در خیابان نواب کشیده می‌شوند. ناگهان همه جا شلوغ می‌شود و مامورین یگان ویژه و نیروهای بسیجی با ایجاد رعب و وحشت مردم را متفرق می‌کنند. در برابر این رفتار مامورین مردم هم مقاومت می‌کنند به تیراندازی‌ها شروع می‌شود و دقیقاً روبروی همان مسجد لولاگر پسر زخمی می‌شود. به گفته دوستان یعقوب، گلوله از طرف بسیجی‌هایی بوده است که در پشت بام مسجد لولاگر مستقر شده بودند. تعداد آنها به پنج نفر می‌رسیده و بسیاری را به شهادت رسانیده‌اند.

یعقوب بر رویه در کنترل کامل مامورین تحت مداوا قرار داشت. او تنها دقایقی پیش از مرگ چشم‌گشود، دستان مادرش را گرفت و زیر لب گفت:

-مادر من برای آزادی کشته شدم....

و چشم فروبست. به گزارش خبرنگار "خبرگزاری ایران سبز" ماموران امنیتی پیکر بی‌جان یعقوب را تحویل گرفتند و به محل نامعلومی بردند و سرانجام بعد از ۴۸ ساعت به خانواده او اطلاع دادند جسد یعقوب به خاک سپرده شده است. ماموران از

ولایت سرکوب

خانواده او تعهد گرفتند که از هر گونه اطلاع رسانی و برگزاری مراسم برای او خودداری کنند.

بنابر گزارش دیگری از شیراز، آرمان استخری پور، جوان ۱۸ ساله شیرازی که در درگیری های اخیر شیراز در محله ابیوردی مورد اصابت باتوم قرار گرفته و به کما رفته بود درگذشته است. او که به منزل پیرزنی در حوالی درگیری ها پناه برده بود روز سه شنبه جان باخت و پیکر او قرار است که در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شود. پزشک آرمان علت مرگ وی را مرگ مغزی اعلام کرده است. جزئیات بیشتری در مورد این خبر در دست نیست.

یکی از بازداشت شدگان تجمع مسجد قبا به بهانه تصادف و پارگی رحم در بیمارستان بستریست

یکی از دستگیرشدگان بیست و هفتم خرداد ۸۸ با نام «ترانه موسوی» متولد ۱۳۶۰ در وضعیتی نامعلوم به سر می برد. یک ناشناس پس از یک ماه، در تماسی تلفنی با مادر او گفته است که ترانه به دلیل پارگی رحم در بیمارستان امام خمینی کرج بستریست اما خانواده او پس از مراجعه به این بیمارستان نیز نتوانستند از فرزندشان خبری بگیرند. ترانه موسوی ۲۷ خرداد ۸۸ در اطراف مسجد قبا در خیابان شریعتی تهران از سوی مأموران حکومتی دستگیر شد. پس از گذشت نزدیک به یک ماه، افرادی ناشناس با مادر او تماس گرفته و از بستری بودن او در بیمارستان امام خمینی کرج خبر دادند. این افراد تصادف در حومه خیابان شریعتی و پارگی رحم و مقعد را دلیل بستری بودن وی در بیمارستان عنوان و تأکید کرده اند بستری شدن او ربطی به تجمع مسجد قبا ندارد. آن ها گفته اند ترانه مشکل ناموسی داشته است و به همین دلیل می خواسته با شلنگ سرم، خود را حلق آویز کند. خانواده اش پس از مراجعه به آن بیمارستان، نتوانستند او را ببینند و مسوولان بیمارستان گفته اند که شخصی با این نام در آنجا بستری نیست. یک شاهد عینی که روز ۲۷ خرداد دستگیر شده بود، می گوید: «نیروهای ضد شورش و لباس شخصی روز ۲۷ خرداد من و تعدادی از دستگیرشدگان را سوار بر ون هایی به ساختمانی در اطراف میدان نوبنیاد بردند و به آزار جسمی و روحی ما پرداختند.

برخی از دستگیر شدگان را در همان بعداز ظهر به زندان اوین منتقل کردند اما من و بقیه را آزاد کردند. ترانه در میان ما بود. او دختری زیبا، خوش اندام و شیک پوش بود و بازجویی اش از همه بیشتر طول کشید. چشم هایش سبز بود. من و تعدادی را همان شب آزاد کردند و تعدادی را نیز پیش از آزادی ما به جاهای دیگری فرستادند. اما نیروهای لباس شخصی ترانه را همان جا نگه داشتند و حتا به او اجازه ندادند تا با مادرش تماس بگیرد.»

پدر ترانه موسوی ناراحتی قلبی دارد و پس از ناپدید شدن تنها فرزندش در خانه بستری شده است.

مرگ» دانشجوی هنر در تیراندازی بسیج

گزارش ها از ایران از درگذشت یعقوب بروایه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران حکایت دارد.

این دانشجو چهارم تیرماه در جریان تیراندازی نیروهای بسیج از پشت بام مسجد لولاگر، زخمی و در بیمارستان بستری شده بود.

وبسایت نوروز و روز آنلاین، علت مرگ این جوان را «مرگ مغزی» اعلام کرده اند. آن طور که وبسایت نوروز نوشته است، یعقوب بروایه فرزند دوم یک خانواده پنج نفری و اهل اهواز بود.

ولایت سرکوب

وی متولد تیرماه ۱۳۶۱ بوده و در هنگام مرگ تنها ۲۷ سال سن داشت.

مادر این جوان یکشنبه گذشته در گفتگو با وبسایت روز آنلاین اظهار امیدواری کرده بود که فرزندش هرچه زودتر بهبود یافته و از بیمارستان مرخص شود.

مادر این جوان یکشنبه گذشته در گفتگو با وبسایت روز آنلاین اظهار امیدواری کرده بود که فرزندش هرچه زودتر بهبود یافته و از بیمارستان مرخص شود

مقام‌های دولتی تاکنون در خصوص مرگ این جوان واکنشی نشان نداده‌اند.

یعقوب بروایه دومین جوانی است که خبر درگذشت وی بر اثر تیراندازی نیروهای بسیج از سوی برخی رسانه‌ها در ایران اعلام می‌شود.

سهراب اعرابی ۱۹ ساله جوان دیگری است که در جریان تیراندازی نیروهای بسیج در ۲۵ خرداد جان باخته بود و مقام‌های قضایی چند روز پیش خبر درگذشت وی را تأیید کردند.

مقام‌های پلیس ایران تاکنون مرگ ۲۰ تن در حوادث پس از اعلام نتایج انتخابات را تأیید کرده‌اند. این در حالی است که گزارش‌های غیر رسمی تعداد جان باختگان را بیشتر از آمارهای رسمی اعلام کرده‌اند.

سازمان‌های مدافع حقوق بشر در هفته‌های اخیر اعلام کرده‌اند که نگران سرنوشت صدها نفری هستند که در جریان ناآرامی‌های انتخاباتی دستگیر شده‌اند.

از سرنوشت بسیاری از این بازداشت‌شدگان اطلاع دقیقی در دست نیست. نهادهای حقوق بشری از تحت فشار قرار گرفتن برخی از آنها برای گرفتن «اعتراف» نیز نگران هستند.

پلیس ایران امروز سه‌شنبه اعلام کرده که تمام بازداشت‌شدگان برای محاکمه به قوه قضائیه تحویل داده شده‌اند. مقام‌های قضایی تعداد این افراد را ۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

این افراد با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» روبرو هستند.

اعدام ۱۳ نفر در زاهدان

بی بی سی: روز سه شنبه، ۱۴ ژوئیه (۲۳ تیر)، به نقل از ابراهیم حمیدی، رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان، گزارش شد که احکام سیزده نفر که به جرم عضویت در گروه جنادالله به اعدام محکوم شده بودند به اجرا گذاشته شده اما حکم عبدالحمید ریگی، برادر عبدالمالک ریگی، رهبر این گروه، چند روز به تعویق افتاده است.

آقای حمیدی در مورد دلیل تعویق در اجرای این حکم گفته است که یکی از مراجع امنیتی استان سیستان و بلوچستان اطلاعاتی در مورد این پرونده به دست آورده که تکمیل آنها مستلزم ادامه تحقیقات از عبدالحمید ریگی است.

پیشتر اعلام شده بود که احکام اعدام در ملاء عام در یک پارک عمومی در زاهدان اجرا خواهد شد اما رئیس دادگستری استان گفته است که احکام در بامداد سه شنبه در محوطه زندان به اجرا گذاشته شد.

او در مورد علت تغییر در محل اجرای حکم توضیحی نداده است.

مقامات قضایی ایران در مورد اسامی اعدام شدگان، نحوه بازداشت، و روند رسیدگی به پرونده آنان جزئیاتی انتشار نداده اند اما گفته اند که این افراد به جرم محاربه و فساد در ارض، حملات تروریستی و گروگانگیری به مرگ محکوم شدند هرچند مشخص نیست که

آیا همه آنان با این اقدامات ارتباط داشته اند یا به دلیل یا ظن عضویت در گروه جندالله محکوم دانسته شده اند.

حمیدی اسامی اعدام شدگان و جزئیات پرونده را فاش نکرده است.

همچنین، پیشتر مقامات قضایی استان سیستان و بلوچستان از محکومیت دوازده نفر به اعدام خبر داده بودند اما روز سه شنبه، اعدام سیزده نفر و تعویق در اجرای حکم یک نفر دیگر گزارش شد.

روز سه شنبه هم خبرگزاری کار ایران به نقل از اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی گزارش کرد که دوازده نفر از اعضای جندالله که دستگیر شده بودند در دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شدند.

در مورد عبدالحمید ریگی نیز اخبار ضد و نقیضی انتشار یافته و چند هفته پیش، یک شبکه تلویزیونی وابسته به دولت جمهوری اسلامی گزارش کرد که آقای ریگی قبل از اعدام، در مصاحبه ای از ارتباط خود با آمریکا پرده برداشته است.

اعتراض به نحوه صدور احکام

در پی اعلام تصمیم دادگستری استان سیستان و بلوچستان به اعدام این افراد، چند گروه مدافع حقوق بشر نسبت به محاکمه عادلانه متهمان ابراز تردید کرده و خواستار توقف اجرای حکم اعدام و پایبندی نظام قضایی جمهوری اسلامی به تعهدات خود در رعایت موازین شناخته شده دادرسی شدند.

گروه عفو بین الملل، از سازمان های مدافع حقوق بشر، صدور احکام اعدام را فاقد ارزش قضایی خوانده و گفته است که این مجازات در واکنش به رویدادهای اخیر منطقه صادر شده و ماهیتی سیاسی و امنیتی دارد.

جنبش مقاومت مردمی ایران - جندالله - یک گروه مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی است که هدف خود را حمایت از حقوق اقلیت سنی مذهب ایران به خصوص در استان سیستان و بلوچستان اعلام داشته و رهبری آن را عبدالمالک ریگی برعهده دارد. جندالله مسئول انفجار در مسجد امیرالمومنین شناخته شده است.

ولایت سرکوب

در سال های اخیر، این گروه مسئولیت یک رشته اقدامات خشونت آمیز از جمله حمله به ماموران دولتی و چند مورد بمب گذاری را بر عهده گرفته است.

از جمله اقدامات این گروه، عملیات تاسوکی در اسفندماه سال ۱۳۸۴ است که در جریان آن، افراد مسلح با بستن جاده زابل به زاهدان در نزدیکی پاسگاه تاسوکی، اتومبیل های عبوری را متوقف کردند و بیست و دو تن از سرنشینان آنها را کشتند.

گروه جنرال کشته شدگان را عوامل دولتی و امنیتی توصیف کرد اما منابع دولت ایران گفتند که اکثر قربانیان این حمله از افراد عادی بوده اند.

در خرداد ماه سال جاری هم انفجاری در مسجد امیرالمومنین زاهدان روی داد که در جریان آن، بیست و پنج نفر کشته و شماری زخمی شدند و جنرال مسئول آن اعلام شد.

رئیس دادگستری سیستان و بلوچستان گفته است که وزارت امور خارجه مدارکی را در مورد اقدامات گروه جنرال تهیه و آنها را به مراجع قضایی پاکستان تحویل داده و از پلیس بین المللی خواستار دستگیری اعضای این گروه شده است.

عبدالحمید ریگی در پاکستان بازداشت و سال گذشته توسط دولت پاکستان به جمهوری اسلامی تحویل داده شد.

اتهام ارتداد برای دو ایرانی مسیحی

بیش از چهار ماه از بازداشت دو ایرانی مسیحی می گذرد. مرضیه امیری زاده اسماعیل آبادی، ۳۰ ساله و مریم رستمپور، ۲۷ ساله. این دو شهروند ایرانی نزدیک به ۱۰ سال پیش، از اسلام به مسیحیت گرویدند.

بنابر گزارش منابع خبری مسیحی، این دو دختر جوان در ۱۵ اسفند ماه سال ۷۸ در خانه های مسکونی شان بازداشت شدند و اتهام آن ها از سوی مقام های قضایی، اقدام علیه امنیت ملی، عنوان شده است.

این در حالی است که منابع قضایی به طور غیر رسمی به خانواده آنان گفته اند که احتمال می رود این دو، به اتهام «ارتداد» محاکمه شوند.

ولایت سرکوب

سایت شبکه خبری مسیحیان فارسی‌زبان نیز درباره این دو شهروند مسیحی، که در زندان اوین به سر می‌برند، نوشته است که آنان در روز ۱۷ تیرماه، به دلایل نامعلومی به مدت سه هفته در اواخر اردیبهشت ماه تحت بازجویی های شدید و در سلول های انفرادی به سر برده اند و پس از آن در خرداد ماه برای دو هفته با هم در یک سلول کوچک در بند بوده اند. امیر جواد زاده، یکی از برنامه‌سازان شبکه‌های مسیحی فارسی‌زبان در لندن به رادیو فردا می‌گوید که از زمان بازداشت این دو شهروند مسیحی، آنان از حق داشتن وکیل محروم بوده‌اند و می‌افزاید:

«با وجود اینکه چندین بار هم در زندان بیمار شدند، اجازه دیدن دکتر را نداشته‌اند و روزهای متمادی تا نیمه‌شب هم زیر بازجویی بوده‌اند».

به گفته آقای جواد زاده، قرار بود عبدالفتاح سلطانی، حقوقدان و از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر در تهران، وکالت این دو دختر مسیحی را عهده‌دار شود که با توجه به بازداشت آقای سلطانی، پس از رویدادهای اخیر در ایران، در حال حاضر این مساله عملی نیست.

این برنامه‌ساز تلویزیون‌های مسیحی، به رادیو فردا گفته است که آقای سلطانی، برای بر عهده گرفتن وکالت این دو دختر مسیحی با خانواده‌های آنان صحبت کرده بود اما دستگاه قضایی، اجازه وکالت به وی را نداده بود.

امیر جواد زاده درباره فعالیت‌های مذهبی این دو شهروند مسیحی به رادیو فردا می‌گوید که «کار آنان کمک به کسانی بود که در زندگی دچار مشکلات روحی و عاطفی بوده‌اند.» آقای جواد زاده با تاکید بر اینکه این دو دختر مسیحی هیچگونه فعالیت سیاسی نداشته‌اند می‌افزاید «تنها هدف آنان کمک به بشریت بوده آن هم بدون در نظر گرفتن دین و نژاد و زبان.»

خبرگزاری‌های مسیحی می‌گویند که در حال حاضر غیر از این دو شهروند مسیحی، نزدیک به ۵۰ نفر دیگر با وضعیتی مشابه در بازداشت به سر می‌برند و بسیاری از آنها هفته‌ها را در سلول‌های انفرادی می‌گذرانند.

مجازات «ارتداد»، در ایران و بر پایه قوانین اسلامی مرگ است.

با این حال در خرداد ماه گذشته اعلام شد که در پی تصمیم مجلس برای اصلاح قانون مجازات اسلامی، قوانینی از جمله اعدام به جرم ارتداد، قطع ید و سنگسار، از قانون مجازات اسلامی حذف خواهد شد. این مصوبه برای اجرایی شدن باید از تصویب شورای نگهبان قانون اساسی بگذرد.

حدود بیست سال پیش نیز کشیش حسین سودمند، به جرم ارتداد در مشهد اعدام شد.

مرگ در خوابگاه؛ روایت تازه‌ای از حمله به کوی دانشگاه

روزنامه گاردین چاپ لندن بر اساس گفت‌وگو با دانشجویانی که هدف حمله پلیس و نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران بوده‌اند گزارشی از جزئیات این حمله منتشر کرده است؛ در این گزارش به نحوه دستگیری‌ها، اذیت و آزار و کتک زدن‌ها اشاره می‌شود و از زبان شاهدان رقم کشته‌شدگان این حمله حداقل پنج نفر اعلام شده است که در بین آنها دو دانشجوی دختر نیز بوده‌اند.

کوی دانشگاه؛ ۲۴ خرداد:

نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی در شامگاه ۲۴ خرداد، دو روز پس از اعلام نتایج انتخابات با ورود با حریم کوی دانشگاه تهران، صحنه‌هایی مشابه با ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ به وجود آوردند.

ولایت سرکوب

این حمله با واکنش برخی نمایندگان مجلس و گروه بزرگی از استادان دانشگاه تهران روبه‌رو شد.

اما معاون سیاسی استاندار تهران چند روز پس از آن گفته رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در مورد ورود نیروی انتظامی به کوی دانشگاه در جریان اعتراضات به نتیجه انتخابات را رد کرد. [بیشتر بخوانید](#)

گاردین می‌نویسد حمله به کوی دانشگاه تهران کمی پس از نیمه شب آغاز شد، زمانی که دانشجویان خود را برای خواب آماده می‌کردند. فضای شهر تهران پس از چند روز تظاهرات علیه نتیجه انتخابات ایران متشنج بود. در خوابگاه خیابان کارگر شمالی (امیرآباد) دانشجویان نگران بودند. تعدادی از آنها چند ساعت پیش در جریان حمله پلیس و لباس شخصی‌ها به در اصلی دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند.

به نوشته گاردین و با استناد به گفته دانشجویان، آن چه در این ساعات نیمه شب روی داد به یکی از خشونت‌بارترین حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری بدل شد. نیروهای پلیس و لباس شخصی‌ها ابتدا قفل درها را شکستند و بعد به دانشجویان حمله کردند. شاهدان به گاردین گفته‌اند: «بیش از صد نفر بازداشت شده و پنج نفر کشته شدند». مقام‌های دولتی هنوز هم چنین حمله‌ای را تکذیب می‌کنند، ولی شهادت افرادی که در محل حضور داشتند داستان متفاوتی را حکایت می‌کند.

یکی از بازداشت‌شدگان این حادثه به گاردین می‌گوید: «ما داشتیم برای خوابیدن آماده می‌شدیم که یک باره صدای شکستن قفل در اتاق‌ها را شنیدیم. من همین افراد را چند ساعت قبل دیده بودم که دانشجویان را کتک می‌زدند، ولی تصور نمی‌کردم که به خوابگاه بریزند. این حمله حتی خلاف قوانین ایران است.»

گاردین می‌نویسد ۴۶ دانشجو به زیرزمین وزارت کشور در خیابان فاطمی و ۸۷ نفر دیگر نیز به بازداشتگاه امنیتی پلیس در خیابان حافظ منتقل شدند. همه دانشجویان می‌گویند که در طول بازداشت با آنها بدرفتاری شده یا مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.

گاردین می‌نویسد: «در جریان حمله به کوی دانشگاه تهران پنج نفر کشته شده‌اند، به نام‌های فاطمه براتی، کسری شرفی، مبینا احترامی، کامبیز شعاعی و محسن ایمانی. آنها

ولایت سرکوب

فردای همان روز بدون اطلاع خانواده در قبرستان بهشت زهرا دفن شدند. اسامی این افراد توسط دفتر تحکیم وحدت تایید شده است.»

شاهدان می‌گویند این پنج نفر بر اثر ضربات مداوم باتوم به ناحیه سر جان خود را از دست داده‌اند. به خانواده‌های آنها گفته شده است که حق برگزاری مراسم یا صحبت در مورد فرزندان خود را ندارند.

گاردین یادآوری می‌کند که طبق قانون ایران اعضای نیروهای نظامی و انتظامی حق ورود به محیط‌های دانشگاهی را ندارند، این مقرراتی است که پس از حادثه حمله به کوی دانشگاه در سال ۷۸ توسط دولت به تصویب رسید.

اما در روزهای ناآرامی پس از انتخابات نیروهای انتظامی و امنیتی توجهی به این مقررات نداشتند و پلیس و لباس‌شخصی‌ها بارها با باتوم و گاز اشک‌آور به محوطه دانشگاه‌ها حمله کرده‌اند. یکی از دانشجویان به خبرنگار گاردین گفته است که در یکی از این حملات یک مامور امنیتی او را به زمین انداخته و زیر مشت و لگد می‌گیرد. سپس به بهانه جستجو برای اسلحه یا موبایل شروع می‌کند به سوءاستفاده جنسی از این دانشجو.

دانشجوی دیگری می‌گوید ماموران گارد ویژه پلیس با کشیدن دو صف تونلی را در بین خود ایجاد کرده و دانشجویان بازداشتی را مجبور می‌کردند که از این تونل عبور کنند و به هنگام عبور آنها را با باتوم می‌زدند و حتی به کسانی که مجروح بودند رحم نمی‌کردند. گاردین از قول یکی دیگر از دانشجویان می‌نویسد: «یک بسیجی روی کمرم نشسته بود و می‌گفت: هفت ساله کسی رو [...]، بچه [...]! بذار برسیم، بهت می‌گم باهات چی کار می‌کنم. ما را آزار می‌دادند و ادعا می‌کردند که به آنها یا رهبر توهین کرده‌ایم.»

گاردین از قول شاهدان این حمله می‌نویسد که قبل از انتقال بازداشتی‌ها سر و صورت آنها را با کیسه‌های پلاستیکی پوشانده و آنها را در مقابل ساختمان خوابگاه به صف کرده بودند. یک دانشجو می‌گوید وقتی که به ساختمان وزارت کشور رسیدیم باورم نمی‌شد که در طبقات بالاتر مقامات این دولت، سیاستمداران و مسئولان انتخابات مشغول کار هستند و ما دانشجویان را برای انیت و شکنجه به زیرزمین همین ساختمان آورده‌اند.

ولایت سرکوب

چند ساعت بعد مقداری نان و پنیر برای زندانیان آورده و آن را روز زمین کثیف جلوی آنها می‌گذارند و تهدید می‌کنند که اگر غذا نخورند به شدت تنبیه خواهند شد. یکی از بسیجی‌ها به نام علی با تلفن موبایل از دانشجویان فیلم می‌گرفت و به بازداشتی‌ها دستور می‌داد که فریاد بزنید: «ما خریم.»

گاردین با تکیه به شهادت قربانیان این حمله می‌نویسد مجروحان مداوا نمی‌شدند. به دانشجویی که بر اثر اصابت گلوله پلاستیکی یک چشم خود را از دست داده بود کسی توجه نمی‌کرد. یکی از شاهدان به گاردین می‌گوید: «ما از آنها خواهش می‌کردیم که دو مجروح را به بیمارستان منتقل کنند، ولی آنها می‌گفتند بگذار بمیرند.»

آزار و اذیت دانشجویان ۲۴ ساعت بعد در زمانی به پایان می‌رسد که فرهاد رهبر، رئیس دانشگاه تهران، و علیرضا زاکانی، نماینده مجلس، به دیدار آنها می‌آیند. رهبر به آنها می‌گوید که خود به پلیس اجازه ورود به کوی را داده است، اما چند روز بعد این نکته را انکار می‌کند.

در بازداشتگاه امنیتی پلیس در خیابان حافظ پس از مدتی در داخل سلول‌ها گاز پخش می‌کنند. و بالاخره پس از ۲۴ ساعت اکثر این دانشجویان آزاد می‌شوند. قبل از آزادی به آنها دستور می‌دهند که لباس‌های تمیزی را که پلیس به آنها داده بود بپوشند. یکی از شاهدان به گاردین می‌گوید:

«آنها به خیال خود می‌خواستند شواهد دوران بازداشت را پاک کنند. ولی چه چیز می‌تواند نیرومندتر از ۱۳۳ دانشجویی باشد که همه این حوادث را به چشم دیده و عذاب آن‌را کشیده‌اند؟»

مرگ در خوابگاه؛ روایت تازه‌ای از حمله به کوی دانشگاه



روزنامه گاردین چاپ لندن بر اساس گفت‌وگو با دانشجویانی که هدف حمله پلیس و نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه تهران بوده‌اند گزارشی از جزئیات این حمله منتشر کرده است؛ در این گزارش به نحوه دستگیری‌ها، اذیت و آزار و کتک زدن‌ها اشاره می‌شود و از زبان شاهدان رقم کشته‌شدگان این حمله حداقل پنج نفر اعلام شده است که در بین آنها دو دانشجوی دختر نیز بوده‌اند.

رفتارهای وحشیانه مقیسه ای معروف به ناصریان با زندانیان سیاسی در دادگاه

بنابه گزارشات رسیده از بند 209 زندان اوین دانشجوی زندانی مهسا نادری برای محاکمه به شعبه 28 دادگاه انقلاب برده شد و توسط محمد مقیسه ای معروف به (ناصریان) مورد محاکمه قرار گرفت.

دانشجوی زندانی مهسا نادری 19 ساله دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه مفید شهرستان قم، روز یکشنبه 14 تیر ماه به شعبه 28 دادگاه انقلاب فرخوانده شد. رئیس شعبه 28 فردی

ولایت سرکوب

بنام محمد مقیسه معروف به ناصریان از اعضای هیئت مرگ قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 می باشد. زندانی سیاسی مهسا نادری همراه با وکیلش خانم ستوده در دادگاه انقلاب حاضر شدند. ولی از حضور خانواده نادری در دادگاه فرزندشان ممانعت شد. دادگاه او حوالی ساعت 09:45 تشکیل شد. محمد مقیسه ای رئیس شعبه 28 دادگاه انقلاب در بدو شروع دادگاه با داد و فریادهای وحشیانه و غیر انسانی که بیشتر به بازجویان و وزارت اطلاعات شباهت داشت تا قاضی، فریادهای مقیسه ای به حدی بلند بود که صدای او در راهرو دادگاه به خوبی شنیده می شد و باعث تعجب مراجعه کننده شده بود. خطاب به دانشجوی زندانی می گفت: تو محارب هستی، اینها را باید بکشیم، نباید کسی از آنها زنده بماند و تهدیدها و توهین های متعدد دیگر را علیه این دانشجوی زندانی بکار می برد.

اتهاماتی که به دانشجوی زندانی توسط سر بازجویان وزارت اطلاعات سعید شیخان و علوی نسبت داده شده است به قرار زیر می باشد: شرکت در مراسم خاوران، محاربه، تبلیغ علیه نظام است.

دانشجوی زندانی تمامی اتهامات نسبت داده شده را رد کرد و همه آنها را ساختگی و غیر واقعی دانست و هیچ دلیلی برای اثبات آنها وجود ندارد

برخورد وحشیانه و غیر انسانی محمد مقیسه ای معروف به ناصریان به حدی شدید بود که باعث اعتراض خانم ستوده وکیل دانشجوی زندانی شد. مقیسه ای همچنین وکیل محترم خانم ستوده را چندین بار تهدید به بازداشت کرد و مانع دفاعیات وی از موکلش می شد. این در حالی بود که خانم ستوده در چهار چوب قوانین موجود نسبت به برخوردهای غیر قانونی به موکلش اعتراض داشت و با استدلال و یاد آوری قوانین موجود چنین برخوردی را غیر قانونی میدانست.

محمد مقیسه ای معروف به ناصریان از اعضای هیئت مرگ سال 67 می باشد این هیئت بنابه شاهدان بازمانده از آن قتل عام که باعث جان باختن هزاران زندانی سیاسی شد. علیرغم خواسته سازمانهای حقوق بشری برای دستگیری، محاکمه و مجازات آمرین و عاملین این قتل عام هنوز تحقق نیافته است بلکه بعضی از آنها در نقش قاضی های

ولایت سرکوب

وزارت اطلاعات مشغول بکار هستند و تا به حال چندین زندانی سیاسی با اتهامات واهی و بدون برخورداری از حق دفاع و وکیل به سالها زندان محکوم کرده اند. لازم به یاد آوری است که زندانی سیاسی مهسا نادری 19 ساله 2 اسفند ماه در پی یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شد و 146 روز است که از بازداشتش در بند 209 زندان اوین می گذرد 88 روز آن را در سلولهای انفرادی تحت شکنجه های جسمی و روحی بسر برد. این دانشجوی زندانی در اثر شکنجه های غیر انسانی دچار ناراحتی قلبی و سردردهای شدید شده است. سعید شیخان سربازجوی وزارت اطلاعات و فردی به نام سید او را مورد بازجویی و شکنجه های جسمی و روحی قرار میدهند.

از طرفی دیگر برای وارد کردن فشار بر زندانیان سیاسی زنان در بند 209 زندان اوین تعداد زندانیان در سلولها چند برابر ظرفیتشان می باشد بطوری که در هر سلول انفرادی 4 تا 5 نفر جا داده اند. همچنین فشارهای ضد بشری دیگری را علیه زندانیان سیاسی زن بکار می برند. مدتی است که فاضل آب توالت ها و دستشویی های زندانیان سیاسی زنان مسدود شده است و باعث شده که تمام آن محیط پر از آب شود و امکان رفتن به دستشویی را از آنها سلب کند و زندانیان سیاسی زن ناچار هستند تا 12 ساعت از دستشوییها نتوانند استفاده کنند همچنین بوی فاضلاب شرایط طاقت فرسائی را برای آنها ایجاد کرده است.

در حال حاضر تعداد زیادی از زنان و دختران دستگیر شده اعتراضات اخیر در بند 209 بسر می برند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیری، شکنجه، ادامه بازداشت و محاکمه بر اساس قانون محاربه و برخوردهای غیر انسانی فردی بنام مقیسه ای را محکوم می کند و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستار اقدام فوری برای رسیدگی به وضعیت زنان زندانیان سیاسی که در شرایط غیر انسانی بسر می برند است.

بازداشت چند فعال دانشجویی دیگر در شهرهای ایران

از خبرنگار امیرکبیر

احسان نجفی، آیدین خواجه ای و فراز زهتاب سه دانشجوی دانشگاه تبریز، روز 18 تیر ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند.

احسان نجفی دانشجوی برق دانشگاه تبریز روز 18 تیر ماه از منزل مسکونی خود در شهر خوی، بازداشت شد. ماموران امنیتی با شش دستگاه خودرو به منزل مسکونی این فعال دانشجویی بورش برده و تنها با یک اخطار شفاهی و بدون ارایه هیچ گونه حکمی در مدت کمتر از چند دقیقه، اقدام به شکستن درب منزل احسان نجفی کرده و وی را به طرز نامناسبی دستگیر کردند.

فراز زهتاب دیگر دانشجوی دانشگاه تبریز در رشته حقوق، نیز 17 تیر ماه حین خروج از دانشگاه به همراه مادر و برادرش، دستگیر شده است. ماموران امنیتی به طرز توهین آمیزی درمقابل خانواده اش وی را دستگیر کردند. گفتنی است حراست دانشگاه تبریز و معاونت دانشجویی آن همکاری مستقیمی با نهادهای غیرمسئول خارج از دانشگاه برای بازداشت این دانشجو داشته اند.

آیدین خواجه ای دیگر دانشجوی حقوق دانشگاه تبریز پس از عدم موفقیت نهاد های امنیتی در دستگیری غیر قانونی وی روز 18 تیر ماه، به اتاق 37 زندان تبریز-اتاق وزارت اطلاعات- مراجعه کرده و خواستار روشن شدن وضعیت خود شده است که از آن جا به مکان نامعلوم انتقال یافته است و تا کنون خبری از وی در دست نیست.

بازداشت دو دانشجوی دیگر دانشگاه بیرجند

امین استادی و میلاد گاراژیان دو دانشجوی دیگر دانشگاه بیرجند و اعضای انجمن اسلامی این دانشگاه هستند، که هفته گذشته و در آستانه 18 تیرماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

پیشتر خبر مربوط به بازداشت بهزاد پروین و علی سپندار، دو تن از فعالان دانشجویی بیرجند و اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی این دانشگاه، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه 16 و 17 تیرماه انتشار یافته بود.

بهزاد پروین، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه بیرجند، که در منزل خود بازداشت شد، طی تماس بسیار کوتاهی با خانواده، خبر دستگیری خود و چند دانشجوی دیگر را تایید کرده بود. هم اکنون از وضعیت و محل نگهداری چهار دانشجوی دانشگاه بیرجند، اطلاعی در دست نیست.

گفتنی است در آستانه 18 تیرماه، دور تازه ای از بازداشت فعالین دانشجویی در دانشگاه های شهرهای مختلف کشور از جمله دانشگاه تبریز و بیرجند آغاز شده است. هم اکنون 4 دانشجوی دانشگاه بیرجند و سه دانشجوی دانشگاه تبریز در بازداشت بسر می برند.

ناصر فریدی، فعال دانشجویی و حقوق بشر در وضعیتی مبهم در بازداشت

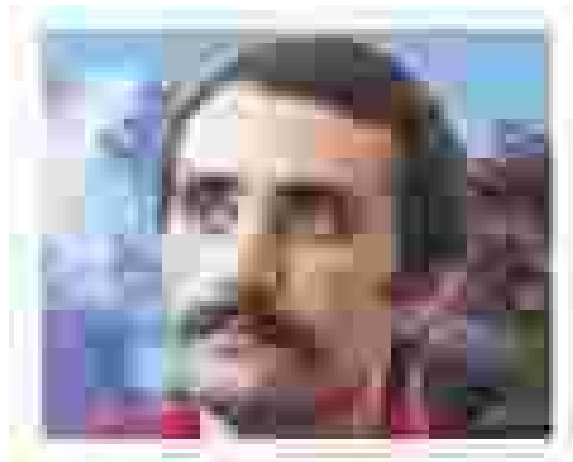
با گذشت بیش از یک ماه از بازداشت ناصر فریدی عضو شورای مرکزی و سخنگوی کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، مسئولین زندان و دادگاه انقلاب از ارائه هر گونه پاسخ قانع کننده ای نسبت به تداوم بازداشت موقت وی سر باز می زنند.

ناصر فریدی دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران، از اعضای کمیته ی مرکزی و مدیر داخلی ستاد شهروند آزاد و عضو شورای مرکزی و سخنگوی کمیته ی

ولایت سرکوب

دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی است که در شب 24 خرداد ماه به شکل نامعلومی توسط نیروهای امنیتی بازداشت گردید و به بند 240 زندان اوین منتقل شد. آخرین تماس تلفنی وی با خانواده اش که دو هفته قبل صورت گرفت، خبر از انتقال وی به بند امنیتی 209 زندان اوین می داد. لازم به ذکر است که این فعال حقوق بشر از ناراحتی شدید اعصاب و آسیب دیدگی جدی مچ دست چپ رنج می برد. موج گسترده ی بازداشت و دستگیری فعالان سیاسی و حقوق بشر که پس از انتخابات آغاز شد، کماکان ادامه دارد.

یونس آقایان، زندانی اهل حق اعدام شد



بنابر گزارشات دریافتی یک تن دیگر از زندانیان اهل حق در زندان مرکزی ارومیه اعدام شد.

یونس آقایان اهل میاندوآب که به همراه چهار هم آئین خود در سال 83 توسط نیروهای امنیتی در درگیری موسوم به روستای اوج تپه بازداشت و سپس در دادگاه به اتهام محاربه محکوم به اعدام شده بود، روز یکشنبه مورخ 21 تیرماه پس از تحمل 5 سال زندان در زندان مرکزی ارومیه به دار آویخته شد.

ولایت سرکوب

در این پرونده که پنج پیرو آئین اهل حق به دلیل باورهای مذهبی خود و عملکرد نیروی انتظامی منطقه مبادرت به درگیری مسلحانه نموده بودند سه متهم به نامهای سهندعلی محمدی، بخشعلی محمدی و عبادالله قاسم زاده در دادگاه تجدید نظر به 13 سال زندان در تبعید محکوم و دو تن از آنان به نام های مهدی قاسم زاده و یونس آقایان به اعدام محکوم شدند. این احکام اعدام در خصوص آقای قاسم زده چندی پیش به اجرا گذارده شد و علیرغم اعتراض سازمانهای مدافع حقوق بشر یونس آقایان نیز روز یکشنبه در زندان مرکزی ارومیه به دار آویخته شد.

کدامین گناه فرزندان ایران را میکشید

گفتنی‌ها کم نیست؛ اما چه بسیار ناگفته‌ها که در این روزهای سخت برای بسیاری از ایرانیان، مکشوف است و نیازی به بازگفت آنها نیست. در این یادداشت اما تنها بر یک نکته توقف می‌شود؛ دلیلی که این روزها، اساس پرسش نگارنده از کسانی است که متشرع‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند نسبت خود را با وضع موجود و حوادث تلخ رخ داده، مشخص سازند.

در حوادث پس از انتخابات در ایران، تاکنون شماری از هموطنان مظلوم ما، جان باخته‌اند؛ حتی مراجع رسمی نیز شمار این جان‌باختگان را حدود ۲۰ تن اعلام کرده‌اند. مستقل از چند و چون در مورد تعداد دقیق قربانیان حوادث اخیر_ که به نوبه‌ی خود موضوعی بسیار مهم محسوب می‌شود_، پرسش قابل طرح آن است که حتی اگر یکی از این قربانیان، «به ناحق» جان باخته و کشته شده باشد، چه کس یا کسانی و نیز کدام نهاد یا نهادهایی، از منظر درون دینی، پاسخ‌گوی آن خواهند بود. این پرسش را مبتنی می‌کنم بر آیه‌ای از قرآن، که سخن صریح و تاکید شفاف و قاطعی دارد و یکی از مهم‌ترین آیات

ولایت سرکوب

قرآن در بحث‌های مربوط به قتل و قصاص محسوب می‌شود. آیهی مورد استناد و اتکای یادداشت، آیهی ۳۲ از سورهی مائده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»؛ «هر کس، کسی را جز به قصاص قتل، یا به کیفر فساد در زمین، بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد.»

در حوادث پس از انتخابات، موضوع جان باختن تلخ و فجیع مادر و فرزندی که در مهد کودکی نزدیک به میدان آزادی تهران، هدف گلوله قرار گرفته بودند، تنها یکی از موارد بس ناگوار بود. مادر و کودک پشت شیشه‌های مهد کودک، هراسان و حیران شاهد اتفاقات بیرون (راهپیمایی میلیونی روز دوشنبه ۲۵ خرداد) و درگیری رخ داده در نزدیکی یک پایگاه نظامی بوده‌اند که ناگهان هدف رگبار قرار می‌گیرند و به شکلی بس تاسف‌بار جان می‌بازند. در میان قربانیان حوادث اخیر، حتی اگر یکی از این دو (به‌عنوان نمونه، و به‌گونه‌ای ویژه، کودک) به عنوان شاهدهی برای آیهی فوق، مورد استناد قرار گیرد، پرسش‌ها و تامل‌ها پیرامون آن، اندک نخواهد بود. این کودک، «به کدامین گناه کشته شده است؟»؛ «بای ذنب قتلت» (سورهی تکویر، آیهی ۹)

هیچ پاسخی سطحی‌تر و غیرمسئولانه‌تر از این نیست که گفته _ و ادعا _ شود که او، قربانی حوادثی شد که آغازکنندگان آن، معترضان به انتخابات بوده‌اند. از این فراتر، مسئول قتل این کودک (و مادرش) حتی ضارب و صاحب اسلحه هم نیست؛ هرچند که ضارب _بی‌شک_ به‌عنوان عامل ارتکاب جنایت، باید پاسخگوی محکمه باشد. اما کدام نهاد یا نهادهایی چنین آتشی را فراهم آورده و قتلی را باعث شده‌اند؟ آیا وجدان دینی ایشان (شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مرتبط با بلوک قدرت) از جنایت رخ داده، آسوده است؟ آیا ناظر بی‌طرف _ و متدین _ می‌تواند به سهولت از زیر بار پرسش سنگین ناشی از تصریح آیهی ۳۲ سورهی مائده، بگریزد؟

آن کس/کسانی که کودک مورد اشاره را به قتل رسانده/رسانده‌اند، به تاکید صریح و قاطع آیهی مورد اشاره، از آن رو که وی (کودک) مرتکب قتلی نشده بود (که مستحق قصاص دانسته شود) یا فساد را در زمین موجب نشده بود (چنان‌که کیفری در حد قتل داشته باشد) تنها مرتکب یک قتل نشده است/نشده‌اند؛ «همه‌ی مردم را کشته است/کشته‌اند.»

ولایت سرکوب

نمی‌توان بر این استدلال بس سست و سخیف تکیه زد که در همه‌ی رژیم‌های سیاسی در طول تاریخ، چنین حوادثی رخ داده و گریزی از آن نیست. هرگز! اگر قرار است حکومتی «دینی» باشد، باید جوهر و تصریحات ارزش‌های دینی را پاس دارد و رعایت کند. چگونه می‌توان جان باختن کودکی بی‌گناه و مظلوم را به توجیه نشست؟ آیا حق آن نیست که اگر وجدانی باشد، و مسلمانی‌ای برقرار، انسان از شرم و عذاب وجدان (چنان که زمانی علی‌بن ابیطالب فرمود)، بمیرد؟

مسئولیت نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی مستقر در ساخت قدرت و مرتبط با حکومت کجا، و مسئولیت شهروندان معترض به نتیجه‌ی انتخابات، کجا؟ بس ناگوار و تلخ است که این حادثه و رویدادهای تلخ و فجیع مشابه در سرزمینی رخ می‌دهد و به وقوع می‌پیوندد که صدای اذان از مناره‌های مسجد و رسانه‌ی ملی و بلندگوهای رسمی‌اش، بلند است.

برخورد با شهروندان، خارج از چهارچوب‌های حقوق بشری و عرف جهانی و قانونی، در هر کجای جهان و با هر ایدئولوژی و مرامی که باشد، مذموم و غیرقابل دفاع، و نیز در خور طرد و نفی است؛ اما بدیهی به نظر می‌رسد که وقتی پای «دین» به میان می‌آید و سرکوب‌ها ذیل حکومتی دینی انجام می‌شود، رخدادها به شکل مشدد، غیرقابل هضم و نفرت‌انگیز و تلخ می‌نمایند. حوادث تلخی که این روزها در چین به وقوع پیوسته، چنانچه در کشوری اسلامی (به‌عنوان نمونه، عربستان) رخ می‌داد، به مراتب اسفبار و دردناک، بود.

و از همین منظر درون دینی است که «روزی روزگاری»، از صاحبان قدرت در مورد قربانیان مظلوم حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد، پرسیده خواهد شد؛ که به کدامین گناه کشته شدند؟

«اذا الشمس كورت؛ و اذا النجوم انكدرت؛ و اذا الجبال سيرت؛ و اذا العشار عطلت؛ و اذا الوحوش حشرت؛ و اذا البحار سجرت؛ و اذا النفوس زوجت؛ و اذا الموءده سئلت؛ باي ذنب قتلت...»؛ «آنگاه که خورشید به هم درپیچد؛ و آنگاه که ستارگان همی تیره شوند؛ و آنگاه که کوه‌ها به رفتار آیند؛ وقتی شتران ماده وانهاده شوند؛ و آنگاه که وحوش را همی

ولایت سرکوب

گرد آرند؛ دریاها آنکه که جوشان گردند؛ و آنگاه که جانها به هم درپیوندند؛ پرسند چو زان دخترک زنده به گور؛ به کدامین گناه کشته شده است؟!...» (سوره‌ی تکویر، آیه‌ی ۱ تا ۹)*

*پی‌نوشت: ترجمه‌ی آیات از استاد محمد مهدی فولادوند است. (توضیح: این یادداشت در روزنامه‌ی اینترنتی روز، مورخ ۲۱ تیرماه ۱۳۸۸ منتشر شده است.)

فوری: اسامی بازداشت شدگان منتقل شده از کهریزک به اوین

مطالب ذکر شده عینا از روی صحبت های یکی از مامورین زندان اوین که دیشب نام های بازداشت شدگان را اعلام کرده است بیان شده است. گفتنی است این بازداشت شدگان که روز 18 تیر ماه بازداشت شده اند به کمپ کهریزک برده شده بودند و دیشب یعنی سه شنبه 23 تیر 88 به زندان اوین منتقل شدند: "تمام این ها بازداشت موقت هستند و فعلا نه قرار وثیقه برای اینها صادر شده و نه کفالت، به این معنی که آزادی این ها معلق هستند و فعلا آزاد نمی شوند تا زمانی که مقام قضایی که این ها رو بازداشت کرده دستور آزادی آن ها را بدهند. پس مادامی که به ما دستور ندهند فکر آزادی از این در را نکنید و پس از دستور مقاماتی که این ها را بازداشت کرده اند باید به دادگاه انقلاب بروید و پس از تهیه وثیقه و ضمانت های لازم از اینجا آزاد می شوند. (اسامی نوشته شده به سختی از روی فایل صوتی نوشته شده اند، در صورتی که نام فرزندان شما شبیه یکی از این نام هاست، احتمالا در ثبت اسم ها در زندان و یا گفتن اسامی اشتباه رخ داده است و احتمالا نام نوشته شده نام فرزندان شماست.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

همچنین در صورت شبیه بودن به نام فرزندان در بخش نظرات ایمیل خود را وارد کنید تا فایل صوتی برای شما فرستاده شود و خود شما نام فرزندان را چک کنید)

لیست اسامی خوانده شده: (نام پدر بلافاصله بعد از نام و نام خانوادگی شخص نوشته شده)

1. داود منصوری اسماعیل
2. بهزاد انصاری پور نصرالله
3. حامد زندی فر امام حسین
4. علی داور علی عزیز
5. مهرداد نوایی امیر حسین
6. سامان گنجی داود
7. فرامرز مفاخری احمد
8. هادی روشن دل محمود
9. حافظ محتاج بهروز
10. بهمن امیدوار حسن
11. امید رسولی کوبنده اصغر
12. محمد حسن رشیدی نیا عباس
13. حافظ سلطانی حسین
14. کریم آرش توفیق
15. بابک زینالی کریم
16. محمد کامرانی علی
17. مشیر هاشمی محمدرضا
18. علیرضا شیخ سبزرودی بهرام
19. عبدالرضا کرمی نوری محمد علی
20. محمود رجب نژاد علی
21. مسلم عبدی کریم
22. پیمان شهنایی شهید

23. مشکات جعفری محمود
24. اسحاق رضایی امام علی
25. محمد صادق لو منصور
26. امید میر امینی داود
27. مصطفی موسوی سید جعفر
28. نادر نجفی ایوب
29. محسن محمدی لهراسب
30. محمد فرخی یگانه عبدالحسین
31. حمیدرضا متوسلیان امین
32. محمود آقا بالا زاده مسعود
33. مرتضی سهرابی علی محمد
34. سید حسین بنی هاشمی اله رحم
35. نادر احمدی بیژن
36. محمد کمیل ضیاء الدین
37. سیاوش یوسف راهی امان الله
38. شهرام صادقی فرامرز
39. ارژنگ صادقی حمید
40. مجتبی رفیعی مسعود
41. عماد یگانه محمود
42. نادر عمره عباس علی
43. اکبر طاهری محمد علی
44. محمد محمد پور حیدر
45. حسین باغبان ولی الله
46. اکبر عنایتی قیاس
47. مهرداد نادم جبار

48. عمران میر امینی داود
49. علی دلیریان حسین
50. علی جلیل وند محسن
51. علی نجاری عرض الله
52. شهرام کردستانچی بهرام
53. مهرزاد حقی پور علی
54. بهداد عباسی کمال
55. حمید نادری محمد باقر
56. یوسف امامی عبدالله
57. سجاد نوری محمد آبادی عباس
58. شاهرخ شمس افشار علی
59. رحیم ترابی علی
60. محسن قندانی محمد
61. محمد کیانی خدارحم
62. عرفان نظری احمد
63. قاسم رنجبر مهربد
64. رضا احمدی وجیه الله
65. احمد زمان پور محمد
66. حامد نادری غلام رضا
67. بردیا رضایی عباس
68. وهاب غفاری محمد علی
69. سعید گردعلی محمد نوش
70. هادی فرزین طالب
71. سجاد ایادی محمد
72. شهرام زحمتکش علی

73. محمد گل محمدی اسماعیل
74. مجید عابدی حسن
75. صادق مروتی محمد
76. مسعود بیات محمد رضا
77. محمد مهدی روشناسان محمد حسن
78. آریا رنجبر شریف
79. علیرضا اصفهانی رضا
80. اشکان اسماعیلی حسین
81. پیمان کارگر مصطفی
82. علیرضا چامپلاغی محمد حسین
83. مهدی شاپوری عباس
84. امیر اصغری صادق
85. مازیار زاغی مسلم
86. علی بخشایش مجید
87. رضا توکلی غلامحسین
88. حسین اصفهانی نعمت اله
89. طاها زینالی قنبر
90. علی اکبر خوش اخلاق حسین
91. مسعود علیزاده اسحاق
92. هومن رجبی احمد
93. سجاد علیزاده ابراهیم
94. بهنام رضایی محمد
95. قاسم اکبری ایرج
96. صابر معصومی محمد حسین
97. مجتبی صادقی محمد باقر

98. حمید رضا کمالی اکبر
99. ساعد ملک زاده علی
100. مهدی پهلوان زمان
101. غلامرضا طاووسی ابولقاسم
102. فرهاد پاسداری رحیم الله
103. مسعود ابراهیمی امیر
104. میرزا علی اکبری فضل اله
105. علیرضا اردلان فریدون
106. مهدی بهمن زاده بهمن
107. امید کاظمی علیرضا
108. امید آغک پور کریم
109. حامد دبتتی غلامحسین
110. علی ولی زاده یداله
111. جواد قربانی عبدالحمد
112. محسن دهقانی عبدالله
113. کیوان ظفر بخش جهانبخش
114. سید میلاد حسینی سید داود
115. رضا ذوقی عزیز
116. فرید ابراهیم زاده عزیز
117. حسین امامی کاظم
118. مرتضی بنایی تراب
119. سید اشکان خراسانی سید مهدی
120. رضا فاضلی حسن
121. علیرضا حسینیان محسن
122. وحید وکیلی زکریا

123. علی شمس الدینی محمد
124. شاهین فتحی ابراهیم
125. مهرداد گنجی عبدالله
126. سید مهدی شریفی محمد
127. نیما وزیری رحمت اله
128. سامان مکفی حمید رضا
129. جعفر حسین نژاد محرم
130. مجید رحیمی اسلامی محمدرضا
131. رضا ابراهیم زاده علی
132. روح اله شکری ستار
133. حمید حجار خواه غلامرضا
134. محسن صیادی اصفهانی محمود
135. محسن عسگرپور احمد
136. وحید قربانی نژاد محمدرضا
137. احمد بلوچی عبدالحمید
138. سعید شکوری پرویز
139. روح اله برزگر گلچنی سلیمان
140. حامد فولادی محمد علی
141. سید احمد رویانی سید جواد
142. مرتضی محمدی حبیب اله



خطر جدی جان بهروز جاوید طهرانی را تهدید می کند

بنابه گزارشات رسیده از بند 1 زندان گوهردشت کرج، بهروز جاوید طهرانی آخرین زندانی بازمانده از قیام دانشجویان 18 تیر 1387 تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دارد و جان او در معرض خطر جدی است.

زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی تحت شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی قرار دارد. در روزهای اخیر برای چندمین بار پی در پی با زدن دست بند و پابند و چشم بند به یکی از اتاقهای شکنجه برده شد و بصورت گروهی او را تحت شکنجه های وحشیانه قرار دادند. در اثر ضربات باتوم بدن او کبود و از ناحیه زانو متورم می باشد و به سختی قادر به راه رفتن می باشد در اثر شکنجه همچنین کلیه های او دچار آسیب جدی شده است. زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی در حال حاضر در حسیه بند 1 زندان گوهردشت می باشد که جزئی از سلولهای انفرادی یا سگ دونی می باشد. در این حسیه تعداد از زندانیانی که دچار ناراحتی شدید روحی هستند و خیلی خطرناک می باشند و همچنین افرادی که مبتلا به بیماریهای واگیردار مانند هپاتیت، ایدز و یا سایر بیماری ها می باشند جا داده شده اند که وضعیت آنها به مراتب بدتر از سلولهای انفرادی می باشد. او در وضعیت جسمی بسیار بدی بسر می برد، خیلی ضعیف شده است و آثار شکنجه بر جسم او عیان است.

زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی در اعتراض به شرایط مرگ تدریجی که بر او روا داشته اند از روز سه شنبه 23 تیر ماه اقدام به اعتصاب غذا نمود. خانواده آقای جاوید طهرانی بیش از یک ماه است که اجازه ملاقات با او را ندارند و سایر ارتباطات او را با خانواده تقریباً قطع می باشد.

ولایت سرکوب

کسانی که در شکنجه و اذیت و آزار او نقش دارند و او را به سوی مرگ تدریجی و مشقت بار سوق میدهند عبارتند از علی حاج کاظم رئیس زندان که بدستور وی به این شکنجه گاه منتقل شده است، علی محمدی معاون زندان، کرمانی و نبی الله فرج نژاد رئیس و معاون حفاظت و اطلاعات زندان، خادم رئیس بند 1 زندان همراه با تعدادی از پاسداربندها صورت می گیرد.

علی محمدی معاون اجرائی زندان گوهردشت کرج خطاب به آقای بهروز جاوید طهرانی گفته است: که در این شرایط از شر تو هم راحت خواهیم شد.

بازجویان وزارت اطلاعات بخصوص سعید شیخان و نفرات فوق الذکر قصد حذف فیزیکی این زندانی سیاسی را دارند و این موضوع را هم کتمان نکرده اند و بارها به بهروز گفته اند.

پس از قتل زنده یادان امیر حسین ساران، ولی الله فیض مهدوی، عبدالرضا رجبی؛ بهروز جاوید طهرانی سوژه بعدی آنها است جان او در معرض خطر جدی است.

لازم به یادآوری است از اوایل اردیبهشت ماه فشارها و تهدیدات علیه زندانیان سیاسی بند 2 برای انتقال هر کدام از آنها به نقطه ای آغاز گردید. روز یکشنبه 13 اردیبهشت ماه گارد ویژه زندان با یورش وحشیانه به زندانیان سیاسی، آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد و زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی را با خشونت به بند 1 منتقل کرد و از آن زمان تا به حال در این بند که دارای شرایط وحشتناک می باشد بسر می برد. زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی تنها زندانی بازمانده از قیام دانشجویان در تیر ماه 1378 می باشد.

او بارها توسط سعید شیخان سربازجوی وزارت اطلاعات و پاسداران زندان گوهردشت کرج تهدید به حذف فیزیکی شد. سهراب سلیمانی رئیس سازمان زندانهای تهران 9 اردیبهشت ماه خطاب به بهروز جاوید طهرانی گفت بود: تو را جایی می فرستیم تا بفهمی زندان یعنی چه؟

رئیس سالن ملاقات در تاریخ 17 فروردین ماه خطاب به بهروز جاوید طهرانی گفت: ضد انقلاب عوضی، تو را هم می فرستیم پیش رفیقت ساران.

ولایت سرکوب

در حال حاضر زندانی دیگری بنام بهرام منصوری که نسبت به شرایط غیر انسانی و طاقت فرسای حاکم بر این بند از 10 روز پیش در اعتصاب غذا بسر می برد و در شرایط بد جسمی است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به خطر جدی که متوجه جان زندانی سیاسی بهروز جاوید طهرانی است هشدار میدهد و از تمامی هموطنان در داخل و خارج ایران می خواهد برای نجات جان این زندانی سیاسی اقدام نمایند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات فوری برای نجات جان این زندانی سیاسی است.

دولت های خودکامه منطقه چوب رسوائی بر انتخابات ایران زدند



ولایت سرکوب



شمار قربانیان کودتا و اسناد هویت آنها را تهیه کنید

آمار کشته شدگان کودتای 22 خرداد، همچنان محرمانه است. روز گذشته مستند به خبر جستجوی پیکر سهراب اعرابی، برای نخستین بار به رقم 50 تا 60 برخورد کردیم، اما این هنوز آمار کشته شدگان نیست. همچنان که آمار مجروحین و زندانیان نا معلوم است. علمائی که زلف مسلمانان ترک تبار چین را با اعلامیه های خود "فر" می زنند، تا حالا از دولت کودتا نخواستند آمار واقعی تلفات کودتا را اعلام کنند. به حمایت از مسلمان های ایران که در تهران و بسیار از شهرهای دیگر به خاک و خون کشیده شدند سکوت کرده اند. آقای صافی گلپایگانی، مکارم شیرازی و بقیه در باره فاجعه ای که در خیابان های روی داد آب در دهان نگهداشته اند و حالا یاد مسلمانان چین افتاده و در محکومیت سرکوب آنها اطلاعیه می دهند.

ولایت سرکوب

معلوم نیست چرا علیه سرکوب مردم خود ایران اعلامیه ندادند. جز آیت الله منتظری و آیت الله صائعی در قم و آیت الله طاهری در اصفهان و آیت الله بیات زنجانی کدامیک از فاجعه ای که بعد از انتخابات در ایران روی داد سخن گفته اند؟

علما چرا در پاسخ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح که نامه فدایت شوم سراپا دروغ و ریا برای امام زمان نوشته سخنی نمی گویند؟

علیه رهبر که در نماز جمعه 29 خرداد فرمان آتش گشودن به روی مردم معترض را صادر کرد سخن نمی گویند؟

صحنه هائی که از سرکوب مردم بصورت فیلم در تاریخ ثبت شد، با سکوت علما و چشم بندی صدا و سیما و کیهان محو نمی شود. این ننگی است که با هیچ رنگی از دامن جمهوری اسلامی پاک نمی شود.

ما، امروز و به نقل از یکی از جراحان بیمارستان امام خمینی اطلاعاتی را منتشر می کنیم که تائید کننده شمار گسترده قربانیان کودتاست. 17 شهریور شاه پیش آنچه انجام شد، بسیار کوچک است و آنها که از بحث های درون حکومتی اطلاع دارند می دانند که در آن روزها فاجعه آفرینی سپاه و چماقداران و نیروی انتظامی در ایران و تهران به آقای خامنه ای گفته اند "این که از 17 شهریور بدتر است!" و ایشان پاسخ داده است: "اشتباه شاه از آنجا شروع شد که دنباله 17 شهریور را نگرفت و ما اشتباه شاه را نمی کنیم!"

گزارش پزشک جراح بیمارستان امام خمینی را بصورت مستقل در همین شماره پیک نت می خوانید. هرچه سریع تر باید لیست مستندی از شمار قربانیان تهیه کرد و در اختیار مجامع بین المللی قرار داد تا بتوان علیه کودتاگران دادخواستی بین المللی را طرح کرد. آنچه در ایران انجام شده، کمتر از کودتای شیلی و یا آرژانتین نیست.

ستاد کودتا با آگاهی از همین خطر، هر ترفندی را که بتواند به کار می گیرد تا آمار واقعی قربانیان کودتا را محو کند. از جمله، گفته می شود در روزهای اخیر هنگام تحویل جسد قربانیان به خانواده هایشان از آنها خواسته شده برگه ای را امضاء کنند که اسم قربانی بعنوان بسیجی در آن ثبت شده است. می خواهند قربانیان کودتا را بسیجی معرفی کنند تا هم آمار کشته شدگان کودتا را کم کنند و هم برای بسیج و چماقداران آمار بسازند.

حتی به خانواده ها گفته شد که در صورت امضاء به آنها پول و مزایای بسیج هم تعلق می گیرد. اجساد را با تاخیر بسیار تحویل خانواده ها می دهند تا در این فاصله راه کارهائی این چنینی پیدا کنند.

گردان موتور سوارها چماقداری را کجا آموزش دیدند!

موتورسوارهائی که با چماق و قمه از فردای کودتای 22 خرداد در خیابان ها ظاهر شدند و به مردم بی سلاح و بی پناه حمله ور شدند، امروز و دیروز و یا امسال و پارسال برای کودتا آموزش ندیده بودند، این مردم و سیاسیون ایران بودند که اخبار آن را بدقت دنبال نکرده و افشا نکرده بودند.

در همان سالهائی که همه دنبال نخود سیاه "جمهوری لائیک" می‌دویدند و مقاله های وجبی در سایت های پر ادعا می نوشتند، در زیر پوست شهر تهران، خبرهای مهمی جریان داشت.

از جمله آموزش گردان موتور سوارها برای روزهائی که در این هفته ها شاهد شدیم. واقعیت تلخ است، اما تلخ تر از آن، تن ندادن به قبول آنست.

هر بار که خطر کودتای حجتیه و جناح راست را نوشتیم، این و آن پیام فرستادند که چقدر درباره خطر کودتا می نویسید. کدام کودتا؟

علیه کی؟

همه شان سر و ته یک کرباس اند!

و حالا می بینیم که یک کرباس نبودند، ما نتوانستیم جدائی این سر و ته از هم تشخیص بدهیم.

برای نمونه، این خبر را از شماره ششم شهریور 1382 پیک نت در باره شکل گیری گردان موتور سوارها بخوانید:

«بازارچه قدیمی شهرک غرب در فاز یک را از مدتی پیش سپاه در اختیار خود گرفته است. در این منطقه واحدهای ویژه موتور سوار سپاه پاسداران مستقر شده اند و در آنجا تمرین هائی می کنند که شبیه مانورهای خیابانی است.

هیچکس اجازه نزدیک شدن به این محل را ندارد جز موتور سوارانی که کارت ویژه در اختیار دارند و برخی مقامات نظامی که با اتومبیل های خود به این محل رفت و آمد دارند و طرح مانور موتور سواران را کنترل می کنند.»

آن اخباری که باید دنبال می کردیم و افشاء می کردیم اینها بود، نه گرفتن گریبان مجلس ششم و محمد خاتمی!

پیام جراح بیمارستان امام خمینی شنبه سیاه 38 جسد در سردخانه جمع شده بود

من جراح بیمارستان امام خمینی هستم. روزی که ندا کشته شد فقط در سردخانه بیمارستان ما 38 جنازه جمع شده بود. چهار فرمانده نظامی که در بیمارستان مستقر شده بودند به ما مسئولین بیمارستان اجازه صدور جواز مرگ نداد. همان شب جنازه ها را جمع کردند و بردند. روز بعد، پرس و جو کردیم و فهمیدیم که جنازه ها را به پزشکی قانونی تهران نبرده اند، بلکه میان پزشک قانونی های شهرهای اطراف تهران تقسیم کرده اند. از جمله کهریزک. تقریباً اکثر جنازه هائی که ما در بیمارستان امام خمینی دیدیم با تک تیر شکار شده بودند. یعنی آنها را از دور هدف گرفته و زده بودند و بیشتر هم به قلب و گردن آنها گلوله خورده بود. مردم را شکار کرده بودند.

فراخواندن زندانیان سیاسی که سخت بیمار هستند به دادگاه انقلاب

بنابه گزارشات رسیده زندانی سیاسی حسن ترلانی روز یکشنبه از بند 209 زندان اوین به دادگاه انقلاب برده شد و مورد محاکمه قرار گرفت.

حسن ترلانی 22 ساله دانشجوی روز یکشنبه 14 تیر ماه به دادگاه انقلاب برده شدند و در شعبه 22 دادگاه انقلاب توسط فردی بنام محسنی مورد محاکمه قرار گرفت. ابتدا اتهامات نسبت داده شده به آقای ترلانی خوانده شد که از جمله آن : محاربه، اقدام علیه امنیت، تبلیغ علیه نظام و اتهامات دیگر. آقای ترلانی تمامی اتهامات نسبت داده شده را رد کرد و آنها را ساختگی و فاقد هر گونه وجهه حقوقی دانست. محسنی رئیس شعبه 22 دادگاه انقلاب خطاب به دانشجوی در بند اظهار داشت که از وزارت اطلاعات در این باره استعلام خواهد خواست. محسنی در باره اتهامات نسبت داده شده به دانشجوی زندانی سئوالاتی

ولایت سرکوب

مطرح کرد و وقتی که آقای ترلانی با وکیل خود خانم ستوده قصد مشورت داشت از مشورت او ممانعت می کرد و به او اجازه نمی داد. محسنی همچنین به وکیل اجازه دفاع قانونی از موکلش را نمی داد. برخوردهای محسنی با دانشجوی زندانی غیر انسانی و به او اجازه دفاع از خود داده نمی شد. در نهایت دادگاه او متوقف و به وقت دیگری موکل شد. قاضی های وزارت اطلاعات برای تحت فشار قرار دادن زندانی و طولانی کردن مدت بازداشت زندانی از شیوه به تعویق انداختن دادگاه برای مدت نامشخص استفاده می کنند. از طرفی دیگر خانم فاطمه ضیائی 52 ساله که مبتلا به بیماری اس. ام می باشد را به دادگاه انقلاب آورده شد او سخت بیمار بود و حتی قادر به ایستادن و یا نشستن نبود. او به مدت چند ساعت با شرایط بسیار سخت جسمی در راهروهای دادگاه در انتظار بسر برد. بازجویان وزارت اطلاعات مدتی است که داروهای او را قطع کرده اند و بیماری او شدت یافته است. خانم ضیائی که از داشتن وکیل محروم بود و خانواده وی از انتقالش به دادگاه انقلاب مطلع نبودند. پس از ساعتها انتظار در حالی که سخت بیمار بود بدون محاکمه مجدداً به بند مخوف 209 زندان اوین برگردانده شد.

زندانی سیاسی حامد یازرلو 28 ساله کارشناس هوا- فضا که از 2 اسفند ماه در بند مخوف 209 زندان اوین بسر می برد همانند سایر دستگیر شدگان 2 اسفندماه همچنان در بند 209 بسر می برد. هنوز از زمان انتقال به دادگاه و محاکمه او خبری به خود و خانواده اش داده نشده است.

لازم به یاد آوری است که دستگیر شدگان 2 اسفند ماه در پی یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شدند و 147 روز است که از بازداشت آنها در بند 209 زندان اوین می گذرد. 88 روز آن را در سلولهای انفرادی تحت شکنجه های جسمی و روحی بسر بردند. تعدادی از آنها در اثر شکنجه های غیر انسانی دچار ناراحتیهای مختلف هستند. دستگیر شدگان 2 اسفند ماه توسط سر بازجویانی مانند سعید شیخان، علوی سید مورد بازجویی و شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته اند. اتهامات، مدت محکومیت آنها از پیش همانند تمامی فعالین حقوق بشری، سیاسی، دانشجویی، زنان و کارگران توسط

بازجویان وزارت اطلاعات تعیین می شود و قاضی های وزارت اطلاعات آن را اعلام می کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، فراخواندن زندانیان سیاسی که سخت بیمار هستند به دادگاه و محاکمه آنها بر مبنای محاربه را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و سایر سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدام برای رسیدگی به شرایط طاقت فرسای زندانیان سیاسی در ایران است.

خانواده ترانه می گویند جنازه سوخته او را یافته اند

دوستان ترانه موسوی، از بازداشت شدگان هفتم تیر در درگیری های مسجد قبا، گفته اند که خانواده ی وی از یافتن جنازه ی سوخته ی ترانه در حومه ی قزوین خبر داده اند. یکی از دوستان ترانه موسوی دیروز برای پیگیری وضع ترانه با منزل پدری او تماس گرفت و با خبر مرگ ترانه و یافتن جنازه سوخته اش - بین کرج و قزوین - مواجه شد. خانواده ترانه از بازگویی مکان و زمان تشییع جنازه وی خودداری کردند و گفتند نمی توانند توضیحات بیشتری دهند. پس از پیگیری ها و تماس های مکرر دوستان ترانه با منزل وی، خانواده موسوی از آنان خواستند که دیگر تماس نگیرند و در برابر سخن یکی

ولایت سرکوب

از دوستان ترانه که گفته بود خانواده او باید نوع مرگش را به جامعه اطلاع دهند و به رسانه ها بگویند که ترانه دستگیر شده و پس از دستگیری به این سرنوشت دچار شده است شنیده بودند که ما صلاح کار خود را بهتر از شما می دانیم و نمی خواهیم در تشییع جنازه اش کسی حضور داشته باشد.

ترانه موسوی به گفته یکی از دوستانش - که نمی خواهد نامش فاش شود - روز هفتم تیر در حوالی تقاطع میرداماد و خیابان شریعتی کلاس آرایشگری داشته است.

او اتومبیل خود را در یکی از خیابان های فرعی بین حسینیه ارشاد و میرداماد، پارک می کند و پس از دیدن تجمع مردم در خیابان قبا و اطراف حسینیه ارشاد با یکی از دوستان خود تماس می گیرد و به او می گوید که پیش از رفتن به آرایشگاه بهتر است سری به مسجد قبا بزنند و با دوست خود در نزدیکی مسجد قبا قرار می گذارد.

وی که به گفته دوستش مانتوی سبز به تن و شالی سبز به سر داشته است درحالیکه در خیابان شریعتی منتظر یکی از دوستان خود بوده است از سوی مأموران حکومتی دستگیر می شود و در هنگام دستگیری، دوست وی که به محل قرار نزدیک می شده از دور وی را می بیند. ترانه را سوار به ونی می برند.

شواهد دستگیری ترانه به همین جا ختم نمی شود و چند نفر از دستگیرشدگان واقعه مسجد قبا در تماس هایی با خانواده وی، خبر دستگیری اش را به آنان اطلاع می دهند. ترانه موسوی در زمان دستگیری شماره منزل و یکی از دوستانش را به چند نفر از دستگیرشدگان می دهد و از آنان می خواهد در صورت آزادی با خانواده اش تماس گرفته و خبر دستگیری اش را به آنان اطلاع دهند. کسانی که در آن روز همراه با ترانه به ساختمانی در حوالی پاسداران منتقل می شوند گفته اند که او مدام گریه می کرده و می گفته است نه برای تجمع که برای شرکت در کلاس آرایشگری در آن محل حضور داشته است.

اما برخی از دوستانش خبر داده اند که ترانه در راهپیمایی های مسالمت آمیز روزهای 25، 26 و 27 خرداد شرکت داشته است و حتی پیش از انتخابات نیز با حضور در زنجیره سبز، حمایت خود را از اصلاحات و آزادی در ایران ابراز می کرده است.

ولایت سرکوب

به گفته یکی از دوستان ترانه، پس از دو هفته از دستگیری او، فردی ناشناس با منزلش تماس گرفته و به مادر ترانه خبر بستری بودن وی را در بیمارستان امام خمینی کرج می دهد. این ناشناس به مادر ترانه می گوید که مردم دخترش را پس از تصادف، به آن بیمارستان رسانده اند.

مادر ترانه به ناشناس می گوید برخی تماس گرفته اند و ترانه را در درگیری های مسجد قبا و در بازداشتگاه دیده اند اما ناشناس می گوید ترانه ربطی به حادثه مسجد قبا ندارد و احتمالاً قضیه اش ناموسی ست؛ چراکه می خواسته با شلنگ سرم خودش را حلق آویز کند.

او پارگی رحم و مقعد را نیز دلیل بستری شدن ترانه ذکر می کند. خانواده ترانه به آن بیمارستان مراجعه می کنند اما مسوولان بیمارستان بستری شدن ترانه موسوی را تکذیب می کنند و تنها یکی از پرسنل می گوید که دختری را با موهای بافته شده دیده است که چند نفر با ظاهری به گفته او «حزب الهی» بیهوش می آورند و بیهوش می برند.

جملاتی که این ناشناس در مکالمه تلفنی با مادر ترانه بیان می کند نشان می دهد که ماموران وزارت اطلاعات و لباس شخصی ها می خواسته اند ذهن خانواده ترانه را از سیاسی بودن قضیه منحرف کنند و به آنان بقبولانند که دخترشان از نظر اخلاقی مشکلاتی داشته است تا خانواده نیز پس از شنیدن خبر مرگ فرزندشان، از پیگیری و پی جویی درباره چند و چون مرگ وی خودداری کنند.

ممانعت خانواده ترانه موسوی از دادن اطلاعات درباره تشییع پیکر وی و چگونگی درگذشتش عجیب به نظر نمی رسد؛ چراکه تمامی خانواده های قربانیان حوادث اخیر از سوی حکومت و وزارت اطلاعات تهدید می شوند و به آنان گفته می شود در صورتی که تشییع پیکر عزیزانشان و مراسم کفن و دفن و ختم آنان با حضور مردم و با شیون و ناله برگزار شود مشکل حاد دیگری برای یکی دیگر از عزیزانشان اتفاق خواهد افتاد.

ترانه موسوی اکنون تنها به خانواده اش تعلق ندارد و متعلق به همه ایرانیان است؛ بنا براین پیگیری وضعیت او و چگونگی درگذشتش وظیفه تک تک ماست.

ولایت سرکوب

این که من نمی توانم با نام خود این اخبار را منتشر کنم؛ این که دوست ترانه نمی تواند نامش را بگوید؛ این که خانواده ترانه درباره فرزندشان هیچ حرفی نمی زنند همه از خفقانی حکایت دارد که امروز بر جامعه ما حاکم است.

من از دوستانی که وظیفه خود می دانند به راحتی و به سرعت این نوع اطلاع رسانی را محکوم کنند می خواهم به جای نشستن و محکوم کردن این و آن، درباره ترانه تحقیق کنند و خبرهایش را به گوش نخست ایرانیان و سپس جهانیان برسانند تا شاید از بیش از این شاهد قربانی شدن ترانه هایمان نباشیم.

لازم است بگویم عکس ترانه را نیز یکی از هنرجویان آموزشگاه آرایشگری و از دوستان ترانه در اختیار وبلاگ زیرزمین قرار داد.

اسامی روزنامه نگاران و وب نگاران دستگیر شده

عبدالرضا تاجیک، مهسا امرآبادی، احمد زیدآبادی، کیوان صمیمی بهبهانی، سمیه توحیدلو، شیوا نظر آهاری، محمد عطریانفر، سعید حجاریان، محمد علی ابطحی، سعید لیلانز، محمد قوچانی، ژیلای بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی، مجتبا تهرانی، مازیار بهاری، اسماعیل حق پرست، مهدی زابلی، فریبرز سروش، عیسی سحرخیز، مسعود باستانی، محمدرضا یزدان پناه، کاوه مظفری. توحید بیگی، مجید سعیدی، ساتیار امامی، هنگامه شهیدی، سمیه نصرتی، سعید متین پور، مرجان عبدالهیان و کورش جوان، سعید موحدی

اسامی روزنامه نگاران و وب نگاران زندانی پیش از تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۸

عدنان حسن پور، محمدحسن فلاحیهزاده، محمد صدیق کیبودون، کاوه جوانمرد، مجتبی لطفی، مسعودکرد پور، حسین درخشان، بهمن توتونچی، سجاد خاکساری

نامه مادر یک فعال دربند حقوق بشر

کمیته گزارشگران حقوق بشر

برای دخترم شیوا / شهرزاد کریمان

25 تیر 1388

شیوای عزیزم در این یک ماه و چند روزی که نبودی جای جای خانه را دنبال تو می کردم و تمام خاطرات کودکی ات را در ذهنم مرور می کنم. زمان تولدت و زمانی که در بیمارستانی در میدان تجریش با مرگ مبارزه می کردی را به خاطر می آورم. نمی دانم در این همه مدت که از نظر من قرنی گذشته چه می خوری و چگونه روی زمین سختی که تنها پوشش یک پتوی نازک است بدون داشتن کوچکترین امکانات می خوابی. باز هم از خودم می پرسم آیا کسانی که تو و بقیه را از مادرانشان جدا کردند و با گفتن دروغ با خود بردند فرزند دارند یا نه؟ یقیناً دارند ولی مادر نیستند.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

تنها دلخوشی من در این مدت این بود که تنها نبودم. وقتی به مراجعی از قبیل دادگاه انقلاب، ستاد پیگیری، زندان اوین و جاهای دیگر مراجعه می‌کنم سیل مادرانی را می‌بینم که همگی به دنبال فرزندانشان هستند و کماکان هیچ پاسخ روشنی نیست.

دخترم نمیدانی در این مدت که نبودی چه بر ما گذشت. عزیزانی که تنها جرمشان بستن شال سبز بر پیشانی بود در خون خود وضو گرفته و به دیدار معبود خود رفتند و مادرانشان در عزای از دست دادنشان خون گریه کردند. اکنون که این مادران را روی صفحه تلویزیون می‌بینم خوشحالم که تو بیرون نیستی که ببینی چون می‌دانم که نمی‌توانستم تو را ساکت نگه دارم. تو به درد این مردم آشنایی و از دردشان درد می‌کشی و تنها به جرم همین درد آشنایی این همه مدت در سلول انفرادی به سر می‌بری زیرا دفاع از حقوق انسان در کشور ما جرم است.

چشم انتظار تو

مادرت شهرزاد کریمان

دستکم 34 نفر در 30 خرداد در سه بیمارستان تهران شهید شده‌اند/ آمار کشته‌ها صدها نفر است

اطلاعات رسیده به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران از برخی از بیمارستان های تهران و خانواده قربانیان، حاکی از این است که تعداد کشته شده ها در جریان راهپیمایی های اعتراضی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری 22 خرداد ماه توسط نیروهای امنیتی و نظامی بسیار بیش از تعدادی است که دولت ایران اعلام کرده است.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران اطمینان دارد که در روز 30 خرداد ماه زمانی که دولت اعلام کرد که 11 نفر در راهپیمایی کشته شده اند، فقط در سه بیمارستان تهران که در حوالی راهپیمایی در تهران بودند 34 جسد راهپیمایان تحویل سردخانه شده است.

طبق گزارش، 19 جسد در بیمارستان امام خمینی، 8 جسد در بیمارستان رسول اکرم و 7 جسد در بیمارستان لقمان حکیم در همان شب 30 خرداد ماه تحویل سردخانه های این

ولایت سرکوب

بیمارستان ها شده است. این اطلاعات توسط پرسنل این بیمارستان ها که به اطلاعات سردخانه دسترسی داشتند بدست آمده است.

این سه بیمارستان در مسیر راهپیمایی اصلی که نیروهای دولتی به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند، قرار دارند.

چندین بیمارستان اصلی دیگر در این مسیرها هستند که مطمئنا مجروحین و کشته شده های دیگری نیز به این بیمارستان ها منتقل شده اند.

ارون رودز؛ سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در این مورد گفت: "علیرغم تکذیب های رسمی و آشفتگی پیرامون تعداد افراد کشته شده، اطلاعات موثق از کشته شدن صدها نفر در جریان راهپیمایی ها حکایت می کند." رودز با تاکید بر این که "بر این اساس اینگونه بنظر می رسد که تعداد زیادی از کسانی که تصور می شود در مکان های نامعلومی در بازداشت هستند یا در بازداشت های بی ارتباط با دنیای خارج نگهداشته شده اند، احتمالا می توانند جزو کشته شدگان باشند"

گفت: "اگر این مورد صحت داشته باشد، تاریخ در مورد این حوادث نه تنها بعنوان حادثه ای که در آن خشونت بسیار زیاد استفاده شده بلکه بعنوان یک کشتار دسته جمعی یاد خواهد کرد."

خانواده هایی که بدنبال اعضای ناپدید شده خانواده خود می گردند گزارش کرده اند که آنها به مجموعه هایی برده شده اند که در آنها "صدها" عکس از افراد کشته شده توسط مقامات برای تشخیص هویت جمع شده است، و برخی از آنها گزارش کرده اند که مجموعه هایی را که در آن ها تعداد بسیار زیاد اجساد بوده دیده اند.

یکی از اعضای یک خانواده به خبرنگار وب سایت نوروز که به جبهه مشارکت تعلق دارد در روز 23 تیرماه گفت که:

"ویرا به سردخانه ای در جنوب غربی تهران که مخصوص نگهداری میوه و محصولات لبنی بوده است برده اند و آلبومی در اختیارش گذاشته اند که تصویر صدها کشته در آن بوده است تا جنازه فرزندش را از بین آنها پیدا کند.

به گفته وی دیدن تصاویر کشته شده ها نزدیک به نیم ساعت به طول انجامیده است.

ولایت سرکوب

وی افزود در زمان خروج از این سردخانه پیکر صدها شهید را دیده است که در آنجا روی هم گذاشته شده بودند.

به گزارش وب سایت نوروز، برخی از خانواده ها را که به دنبال افراد ناپدید شده خانواده خود هستند، به محل نامعلومی دعوت می کنند و بعد از توجیه و تهدید آنها به آسیب دیدن دیگر اعضای خانواده و همچنین گرفتن تعهد مبنی بر عدم اطلاع رسانی در مورد مرگ فرزندانشان و امضاء اوراقی با این مضمون که تائید می کنند عزیزانشان بر اثر تصادف و یا دیگر حوادث طبیعی جان سپرده اند، جنازه های آنها را تحویل خانواده های داغدار می دهند.

به گزارش منابع مختلف در ایران، صدها خانواده همچنان در جستجوی اعضای ناپدید شده خود سرگردان هستند همانطور که مادر سهراب اعرابی دانش آموز 19 ساله ای که 26 روز سرگردان بود در حالی که ظاهرا سهراب در اثر تیراندازی در راهپیمایی روز 25 خرداد ماه کشته شده بود اما مرگ او در روز 20 تیرماه اعلام شد.

مادر سهراب در نوشته ای که رسماً منتشر شده اشاره کرده است که چگونه او هر روز به زندان اوین و دادگاه ها سر می زده و تلاش می کرده تا اطلاعاتی در باره پسرش که ناپدید شده بود پیدا کند و حتی این جریان به جایی رسیده بود که او باور کرده بود که سهراب در بازداشت بسر می برد.

ترجمه نوشته مادر سهراب که یک شهادت پر غصه تجربه دردناک خانواده های ناپدید شدگان است به انگلیسی که توسط کمپین انجام شده در وب سایت کمپین در دسترس است. لیستی از 185 نفر از بازداشت شدگان روز 18 تیرماه که 36 نفر از آنها دختر هستند بر دیوار زندان اوین نصب شده است.

به گفته منابع موثق در تهران، در همان روز تعداد بیشتری بازداشت شده اند که به سوله کهریزک که بازداشتگاه موقت در تهران است برده شده اند اما اطلاعاتی در باره اسامی و تعداد این بازداشت شدگان داده نشده است.

در باره افراد بی شماری که در هفته های اخیر ناپدید شده اند و ممکن است بازداشت، مجروح و یا کشته شده باشند همچنان نگرانی های جدی وجود دارد. کمپین بین المللی

حقوق بشر در ایران به علت فقدان شفافیت و مسئولیت پذیری مقامات قضایی و ارگان های مربوطه، یکبار دیگر به کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ناوی پیلا، پیشنهاد می کند که فوراً هیئت ویژه ای را برای بررسی سرنوشت بازداشت شدگان و افراد ناپدید شده به ایران اعزام کند.

یکی از بازداشت شدگان روز 18 تیر، جان باخت

یکی از افراد بازداشت شده در روز 18 تیر ماه که به کمپ کهریزک منتقل شده بود، جان باخت. این فرد که دچار بیماری تنفسی شدید بود، پس از چند روز از کمپ کهریزک به بیمارستان منتقل شده است اما در بیمارستان به دلیل ضعف شدید جسمانی جان باخته است.

گرچه تعداد بازداشت شدگان تظاهرات روز 18 تیرماه بیش از 400 نفر اعلام شده است، اما نزدیک به 140 نفر از بازداشت شدگان پس از دستگیری به کمپ کهریزک منتقل شده و برای 5 روز در آنجا در بازداشت بوده اند. این افراد در مدت بازداشت خود در کمپ کهریزک در وضعیت بسیار بدی به سر برده اند.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر، این افراد در مدت بازداشت بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و موهای سر آنها تراشیده شده است.

بازداشت شدگان در کمپ کهریزک پس از 5 روز به زندان اوین منتقل شده اند اما در مدت بازداشت خود در کمپ کهریزک در شرایط بهداشتی بسیار بدی قرار داشته اند و برای چند روز به این افراد هیچ گونه غذایی داده نشده است.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ادامهٔ اعتراضات خانواده ها در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین ولیست اسامی تعدادی از بازداشت شدگان

بنابه گزارشات رسیده از دادگاه انقلاب، زندان اوین، کلانتری 148 و آگاهی شاپور تعداد زیادی از خانواده ها از صبح امروز درمقابل مراکز فوق تجمع کردند و خواستار اطلاع یافتن و آزادی فرزندان خود شدند.

فریادهای الله اکبر مردم بر پشت بام ها و سانسور سخنان هاشمی

خبرنامه امیرکبیر: شب گذشته و پس از اعتراضات صدها هزار تن از مردم تهران در نماز جمعه تهران در خیابان های اطراف دانشگاه تهران و برخی نقاط دیگر، مردم پس از ساعت 10 شب بر پشت بام منازل خود جلوه دیگری از اعتراضات را به نمایش گذاشتند.

ماجرای ناروشن یک قتل جنازه ی سوخته ترانه ی موسوی در حوالی قزوین



قتل ترانه ی موسوی همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. وبلاگ «زیرزمین» اخیراً اطلاعات تازه ای را در مورد قتل وی منتشر کرده است:

ماجرای ناروشن یک قتل جنازه ی سوخته ترانه ی موسوی در حوالی قزوین

قتل ترانه ی موسوی همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. وبلاگ «زیرزمین» اخیراً اطلاعات تازه ای را در مورد قتل وی منتشر کرده است:

دوستان ترانه موسوی، از بازداشت شدگان هفتم تیر در درگیری های مسجد قبا، گفته اند که خانواده ی وی از یافتن جنازه ی سوخته ی ترانه در حومه ی قزوین خبر داده اند. یکی از دوستان ترانه موسوی دیروز برای پیگیری وضع ترانه با منزل پدری او تماس گرفت و با خبر مرگ ترانه و یافتن جنازه سوخته اش - بین کرج و قزوین - مواجه شد. خانواده ترانه از بازگویی مکان و زمان تشییع جنازه وی خودداری کردند و گفتند نمی توانند توضیحات بیشتری دهند. پس از پیگیری ها و تماس های مکرر دوستان ترانه با منزل وی، خانواده موسوی از آنان خواستند که دیگر تماس نگیرند و در برابر سخن یکی

کوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

از دوستان ترانه که گفته بود خانواده او باید نوع مرگش را به جامعه اطلاع دهند و به رسانه ها بگویند که ترانه دستگیر شده و پس از دستگیری به این سرنوشت دچار شده است شنیده بودند که ما صلاح کار خود را بهتر از شما می دانیم و نمی خواهیم در تشییع جنازه اش کسی حضور داشته باشد.

ترانه موسوی به گفته یکی از دوستانش - که نمی خواهد نامش فاش شود - روز هفتم تیر در حوالی تقاطع میرداماد و خیابان شریعتی کلاس آرایشگری داشته است.

او اتومبیل خود را در یکی از خیابان های فرعی بین حسینیه ارشاد و میرداماد، پارک می کند و پس از دیدن تجمع مردم در خیابان قبا و اطراف حسینیه ارشاد با یکی از دوستان خود تماس می گیرد و به او می گوید که پیش از رفتن به آرایشگاه بهتر است سری به مسجد قبا بزنند و با دوست خود در نزدیکی مسجد قبا قرار می گذارد.

وی که به گفته دوستش مانتوی سبز به تن و شالی سبز به سر داشته است درحالیکه در خیابان شریعتی منتظر یکی از دوستان خود بوده است از سوی مأموران حکومتی دستگیر می شود و در هنگام دستگیری، دوست وی که به محل قرار نزدیک می شده از دور وی را می بیند.

ترانه را سوار به ونی می برند. شواهد دستگیری ترانه به همین جا ختم نمی شود و چند نفر از دستگیرشدگان واقعه مسجد قبا در تماس هایی با خانواده وی، خبر دستگیری اش را به آنان اطلاع می دهند.

ترانه موسوی در زمان دستگیری شماره منزل و یکی از دوستانش را به چند نفر از دستگیرشدگان می دهد و از آنان می خواهد در صورت آزادی با خانواده اش تماس گرفته و خبر دستگیری اش را به آنان اطلاع دهند.

کسانی که در آن روز همراه با ترانه به ساختمانی در حوالی پاسداران منتقل می شوند گفته اند که او مدام گریه می کرده و می گفته است نه برای تجمع که برای شرکت در کلاس آرایشگری در آن محل حضور داشته است. اما برخی از دوستانش خبر داده اند که ترانه در راهپیمایی های مسالمت آمیز روزهای ۲۵، ۲۶ و ۲۷ خرداد شرکت داشته است

ولایت سرکوب

و حتا پیش از انتخابات نیز با حضور در زنجیره سبز، حمایت خود را از اصلاحات و آزادی در ایران ابراز می کرده است.

به گفته یکی از دوستان ترانه، پس از دو هفته از دستگیری او، فردی ناشناس با منزلش تماس گرفته و به مادر ترانه خبر بستری بودن وی را در بیمارستان امام خمینی کرج می دهد. این ناشناس به مادر ترانه می گوید که مردم دخترش را پس از تصادف، به آن بیمارستان رسانده اند.

مادر ترانه به ناشناس می گوید برخی تماس گرفته اند و ترانه را در درگیری های مسجد قبا و در بازداشگاه دیده اند اما ناشناس می گوید ترانه ربطی به حادثه مسجد قبا ندارد و احتمالان قضیه اش ناموسی ست؛ چراکه می خواسته با شلنگ سرم خودش را حلق آویز کند.

او پارگی رحم و مقعد را نیز دلیل بستری شدن ترانه ذکر می کند. خانواده ترانه به آن بیمارستان مراجعه می کنند اما مسوولان بیمارستان بستری شدن ترانه موسوی را تکذیب می کنند و تنها یکی از پرسنل می گوید که دختری را با موهای بافته شده دیده است که چند نفر با ظاهری به گفته او «حزب الهی» بیهوش می آورند و بیهوش می برند.

جملاتی که این ناشناس در مکالمه تلفنی با مادر ترانه بیان می کند نشان می دهد که ماموران وزارت اطلاعات و لباس شخصی ها می خواسته اند ذهن خانواده ترانه را از سیاسی بودن قضیه منحرف کنند و به آنان بقبولانند که دخترشان از نظر اخلاقی مشکلاتی داشته است تا خانواده نیز پس از شنیدن خبر مرگ فرزندشان، از پیگیری و پی جویی درباره چند و چون مرگ وی خودداری کنند.

ممانعت خانواده ترانه موسوی از دادن اطلاعات درباره تشییع پیکر وی و چگونگی درگذشتش عجیب به نظر نمی رسد؛ چراکه تمامی خانواده های قربانیان حوادث اخیر از سوی حکومت و وزارت اطلاعات تهدید می شوند و به آنان گفته می شود در صورتی که تشییع پیکر عزیزانشان و مراسم کفن و دفن و ختم آنان با حضور مردم و با شیون و ناله برگزار شود مشکل حاد دیگری برای یکی دیگر از عزیزانشان اتفاق خواهد افتاد.

ولایت سرکوب

ترانه موسوی اکنون تنها به خانواده اش تعلق ندارد و متعلق به همه ایرانیان است؛ بنابراین پیگیری وضعیت او و چگونگی درگذشتش وظیفه تک تک ماست.

این که من نمی توانم با نام خود این اخبار را منتشر کنم؛ این که دوست ترانه نمی تواند نامش را بگوید؛ این که خانواده ترانه درباره فرزندشان هیچ حرفی نمی زنند همه از خفقانی حکایت دارد که امروز بر جامعه ما حاکم است.

من از دوستانی که وظیفه خود می دانند به راحتی و به سرعت این نوع اطلاع رسانی را محکوم کنند می خواهم به جای نشستن و محکوم کردن این و آن، درباره ترانه تحقیق کنند و خبرهایش را به گوش نخست ایرانیان و سپس جهانیان برسانند تا شاید از بیش از این شاهد قربانی شدن ترانه هایمان نباشیم.

لازم است بگویم عکس ترانه را نیز یکی از هنرجویان آموزشگاه آرایشگری و از دوستان ترانه در اختیار وبلاگ زیرزمین قرار داد.

منبع: وبلاگ زیرزمین

انتقال بسیاری از بازداشت‌شدگان از کمپ کهریزک به زندان اوین

خبرگزاری هرانا : تعداد بسیار زیادی از بازداشت‌شده‌گان روزهای پس از انتخابات از کمپ کهریزک به زندان اوین منتقل شدند.

به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، دیروز بسیاری از افراد بازداشت شده در درگیری‌های روزهای اخیر در تهران که به کمپ کهریزک منتقل شده بودند، به زندان اوین آورده شده‌اند و براساس گفته‌ی شاهدان عینی در زندان، بازداشتی‌های منتقل شده از کمپ کهریزک، در وضعیت بسیار بد جسمی و روحی قرار دارند. این در حالی است که درباره‌ی محل نگهداری آن‌ها در زندان اوین و وضعیت فعلی و تعداد آن‌ها اطلاع درستی در دست نیست.

در جریان انتخابات اخیر در ایران شمار زیادی از فعالان حقوق بشر و افرادی که به نتیجه‌ی انتخابات معترض بودند، بازداشت شدند که در بیش‌تر موارد اطلاع زیادی از

محل نگهداری آنها در دست نیست و افرادی که آزاد شده‌اند از وخیم بودن وضعیت نگهداری زندانیان خبر می‌دهند.

احتمال شیوع مننژیت و تیفوس در زندان اوین

خبرگزاری هرانا: شنیده‌ها حاکی از شیوع مننژیت و تیفوس در زندان اوین است. به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و طبق اخبار رسیده از زندان اوین، دیروز مورخ 26 تیرماه به تمامی زندانیان داروی سیپروفلوکساسین داده شده است. تعداد بسیار زیاد زندانیان در زندان اوین، احتمال شیوع مننژیت و تیفوس را بالا برده و با توجه به محدودیت خبررسانی از زندان‌ها و به خصوص زندان اوین، نگرانی‌ها در رابطه با شیوع این بیماری‌های فراگیر افزایش یافته است. بازداشت گسترده‌ی افرادی که به نتیجه‌ی انتخابات معترض بودند، در روزهای پس از انتخابات سبب شده تا تعداد زندانیان در زندان‌های کشور و به خصوص زندان اوین بالا رود و همین مسئله سبب شده تا احتمال بروز بیماری‌ها در زندان بالا رود.

وضعیت نامعلوم محمد علی دادخواه وکیل زندانیان سیاسی

فعالان حقوق بشر در ایران

خبرگزاری هرانا: محمد علی دادخواه، وکیل پایه یک دادگستری و وکیل بسیاری از زندانیان سیاسی، عقیدتی و حقوق بشری و همین طور وکیل فعال در زمینه میراث فرهنگی، پس از بازداشت در دفتر حقوقی خود، موسسه راد، تا امروز هیچ تماسی با بیرون از زندان نداشته است.

امیر رئیسیان، یکی از وکلای وی در گفت‌وگو با خبرگزاری هرانا گفت: در حال حاضر و بر اساس شنیده‌ها وی در بند امنیتی 209 زندان اوین بازداشت هستند. من به همراه 5 نفر دیگر از وکلا، تیم وکالتی ایشان هستیم.

علاوه بر امیر رئیسیان، فریده غیرت، محمد مصطفایی، سارا سبغیان، بهاره دولو و مریم کیان ارثی، نیز وکلالت وی را بر عهده دارند. رئیسیان درباره نحوه بازداشت وی عنوان کرد: در روز چهارشنبه 17 تیرماه عده‌یی از مامورین لباس شخصی با حضور در موسسه حقوقی راد، محمد علی دادخواه و عده‌یی از همکاران وی در این موسسه را

ولایت سرکوب

بازداشت کردند. در همان شب و پس از انتقال بازداشت شده‌گان به کلانتری نیلوفر، همه افراد به جز جناب آقای دادخواه آزاد شدند. البته تا این لحظه هیچ اطلاعی از وضعیت و اتهام ایشان در دست نیست و تا امروز هیچ یک از مقام‌های مسئول مستقیماً مسئولیت بازداشت وی را بر عهده نگرفته‌اند.

وی همچنین عنوان کرد: «در زمان بازداشت تمام دفتر ایشان و همکارانشان مورد تجسس قرار گرفت و تمام پرونده‌های موجود در دفتر را با خود بردند، البته با همکاری دادسرای انقلاب، پرونده‌های کارآموزان و همکاران ایشان به وکلا پس داده شد. نکته قابل توجه، عوض کردن قفل در موسسه حقوقی راد بود. مامورین با توجه به این که حکمی برای پلمپ دفتر ایشان نداشتند، جهت جلوگیری از حضور همکاران ایشان بعد از بازداشت در دفتر موسسه، قفل در موسسه را تعویض کرده‌اند.

رئیس‌ان اضافه کرد: با توجه به این که داروهای ایشان را در زمان بازداشت با خود نبرده‌اند، نسبت به وضعیت و سلامت وی نگران هستیم.

سید محمد علی دادخواه، از وکلای خوش نام در زمینه حقوق بشر و میراث فرهنگی، علاوه بر وکلالت بیش از 4000 پرونده دانش‌جویی، وکیل پرونده‌های میدان نقش جهان اصفهان، که باعث شدند، سه طبقه از برج جهان نما تخریب شود و میدان نقش جهان از لیست میراث جهانی حذف نشود. وی همچنین وکیل منتخب مردم در رابطه با پیگیری برای جلوگیری از آب‌گیری سدسیوند که باعث تخریب منطقه باستانی پاسارگاد می‌شود بوده‌اند و فعالیت‌هایی در زمینه جلوگیری از عبور راه آهن از نزدیکی منطقه نقش رستم شیراز داشته‌اند.

موسسه حقوقی راد که متعلق به آقای دادخواه است، از زمان تاسیس خود در سال 53، بیش از 120 کارآموز جهت وکالت داشته است که اکنون به عنوان وکیل پایه یک دادگستری فعالیت می‌کنند.

شایان ذکر است که موسسه حقوقی راد، وکالت تمامی پرونده‌های مربوط به حقوق بشر مانند پرونده دانش‌جویان، فعالین سیاسی و مدنی، فعالین حقوق بشر، میراث فرهنگی و ... را به صورت کاملاً رایگان می‌پذیرد.

گفت‌وگو: علی‌رضا فیروزی

سه تن دیگر در آستانه اعدام در زاهدان

خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس): رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان گفت: در حال پیگیری اجرای حکم اعدام 2 عضو دیگر گروه ریگی به همراه عبدالحمید ریگی هستیم و به امید خداوند طی این هفته یا هفته آینده حکم این سه نفر با هم اجرا خواهد شد. حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان گفت: حکم اعدام دو عضو دیگر از اعضای این گروه که پیش از این دستگیر شده بودند مدت‌ها قبل صادر شده و در مرحله تجدیدنظر خواهی و پیگیری در دیوان عالی کشور بود که نهایتاً حکم آنها هفته گذشته تایید شده و پس از قطعیت به دادگستری استان ابلاغ شد. رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان تصریح کرد: جرم این دو نفر محاربه و همچنین اقدام علیه امنیت ملی می‌باشد که برای اجرای حکم صادره آنها نیز در حال حاضر منتظر ایجاد زمینه برای اجرا هستیم. این امکان وجود دارد که هر سه نفر آنها در هفته جاری اعدام شوند.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان روز گذشته

در یورشهای وحشیانه به مردم بی دفاع روز جمعه 26 تیر ماه که باعث زخمی شدن و دستگیری انبوهی از مردم شد. یورشهای وحشیانه دیروز گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها که تحت امر علی خامنه ای ولی فقیه رژیم عمل می کنند بیشتر بر روی زنان و دختران متمرکز بود. آنها هنگام ضرب و شتم با باتوم و سایر وسائل سر و صورت خانم ها را هدف قرار می دادند که منجر به شکستگی سر بینی و شکاف بر داشتن چهره می شد. مراکز درمانی بدلیل مسقر شدن نیروهای اطلاعاتی برای مجروحین نا امن می باشد و مجروحین از مراجعه به آنها خوداری می کنند. همچنین در اعتراضات روز گذشته تعداد زیادی دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل شدند و تعدادی از آنها به

ولایت سرکوب

کلانتری 148 منتقل شدند که توانسته اند تماس کوتاهی با خانواده های خود داشته باشند . امروز 27 تیرماه با توجه به اینکه شنبه و اولین روز کاری هفته بود و دیروز جمعه 26 تیر ماه تعدادی دیگر بازداشت شده بودند جمعیت خانواده هایی که برای پیگیری وضعیت عزیزانشان به دادگاه انقلاب ، آگاهی شاپور و کلانتری 148 و زندان اوین مراجعه کرده بودند به مراتب خیلی بیشتر از روزهای قبل بود.

در مقابل آگاهی شاپور حدود 40 نفر از خانواده ها تجمع کرده بودند اما هیچ کس جوابگو نبود و آنها را به دادگاه انقلاب و زندان اوین پاس می دادند در کلانتری 148 با لحن بسیار تندي به خانواده هایی که مراجعه می کردند می گفتند فرزند شما اینجا نیست بروید جای دیگر دنبال آنها بگردید. در داخل و بیرون دادگاه انقلاب بیش از 200 نفر از خانواده ها حضور داشتند عده ای در داخل و تعدادی در بیرون به انتظار اعلام اسامی بازداشت شده ها بودند. هنوز اسامی تعدادی از بازداشت شده های 18 تیر مورد تایید دادگاه انقلاب قرار نگرفته است و همچنان خانواده ها در بلاتکلیفی بسر می برند .

اگرچه اسامی کسانی هم که مورد تایید قرار می گیرد در زیر لیست اعلام اسامی عنوان می شود که پرونده در دست بررسی است 15 روز دیگر مراجعه کنید.

اما خیلی از خانواده ها نیز به تایید اسامی اعتماد ندارند و دائم سهراب اعرابی را مثال می زنند. هنوز اسامی دستگیر شده های روز جمعه 26 تیر ماه مورد تایید دادگاه انقلاب قرار نگرفته است. از هر خانواده ای هر روز از ساعت 8 صبح تا 15 بعد از ظهر يك نفر به دادگاه انقلاب و يك نفر به زندان اوین مراجعه می کند تا شاید خبری از وضعیت عزیزان خود بگیرند. در دادگاه انقلاب به خانواده ها گفته می شود بروید سند و یا فیش حقوقی برای کفالت آماده کنید .

تعدادی از خانواده ها با زحمت و به امید اینکه هر چه زودتر فرزند و یا همسرشان آزاد می شود سند و یا فیش حقوقی را تهیه می کنند اما هنگام مراجعه به آنها گفته می شود چه کسی به شما گفته سند بیاورید پرونده هنوز تکمیل نشده بروید ما به شما خبر خواهیم داد که اکثر خانواده ها با داد و فریاد و گفتن اینکه چرا به ما دروغ می گوید شما مسلمان نیستید اگر يك نره انسانیت داشتید با ما این گونه رفتار نمی کردید. در مقابل زندان اوین هم

ولایت سرکوب

از این شیوه برای به بازی گرفتن خانواده ها استفاده می کنند. امروز در مقابل زندان اوین بیش از 100 نفر از خانواده ها که اکثرا مادران بودند تجمع کردند و خواهان آزادی و حتی ملاقات عزیزانشان بودند. خانواده ها همچنان نگران وضعیت سلامتی فرزندان خود هستند به خصوص آنهایی که تاکنون هیچ خبری از وضعیت فرزند خود ندارند. که این نگرانی روز به روز افزایش می یابد.

در مقابل دادگاه انقلاب 2 اتومبیل نیروی انتظامی و 4 موتور سوار و تعدادی لباس شخصی در بیرون و داخل دادگاه وضعیت را کنترل می کردند در مقابل زندان اوین نیز 1 ماشین نیروی انتظامی خانواده ها را زیر نظر داشت.

اسامی تعدادی از بازداشت شدگان 26 تیرماه و روزهای اخیر برای ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار می یابد.

1- سعید جهانشیر 27 ساله لیسانس علوم اجتماعی به کلانتری 148 انقلاب منتقل شده اما جوابی از طرف مسوولان کلانتری به خانواده وی داده نشد. و خانواده وی به ناچار به دادگاه انقلاب مراجعه کردند.

2- حمید قربانی 25 ساله لیسانس پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده

کوروش خراسانی 23 ساله پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده

3- علی آقایی 21 ساله دیپلم شغل آزاد جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

4- نازنین اکبر پور 24 ساله فوق دیپلم کامپیوتر جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و به کلانتری 148 منتقل اما اکنون مکان نگهداری وی نامشخص

5- محمد علی عاشوری 25 ساله فوق دیپلم پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده

6- بهداد کیانی 29 ساله دیپلم شغل آزاد جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

ولایت سرکوب

- 7- معین شمس الدینی 20 ساله دانشجوی ریاضی جمعه 26 تیر در خیابان فلسطین بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 8- روح الله باقری 36 ساله لیسانس حسابداری پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 9- محسن محمدی 19 ساله دیپلم جمعه 26 تیر در ضلع جنوبی دانشگاه تهران بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 10- مرتضی ایلاتی 31 ساله زیر دیپلم شغل آزاد جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 11- قاسم ملکی 27 ساله پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 12- نوید ابراهیم پور 26 ساله لیسانس زبان خارجه پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 13- ناصر تقوی 23 ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه 18 تیر بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 14- طاهره بیات 34 ساله متاهل دیپلم پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و به اوین منتقل شده
- 15- آذر نایینی 25 ساله فوق دیپلم صنایع دستی پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 16- سمیرا بهمنی 22 ساله دیپلم پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 17- سینا قائنی فراهانی 28 ساله دیپلم حسابداری و کارمند چهارشنبه 3 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 18- علی موسوی 31 ساله دیپلم جوشکاری دوشنبه 1 تیر در صادقیه بازداشت و به اوین منتقل شده
- 19- حسام شمس 26 ساله دانشجوی نقشه برداری جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

ولایت سرکوب

- 20- کسری حاجیان 25 ساله لیسانس عمران پنجشنبه 18 تیر در فروردین (انقلاب)
بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 21- امین شاهمحمدی 28 ساله فوق دیپلم پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و به اوین
منتقل شده
- 22- رضا هاشمی یزدی 27 ساله لیسانس مدیریت چهارشنبه 27 خرداد در هفت تیر
بازداشت و به اوین منتقل شده
- 23- محمد رضا ناصرخانی 32 ساله کارمند پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به
اوین منتقل شده
- 24- مهران سبحانی 24 ساله فوق دیپلم صنایع جمعه 26 تیر در مطهری بازداشت و مکان
نگهداری وی نامشخص
- 25- محسن قره قلعه 22 ساله دانشجوی جامعه شناسی شنبه 30 خرداد در آزادی بازداشت
و به اوین منتقل شده
- 26- محمد صادق تیموری 31 ساله دیپلم ریاضی شغل آزاد شنبه 30 خرداد در انقلاب
بازداشت و به اوین منتقل شده
- 27- عرفان آهنگر 26 ساله مهندس عمران شنبه 30 خرداد در آزادی بازداشت و به اوین
منتقل شده
- 28- محمد جلالی 30 ساله دیپلم چهارشنبه 3 تیر در نواب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 29- مزدک منصوری 23 ساله دانشجوی حقوق پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و
به اوین منتقل شده
- 30- وحید پور معصومی 28 ساله لیسانس پنجشنبه 18 تیر در کارگر بازداشت و به اوین
منتقل شده
- 31- علی اکبر کشاورز نجف آبادی 29 ساله شغل آزاد شنبه 30 خرداد در خیابان بوستان
بازداشت و به اوین منتقل شده
- 32- محمد سعید دال کوهی 20 ساله دیپلم پنجشنبه 18 تیر در خیابان کارگر بازداشت و به
اوین منتقل شده

ولایت سرکوب

33-مهرداد کفاش زاده 31 ساله فوق دیپلم پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

34-علیرضا کلانتری 25 ساله جمعه 26 تیر در بلوار کشاورز بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

35-امیر محرمی 33 ساله دیپلم شغل آزاد پنجشنبه 18 تیر بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

36- پویا بیک زاده 23 ساله دانشجو پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده

گزارشهایی حاکی از آن است که بازداشت شدگان در مرحله اول به کهریزک معروف به اردوگاه مرگ، آگاهی شاپور، کلانتری 148، ستاد پیگیری وزارت اطلاعات و بازداشتگاه لشکر ثارالله سپاه پاسداران منتقل می شوند. در آنجا دستگیر شدگان زیر شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی قرار می گیرند. تا به حال گزارشهای متعددی از مرگ زیر شکنجه بازداشت شدگان در کهریزک، کلانتری 148 و بازداشتگاه ثارالله سپاه رسیده است. جان دستگیر شدگان در این مراکز در معرض خطر جدی است. مسئولیت جان بازداشت شدگان به عهده ولی فقیه رژیم علی خامنه ای است، بعنوان کسی که دستور سرکوب خونین و شکنجه مردم ایران را صادر کرده است، می باشد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت به تهدیدات جدی که جان بازداشت شدگان در مراکز فوق الذکر هشدار می دهد. و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، علیرغم گذشت چند هفته از سرکوب خونین مردم ایران که همچنان ادامه دارد، خواستار پایان دادن به سکوت خود هستند و برای نجات جان دستگیر شدگان اقدامات عاجل را بکار ببرند.

27 تیر 1388 برابر با 18 ژولای 2009

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

دفتر دبیرکل سازمان ملل

کمیسیون عالی حقوق بشر

آسوشیتدپرس: در تاسیسات هسته ای نظنر چه می گذرد؟

ایسنا: خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دیپلمات‌های وین ادعا کرد که ایران در حال جلوگیری از تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ارتقای نظارت بر برنامه اتمی این کشور است. ایران فعالیت‌های هسته‌یی را به سوی مرحله‌ای پیش می‌برد که می‌تواند ابزار آزمایش اتمی را ظرف شش ماه آینده در اختیار داشته باشد.

آنان گفتند در حالی که ایران غنی‌سازی اورانیوم را گسترش می‌دهد در برابر تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای افزایش نظارت بر تاسیسات غنی‌سازی این کشور مقاومت می‌کند.

این گزارش می‌افزاید: برای این که ایران مواد شکافت‌پذیر کافی برای انجام یک آزمایش زیرزمینی مشابه انفجار هسته‌یی 2006 کره شمالی را در اختیار داشته باشد احتمالاً

ولایت سرکوب

مجبور به اخراج ناظران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تاسیسات غنی‌سازی در نطنز خواهد بود.

یکی از دو دیپلمات غربی معتبر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ما درباره نیت حرف نمی‌زنیم بلکه از ظرفیت و توان حرف می‌زنیم.

این گزارش به نقل از یکی از دیپلمات‌ها ادعا کرد که ایران سانتریفیوژهای بیشتری را برای انجام عملیات کامل به کار گرفته است.

آسوشیتدپرس افزود که اولین بار مجله آلمانی اشترن در هفته‌ی گذشته این موضوع را به نقل از شاخه اصلی اطلاعات جاسوسی آلمان نقل کرده است.

دیوید آلبرایت کارشناس هسته‌ای نیز روز جمعه گفت که این موضوع در راستای برآوردهای ماست.

یک مقام عالی رتبه آژانس گفت که گسترش نطنز نظارت بازرسان را مشکل می‌کند.

آسوشیتدپرس ماه گذشته به نقل از دیپلمات‌ها مدعی خودداری ایران از دادن اجازه نصب دوربین‌های نظارتی بیشتر و تاخیر در بازرسی‌های اعلام شده آژانس شد.

یکی از دیپلمات‌های یاد شده روز جمعه مدعی شد ایران از آن زمان به بعد از دادن اجازه نظارت‌های گسترده‌تر خودداری کرده است.

وی مدعی شد که ایران همچنین درخواست‌های آژانس برای جداسازی فعالیت‌های تاسیسات نطنز را نپذیرفته است. در نطنز غنی‌سازی اورانیوم در همان فضایی انجام می‌گیرد که تعمیر و نصب زنجیره‌های جدید مرتبط کننده سانتریفیوژها انجام می‌شود و این صحنه در هم ریخته‌ای را ایجاد می‌کند که نظارت بر آن مشکل است.

دیپلمات یاد شده گفت: برای آنان تشخیص این که واقعا چه اتفاقی در حال رخ دادن است مشکل است.

انتقال سعید متین پور و جعفر ابراهیمی به اندرزگاه 7 زندان اوین



سعید متین پور روزنامه نگار و جعفر ابراهیمی عضو کانون صنفی معلمان به اندرزگاه 7 زندان اوین منتقل شدند.

سعید متین پور روزنامه نگار و جعفر ابراهیمی عضو کانون صنفی معلمان به اندرزگاه 7 زندان اوین منتقل شدند.

ولایت سرکوب

به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران و براساس خبرهای رسیده از زندان اوین، سعید متین پور، فعال هویت طلب آذربایجانی و روزنامه‌نگار، که چند روز پیش در منزل مسکونی خود بازداشت شده بود و برای گذراندن 8 سال حبس تعزیری خود، به تهران منتقل شده بود، به اندرزگاه 7، سالن 5 زندان اوین منتقل شده است. صلواتی قاضی شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی متین پور را به اتهام ارتباط با بیگانگان به 7 سال و به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی به یکسال و مجموعاً به 8 سال حبس تعزیری محکوم کرده بود که وی هم اکنون در حال گذراندن آن است.

همچنین جعفر ابراهیمی، فعال صنفی و عضو کانون صنفی معلمان نیز که صبح روز بیست خرداد ماه دستگیر شده بود، به اندرزگاه 7 منتقل شده است. وی در سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد از فعالان دانش جویی زنجان و عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانش‌گاه زنجان بود و پس از فراغت از تحصیل به وبلاگ‌نویسی و فعالیت صنفی اشتغال داشت.

با اسرای جنگی چنین نمی کنند که سپاه با دستگیر شدگان ضد کودتا می کند



از جمله قربانیان پر شمار اعتراض به کودتای انتخاباتی 22 خرداد، دختر جوانی است بنام ترانه موسوی، که سرانجام، برخی اخبار پراکنده درباره قتل وی از تهران تائید شد. ما تاکنون برای انتشار این خبر جانب احتیاط را مراعات کرده بودیم زیرا مسائلی در باره گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

شیوه قتل وی مطرح است که تکاندهنده است. البته وقتی زهرا کاظمی، دکتر زهرا بنی یعقوب و شماری دیگر از زنان و دانشجویان و جوانان دستگیر شده سالهای اخیر سرنوشتی مشابه ترانه موسوی در دوران بازداشت داشته اند، از آنچه در باره سرانجام ترانه موسوی گفته می شود نباید تعجب کرد.

از جمله قربانیان پر شمار اعتراض به کودتای انتخاباتی 22 خرداد، دختر جوانی است بنام ترانه موسوی، که سرانجام، برخی اخبار پراکنده درباره قتل وی از تهران تائید شد. ما تاکنون برای انتشار این خبر جانب احتیاط را مراعات کرده بودیم زیرا مسائلی در باره شیوه قتل وی مطرح است که تکاندهنده است. البته وقتی زهرا کاظمی، دکتر زهرا بنی یعقوب و شماری دیگر از زنان و دانشجویان و جوانان دستگیر شده سالهای اخیر سرنوشتی مشابه ترانه موسوی در دوران بازداشت داشته اند، از آنچه در باره سرانجام ترانه موسوی گفته می شود نباید تعجب کرد.

ترانه موسوی هنرجوی آموزشگاه آرایشگری بوده است و روز حادثه اتومبیل خود را در یکی از خیابان های فرعی - بین حسینه ارشاد و میرداماد- پارک می کند و پس از دیدن تجمع مردم در خیابان قبا و اطراف حسینه ارشاد با یکی از دوستان خود تماس می گیرد و به او می گوید که پیش از رفتن به آرایشگاه بهتر است سری به مسجد قبا بزنند و با دوست خود در نزدیکی مسجد قبا قرار می گذارد. بنا بر گفته همین دوست، ترانه که آن روز مانتوی سبز به تن و شالی سبز به سر داشته، در خیابان شریعتی از سوی مأموران حکومتی دستگیر می شود و در هنگام دستگیری، دوست وی که به محل قرار نزدیک می شده از دور دستگیری وی را می بیند. ترانه را با یک ون می برند. ترانه در زمان دستگیری شماره منزل خود و یکی از دوستانش را به چند نفر از دستگیرشدگان آن روز می دهد و از آنان می خواهد در صورت آزادی با خانواده اش تماس گرفته و خبر دستگیری اش را به آنان اطلاع دهند. کسانی که در آن روز همراه با ترانه بوده اند گفته اند که وی در راهپیمایی های زنجیر سبز و راهپیمایی مسالمت آمیز روزهای 25، 26 و 27 خرداد شرکت داشته است به گفته یکی از دوستان ترانه، پس از دو هفته از دستگیری او، فردی ناشناس با منزلش تماس گرفته و به مادر ترانه خبر بستری بودن وی را در

ولایت سرکوب

بیمارستان امام خمینی کرج می دهد. این ناشناس به مادر ترانه می گوید که مردم دخترش را پس از تصادف، به آن بیمارستان رسانده اند. مادر ترانه به ناشناس می گوید برخی تماس گرفته اند و ترانه را در درگیری های مسجد قبا و در بازداشتگاه دیده اند، اما ناشناس می گوید ترانه ربطی به حادثه مسجد قبا ندارد و احتمالاً قضیه اش ناموسی ست؛ چرا که می خواسته با شلنگ سرم خودش را حلق آویز کند. او پارگی رحم و مقعد را نیز دلیل بستری شدن ترانه ذکر می کند. خانواده ترانه به آن بیمارستان مراجعه می کنند اما مسوولان بیمارستان بستری شدن ترانه موسوی را تکذیب می کنند و تنها یکی از پرسنل می گوید که دختری را با موهای بافته شده دیده است که چند نفر با ظاهری به گفته او «حزب الهی» بیهوش آورند و بیهوش بردند.

لازم است بگویم عکس ترانه را نیز یکی از هنرجویان آموزشگاه آرایشگری و از دوستان ترانه در اختیار وبلاگ زیرزمین قرار داد.

بازداشت 24 افسر و درجه دار ارتش

گفته می شود، شب 26 تیرماه تعدادی از افسران و درجه داران ارتش که در یک محفل مذهبی جلسه می کرده اند دستگیر شده اند.

آنها پس از جلسه نوبتی و هفتگی "دعای کمیل" درخانه های خود توسط ضد اطلاعات ارتش و بخش امنیتی سپاه بازداشت شده اند.

هنوز معلوم نیست که درجلسات آنها مسائل سیاسی و بویژه انتخابات اخیر مطرح شده یا خیر، اما شایعاتی دراین زمینه نیز وجود دارد، که ما از ذکر آنها، تا کسب اطلاع دقیق تر پیرامون این دستگیری ها خودداری می کنیم. دستگیر شدگان اینگونه اعلام شده اند:

سروان مهدی - پادگان فتح

سرگرد مرتضی امیری رسته مخابرات

ستوان دوم سهراب لواسانی رسته زرهی

گروهبان یکم هادی شفاهی رسته

ولایت سرکوب

سروان محسن اطاعتی سیاه کوه رسته بهداری
استوار دوم علی اصغر رضوانی رسته پیاده
گروه بان یکم رحیم سلطان آبادی رسته پیاده
ستوان سوم شاهین روزبھانی رسته اداری
سروان رضا نوری شاه وردی رسته اداری
گروه بان یکم روح الله داداشی رسته اردونانس
ستوان یکم اصغر امان اللھی رسته دارایی
گروه بان یکم رامین ارسنجانی رسته توپخانه
ستوان سوم محمد گنابادی رسته زرھی
ستوان دوم علی نقی جوان رسته دارایی
سرگرد بازنشسته عیسی توکلی
ستوان دوم رسول قلیوند رسته اداری
استوار یکم غلامرضا ملک نژاد رسته دژبانی
ستوان دوم محمد مهدی قره بیگی رسته مخابرات
استوار یکم رحمان صادقی رسته زرھی
گروه بان یکم حسن تقی نیا رسته دژبانی
سروان علیرضا محقق رسته جنگ الکترونیک
ستوان سوم کیانوش سلامی قزوینی رسته مخابرات
گروه بان یکم علی اکبر باغستانی رسته ترابری
استوار یکم آرش جانلو رسته پیاده

نوآم چامسکی و خوزه کازونوا در کنار ایرانیان معترض

نوآم چامسکی منتقد سرشناس آمریکا و خوزه کازونوا جامعه شناس بزرگ اسپانیایی اعلام کردند در اعتصاب غذای ایرانیان در برابر سازمان ملل متحد شرکت خواهند کرد. نوام چامسکی، طی متن کوتاهی به اکبر گنجی از اعتصاب غذای نیویورک حمایت به عمل آورد و از حضور خود در این برنامه خبر داد. در این نامه آمده است: "اکبر. خبر مشارکت شما در اعتصاب غذا در حمایت از حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی مرا بسیار خوشنود کرده و تحت تأثیر قرار داد. این هدف، بسیار ارزشمند است. امیدوارم که قادر به پیوستن به شما در مقابل سازمان ملل باشم".

نوآم چامسکی

ولایت سرکوب

از سوی دیگر، خوزه کوزنوا، جامعه شناس بزرگ اسپانیایی، ضمن حمایت از اعتصاب غذا، از حضور خود در آن خبر داد.

کوزنوا، استاد دانشگاه جرج تاون و رئیس "مرکز برکلی برای دین، صلح و مسائل جهانی" در همان دانشگاه است.

او یکی از بزرگترین جامعه شناسان دین در دوران معاصر است.

او در نامه ی خود نوشته است:

"من از اهداف اعتصاب غذایی که توسط اکبر گنجی در مقابل سازمان ملل تشکیل می شود حمایت می کنم. حقوق بشر مردم ایران باید مورد احترام قرار گیرد، و زندانیان سیاسی آزاد گردند".

خوزه کازانوا

سایت آینده توقیف و سردبیر آن بازداشت شد

بنابر گزارش اختصاصی سایت بنیان ساعت 13 روز يكشنبه 28 تیرماه بعد از اخراج خبرنگاران و اعضای تحریره، سایت آینده با حضور مامورین امنیتی توقیف و سید عمار کلانتری سردبیر آن نیز بازداشت شد. به نظر می رسد سرنوشت سایت آینده نیز به سایت شهاب نزدیک شده است.

چندی پیش نیز گروهی با پوشش امنیتی سایت شهاب را تصرف و اقدام به ارسال اخبار و تحلیل هایی مغایر با خط رسانه ای آن کرده بودند.

این واکنش شدید به سایت آینده در پی آن صورت گرفت که این سایت پوششی واقع بینانه از وقایع نمازجمعه تهران داد و به اشتباهات فاحش حرفه ای خبرگزاری فارس و صداوسیما اشاره کرده بود.

ولایت سرکوب

با توقیف سایت آینده دسترسی خبرنگاران و مدیران به بخش مدیریت سایت لغو شده است و به نظر می رسد با ادامه بازداشت سید عمار کلانتری سردبیر آن، گروهی ناشناس و حامی دولت اداره سایت را بر عهده خواهند گرفت. شایان ذکر است همزمان با پایان انتخابات فواد صادقی مدیرمسئول سایت نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

تبعید و شکنجه یک جوان کرد در ارومیه و تهران

سایت خبری روزهمه‌لات نیوز: تبعید یک جوان کرد و شکنجه‌ی وی از ارومیه به تهران...

فشار بر علیه فعالین سیاسی کرد ادامه دارد. یک جوان کرد به نام رمضان سعیدی فرزند موسا، از اهالی ارومیه که به اتهام همکاری با پژاک، چهار سال قبل دستگیر و شکنجه شده بود، پس از دریافت هشت سال حکم زندان، همکنون به زندان اوین تهران منتقل شده و در انفرادی به سر میبرد. رمضان سعیدی از فعالین سیاسی منطقه " مرگور " از توابع ارومیه میباشد. وی اعلام داشته بود که تحت به هنگام دستگیری به مدت چندین ماه به شدت شکنجه شده و با وجود عدم اعتراف و کمترین مدارک، به هشت سال زندان محکوم شده بود. اکنون پس از گذشت چهار سال، وی را به زندان اوین تهران منتقل کرده و در انفرادی، مجدداً تحت شکنجه است. خانواده‌اش نگران حال وی میباشند و مسئولین هیچ پاسخی به آنها نمیدهند.

احضار دهها دانشجوی دانشگاه های سمنان، مشهد و تبریز به کمیته انضباطی



ولایت سرکوب

خبرنامه امیرکبیر: در پی سخنان معاون آموزشی وزیر علوم مبنی بر ممنوعیت از تحصیل دانشجویان فعال در انتخابات ریاست جمهوری، احضارهای گسترده فله ای دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور به کمیته انضباطی آغاز شده است.

طی هفته گذشته 18 دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی که تعداد قابل توجهی از آنان، دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه هستند از طریق اداره آموزش دانشکده ها احضاریه های خود را دریافت کردند. هم چنین بیشتر 16 دانشجوی دانشگاه صنعتی بابل به کمیته انضباطی فرا خوانده شدند که با پیگیری های دانشجویان دانشگاه بابل این احضارهای موقتا لغو شد.

به گزارش خبرنامه امیرکبیر روند فشارهای گسترده بر دانشجویان منتقد دولت نهم هم چنان ادامه دارد و در تازه ترین موج فشارها علیه دانشجویان، به تازگی 10 دانشجوی دانشگاه سمنان، 15 دانشجوی دانشگاه تبریز و بیش از 20 دانشجوی دانشگاه آزاد مشهد به کمیته ی انضباطی این دانشگاه ها احضار شده اند.

دانشجویان دانشگاه سمنان در دوران امتحانات خود به کمیته انضباطی فراخوانده شده اند و علت احضارهای آنان فعالیت های این دانشجویان در دوران انتخابات ریاست جمهوری اعلام شده است. هم چنین دانشجویان احضار شده ی دانشگاه آزاد مشهد، همگی عضو انجمن اسلامی دانشگاه هستند. علت احضار این دانشجویان دو تجمع هزار نفری دانشجویان در دانشکده مهندسی این دانشگاه به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان در اعتراض به بازداشت چند عضو این تشکل در درگیری های بعد از انتخابات و اعتراض به انتخابات و تجمع 18 تیر این دانشگاه بود.

احضارهای گسترده دانشجویان دانشگاه تبریز نیز در حالی است که 3 دانشجوی این دانشگاه هفته گذشته با یورش نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

گفتنی است، چند هفته ی پیش، ملاباشی معاون دانشجویی وزارت علوم در حاشیه چهل و پنجمین گردهمایی معاونان دانشجویی و فرهنگی و مدیران کل امور دانشجویی و امور فرهنگی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی در همدان در جمع خبرنگاران اظهار داشته بود که با هر دانشجوی فعال در اعتراض ها به شدت مقابله میشود وی هم چنین

ولایت سرکوب

گفته بود: «این وزارت خانه هم اینک در حال جمع بندی اطلاعات به دست آمده و اعلام نظر در خصوص مسایل دانشجویان خاظمی در تعدادی از دانشگاه های کشور در جریان قبل و بعد از انتخابات است». تنها با گذشته چند هفته از سخنان این مقام وزارت علوم، احضارهای دانشجویان در دانشگاه های مختلف آغاز شده است و هم اکنون دهها دانشجوی دانشگاه های مختلف احضاریه دریافت کرده اند.

اقدامات وزارت علوم دولت احمدی نژاد در صدور احضاریه و صدور احکام سنگین کمیته انضباطی برای دانشجویان در حالی است که در تمام دوران تبلیغات ریاست جمهوری، احمدی نژاد و افراد کابینه اش، طی اظهاراتی کذب و خلاف واقعیت، وجود دانشجویان ستاره دار را انکار کرده و وزارت علوم دوره اصلاحات را مبدع چنین پدیده ای معرفی می کردند.

بازداشت سه دانشجو در تبریز و خوی



گزارشها از ایران حاکی از بازداشت سه دانشجوی دانشگاه تبریز به نامهای احسان نجفی نسب، آیدین خواجهای و فراز زهتاب در روز ۱۸ تیر توسط نیروهای امنیتی است. آقای نجفی نسب در شهر خوی و آقایان خواجهای و زهتاب در شهر تبریز بازداشت شده اند.

به گزارش «خبرنامه امیرکبیر»، با گذشت یک ماه از اعلام نتایج انتخابات، روند گسترده بازداشت دانشجویان، در آستانه ۱۸ تیرماه شدت یافته است و دانشجویان دانشگاههای مختلف بازداشت شده اند.

نقی محمودی، وکیل مدافع فراز زهتاب و احسان نجفی نسب، در مورد بازداشت موکلان خود و همچنین آیدین خواجه‌ای به «رادیو فردا» می‌گوید:

طبق کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب تبریز، اتهام آنها «تشکیل و اداره گروه‌های غیرقانونی با هدف بر هم زدن امنیت کشور» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروه‌های مخالف نظام» است.

هفت تن از دانشجویان دانشگاه تبریز را در این زمینه بازداشت کرده‌اند که وکالت سه نفر از آنها را من به عهده داشتم. اینها در دی ماه سال گذشته در شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز محاکمه و به سه سال حبس محکوم شدند که دو سال آن، حبس تعلیقی بود و یک سال، حبس قطعی. این حکم در دادگاه تجدید نظر مورد تأیید قرار گرفت.

موکلان شما به طور مشخص به چه فعالیت سیاسی اشتغال داشتند و چه گروهی تشکیل داده بودند که متهم به جرایم امنیتی شده‌اند؟

در حقیقت، اینها گروهی تشکیل نداده بودند، بلکه وبلاگی راه‌اندازی کرده بودند و در آن بیشتر مسایل دانشجویی را منعکس می‌کردند و البته به برخی از مسایل سیاسی و اجتماعی روز هم می‌پرداختند.

ولی اینها با گروه‌های مخالف نظام ارتباط نداشتند و هدفشان بر هم زدن امنیت کشور و تشکیل گروه غیرقانونی نبوده است. همچنین اتهامات آنها بر واقعیت و مبانی حقوقی استوار نیست.

هدف این دانشجویان فقط این بوده است که در کنار دروس دانشگاهی، فعالیت دیگری داشته باشند و می‌توان گفت همگی از نخبگان کشور هستند و گناه آنها فقط اندیشیدن است و گناه دیگری ندارند.

نحوه بازداشت این افراد چگونه بوده است؟

متأسفانه نحوه بازداشت این دانشجویان طبق روال عادی نبود. روال عادی این است که ابتدا یک اخطار سه روزه برای افرادی که محکوم شده‌اند و حکم محکومیت آنها قطعی و لازم‌الاجرا است، ارسال می‌کنند و در اخطاریه ذکر می‌کنند که ظرف سه روز خودشان را به اجرای احکام معرفی کنند و در صورت عدم معرفی بازداشت می‌شوند.

البته سیستم دیگری هم برای احضار وجود دارد که احضار از طرف وثیقه‌گذار صورت می‌گیرد. ولی در مورد این دانشجویان، روال اینگونه طی نشد.

آقای زهتاب بعد از جلسه امتحان دانشگاه و در محوطه دانشگاه بازداشت و به زندان منتقل شده و آقای نجفی‌نسب هم که در شهرستان خوی مقیم است به شکل غیرمعمول بازداشت شده است. این بازداشت‌ها فاقد مبنای حقوقی و حتی مبنای اخلاقی است.

در مورد پرونده این سه دانشجو چه اقداماتی انجام شده است؟

لازم نیست اقدام خاصی انجام گیرد، چون اینها بعد از قطعی شدن حکم دادگاه برای اجرای حکم به زندان فرستاده شده‌اند، ولی نحوه بازداشت آنها درست نبوده و از نظر قانون آیین دادرسی کیفری دچار خدشه است

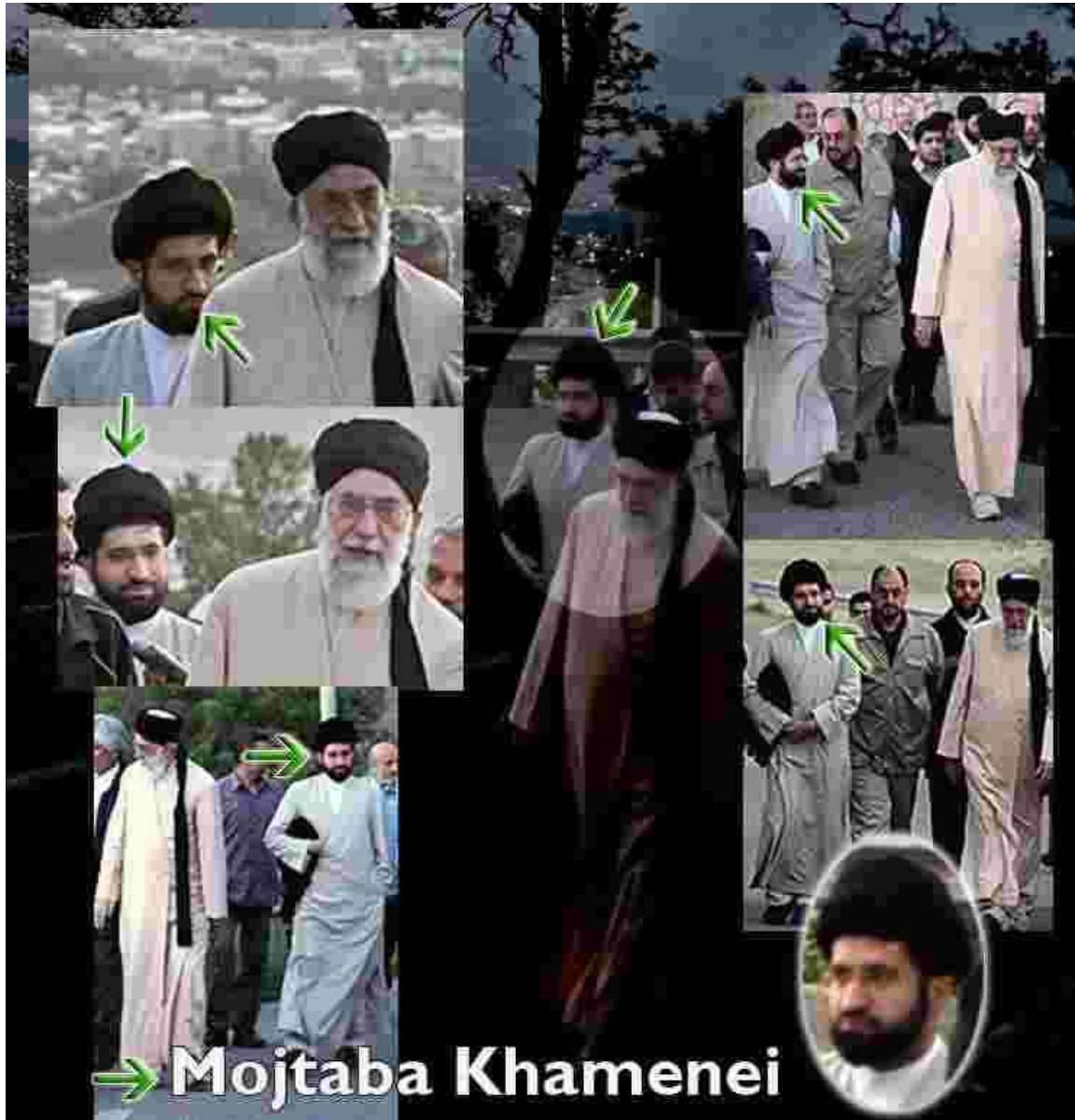
اعدام یک زن در زندان قزوین

فعالان حقوق‌بشر در ایران

زنی که چهار سال پیش در یک نزاع به‌طو غیر عمد پدر شوهر خویش را به قتل رسانده بود، بامداد روز سه شنبه‌ی هفته‌ی گذشته در محوطه‌ی بند نسوان زندان قزوین اعدام شد. خبرگزاری هرانا:

نام‌برده از چهار سال پیش به اتهام قتل عمد در زندان به‌سر می‌برد ولی با توجه به فقر مالی و نبود وکیل نتوانست ادعای خویش مبنی بر غیر عمد بودن این قتل را اثبات کند، بنابراین از سوی دادگاه به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم شد و با توجه به عدم رضایت خانواده‌ی مقتول حکم وی بامداد روز سه شنبه به اجرا درآمد.

همه ملت شعار دادن : مجتبی بمیری , رهبری رو نبینی



این گفتیم شما هم بالاخره با مجتبی خامنه ای آشنا بشید , حداقل شعار علیه کسی میدین , بدونید قیافه اش چه شکلی هست. این آخرین عکسهایی هست که از مجتبی خامنه ای در دنیای وب درج شده .

این فرد قاتل نداست



روز یکشنبه تصویر کارت یک بسیجی در اینترنت منتشر و ادعا شد که تصویر کارت بسیجی کسی است که ندا آقاسلطان را به قتل رسانده و مردم کارت او را در همان زمان به دست آورده اند.

در همین ارتباط دکتر آرش حجازی، پزشکی که در آخرین لحظات مرگ ندا بالای سر او بوده و پیشتر گفته است، که قاتل را دیده، در وبلاگ شخصی خود یادداشتی منتشر کرده و تایید کرده است که عکس مذکور با آن چه او از قاتل ندا دیده است، تطابق دارد. این یادداشت را در زیر می خوانید:

امروز تصویر دو کارت در اینترنت منتشر شد که به ضارب ندا آقاسلطان نسبت داده شده است.

ولایت سرکوب

در اینجا تایید می‌کنم که تصویر فردی که در این کارت قرار دارد، کاملاً با مشخصاتی که من از فردی در ذهن دارم که مردم دقایقی بعد از مضروب شدن ندا گرفتند، و فریاد می‌زد: "نمی‌خواستم بکشمش"، تطبیق می‌کند. البته در آن روز ریشش را زده بود، ولی سبیلش را داشت.

اما برای اینکه صد در صد مطمئن بشویم و احیاناً فرد بی‌گناهی در مظان اتهام قرار نگیرد، لازم است نشانه دیگری را هم روی این فرد بررسی کنیم.

از آنجا که مردم بعد از اینکه ضارب را گرفتند، پیراهنش را از تنش بیرون آوردند، بر پشت ضارب چند داغ زخم قدیمی دیدم. این داغ‌ها شبیه جای زخمی بود که در اثر برش با شیء تیز ایجاد می‌شود.

لطفاً توجه بفرمایید. من فقط صاحب عکس را شناسایی کرده‌ام. مشخصات فردی او را نمی‌توانم تایید کنم. ضمناً احتمال خطاهای فردی را ندیده نگیرید.

امیدوارم این اطلاعات به اجرای قانونی عدالت کمک کند و همین‌جا هم وطنانم را به پرهیز از هرگونه خشونتی دعوت می‌کنم. این اطلاعات به قدری هست که به دستگیر کردن این فرد کمک کند. مابقی‌اش را اجازه بدهید قانون ادامه بدهد. این فرد حق دارد از امتیاز داشتن وکیل برخوردار باشد و از خودش دفاع کند. مردم اگر قانون را در دست خودشان بگیرند، تر و خشک با هم می‌سوزند.

باز هم تأکید می‌کنم، مبادا بگذارید خشم، شرافتتان را لکه دار کند.

به امید روزهای بهتر

آرش حجازی

وکیل مضروب آلمانی يك هفته در انفرادي اوین

آندراس موزر وکیل و سیاستمدار آلمانی يك هفته در سلول انفرادي اوین زنداني بود. او از پشت دیوارهاي بلند اوین گزارش می‌دهد

يك وکیل آلمانی که در تظاهرات بهارستان مجروح شده و ۷ روز در اوین زنداني بوده است، خاطرات خود را در اختیار اشپیگل آنلاین قرار داد. در این خاطرات، صحنه‌هایی از سرکوب خیابانی و سردرگمی خانواده‌های دستگیرشدگان ترسیم شده است.

وکیل آلمانی که خاطرات خود را از تظاهرات مردم، سرکوب نیروهای ویژه و بی‌خوابی و فشار در سلول انفرادي اوین منتشر کرده، "آندراس موزر" نام دارد. برپایه‌ی گزارش اشپیگل آنلاین، موزر، که در عین حال از سیاستمداران حزب سوسیال دموکرات نیز هست، در سال‌های گذشته به دلیل علاقه‌ی شخصی، به بیشتر مناطق بحرانی جهان مثل سوریه، لبنان، فلسطین و اسرائیل سفر کرده است.

آندراس موزر، مدتی پیش به صورت تصادفی در قطار با محمد مصطفائی، وکیل ایرانی که برای گذراندن تعطیلات به آلمان آمده بود آشنا شد. وی که قبلاً نیز یکبار به ایران سفر کرده بود، پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و نخستین تظاهرات اعتراضی عظیم مردم

ولایت سرکوب

علاقمند شد که به ایران برود و شاهد عینی ماجراهائی باشد که از شبکه‌های تلویزیونی می‌دید. موزر روز ۲۲ ژوئن (اول تیر) به تهران پرواز کرد. دوستانش قول دادند که اگر ظرف ۴۸ ساعت خبری از او نشنیدند، موضوع را با سفارت آلمان در تهران در میان بگذارند.

وکیل آلمانی، در فرودگاه بین‌المللی تهران موفق به دریافت سه هفته ویزای توریستی شد. او خبرها را دنبال می‌کرد و شاهد تبی بود که زیر پوست شهر جریان داشت. روز سوم تیر، موزر هتل خود را در خیابان سعدی به قصد گردش در شهر ترک کرد و از قضا به میدان بهارستان رسید که محل تظاهرات گروهی از مردم و حمله پلیس بود. وکیل آلمانی، در آنجا مورد هجوم نیروهای ویژه قرار گرفت و پس از دریافت ضربات متعدد باتوم، توانست فرار کند و خود را به هتل برساند. موزر، هنگامی که نیروهای ویژه او را زیر ضربه باتوم گرفته بودند، دائماً به انگلیسی فریاد می‌زد که توریست است. اما ماموران اعتنایی نمی‌کردند.

وکیل آلمانی در خاطرات خود می‌نویسد: «هنگامی که من در قطار با محمد مصطفائی وکیل ایرانی آشنا شدم، او از من خواست که هر وقت به تهران سفر کردم، به او تلفن بزنم. یک روز بعد از کتک خوردن در بهارستان، به او تلفن زدم و برای شب با او قرار گذاشتم. مصطفائی با اتومبیل مرسدس خود که همسر و دختر ۶ ساله اش روی صندلی عقب آن نشسته بودند، به هتلی که من در آن بودم آمد تا برای شام به جایی برویم. اما چند لحظه بعد، دو خودروی صحرائی راه را بر ما بستند، مردانی از آن پیاده شدند، ما را از اتومبیل مصطفائی بیرون کشیدند، مرا به یکی از ماشین‌ها بردند و بین مردی با سر و صورت خونین و مرد خشن دیگری با کت و شلوار تیره نشاندد. بعد، یکی از ماموران تلفن همراه مرا گرفت و کارت و باطری آن را بیرون کشید.

وکیل آلمانی در خاطرات خود شرح می‌دهد که چگونه بر او چشم‌بند زدند، او را به اوین بردند، چند مرحله در حالی که باید صورتش را به دیوار می‌چسباند از او بازجویی کردند و او را برای یک هفته در سلولی حدود ۴ متر مربع انداختند که دو لامپ سقفی آن شبانه‌روز روشن بود.

ولایت سرکوب

وکیل آلمانی پس از شرح بازجویی‌ها توضیح می‌دهد که بازجویان باور نمی‌کردند او با همکار ایرانی خود به صورت تصادفی آشنا شده، بلکه می‌خواستند او اعتراف کند که در توطئه‌ای دست داشته است. ساعت یک نیمه شب بیست و هشتم ژوئن، سرانجام مردی که خود را قاضی معرفی می‌کند، در سلول به سراغ وی می‌رود و از او می‌خواهد بنویسد که پدر و مادرش چه شغلی دارند، خواهرش در کجا زندگی می‌کند و به کدام کشورها سفر کرده است. پس از این بازجویی‌ها، مترجم توضیح می‌دهد که قاضی معتقد است دلیلی برای بازداشت وی وجود نداشته و شاید آزاد شود.»

روز بعد، آندراس موزر باز به ساختمان دیگری منتقل می‌شود و مردی که حدود ۳۵ ساله به نظر می‌رسد، به او می‌گوید: «ببخشید که اینقدر طول کشید تا ما کشف کنیم که همه چیز فقط یک سوءتفاهم بوده. هم‌هی اطلاعات شما پاک شده و در آینده مشکلی با ویزا نخواهید داشت. مردم ایران و آلمان مناسباتی تاریخی دارند. بالاخره همه ما آریایی هستیم!»

در آخرین شب بازداشت، مرد ۴۰ ساله‌ای را که ۲ متر قد او است و ریش و موی پریشانی دارد، به سلول وکیل آلمانی می‌فرستند. این مرد می‌گوید که ۱۵ سال است در اینجا زندانی است و فردا قرار است آزاد شود. او از وکیل آلمانی می‌پرسد که آیا می‌تواند وقتی آزاد شد کاری برایش انجام بدهد؟ آندراس موزر از او می‌خواهد که نامش را به خاطر بسپارد و به سفارت آلمان در تهران اطلاع بدهد.

اما روز بعد، وکیل آلمانی نیز آزاد می‌شود. او در پایان می‌نویسد: «وقتی زندان را ترک کردم، با انبوه زنان و مردانی روبرو شدم که بعضی از آن‌ها خودشان را در یک پتو پیچیده بودند. هر یک از آن‌ها نامی را بر زبان می‌آورد و می‌پرسید که آیا صاحب آن نام را دیده‌ام؟ آیا او را کشته‌اند؟ یا هنوز زنده است.»

آندراس موزر، غروب روز ۳۰ ژوئن آزاد می‌شود، روز بعد به سفارت آلمان در تهران می‌رود و در همان روز به آلمان پرواز می‌کند.

ادامه بازداشت بازاریان در مهاباد

آژانس خبری موکریان

سرویس حقوق بشر:

به دنبال بازداشت تعدادی از شهروندان مهابادی در روزهای اخیر ، براساس اخبار رسیده به آژانس خبری موکریان ، روز گذشته نیز چند تن دیگر از بازاریان این شهر بازداشت شدند.

عبدالرحمن سیدی ، کریم منده ، شم ، باقی خاتمی ، ایازی ، عثمان گلاوی و خدر جوانبخش از جمله این بازداشت شدگان می باشند.

گفته می شود برخورد با این افراد که اکثراً بازاری هستند ، در پی تعطیلی مغازه ها و بازار مهاباد در 22 تیر ماه، صورت گرفته است.

لیبراسیون: بسیجی ها برای کشتن تربیت شده اند

ماریو گرانی، روزنامه لیبراسیون فرانسه

برگردان از سوسن دادرس

تهران، دو کشته دیگر بر فهرست بلند کشتگان افزوده شد. سرکوب ها تازه آغاز شده است. مرشاد آموزگار جوان دبستان می گوید: «چه خبر است، این ها دستور کشتن گرفته اند!» روز 18 تیر، ده ها هزار تهرانی تصمیم می گیرند ممنوعیت تظاهرات را بشکنند، دهمین سالگرد کشتار دانشجویان در خوابگاه هایشان است. «بسیجی ها در پی دستگیر کردن هر چه بیشتر مردم می باشند».

فیروزه مهندس جوان کامپیوتر از تظاهرات بر گشته و آشفته است، در خانه اش را از داخل قفل می کند. یک گروه بسیجی با موتور به خیابان سرازیر می شوند، هیجان زده اند و باتوم به دست «به شکار تظاهر کنندگان» می پردازند.

وحشت و ترور در چشمه‌هایشان دیده می شود، شبکه تلفن های دستی قطع می شود.

ولایت سرکوب

یروزه نفسی تازه کرد، و به اخبار رسمی دولتی که درباره شرکت اندک مردم در تظاهرات پخش می شود اعتراض می کند.

« میدان انقلاب غلغله بود، فردوسی هم همینطور، خیابان های منشعب به میدان پر شده بودند. وقتی این ها حمله به مردم را آغاز کردند، ما به سوی شمال خیابان ولی عصر رفتیم، اتومبیل ها با بستن راه ها و بوق زدن، ما را در فرار کمک می کردند. بسیجی ها برف پاک کن اتومبیل های آنان را شکستند و به رانندگان حمله کردند.»

بسیجی ها زنگ درها را می زنند و به درها می کوبند. فیروزه به همه گفت که از پنجره ها دور شوند « خطرناک است» هنگام تظاهرات بسیجی ها عادت کرده اند به سمت پنجره ساختمان ها تیراندازی کنند تا مردم را بترسانند، که کسی شاهد کارهایشان نباشد! « این ها برای کشتن تربیت شده اند، آنان به قدرت و مزایای خودشان تا آخرین نفس چسبیده اند. با این ترتیب است که رژیم سرپا مانده، رژیم ده در صد مردم را روبروی بقیه گذاشته است. پول نفت هم در اختیار آنان است، و نیاز هایشان را برآورده می کند.»

بسیجی ها دوباره به جان مردم افتاده اند، از پشت دوربین آیفون دیده می شوند که در دسته های ده نفری بالا و پایین می روند. فاطمه مثل ریگ فحش می دهد « همه را می زنند: جوانان، زنان، پیران، همینطوری مردم را دستگیر می کنند و سپس مدرک سازی و با شکنجه وادار به اعتراف می کنند»، روزنامه های دولتی هم سخنگوی این ها هستند و می گویند « تحریک شده از خارج» بوسیله « دشمنان جمهوری اسلامی».

علی در زمینه کامپیوترکار می کند او معتقد است که "کلوتید رایس" دختر جوان فرانسوی، احتمالاً ساده بوده و به سئوالاتی پاسخ داده که فکر می کرده مهم نیستند. « اگر سازمان های اطلاعاتی رژیم ابزار تکنیکی دارند، ولی هوش و مهارت آن را ندارند که بجز مخالفان شناسایی شده، به تلفن های دیگران گوش فرا دهند، پس همه شبکه تلفنی را قطع می کنند. این دهاتی ها را دست کم نگیرید! اینجا مانند قرون وسطی است، عقب ماندگی کامل، قضاوت یکسویه، رژیم به مردم فشار می آورد، فشار بر زندگی مردم بر اساس تهدید هایی است که رژیم احساس می کند، مثل امروز که احساس می کند وضعیت انفجاری است.»

ولایت سرکوب

لیلا پنجاه و هشت سال دارد، او مخالفتش را در خیابان ها نشان نمی دهد: « نمی دانم چطور شد که روز 15 ژوئن از خانه خارج شدم، خیلی ترس داشتم». شب از ساعت ده شب به بعد بالای پشت بام میرود و با همسایگانش فریاد «الله و اکبر» سر می دهد. مانند زمان انقلاب سال 57، که باعث رفتن شاه شد.

دخترش صبا، خود را آماده مهاجرت به آمریکا می کند «پیش بینی شده که در ماه سپتامبر به دانشگاهی در میشیگان برود» روسری اش مرتباً به روی شانه هایش می افتد: می ترسم بلایی سر کشور بیاید، ولی فکر می کنم برای من خوب است، نمی توانم اینجا بمانم». از انتخابات 12 ژوئن تاکنون، مانند این ها زیاد شده اند، می گوید پناهنده شدن به خارج ریسک این را دارد که نتواند به کشورش باز گردد.

صلاح 28 سال دارد، او همه پس اندازش را در یک مغازه فرش فروشی سرمایه گذاری کرده است. کمبود گردشگران و عدم صادرات، باعث کساد کاسبی او شده است «مشکل این نیست که حق ندارند با شورت کوتاه در خیابان قدم بزنند، یا بطور آزادانه روی اینترنت گردش کنند، تنها خواست این است که مسئولین چاره ای بیاندیشند، تا ما بتوانیم برای زندگی آینده مان برنامه ریزی کنیم. این ها همه چیز را به ما تحمیل می کنند، چه باید بکنیم، چه باید نکنیم! بیش از هر چیز در حال خفه شدن هستیم! اگر من مغازه ام را ببندم چه باید بکنم؟ مواد مخدر بفروشم؟»

ظاهر 19 سال دارد هنوز به آن درجه از فهم سیاسی نرسیده است، او دوست دارد با «دوست دخترش» دست در دست، در خیابان ها آزادانه قدم بزند، بی آنکه هراسی از سوی گشت ارشاد داشته باشد. «دوست دخترم یکروز در دبیرستان برای پوشیدن جوراب سفید درد سر پیدا کرد» رژیم سرکوبگر است، و ظاهر شادی های ظاهری را هم نمی پسندد. امین بهترین دوستش تحمل او را ندارد. ترامادول مصرف می کند، یک داروی مسکن قوی که فروش آن آزاد است. چهار تا چهار تا، کپسول های 400 میلی گرمی را می بلعد، که خطرناک است. شب است در میدان تجریش شمال شهر، بسیجی ها پست بازرسی بر پا کرده اند، اتومبیل ها به آرامی می گذرند، و سرنشینان روی خود را بر می گردانند که چشمشان با بسیجی ها تلاقی نکند.

ولایت سرکوب

احمد نزدیک به شصت سال دارد مانند همه نگران است» از این پس هیچ چیز مانند گذشته نخواهد بود. ایرانیان تاکنون بسیار خود خواه بودند، ولی پس از این انتخابات بهم نزدیک شده اند و همبستگی بیشتری احساس می کنند، مشکلات میان مردم تقسیم شده است، اگر کسی بتواند این جریان را سازماندهی کند، ملاها سقوط می کنند». میرحسین موسوی، کاندیدای بد شانس، کوشش می کند پس از این بحران یک تشکیلات تازه سیاسی بر پا کند.

صبا می گوید « ما دیگر اشتباه نخواهیم کرد که به یک نفر چشم بسته اعتماد کنیم. کاری که والدین ما در سال 1979، در باره خمینی انجام دادند». مرشاد می گوید « همه چیز به آن بستگی دارد که، موسوی چه اندازه با آیت الله ها فاصله بگیرد».

جمهوری اسلامی اعتبارش را در نزد همگان از دست داده است. هنگام انتخابات مبارزه ی قدرت، جاه طلبی های شخصی و انتقامجویی اعضای شورا، که پس از مرگ خمینی در سال 1989 دنبال می شد، در یک روز به انفجاری بزرگ تبدیل شد». احمد، سخنانش را بی پرده می گوید «رفسنجانی برای موسوی یک منبع مالی بیشتر نیست. این شخص به چیزی جز سود خود و خانواده اش فکر نمی کند. یک پسرش در رأس شرکت نفت، و پسر دیگرش مدیر عامل متروی تهران است. او از این امتیازات نمی تواند به سادگی چشم بپوشد».

ظاهراً در تهران نظم برقرار شده است، چهار راه های بزرگ و نقاط استراتژیکی شهر، در کنترل پلیس و بسیج است. نیرو های انتظامی کنترل خیابان ها را در اختیار دارند. سردمداران جمهوری اسلامی، خارجی ها را سر جایشان نشانده اند، سفارت بریتانیا بسته شده است، برای اینکه فرانسوی ها هم رعایت کنند، یک گروگان 23 ساله فرانسوی از آغاز ماه ژوئیه در زندان اوین به سر می برد.

فیروزه آرام می شود: « بدترین چیزی که بتواند بر سرمان بیاید، فراموشی است».

نیما نحوی دانشجوی بابل کماکان در بازداشت بسر می برد

نیما نحوی از بازداشت شدگان دانشگاه بابل و وابسته به طیف چپ است که در ناآرامی ها و تجمعات اخیر کشور در دانشگاه بابل بازداشت شد و علیرغم آزادی تمام دستگیرشدگان این دانشگاه کماکان در بازداشت به سر می برد.

براساس گفته های پدر نیما 10 اتهام بر وی وارد شده است که از آن جمله عامل صیہونیست در ایران و ارتباط با مجاهدین است که با توجه به وابستگی وی به طیف چپ ساختگی و جعلی بودن اتهامات واضح است. نکته قابل تامل چاپ بولنتی در دانشگاه امام حسین و وابسته به سپاه در هفته گذشته است که در آن خبر از دستگیری دانشجویان دانشگاه بابل به اتهام بمب گذاری در داخل دانشگاه داد.

ولایت سرکوب

این نوع پرونده سازی به شیوه سریالی نشان از آن دارد که این دانشجویان بدون هیچ اتهامی و تنها به دلیل اعتراضات مدنی انجام شده دستگیر و اتهامات وارد شده بر آنها برای باز گذاشتن دست قاضی در صادر کردن رای و تنویر افکار عمومی است. کمیته گزارشگران حقوق بشر ضمن محکوم کردن این نوع اتهام زنی ها خواستار آزادی بی قید و شرط این دانشجویان و تمام دستگیرشدگان اخیر است. کمیته گزارشگران حقوق بشر

خبرهایی از وضعیت بازداشت شدگان اخیر در اوین

طبق اظهار نظر خانواده های بازداشتی و اسامی منعکس شده بر در زندان ، در نماز جمعه هفته گذشته 40 نفر بازداشت شده اند که اسامی آنها در پشت در زندان اوین نیز هست . خانواده ها که برای پیگیری وضعیت بازداشت شده خود آمده بودند اعتراض داشتند که آیا شرکت در نماز جمعه جرم است.

به آنها هیچ گونه پاسخی داده نشد. به گفته مادر یکی از بازداشتی های روز جمعه در جواب اعتراض وی به او گفته اند که پسرش عکس موسوی را به همراه داشته و همین جرم او را سنگین کرده است.

نیمه شب جمعه پس از بازداشت برخی از نمازگزاران عده ای شبانه در خانه های شان دستگیر شدند. آنها بازداشتی های هفته اول پس از انتخابات بودند که با وثیقه آزاد شده بودند اما بنا به گفته معاون امنیت برای تکمیل پرونده و بازبینی آن دوباره بازداشت شده اند. یکی از خانواده ها تعریف می کرد که ساعت 12 شب به خانه آنها آمدند با حکم

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

بازداشت پسر 18 ساله اش که تنها چند روزی با گذاشتن وثیقه ای به مبلغ 250 میلیون تومان آزاد شده بود. به آنها گفته بودند که حکم بازداشت 200 نفر از افرادی که قبلاً با وثیقه و یا کفالت آزاد شده اند را دارند.

به گفته برخی از بازداشتی های اخیر که با خانواده خود در تماس بودند 50 نفر را در نیمه شب جمعه به این طریق بازداشت کرده اند. این مساله بسیاری از خانواده که برای پیگیری وضعیت فرزندان شان به دادگاه انقلاب آمده بودند را نگران ساخت چرا که نمی دانستند در صورت آزادی فرزندان شان وضعیت آنها چگونه خواهد بود. یکی از خانواده ها اظهار می داشت که معاون امنیت به وی متذکر شده که فرزند تو در جای امن تری است چرا که بسیاری از افراد دوباره بازداشت شده اند.

برخی از این خانواده ها عنوان داشتند که فرزندان شان بار اولی که دستگیر شده بودند در کلانتری زمانی که هنوز به اوین منتقل نشده بودند مورد ضرب و شتم بسیاری قرار گرفته اند. مادر یکی از دستگیرشدگان می گفت که فرزند 20 ساله اش در کلانتری یوسف آباد پیش از انتقال به اوین به مدت 11 ساعت پیاپی مورد ضرب و شتم قرار داشته مادر دیگری از ضرب و شتم فرزند 28 ساله خود و شکستن انگشتان دستش می گفت.

به گفته برخی از خانواده های بازداشتی های روز 23 و 24 خرداد حدود 300 نفر از بازداشتی های این دو روز هم چنان در زندان اوین هستند و با توجه به اتمام بازجویی های آنها معلوم نیست که ادامه بازداشت شان به چه دلیل است.

مادر یکی از بازداشتی ها عنوان کرد که در این مدت 40 روز تنها یک بار توانسته با فرزند خود مکالمه تلفنی داشته باشد و معاون امنیت از پذیرش وی و پاسخگویی در رابطه با فرزند او امتناع می کند.

برخی از بازداشت شدگان در ارتباط با تجمع دانشجویان ستاره دار پیش از انتخابات دستگیر شده اند. آنها در 209 هستند و از وضعیت شان خبر چندانی در دست نیست. به گفته همسر یکی از بازداشتی های مذکور نیروهای امنیتی پس از انتخابات به خانه یکی از آنها آمده و حدود 8 نفر را دستگیر کرده اند. وی که ساکن تهران نیست عنوان داشت که تنها یک بار همسرش تماس برقرار کرده و عنوان داشته که در بند 209 بازداشت است. او از

دشواری پیگیری وضعیت همسرش با توجه به دوری راه می گفت و با وجود اخبار نگران کننده از وضعیت بازداشتی ها و خبرهای ناگوار از جان باختگان اخیر از وضعیت همسر خود به شدت نگران بود و معتقد است که اگر همسرش سالم است چرا هیچ گونه تماسی ندارد.

ضرب و شتم معترضان توسط نیروهای ضد شورش در میدان هفت تیر تهران

نیروهای ضد شورش همراه با لباس شخصی ها روز سه شنبه با ضرب و شتم صدها معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در خیابان های مرکزی تهران، تلاش کردند مانع برگزاری تظاهرات آرام آنها شوند. یک شاهد عینی به رادیو فردا گفت: کسانی که برای تجمع به میدان هفت تیر آمده بودند بیش از چند هزار نفر بودند، ولی نیروهای امنیتی آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده اند.

این شاهد عینی از حضور چشم گیر نیروهای ضد شورش و لباس شخصی ها در میدان هفت تیر و خیابان های اطراف خبر داده و گفت این نیروهای اجازه نمی دادند که هیچ گونه جمعی شکل بگیرد و به شدت مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

بنا بر دیگر گزارش های دریافتی، در محدوده میدان هفت تیر و خیابان کریمخان بین نیروهای ضد شورش و معترضان درگیری هایی رخ داده است.

این در حالی است که رویترز، گزارش داده است تظاهرات کنندگان شعار هایی مانند؛ «احمدی نژاد استعفاء، استعفاء» و «مرگ بر دیکتاتور» سر می دادند.

شاهدان عینی از بازداشت دهها نفر در روز سه شنبه در میدان هفت تیر خبر داده اند. در همین زمینه، یکی از اعضای جبهه ملی ایران به رادیو فردا گفته است: نیروهای امنیتی تعدادی از اعضای جبهه ملی ایران را نیز در میدان هفت تیر بازداشت کرده اند. به گفته این فعال سیاسی حسین عزت زاده و اصغر فنی پور اعضای شورای مرکزی، حسین مجتهدی، علی قادری، حمید مجتبایی، حسین ریاحی، و آقای کمیلیان از اعضای جبهه ملی روز سه شنبه در میدان هفت تیر بازداشت شدند.

این عضو جبهه ملی تصریح می کند: حداقل بیست نفر دیگر از مردم نیز دستگیر شدند اما چون تجمع به خیابان های اطراف کشیده شد احتمالاً افراد دیگری نیز در این خیابان ها بازداشت شده اند.

این نخستین تجمع اعتراضی پس از نماز جمعه به امامت اکبر هاشمی رفسنجانی است. در ۲۶ تیرماه نیز پس از پایان نماز جمعه دهها هزار نفر در خیابان های تهران دست به راهپیمایی اعتراضی زدند و نیروهای ضد شورش با ضرب و شتم و گاز اشک آور کوشید تا معترضان را متفرق کند.

تجمع روز سه شنبه به مناسبت گرامیداشت ۳۰ تیر ۱۳۳۱ برگزار شده است. جبهه ملی ایران دعوت کرده بود به مناسبت این روز پس از تجمع در میدان هفت تیر، با اتوبوس به قبرستان کشته شدگان تحولات ملی شدن نفت در این بابو

هدیه مویدی، دختر نوزده‌ای ساله‌ای بود که در چهارده‌سالگی مرد!

دختر نوزده ساله مرد؛ اما نه بهتر است بگوییم دختر نوزده ساله در چهارده‌سالگی مرده بود! همین هفته پیش بود که بدن سرد و بی‌روح هدیه مویدی؛ نوجوان متولد دوازدهم تیرماه 1369 را به خانواده‌اش تحویل دادند. از چند روز قبل دخترک روی یکی از تخت‌های بیمارستان لقمان الدوله تهران افتاده بود. هدیه در کما بود و برای همین هم به نظر می‌رسید راحت خوابیده است. راحت و آسوده؛ نه مثل چهار پنج سال گذشته با هول و هراس زندان. این بار هدیه آسوده خوابیده بود، آنقدر آسوده که دیگر دلش نخواست بیدار شود.

ولایت سرکوب

آوردندش به بیمارستان و قرص‌های خطرناکی را که توی معده و شکمش شناور بود بیرون کشیدند اما هدیه هنوز در خواب شیرین و آرام کما باقی مانده بود، روی یکی از تخت‌های لقمان‌الدوله باقی ماند و به خوابش ادامه داد تا ظهر جمعه که خوابش ابدی شد و خانواده‌اش که در تمام این سال‌ها دل‌نگران، افسرده، خسته و ناامید نشان‌های دختر نوجوانشان را در زندان‌های بزرگسالان جست و جو می‌کردند، با داغ‌های دلشان به عزا نشستند. گفتند دختر نوجوانتان در زندان خودکشی کرده، گفتند قرص خورده، قرص پایان، قرص آخر خط. قرص‌ها توی تن دخترشان بود و کار خودش را می‌کرد با این حال هم بندی‌های او می‌گفتند هدیه خودکشی نکرده و این چند نفر از زندانی‌های شرور بودند که به او قرص خورانده‌اند. اما چه فرق می‌کند؟

چه هدیه خودکشی کرده باشد و چه کشته شده باشد، او خیلی وقت پیش مرده بود؛ همان زمانی که قاضی دادگاه ارشاد و نه قاضی دادرایی اطفال برای زندگی و آینده‌اش حکم صادر کرد، همان زمانی که حکمش رفتن به زندان اوین شد نه کانون اصلاح و تربیت و همان روزی - اولین روزی - که دختر 14 ساله پا در زندان بزرگسالان اوین گذاشت و رفت تا یکی از مجرمان بند عمومی یکی از بزرگترین زندان‌های کشور باشد. هدیه خیلی پیش از این مرده بود؛ ساعت یک بعدازظهر جمعه دخترک تنها خلاص شد.

بی‌عدالتی در عدالتخانه

در آغاز دهه هفتاد هدیه تنها دو سال داشت که مادر و پدرش از یکدیگر جدا شدند. زن و مرد از هم جدا شدند و دخترک شد سهم پدر. دخترک اما قرار نبود همیشه دوساله باقی بماند، کم کم هدیه هم بزرگ شد و دوران سرکشی و نوجوانی‌اش همراه شد با اختلافات پی‌در پی با زنی که حالا همسر پدرش شده بود. اختلاف‌ها کار خودشان را کردند و هدیه یک روز برای همیشه از خانه رفت. دختر نوجوان به یکی از دوستانش پناه برد و مدتی پیش او ماند. هدیه جای دیگری نداشت، کس دیگری را نمی‌شناخت، کار و سرمایه و پشتیبانی نداشت.

هدیه فقط هدیه بود؛ یک نوجوان عاصی دور از مادر که حالا هر روز حلقه دوستان اطرافش گسترده‌تر می‌شد. پس از مدتی هدیه با دوستش توافق کردند که در خانه استیجاری

ولایت سرکوب

در کنار هم زندگی کنند. تیرماه سال 1383 هدیه و دوست همخانه‌اش به خانه یکی دیگر از دوستان رفتند. اما شخصی به نام علی از صاحب‌خانه شکایت کرده بود پس ماموران کلانتری هم مهمان بعدازظهر نوجوانانه جمع دوستان شدند. هدیه و دوستش به همراه صاحب‌خانه که مقداری اسکناس مجعول، مشروب و ماهواره هم در خانه‌اش کشف شده بود، دستگیر شدند. با تشکیل پرونده، متهمان با دستور رئیس کلانتری راهی داسرای ویژه ارشاد شدند و هدیه منکر تمام اتهامات منتسبه شد. با این وجود با صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست برای او به جای آنکه بازپرس شعبه، پرونده را برای رسیدگی به داسرای اطفال ارجاع دهد تا اگر اتهامی منتسب به او بود به کانون اصلاح و تربیت اعزام شود؛ پرونده را برای رسیدگی و صدور حکم به شعبه 1089 دادگاه عمومی تهران مستقر در داسرای ویژه ارشاد فرستاد و هدیه را هم - دختر 14 ساله را هم - به زندان اوین معرفی کرد.

این قصه عجیب اما واقعی قصه‌ای است که زندگی هدیه را دگرگون کرد. بدن جوان بی‌گناهی که امروز چند روزی است زیر خاک داغ تابستان خوابیده است، تنها با یک تغییر کوچک در پرونده‌اش، با تفسیری موسع‌تر از قانون و با کمی اراده برای تحقق عدالت می‌توانست، امروز زنده باشد و هنوز هوای آلوده این شهر را نفس بکشد. محمد مصطفایی، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر که پس از زندانی شدن هدیه وکالت او را می‌پذیرد در گفت و گو با اعتماد ملی و در تحلیل رویه قضایی‌ای که شامل حال موکل او شده است می‌گوید:

« هدیه مویدی 14 ساله بود که مرتکب جرم شد اما به جای اینکه برابر با تمام قوانین بین‌المللی و حتی قانون اساسی خود جمهوری اسلامی ایران او را مثل تمام مجرمان زیر 18 سال به کانون اصلاح و تربیت بفرستند به زندان بزرگسالان اوین فرستادند. به جای اینکه پرونده این نوجوان در داسرای ویژه اطفال بررسی شود، در اقدامی حیرت‌آور و خلاف قانون پرونده او را در داسرای ارشاد رسیدگی کردند که همه می‌دانیم از جمله داسراهای بسیار بسته‌ای است که کمتر وکیل می‌پذیرد و نظارت لازم و کافی بر روی آن اعمال نمی‌شود و متأسفانه تمام کسانی را که در طرح‌های موسوم به امنیت اجتماعی

بازداشت می‌کنند و برایشان پرونده تشکیل می‌دهند به همین دادرها می‌برند و چندان هم روشن نیست که چه سرنوشتی برای آنها رقم خواهد خورد.»

مصطفایی با اشاره به اینکه در طول چهار سال گذشته و به دنبال فعالیت گشت‌های ارشاد در شهرها متهمان زیادی - بخصوص زنان - از همین مجرا به دادرهای ارشاد رفته‌اند که می‌توانند سرنوشتی مانند هدیه داشته باشند، ادامه می‌دهد: «اگر شما به این دادرها مراجعه کنید همواره جمعیت نگرانی از خانواده‌ها را می‌بینید که در مقابل در آن تجمع کرده‌اند و می‌خواهند تکلیف فرزندان خود را بدانند و همه با مشکلات زیادی در پیگیری پرونده‌ای خود رو به رو هستند.»

حکم غیرقانونی قابلیت پیگرد دارد

فرستادن هدیه به زندان اوین بر مشکلات او افزود. دستگاه قضایی به جای آنکه بر اساس فلسفه مجازات بر فرض انتساب اتهام یا جرمی به متهم، محل مناسبی را برای تنبیه و تربیت او در نظر بگیرد زندان اوین را انتخاب می‌کند. این انتخاب دستگاه قضایی و به طور مشخص قاضی پرونده است اما آیا چنین انتخاب و تصمیمی که می‌تواند مسیر زندگی یک دختر نوجوان را به سوی مرگ و نیستی پیش ببرد، قابلیت پیگیری قانونی را ندارد؟ وکیل هدیه معتقد است:

«قانون در ایم زمینه صریح و روشن است و بر اساس قانون حتی اگر پرونده یک نوجوان برای رسیدگی به دادرهای عمومی فرستاده شود، این دادرها باید قرار عدم صلاحیت صادر کند و پرونده را به دادرهای ویژه اطفال ارجاع دهد. اما وقتی که بر خلاف این عمل می‌شود و برای یک دختر زیر 18 سال که طفل محسوب می‌شود در این دادرها حکم صادر می‌شود این حکم اصلاً و بر اساس قانون قابلیت اجرا ندارد و کاملاً غیرقانونی است. برای هدیه هم در دادرهای عمومی کیفرخواست صادر شد و پرونده‌اش به دادگاه ارشاد رفت. این اقدام غیرقانونی و بر خلاف تشریفات رسیدگی آیین دادرسی بوده است و در نتیجه حکمی هم صادر شده غیرقانونی است.»

از نگاه محمد مصطفایی قاضی صادرکننده رای برای هدیه مویدی می‌تواند تحت پیگرد قانونی قرار بگیرد. این وکیل دادگستری می‌پرسد: «علاوه بر امکان پیگرد قانونی که

ولایت سرکوب

اگر خانواده هدیه بخواهند می‌توانند انجام دهند، پرسش‌هایی هم مطرح است؛ اینکه مسئولان این پرونده و رسیدگی‌کنندگان به آن واقعا چه پاسخی برای افکار عمومی دارند؟ آیا واقعا اقدام غیرمسئولانه خود را قانونی و منصفانه می‌دانند؟»

به گفته مصطفایی، موکل نوجوان او هدیه سختی‌های فراوانی را در زندان بزرگسالان تحمل کرده و مجبور بوده با افراد شرور و سابقه‌دار در یک بند زندگی کند. مصطفایی می‌گوید: « فشارهای روحی و روانی به موکل من به حدی بود که طاقت ماندن در زندان را نداشت و روزانه از قرص‌های خواب‌آور و مسکن استفاده می‌کرد تا لحظات پر درد و رنجش احساس نشود و بخوابد. اما حتی به همین حد هم کفایت نشد و پس از مدت کوتاهی هدیه را به زندان رجایی شهر کرج منتقل کردند؛ شما می‌دانید که این زندان محل نگهدار مجرمان سابقه‌دار، محکومان به اعدام، حبس ابد یا حبس‌های طولانی مدت است و اکثر کسانی هم که در این زندان به سر می‌برند به جرم‌های سنگینی مانند قتل یا مواد مخدر زندانی شده‌اند. اما متأسفانه دست عدالت موکل نوجوان من را به این محل مخوف و وحشتناک هدایت کرد و هدیه در زندان رجایی شهر با افرادی به مراتب شرورتر از زندان اوین هم بند بود. از سوی دیگر مواد مخدر در رجایی شهر به وفور در دسترس است و هدیه نوجوان هم کم‌کم برای تسکین دردهای خود به مواد مخدر پناه برد.»

مصطفایی تصریح می‌کند: « زندان‌هایی ما به گونه‌ای است که بزرگسالان قوی و حتی خلافکاران حرفه‌ای طاقت ماندن در آن – آن هم زندانی مثل رجایی شهر را ندارند – چه برسد به این دختر بچه بی‌پناه که هیچ‌کس حتی جامعه و قوه قضاییه پشتیبانش نبود. او در چنین شرایط حق داشت عصبی باشد، حق داشت روانی باشد و حق داشت حتی از مواد مخدر برای تسکین دردهایش استفاده کند و به این ترتیب هر روز بیش از دیروز ویران شود.»

مواردی مانند هدیه در زندان‌های زنان ما بسیارند

اگر هدیه را چنانکه باید و بر اساس قانون به کانون اصلاح و تربیت می‌فرستادند، ممکن بود همه چیز جور دیگری بشود. ممکن بود هدیه هم بشود یکی از هزاران دختر بچه‌ای که به هر دلیل مرتکب جرم شده‌اند و حالا در کانون اصلاح و تربیت و با کمک و همراهی

ولایت سرکوب

مربیان دلسوز و نه زندان بان‌های خشن حرفه می‌آموخت ، مطالعه می‌کرد و راه و رسم زندگی بهتر در جامعه را یاد می‌گرفت. او هم حق داشت ، اگرچه مجرم بود اما دوران بازسازی و بازپروری خود را با دختران نوجوان هم سن و سال خود هم‌اتاق باشد نه اینکه هم‌بند و هم سلول زندانیان خشن بزرگسال جرائم سنگین شود و به جای بازگشت به جامعه راهی قبرستانش کنند.

اما پرونده هدیه را که مرور می‌کنید به جای همه این شایدها و اگرها با زندگی کوتاه دخترهای آشنا می‌شوید که دشواری‌هایش به همین جا ختم نمی‌شود. شب یازدهم خرداد سال 1384 هدیه را همراه با چهار هم سلولی‌ای خشن و در دسر سازش برای تنبیه به انفرادی انداخته می‌اندازند. دو نفر از این چهار نفر رئیس بند هستند و سوابق متعدد کیفری در داخل و خارج از زندان دارند. شب، تاریک است و شب انفرادی تاریک‌تر. هانیه ، یکی از پنج زندانی وارد شده به انفرادی، زندانی‌ای است که به خطرناک و زورگو بودن شهرت دارد و بیشتر زندانیان از او می‌ترسند و به خواسته‌های مهیب او تن می‌دهند چرا که تن دادن به این خواسته‌ها از گرفتار شدن در دام آزار و اذیت‌های او که هیچ نظارتی هم از سوی زندان شامل حالش نمی‌شود، بهتر است. شب تاریک است و زندانی خشن با زندانی دیگری به نام فرشته درگیر می‌شود. شدت جراحات به حدی است که فرشته به قتل می‌رسد. اینجاست که هدیه هم به اتهام مشارکت در قتل عمد بار دیگر زندان‌نشین می‌شود و می‌ماند و می‌ماند تا بمیرد. بمیرد؟

خودکشی کند یا به قتل برسد؟ کسی نمی‌داند. شاید هم همه می‌دانند و کسی به روی خودش نمی‌آورد.

سرانجام پس از سه سال معطلی در دادسرا ، پرونده هدیه با صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست به شعبه 80 دادگاه کیفری استان مستقر در دادگستری کرج ارسال می‌شود. هدیه در روز ۱۳/۴/۱۳۸۸ - در یکی از روزهایی که خودش هم نمی‌دانست آخرین روزهای عمرش هستند - محاکمه شد. هدیه اتهام انتسابی را در حضور پنج قاضی منکر می‌شود و تاکید می‌کند که در قتل انجام شده در زندان‌رجایی شهر نقشی نداشته و خود قربانی خشونت‌ها و تعرض‌های هانیه بوده که مسئولان زندان هم بی‌توجه از کنار آن می‌گذشتند.

ولایت سرکوب

شدت ترس زندانیان از هانیه به حدی بود که سرانجام در يك اقدام دسته‌جمعی در مرداد ماه سال 1384 این زن شرور را در بند نسوان به قتل رساندند.

محمد مصطفایی در این باره توضیح می‌دهد: « من و خانم پریسا دشته‌ای پور، دیگر وکیل مدافع هدیه، چند روز پیش با قضات دادگاه به صورت حضوری مذاکره کردیم. به نظر می‌رسید آنها هم نظرشان بر بی‌گناهی هدیه بوده اما به هر حال این دختر نوجوان قبل از آزادی جان باخت. پیش از شروع رسیدگی به پرونده هدیه، لایحه‌ای هم خطاب به ریاست و مستشاران شعبه 80 دادگاه کیفری استان تهران نوشته و به دادگاه داده بودیم که بر بی‌گناهی هدیه تاکید داشت. در بین لایحه ما، موکلان هدیه نسبت به اتهام ناروای رابطه نامشروع و خرید و فروش اسناد جعلی که هدیه را با آن تفهیم اتهام کرده بودند، اعتراض کردیم. به فرستادن او به زندان اوین و رجایی شهر کرج اعتراض کردیم و از همه مهم‌تر به حکم ناعادلانه‌ای که برای این دختر صادر شد - تحمل دو سال حبس تعزیری و سی ضربه شلاق - اعتراض کردیم. اعتراض ما تنها به حکم اولیه که بر خلاف تمام اصول و رویه‌های قضایی صادر شده نبود، ما به حکم مربوط به همکاری در قتل فرشته هم که اوضاع زندگی موکل نوجوانمان را بدتر و بدتر کرد هم اعتراض کرده‌ایم. موکل ما هیچ‌گونه دخالتی در قتل نداشته و در حالی که شواهد و قرائن پرونده و همچنین شهادت دیگر زنان حاضر در شب فاجعه حاکی از بی‌گناهی اوست اما همچنان بی‌گناه در زندان محبوس می‌ماند. علی‌ایحال و با عنایت به اینکه هدیه هیچ‌گونه نقشی در قتل نداشته، ما تقاضای صدور حکم به برائت موکل خود را کردیم... »

اما حتی اگر چنین حکمی صادر شود، دیگر به درد چه کسی می‌خورد؟ دیگر هدیه‌ای وجود ندارد که آزاد شود و زندگی کند. حتی اگر هدیه امروز هنوز زنده بود تا از زندان آزاد شود آیا این هدیه که امروز از زندان رجایی‌شهر کرج بیرون می‌آید همان هدیه بود که در 14 سالگی پا به زندان اوین گذاشت؟

مصطفایی در پاسخ به این پرسش که آیا در جریان امور وکالتی خود با موارد مشابه دیگری برخورد کرده است یا نه می‌گوید: « می‌دانم که امثال هدیه‌ها در زندان‌های ما بسیارند و همه‌شان هم در انتظار عاقبتی روشن چشم به عدالت دوخته‌اند.

ولایت سرکوب

نمونه‌هایی زیادی از سرنوشت‌های مشابه این دختر نوجوان وجود دارد و متأسفانه این فرهنگ که زندان محل انتقام‌گیری نیست بلکه فلسفه وجودی آن تربیت مجدد افراد است، هنوز که هنوز است در جامعه ما جا نیفتاده و زندان‌های ما بیشتر محل و آزار و اذیت و پاتوق گروه‌های خطرناک است و این‌طوری است که داستان‌های متاثرکننده‌ای مانند داستان این دختر نوجوان شکل می‌گیرند.» این وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر تأکید می‌کند: «اگر وضعیت زندان‌های ما به همین ترتیب پیش برود، امنیت قضایی جامعه از دست خواهد رفت. از لحاظ جرم‌شناسی هم گمان نمی‌کنم هیچ جرم‌شناسی وجود داشته باشد که برخورد خشونت‌آمیز با افراد را تأیید کند.

قربانی گشت ارشاد

پرونده‌ای که هدیه را روانه زندان اوین کرد، بی‌شبهت به صدها پرونده‌ای که در جریان اجرای طرح موسوم به امنیت ملی برای شهروندان و بخصوص زنان تشکیل شد، نیست. بدحجابی، رابطه نامشروع یا اتهاماتی از این دست اگر در کنار فقدان رسیدگی عادلانه و قانونی در دادگاه‌ها قرار بگیرند، هنوز هم می‌توانند نتایج فاجعه‌باری مثل نتیجه‌ای که برای هدیه رقم زدند به بار بیاورند. محمد مصطفایی در تحلیل این موقعیت می‌گوید: «خشونت، خشونت تولید می‌کند. چند ماه قبل از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری همه ما شاهد آن بودیم که فعالیت گشت‌های ارشاد متوقف شد اما هیچ اتفاق وحشتناکی هم در شهر رخ نداد و فساد که مجریان گشت ارشاد از آن یاد می‌کنند شهر را در بر نگرفت. شهروندان در این دوران هم کار و زندگی خودشان را کردند و مشکلی پیش نیامد. اما در دوران فعالیت این گشت‌ها شهروندان و بخصوص زنان بسیاری آسیب دیدند و حقوقشان ضایع شد. درباره هدیه مویدی هم باید بگویم اگر چه پیش از آغاز فعالیت گسترده گشت‌های ارشاد پرونده او تشکیل و آن‌گونه بی‌رحمانه رسیدگی شد اما هدیه هم قربانین نگاه و نوع تفکری مشابه شد.»

بوق‌های موزی کشار

پشت خطوط سرد تلفن تنها صدای بوق‌های موزی کشار است که شنیده می‌شود. یک بار دیگر؛ تماس برقرار می‌شود و باز هم فقط بوق ممتد. خانه‌شان جایی حوالی شهریار

ولایت سرکوب

است. تلفن مرتب زنگ می‌خورد. همه ما تازه فهمیده‌ایم که دختر نوجوانی به نام هدیه هم جایی در همین نزدیکی وجود داشته است. دختری که شاید او هم مثل خیلی از دخترهای جوان هم سن و سالش پر بوده از آرزوهای محال دور، پر بوده از اضطراب آینده، از هراس از تنهایی و بی‌پناهی. حالا همه می‌خواهیم فراموشی خود را تسکین دهیم. حالا همه می‌خواهیم تسلیتی بگوییم، دلجویی‌ای کنیم و باز دوباره به زندگی عادی خود بازگردیم و باز دوباره فراموش کنیم؛ هدیه را و همه دختران همسرنوشت او را؛ دختران «امید تنگ در دشت بیکران و آرزوهای بیکران در خلق‌های تنگ» را. اما راستی در این میان قضاتی که حکم مرگ و زندگی هدیه را در دست‌های خود داشتند؛ آنها کجا هستند؟ آیا خبر مرگ هدیه را میان این همه خبر و هیاهو شنیده یا خوانده‌اند؟ و اگر خبر به آنها هم رسیده آیا اصلاً دختر نوجوانی را که ترسیده و گریج در برابرشان نشسته بود، به خاطر می‌آورند یا هدیه و پرونده‌اش هم جایی میان آن هفت، هشت میلیون پرونده قضایی گم شده‌اند؟

اطلاعات تازه در مورد کشته شدن مسعود هاشم زاده در روز ۳۰ خرداد



مسعود هاشم زاده، جوان ۲۷ ساله‌ای است که در ناآرامی‌های ۳۰ خرداد ماه در محدود خیابان شادمان و نصرت در تهران به ضرب گلوله‌ای کشته شد. میلاد هاشم زاده برادر

ولایت سرکوب

کوچکتر مسعود می گوید زمان مرگ مسعود فقط پدرش و او در تهران بودند و بقیه خانواده در شمال زادگاه پدری مسعود به سر می بردند.

به این ترتیب مسعود هاشم زاده یکی دیگر از کشته شدگان ناآرامی های بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران است که نام و شیوه کشته شدنش در رسانه ها مطرح می شود. پیش از این ندا آقاسلطان، سهراب اعرابی، یعقوب بروایه و محمد کامرانی از جمله کشته شدگان حوادث اخیر بودند که نامشان در رسانه ها مطرح می شود.

میلاد با اشاره به اینکه مسعود ساعت شش بعداز ظهر روز ۳۰ خرداد برای دیدار با یکی از دوستانش در اطراف منزل به خیابان شادمان مراجعه کرده بود، می گوید: "زمانی که به خانه رسیدم پدرم تنها بود و من قبل از رسیدن به خانه درگیری ها و شلوغی ها را دیده بودم، نگران شدم و به سوی خانه دوستش رفتم، به چهار راه نصرت داخل خیابان شادمان که رسیدم دیدم صدای تیر می آید و یک سری تیر خورده اند."

به گفته آقای هاشم زاده درمانگاهی در آن محل وجود داشت که مجروحان و زخمی ها را به آنجا می بردند. برادر کوچک مسعود هاشم زاده ادامه می دهد: "زمانی که به درمانگاه رسیدم از روی ساعت، انگشتر و لباس مسعود، او را شناختم و از دیدن صحنه جا خوردم."

از آنجایی که اقوام درجه یک مسعود هاشم زاده در تهران نبودند، قرار بر این می شود که پیکر او را به زادگاهش در شمال ایران در اطراف رشت منتقل کنند. میلاد هاشم زاده با اشاره به درگیری های زیادی که در آن زمان در تهران بوده است می گوید: "دنبال آمبولانس ولی اصلاً آمبولانسی برای انتقال مسعود نبود. در این رفت و آمدها پسر صاحبخانه گفت که او با ماشین شخصی اش به شهرستان می برد. دکتری هم که آنجا بود گفت برای انتقال به شهرستان گواهی فوت می نویسد."

میلاد هاشم زاده و پسر صاحبخانه با ماشین شخصی پیکر مسعود را به شهرستانی در حوالی رشت می برند، آقای هاشم زاده اضافه کرد: "ساعت پنج و نیم صبح یک شنبه به زادگاه خود سمت رشت رسیدیم. شبانه برادر و پسر خاله هایم را در جریان گذاشتم که مسجد آماده کنند، شورای محل و بستگان و اهالی محل بودند."

ولایت سرکوب

آقای هاشم زاده ادامه داد: "زمانی که ما رسیدیم به ما گفتند مسعود را نمی توانیم در آنجا خاک کنیم، دلیلش را کامل نبودن مجوز اعلام کردند. به ما گفتند مسعود باید به پزشکی قانونی برده و علت فوتش کاملا مشخص شود. بعد از آن من و راننده ماشین را برای بازجویی به آگاهی بردند که چرا این اتفاقات رخ داده است و تا ۴۸ ساعت بعد بازداشت بودیم. نگذاشتند من در مراسم خاکسپاری برادرم شرکت کنم."

آنها گفتند اگر مراسم بگیرید هم برای خود و هم خانواده سخت می شود. خیلی زودتر بروید تهران و نمانید

میلاد، برادر کوچک مسعود هاشم زاده

به گفته برادر کوچک مسعود هاشم زاده در گواهی فوت از طرف پزشکی قانونی نوشته شده است، اصابت گلوله به قلب و سوراخ کردن ریه، پارگی ریه و خونریزی داخلی و خارجی شدید.

میلاد هاشم زاده در بخش دیگری از گفت و گو با اشاره به ایجاد محدودیت هایی برای خانواده هاشم زاده می گوید: "بعد از روز ۳۱ خرداد که مراسم تشییع انجام شده که من نبودم، خانواده ما به خانه بستگان می روند و ما هم آزاد شدیم. روز یک تیرماه بود که برای مراسم سوم مسعود آگهی زدیم و به دنبال حمله و مراسم بودیم. به محض پخش اعلامیه مطلع شدیم آمدند و اعلامیه را کردند. شب هم تماس گرفتند که می خواهید مراسم برگزار کنید. تا زمانی که علت فوت مسعود مشخص نشده حق برگزاری مراسم را ندارید."

روز بعد از این تماس خانواده هاشم زاده برای یافتن علت عدم برگزاری مراسم مراجعه می کنند اما به گفته میلاد هاشم زاده توضیح خاصی به آنها داده نمی شود. آقای هاشم زاده افزود: "آنها گفتند اگر مراسم بگیرید هم برای خود و هم خانواده سخت می شود. خیلی زودتر بروید تهران و نمانید."

خانواده هاشم زاده با امضای تعهدی اجازه پیدا می کنند که بدون برگزاری مراسم بر سر خاک بروند و تجمعی به هیچ عنوان شکل نگیرد.

ولایت سرکوب

خانواده هاشم زاده با خانواده سهراب اعرابی یکی دیگر از کشته شدگان حوادث اخیر ملاقات داشتند. همچنین میرحسین موسوی و تعدادی از اعضای ستاد او برای دلجویی از خانواده هاشم زاده به دیدار آنها رفته اند. مادران صلح و مادران عزادار نیز با مادر مسعود هاشم زاده دیدار کردند.

رفتار غیر انسانی با خانواده های دستگیر شدگان و لیست جدیدی از اسامی دستگیر شدگان

بنابه گزارشات رسیده از مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین، خانواده های دستگیر شدگان اخیر برای اطلاع یافتن از عزیزانشان و آزادی آنها مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب برای چندمین هفته متوالی تجمع کردند.

امروز حدود 80 نفر از خانواده ها در مقابل دادگاه انقلاب به انتظار اعلام اسامی بازداشت شده ها بودند حدود ساعت 9:15 صبح 28 اسم که همگی آقا بودند و نام هیچ خانمی در آن قید نشده بود در صورتی که هنوز تعدادی از خانم ها در بازداشت هستند از طرف دادگاه انقلاب برای گذاشتن کفالت اعلام شد.

مامورین سرکوبگر در مقابل دادگاه انقلاب از تجمع خانواده ها در مقابل دادگاه جلوگیری می کردند و با داد زدن سر خانواده ها آنها را از جلو دادگاه انقلاب دور می کردند.

ولایت سرکوب

در بین بازداشت شده ها افرادی هستند که برای بار دوم بعد از شروع اعتراضات دستگیر شده اند. این بازداشت شده ها بعد از گذاشتن کفالت برای آنها و آزاد شدن روز جمعه 26 تیر نیروهای گارد بدون دلیل وارد منزل آنها شده اند و برای بار دوم آنها را بازداشت کرده اند.

در مقابل زندان اوین هم بیش از 100 نفر از خانواده ها تجمع کرده بودند. تعدادی از آنها حدود يك هفته است که برای عزیزانشان کفالت گذاشته اند اما هنوز آزاد نشده اند و دائم آنها را از اوین به دادگاه انقلاب و از دادگاه انقلاب به اوین پاس می دهند.

تمامی خانواده هایی که به دادگاه انقلاب مراجعه کرده اند به آنها گفته شده پرونده دست قاضی حداد است و باید با او صحبت کنید اما به هیچ کس اجازه رفتن به پیش حداد و حتی تماس تلفنی با دفتر او داده نمی شد. و خانواده ها هر روز از ساعت 8 صبح تا 15 سرگردان و بلا تکلیف به انتظار مشخص شدن وضعیت فرزندانشان در داخل و بیرون دادگاه انقلاب می نشینند. در چند روز اخیر هر روز تعداد کمی اسم که از 30 اسم تجاوز نمی کند توسط دادگاه انقلاب برای گذاشتن کفالت اعلام می شود و بقیه خانواده ها باید همچنان چشم انتظار اعلام اسامی فرزندشان در روزهای دیگر بمانند.

لیست اسامی تعداد دیگری از بازداشت شدگان اخیر جهت ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار می یابد:

- 1- مسعود سرگل 14 ساله يك ماه پیش در ونك بازداشت و به اوین منتقل شده
- 2- حمید رضا مسعودی 25 ساله مهندس عمران 18 تیر نیروهای گارد به داخل منزل یورش برده و او را بازداشت و به اوین منتقل کرده اند
- 3- نوید نصیرزاده 27 ساله و متاهل فوق لیسانس کشاورزی پنجشنبه 18 تیر با یورش نیروهای گارد به داخل منزل بازداشت و به اوین منتقل شده
- 4- سید مهدی شریفی 22 ساله سرباز پنجشنبه 18 تیر در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 5- سید حسین نظامی 23 ساله 40 روز پیش تنها به دلیل پوشیدن لباس مشکی بازداشت و به اوین منتقل شده

ولایت سرکوب

- 6- علي قاسمي 27 ساله ليسانس کامپیوتر پنجشنبه 18 تیر در ولي عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 7- کسري داور پناه 29 ساله ليسانس ادبیات جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 8- احمدرضا احسانی 25 ساله دیپلم شنبه 30 خرداد در جمهوری بازداشت و به اوین منتقل شده
- 9- حامد نصیری 24 ساله فوق دیپلم جمعه 26 تیر در خیابان قدس بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 10- سید کاوه موسوی 26 ساله جمعه 26 تیر در ولي عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 11- سعید سعادتي 17 ساله شنبه 30 خرداد در آزادي بازداشت و به اوین منتقل شده
- 12- سینا محرابي 28 ساله فوق ليسانس عمران شنبه 30 خرداد در خیابان آذربایجان بازداشت و به اوین منتقل شده
- 13- ایمان اسفندیاري 18 ساله دیپلم جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 14- محمد جواد نوري 19 ساله دانشجوی عمران پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 15- مسعود افشار 24 ساله فوق دیپلم برق پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و به اوین منتقل شده
- 16- ناصر کوهي 30 ساله شغل آزاد جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 17- دانیال امیری 21 ساله شغل آزاد شنبه 30 خرداد در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 18- نریمان سلیماني فر 25 ساله ليسانس الکترونیک پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و به اوین منتقل شده

ولایت سرکوب

19- مجید حامدی 23 ساله شغل آزاد جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

20- حسن صادقی 26 ساله شنبه 30 خرداد در شادمان بازداشت و به اوین منتقل شده

21- علیرضا سعیدلو 19 ساله شنبه 30 خرداد در ستارخان بازداشت و به اوین منتقل شده
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیری، شکنجه و ادامه یازداشت آنها بخصوص کودکان را محکم می کند و خواستار آزادی فوری آنها است. و همچنین از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستار ارسال هیئتی برای بررسی وضعیت دستگیر شدگان اخیر در زندانهای این رژیم است.

مقیسه ای معروف به ناصرین دانشجوی زندانی را به حکم سنگین و غیر انسانی 1 سال زندان محکوم کرد

بنابه گزارشات رسیده از بند 209 زندان اوین دانشجوی زندانی مهسا نادری محکوم به حکم سنگین و غیر انسانی 1 سال زندان شد. این حکم توسط محمد مقیسه ای معروف به (ناصریان) به وی ابلاغ شد.

دانشجوی زندانی مهسا نادری 19 ساله دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه مفید شهرستان قم، روز سه شنبه 23 تیر ماه به شعبه 28 دادگاه انقلاب برده شد. رئیس شعبه 28 فردی بنام محمد مقیسه معروف به ناصریان از اعضای هیئت مرگ قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 می باشد.

حکم سنگین و غیر انسانی 1 سال زندان را به او ابلاغ کردند. در حالی است که او تمامی اتهامات نسبت داده شده را رد کرده بود.

ولایت سرکوب

از طرفی دیگر وکیل دانشجوی زندانی با استدلهای حقوقی خود تمامی اتهامات را رد کردند. محمد مقیسه ای رئیس شعبه 28 دادگاه انقلاب، هنگامی که دانشجوی زندانی برای ابلاغ حکم غیر انسانی در دادگاه حاضر شده بود با برخوردی وحشیانه و غیر انسانی شروع به تهدید او نمود و نهایتاً حکم 1 سال زندان را به وی ابلاغ کرد. دانشجوی زندانی علیرغم ابلاغ حکم همچنان در بند مخوف 209 زندان اوین نگهداری می شود. اتهاماتی که به دانشجوی زندانی توسط سر بازجویان وزارت اطلاعات سعید شیخان و علوی نسبت داده شده است به قرار زیر می باشد: شرکت در مراسم خاوران، محاربه، تبلیغ علیه نظام است.

محمد مقیسه ای معروف به ناصریان از اعضای هیئت مرگ سال 67 می باشد این هیئت بنابه شاهدان بازمانده از آن قتل عام که باعث جان باختن هزاران زندانی سیاسی شد شناسائی شده اند. علیرغم خواسته سازمانهای حقوق بشری برای دستگیری، محاکمه و مجازات آمرین و عاملین این قتل عام هنوز تحقق نیافته است بلکه بعضی از آنها در نقش قاضی های وزارت اطلاعات مشغول بکار هستند و تا به حال چندین زندانی سیاسی با اتهامات واهی و بدون برخورداری از حق دفاع و وکیل به سالها زندان محکوم کرده اند لازم به یاد آوری است که زندانی سیاسی مهسا نادری 19 ساله 2 اسفند ماه در پی پورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شدو 153 روز است که از بازداشتش در بند 209 زندان اوین می گذرد 88 روز آن را در سلولهای انفرادی تحت شکنجه های جسمی و روحی بسر برد. این دانشجوی زندانی در اثر شکنجه های غیر انسانی دچار ناراحتی قلبی و سردردهای شدید شده است. سعید شیخان سربازجوی وزارت اطلاعات و فردی به نام سید او را مورد بازجویی و شکنجه های جسمی و روحی قرار داده اند.

همچنین اکثر خانم هایی که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند در بند 209 زندان اوین بسر می برند آنها تحت شکنجه های جسمی و روحی بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیری، شکنجه و صدور احکام سنگین و غیر انسانی توسط مقیسه ای را محکوم می کند و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر

سازمان ملل خواستار اقدام فوری برای رسیدگی به وضعیت زنان زندانیان سیاسی که در شرایط غیر انسانی بسر می‌برند است.

محمد کامرانی؛ یکی دیگر از کشته‌شدگان درگیری‌های تهران



محمد کامرانی، جوان ۱۸ ساله‌ای که در اعتراضات روز ۱۸ تیر سال ۱۳۸۸ بازداشت شده بود، روز ۲۵ تیر در اثر جراحات وارده، که معلوم نیست در جریان درگیری‌ها و یا در زندان ایجاد شده، از دنیا رفت.

طبق آمارهای رسمی در درگیری‌های بعد از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران بیش از بیست نفر کشته‌اند. اما بعضی از معترضین تعداد کشته‌شدگان را چند برابر این تعداد می‌دانند.

ولایت سرکوب

یکی از اعضای خانواده آقای کامرانی به بی بی سی فارسی گفت که او در درگیری های روز پنجشنبه ۱۸ تیر در حوالی میدان ولیعصر تهران بازداشت شده است. البته به گفته این عضو خانواده آقای کامرانی، او در حرکات اعتراضی شرکت نداشته و صرفاً در حال عبور از خیابان بوده است.

بنا بر گزارش های رسیده از ایران و اظهارات این عضو خانواده محمد کامرانی، او پس از دستگیری به همراه تعداد دیگری از بازداشت شدگان به بازداشتگاهی در کهریزک منتقل شده است.

بعد از چند روز فهرستی از سوی مسئولان زندان اوین از بازداشت شدگان منتقل شده از کهریزک به زندان اوین منتشر شد که نام محمد کامرانی هم در میان آنها وجود داشت.

با پیگیری های خانواده آقای کامرانی به آنها اطلاع دادند که روز چهارشنبه ۲۴ تیر، او از زندان آزاد خواهد شد و هنگامی که خانواده برای تحویل گرفتن او به زندان مراجعه کردند، به آنها گفته شد که به دلیل جراحاتی که به او وارد شده، به بیمارستان لقمان تهران منتقل شده است.

این عضو خانواده آقای کامرانی که خود در بیمارستان لقمان حاضر شده می گوید که در بیمارستان با پیکر نیمه جان محمد کامرانی روبرو شده است. خانواده آقای کامرانی با اصرار و تحت حفاظت ماموران، او را به بیمارستان مهر منتقل می کنند، اما بعد از چند ساعت و علی رغم تلاش پزشکان بیمارستان مهر، محمد کامرانی ۱۸ ساله از دنیا می رود.

پیکر محمد کامرانی، صبح روز شنبه در بهشت زهراي تهران دفن شده است. پیش از محمد کامرانی نام چند تن دیگر از کشته شدگان این وقایع از جمله ندا آقا سلطان، دانشجوی ۲۷ ساله، سهراب اعرابی، جوان ۱۹ ساله، و یعقوب بروایه، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، در رسانه ها مطرح شده بود.

رویتر: خامنه ای قادر به مهار اوضاع نیست



خبرگزاری رویتر در گزارشی نوشت، جنگ قدرت پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران پایه های جمهوری اسلامی را به لرزه در آورده است. نشانه ای از اینکه خامنه ای بتواند مردم خشمگین را آرام کند یا بتواند دو باره اعتماد سیاستمداران و روحانیونی که از او رانده شده اند را بدست بیاورد، دیده نمی شود.

نیم تنه ندا آق سلطان ساخته خانم پائولا اسلاتر برای شهرداری
سان فرانسیسکو



اسامی شمار دیگری از دستگیرشدگان روزهای اخیر

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
بنابه گزارشات رسیده از تهران ، در اعتراضات روز گذشته در تهران تعدادی زیادی
دستگیر و به بازداشتگاههای مختلف منتقل شدند.

روز گذشته 30 تیر ماه اعتراضاتی در نقاط مختلف تهران روی داد که عمده اعتراضات
در میدان 7 تیر و خیابانهای منتهی به آن بوده همچنین نقاط مرکزی تهران محل
اعتراضات مردم بود.

در درگیریهای قیام مردم تهران، در خیابانها تعدادی که با باتون مورد ضرب و شتم قرار
گرفته بودند زخمی شدند که در بین آنها تعدادی از دختران و زنان جوان دیده می شد.
نیروهای سرکوبگر همچنین تعدادی را دستگیر و به بازداشتگاههای کهریزک (اردوگاه)

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

مرگ، کلانتری 148، ستاد پیگیری وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران منتقل کردند. بنابه گفته تعدادی از دستگیر شدگان که اخیراً آزادی شده اند، احمدرضا رادان، جانشین فرماندهی نیروی انتظامی همراه با تعدادی از افرادش در اردوگاه مرگ کهریزک حاضر می شود و شخصاً دستگیر شدگان را مورد شکنجه قرار میدهد. کهریزک از مخوفترین شکنجه گاههای موجود می باشد و تا به حال تعداد در آنجا زیر شکنجه جان باختند.

تعدادی از افراد که دیروز بازداشت شده اند به کهریزک و کلانتری 148 انتقال داده شده اند تعدادی از دستگیر شده ها دیشب با خانواده های خود تماس گرفته اند و محل نگهداری خود را گفته اند اما از محل نگهداری عده ای از دستگیر شدگان هنوز خبری نیست. اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر جهت ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم منتشر می گردد.

1- کاوه شیخی 23 ساله فوق دیپلم عمران پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و بعد از انتقال به کهریزک به بند 240 اوین منتقل شده برای بار دوم دستگیر شد. روز جمعه 26 تیر به منزلشان یورش بردند و دستگیر شد.

2- سجاد عبدي 21 ساله دانشجوی کامپیوتر جمعه 26 تیر در ولی عصر بازداشت و به کلانتری 148 منتقل و سپس به اوین منتقل شده

3- حمید تآك 26 ساله دانشجوی فوق لیسانس عمران پنجشنبه 18 تیر در خیابان سینا بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

4- نازی کلانتری 27 ساله لیسانس حقوق پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده

5- ابراهیم قنبري 54 ساله بازنشسته پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده

6- سهیل قهرمانی 24 ساله جمعه 26 تیر بازداشت و زمان تماس با خانواده به کهریزک منتقل شده اما اکنون مکان نگهداری وی نامشخص

7- رضا گودرزي 28 ساله سه شنبه 30 تیر در هفت تیر بازداشت و به آگاهی 148 انقلاب منتقل شده

ولایت سرکوب

- 8-سید مهدی میر کریمی 30 ساله کارمند شهرداری شنبه 30 خرداد در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده
- 9-شهاب نظری 19 ساله دیپلم شنبه 30 خرداد در مقابل دانشگاه صنعتی شریف توسط نیروهای گارد با ضربات باتوم مجروح و سپس بازداشت و به اوین منتقل شده خانواده وی از سلامتی او همچنان بی خبر هستند.
- 10-رحیم هاشم پور 28 ساله لیسانس نرم افزار سه شنبه 30 تیر در کریم خان بدون دلیل بازداشت و به کلانتری 148 منتقل شده
- 11-مسعود مردانی 27 ساله دیپلم نقشه کشی جمعه 26 تیر در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 12-هادی یزدانی 21 ساله دانشجوی مکانیک جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 13-امیر جوادی 27 ساله فوق دیپلم عمران یکشنبه 24 خرداد در فاطمی بازداشت و به اوین منتقل شده
- 14-پویان محمدی 20 ساله دیپلم پنجشنبه 18 تیر در کارگر بازداشت و به اوین منتقل شده
- 15-زهرا باقری 24 ساله پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 16-پیمان حسینی 27 ساله دیپلم شغل آزاد چهارشنبه 3 تیر در فردوسی بازداشت و به کهریزک منتقل شده و سپس به اوین منتقل شده
- 17-علی نوزری 31 ساله لیسانس حسابداری و کارمند شنبه 30 خرداد در آزادی بازداشت و به اوین منتقل شده
- 18-احمد علی سراجی 18 ساله جمعه 26 تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- 19-امین صابر 22 ساله لیسانس کشاورزی پنجشنبه 18 تیر در امیر آباد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- 20-امیر حسینی 25 ساله فوق دیپلم عمران پنجشنبه 18 تیر در انقلاب بازداشت و به کلانتری 148 منتقل و سپس به اوین منتقل شده

ولایت سرکوب

21- بیژن جلیلی 22 ساله سه شنبه 30 تیر در هفت تیر بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص

محسن جهانگیر 29 ساله پنجشنبه 18 تیر بازداشت و به اوین منتقل شده

22- بابک دستجردی 28 ساله شغل آزاد شنبه 30 خرداد هنگام سر دادن شعار الله اکبر در پشت بام، نیروهای لباس شخصی به منزل آنها یورش برده و او را بازداشت کرده اند. نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج، لباس شخصیهای که بصورت گسترده در خیابانها مسقر شده بودند و یک حکومت نظامی اعلام نشده ای را برپا کرده بودند. بسوی مردم یورش می بردند و آنها را آماج باتونهای خود قرار میدادند. نیروهای سرکوبگر فوق تحت امر علی خامنه ای ولی فقیه رژیم هستند و به دستور مسقیم او عمل می کنند. علی خامنه ای روز 29 خرداد دستور سرکوب خونین مردم ایران را صادر کرد که تا به حال منجر به جان باختن و زخمی شدن و دستگیری هزاران نفر شده است. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، یورش وحشیانه به مردم و مورد ضرب و شتم قرار دادن و دستگیری تعداد زیادی از قیام کنندگان را محکوم می کند. از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات فوری برای نجات جان و آزادی دستگیر شدگان است.

اعتصاب غذای یکی از زندانیان در اعتراض به شرایط غیر انسانی حاکم

بنابه گزارشات رسیده از زندان مرکزی اردبیل، بابک دادبخش در اعتراض به فشارهای و اذیت و آزارها، جدا کردن از سایر زندانیان سیاسی و ادامه بازداشت خود دست به اعتصاب غذا زد.

در روزهای اخیر فشارها و اذیت و آزارها علیه زندانیان سیاسی در زندان اردبیل شدت یافته است. در اقدامی غیر انسانی زندانیان سیاسی را از هم تفکیک و آنها را به بندها مختلف منتقل کردند.

همچنین دستور انتقال آقای بابک دادبخش را به سلولهای انفرادی داده شده است. ملاقاتها و ارتباطات آنها را با خانواده هایشان محدود شده است و از این طریق سعی دارند که فشارها بر زندانیان و خانواده ها افزایش دهند.

از طرفی دیگر تا به حال بارها دادستان کل کشور با ارسال نامه هایی به دادستانی اردبیل، رئیس دادگستری و حسن زاده رئیس دادگاه انقلاب که در آن از آنها خواسته شده محکومیت وی شکسته و او را آزاد نمایند. حسن زاده رئیس دادگاه انقلاب اردبیل از

ولایت سرکوب

رسیدگی مجددو آزادی او خوداری می کند و به آقای دادبخش می گویند: از نظر من شخصی نیستی که بشه آزادت کرد و باید حتما در زندان باقی بماند. حسن زاده نه تنها دستور آزادی او را صادر نمی کند بلکه دستور انتقال احتمالی وی به سلولهای انفرادی را صادر کرده است.

آقای دادبخش در اعتراض به شرایط فوق که راهی را بجزء اعتصاب غذا برای او باقی نگذاشته است تا نسبت به ظلمی که توسط این رژیم بر او روا داشته شده است را ابراز داردو جهانیان را آن آگاه سازد. از روز سه شنبه 30 تیر ماه در زندان اردبیل اقدام به اعتصاب غذا نمود.

از شیوه های شناخته شده بازجویان وزارت اطلاعات و قاضی های دادگاه انقلاب است که تمامی راه ها و حقوق اولیه زندانی را سلب می کنند و آنها را در شرایطی قرار می دهند که به سوی اعتصاب غذا روی آورند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، تحت فشارهای غیر انسانی قرار دادن زندانیان و سوق دادن آنها بسوی اعتصاب غذا را محکوم می کند و از سازمانهای حقوق بشری خواستار مداخله برای پایان دادن به اذیت و آزار و سلب حقوق اولیه زندانیان در ایران است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

01 مرداد 1388 برابر با 23 ژولای 2009

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

سازمان دیدبان حقوق بشر

استمرار و گسترش اعتراضات شبانه مردم تهران

بنابه گزارشات رسیده از نقاط مختلف شهر تهران ، مردم تهران بر فراز بام منازل ، در کوچه ها و خیابانهای فرعی مناطق مختلف اقدام به سر دادن بانگ الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور نمودند.

از ساعت 22:00 اعتراضات شبانه مردم تهران با سر دادن شعار الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور بر بالای بام منازل ، کوچه ها و خیابانهای فرعی آغاز و تا ساعت 22:35 ادامه یافت.

امشب مردم تهران در مناطقی مانند صادقیه ، فرحزاد ، شهرک غرب ، اکباتان ، اقدسیه ، آزادی ، شریعتی، ویلا ، پونک ، تهران پارس و سایر مناطق بر پشت بام ها و کوچه ها و خیابان های فرعی شعار الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور را سر دادند.

زمانی که مردم بر پشت بام ها و کوچه ها شعار اعتراضی خود را فریاد می زدند مردمی که از کوچه ها و خیابان ها عبور می کردند نیز به وجد می آمدند و با سر دادن شعار و بوق زدن با آنها همراهی می کردند.

ولایت سرکوب

شدت اعتراضات در مناطقی مانند تهران پارس، شهرک غرب، پونک بیشتر از جاهای دیگر بود.

نیروهای سرکوبگر بسیج و سپاه پاسداران که در بسیج محلات و مساجد مستقر بودند بر بام منازل بودند و با دوربینهای دید در شب نا امیدانه مردم را نظاره می کردند و از این طریق سعی در ایجاد رعب و وحشت بودند. ولی وقتی مردم متوجه حضور آنها می شدند شعارهای مرگ بر دیکتاتور شدت بیشتری پیدا می کرد.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

01 مرداد 1388 برابر با 23 ژولای 2009

بازداشت دو دانشجوی دیگر دانشکده نفت اهواز

خبرنامه امیرکبیر: پس از گذشت دو هفته از آزادی دانشجویان بازداشت شده ی دانشگاه نفت، بعد از ظهر روز گذشته (چهارشنبه) دو دانشجوی دیگر این دانشگاه به نام های سعید شجاعی زاده و خسرو موسی وند بازداشت شدند.

شجاعی زاده و موسی وند از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه نفت می باشند که توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل گشته اند.

اخبار رسیده حاکی از این است که تعدادی از نیروهای لباس شخصی، با مراجعه به خانه ی موسی وند و با در دست داشتن حکم قضایی، خانواده ی او را تهدید کرده بودند که در صورت عدم تحویل خسرو، پدرش را بازداشت خواهند کرد.

شایان ذکر است که دانشجویان دانشکده نفت اهواز در روزهای بعد از انتخابات با برگزاری تجمعات و تحصن هایی در دانشگاه اعتراض خود را به نتیجه ی انتخابات اعلام کردند که پس از آن در روزهای 6 و 11 تیر ماه هفت نفر از فعالین انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه توسط نیروهای سپاه بازداشت شدند که هم اکنون به قید ضمانت آزاد هستند.

دستگیری در اویش به دلیل خاکسپاری یکی از آنان در آرامگاه خصوصی

روزنامه اعتماد: پنج تن از در اویش گنابادی بازداشت شدند.
عباس زارع حقیقی متصدی دفتر تولیت مزار سلطانی بیدخت به همراه هاجر طاهری،
علی و حمید پایاب و عزیز الله صفری پنج نفری هستند که به دستور دادستان گناباد
بازداشت شدند.
این افراد به دلیل خاکسپاری یکی از در اویش در آرامگاه خصوصی در اویش گنابادی که
به حکم دادستانی اجازه دفن در آن را نداشتند، دستگیر شده اند.

احضار یازده دانشجوی دانشگاه بو علی همدان به کمیته انضباطی

ادوارنیوز : 11 دانشجوی دانشگاه همدان به کمیته انضباطی احضار شده اند. احضار این
دانشجویان در حالی است که 5 تن از ایشان در پی حوادث بعد از انتخابات توسط
نیروهای امنیتی بازداشت شده و متعاقب آزادی به کمیته انضباطی احضار شده اند. اسامی
احضار شدگان بدین شرح است:
سیاوش حاتم، رضا جعفریان، پوریا شریفیان، حجت بختیاری، مهدی مسافر، کیانوش
رضایفرید زندی علی رضایی مصطفی مهدی زاده وحید امیری مهدی حکیمی

قتل دستگیرشدگان در زیر شکنجه گماشتگان استبداد

جعفر پویه

قتل و کشتار دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی در زیر شکنجه هر روز قربانی جدیدی را تحویل مردم می دهد. بازجویان وزارت ددمنش اطلاعات و گماشتگان حلقه به گوش ولی فقیه در تشکلهای بی نام و نشان اطلاعاتی، برای وادار کردن دستگیرشدگان به اعترافات که سناریوی از قبل طراحی شده دارو دسته ولی فقیه را واقعی جلوه دهد، زندانیان را به شدت شکنجه می کنند تا جایی که منتهی به مرگ بعضی از آنها شده است. خبر تحویل جسد جوان دستگیر شده محمد کامرانی به خانواده او یکی از مواردی است که به خبرگزاریها راه یافته است.

بنابه گفته خانواده و بستگان این جانباخته راه آزادی، او در روز 18 تیر توسط شکارچیان وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای امنیتی در حوالی میدان ولی عصر تهران ربوده شده و به بازداشتگاه کهریزک برده شده و پس از چند روز به همراه گروه دیگری از بازداشت شدگان به زندان اوین منتقل می شود. خانواده محمد کرمی پس از اطلاع از محل

ولایت سرکوب

نگهداری او به زندان اوین مراجعه می کنند اما مامور زندان اوین به آنها می گوید که پیکر جوان شان به بیمارستان لقمان منتقل و بستری شده است. این خانواده وقتی با پیکر نیمه جان فرزندشان روبرو می شوند که در وضعیت بسیار بدی قرار داشته است. آنها تلاش می کنند تا با انتقال پیکر محمد به بیمارستان مهر او را از مرگ برهانند اما تلاشهای کادر پزشکی بی نتیجه می ماند و محمد کرمی به خیل شهدای خلق می پیوندد.

این تنها یکی از بیشمار قتل و جنایت بازجویان و گماشتگان ددمنش رژیم ولی فقیه در زیر شکنجه است؛ امری که در سالهای گذشته به کرات اتفاق افتاده است. گورستانهای سراسر کشور پیکرهای جوانان بسیاری را در دل خود دارند که به دلیل ایستادگی و استواری در برابر عمله استبداد و دفاع از شرف و حیثیت انسانی خود زیر شکنجه به قتل رسیده اند.

بنا به اخبار مختلف، رژیم ددمنش بیش از 4000 نفر را همزمان با قیام حق طلبانه مردم به اسارت گرفته و در بازداشتگاه های بی نام و نشان تحت شکنجه و بدرفتاری قرار داده است. این به جز تعداد پرشمار فعالان سیاسی و اجتماعی و روزنامه و وبلاگ نویسان، وکلای دادگستری و ... زندانی است.

رژیم آدمکش و پایه گور ولی فقیه برای برون رفت از وضعیت موجود دست به هرکاری می زند تا خود را از حلقه به شدت تنگ شده مردم بر گرد خویش برهاند. اما مردم آزادیخواه و حق طلب عزم خود را جزم کرده اند تا برای همیشه بساط رژیم بی وجدانها و آدمکشها را بروبند. شهدای این جنبش نشان حقانیت آن و استواری و حتی یک گام به عقب برنداشتن در برابر استبداد توسط فعالان آن است. هر حيله و فریب رژیم دجالان برای انحراف این جنبش حتا با اعترافات تلویزیونی که تحت شکنجه گرفته می شود هرگز کارساز نخواهد بود و اندک خللی در عزم مردم برای رسیدن به آزادی به وجود نخواهد آورد.

با همبستگی خود و اراده ای خلل ناپذیر برای ادامه راه، همه روزنه های فرار را بر رژیم شکنجه گران و آدمکشان ببندیم و حيله و طرح و پروژه های ننگین آنها برای بدنام کردن جنبش را بی خاصیت کنیم.

محمد مصطفایی: زنی در آستانه سنگسار در تبریز

وبلاگ دفاع از بی دفاع

محمد مصطفایی (وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر)

جمعه دوم مرداد 1388

سکینه محمدی مدت چهار سال است که در زندان مرکزی تبریز به سر می برد او سالها با همسرش اختلاف داشته و به دلایلی از جمله فقر مالی و عدم توجه همسر به خواسته هایش با مردی ارتباط برقرار کرده و پس از مدتی با بر ملا شدن موضوع محاکمه می گردد. در تاریخ 1385/2/25 در شعبه 101 دادگاه جزایی اسکو در استان آذربایجان شرقی طی دادنامه شماره 85/2/27-114 نامبرده را به اتهام داشتن رابطه نامشروع با آقایان ناصر و سید علی به تحمل نود و نه ضربه شلاق تعزیری محکوم می نماید. حکم صادره، پس از قطعیت به اجرای احکام ارسال و مجازات مقرر در دادنامه، اجرا می شود.

ولایت سرکوب

در تاریخ 1385/6/19 در حالی که دادنامه صادره فوق الذکر اعتبار امر مختومه یافته بود، شعبه ششم دادگاه کیفری استان آذربایجان شرقی، مجدداً در حالیکه به پرونده قتل عمد مرحوم ابراهیم قادرزاده رسیدگی می نمود اتهام زنای محصنه را نیز منتسب به سکینه دانسته و بدون آنکه ادله اثبات دعوی پیرامون این اتهام بر مجرمیت وی طبق ماده 83 به بعد قانون مجازات اسلامی کفایت نماید.

با وجود انکار سکینه بر ارتکاب جرم زنا محصنه در آخرین جلسه دادرسی و دفاع خود مبنی بر اینکه تمام مطالب در جلسات قبلی بازپرسی را به دروغ عنوان نموده و خواسته است پای علی دیگر متهم پرونده به دادرسی کشیده شود.

گفته که با افراد زیادی زنا کرده است. دادگاه صرفاً با استناد به علم قاضی، بدون آنکه جهات آن مشخص باشد و دادنامه صادره مستند و مستدل باشد حکم به سنگسار سکینه محمدی صادر می نماید.



بر اساس اصول اولیه دادرسی و همچنین نظر اقلیت قضات در پرونده این محکوم به سنگسار:-خانم سکینه محمدی طبق دادنامه شماره 114-85/2/27 در شعبه 101 جزائی

اسکو به اتهام داشتن رابطه نامشروع به تحمل 99 ضربه شلاق محکوم گردیده است و تا هنگامی که حکم صادره نقض نشود نمی توان مجدداً خانم محمدی را تحت تعقیب قرار داد و به عبارت دیگر نمی توان یک نفر را به خاطر یک جرم یک بار تعقیب و در صورت اثبات مجدداً تحت تعقیب قرار داد و تعقیب متهم در این پرونده توجیه قانونی ندارد.

دو نفر از مستشاران این شعبه به نامهای آقایان کاظمی و حمدالهی عقیده به برائت موکل داشته و صراحتاً اعلام می دارند که: «در پرونده متهم نسبت به جرم زنای محصنه هیچ دلیل اثباتی شرعی و قانونی وجود ندارد و قرائن و شواهد موجود در پرونده هم طرق متعارف تحصیل علم نیستند.»

در مورد موضوع پرونده سکینه ابهام و شبهات بسیاری در پرونده وجود دارد مهمتر اینکه دو نفر از پنج قاضی دادگاه کیفری استان عقیده بر بی گناهی سکینه دارند. متأسفانه پس از اعتراض سکینه به دادنامه مخدوش صادره، این حکم در تاریخ 1386/3/6 توسط شعبه 39 دیوانعالی کشور در پرونده کلاسه 39-456/8 تحت شماره دادنامه 39/206 در سه خط تایید و قضات این شعبه اعلام می دارند که:

«محتویات پرونده و کیفیات منعکس در آن، نظر به اینکه حصول علم قضات محترم از طرق متعارف بوده که در پرونده مندرج است و ایراد موثری از سوی تجدید نظر خواه به عمل نیامده که سبب نقض و گسیختگی رای تجدید نظر خواسته را فراهم آورد، دادنامه عیناً تایید و ابرام می شود.»

تاکنون دو بار درخواست عفو و بخشودگی سکینه به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال شده و اعضای کمیسیون درخواست سکینه را مردود اعلام نموده اند. در حال حاضر پرونده ایشان در اجرای احکام دادگستری تبریز بوده و هر لحظه امکان دارد حکم سنگسار به مرحله اجرا در آمده و جان وی از بدن با ضربات سنگ و به ناحق گرفته شود. اخیراً با پذیرش وکالت سکینه نامه ای خطاب به آقای شاهرودی نوشته و درخواست نمودم یکی از دو طریق ذیل در این پرونده اعمال گردد.

اول آنکه- طبق نظر اقلیت با بررسی مجدد پرونده حکم به برائت سکینه محمدی صادر گردد.

ولایت سرکوب

دوم آنکه- با پیشنهاد عفو، مجازات سنگسار سکینه به شلاق تبدیل گردد .
چرا که بر فرض اثبات جرایمی که مجازات آنها مرگ است مجرمین، بیمارانی هستند که نیاز به مداوا دارند و حذف آنان از صحنه روزگار ریشه های جرم را نمی خشکاند. و اعمال اینگونه مجازاتها نه تنها مرعوب کننده و پیش گیرنده از وقوع جرم نیست بلکه باعث گسترش خشونت در جامعه می گردد لذا اصلح آن است که لااقل مجازات این دست از مجرمین با راهکارهایی که قانونگذار پیش پای مسئولین گذاره است به مجازاتهایی تبدیل شود که مجرم بتواند به جامعه بازگشته و جبران مافات نماید.
در حال حاضر پرونده سکینه محمدی در اجرای احکام تبریز بوده و امکان دارد به زودی سنگسار شود.

روایت یک شاهد از چگونگی شهادت مسعود هاشم زاده

"در پائین شادمان تعداد زیادی نیروهای انتظامی در مقابل مردم بودند و درگیری هایی وجود داشت. در کوچه های اطراف هم تعدادی از نیروهای مختلف با لباس پلنگی، سبز و بعضاً شخصی استقرار داشتند.

من همانجا با مسعود آشنا شدم و یک ساعتی بود که با هم بودیم. از شادمان وارد مستعانیه شدیم و به طرف خیابان زنجان می رفتیم. پنج- شش نفر بودیم. مسعود در وسط خیابان راه می رفت و من کمی جلو تر و در کنار بودم. چند نفر از نیروها که با لباس سرتاسر سبز تیره در میانه کوچه با فاصله حدوداً صد متر از ما ایستاده بودند. آنها اسلحه داشتند. یکی از آنها اسلحه را رو به زمین گرفت و شلیک کرد. مسعود فریاد زد مشقیه نترسید.

ولایت سرکوب

بلافاصله پس از این سخن بود که یکی از آن نیروها که قد کمی کوتاه داشت و کمی هم چاق بود زانوانش را خم کرد و با اسلحه اش که شاید کلاشینکف قنذاق تا شو بود به سمت مسعود نشانه رفت و شلیک کرد.

مسعود به پشت به زمین افتاد. یکی دیگر از سربازان به سمت کسی که شلیک کرده بود رفت به پشت او زد و با اشاره به مسعود با حرکت دست گفت چکار کردی؟ و بعد همگی با عجله وارد کوچه ای که از مستعانیه به سمت پائین می رفت شدند. من به سرعت بالای سر مسعود رفتم و با کمک افرادی او را به سوی درمانگاه بردیم. عده ای از مردم فیلم می گرفتند. من بین راه شاید پس از کمتر از دو دقیقه دیدم چشمهای مسعود بالا رفت و بدنش سنگین شد. احساس کردم تمام کرد. درمانگاه نزدیک بود. وقتی رسیدیم و پزشک آمد دیگر مسعود زنده نبود."

گزارش تکان‌دهنده‌ای از وضعیت بازداشت‌شدگان وقایع اخیر

علی‌رغم اظهارات مقامات قضایی و رئیس پلیس تهران مبنی بر آزادی اکثر بازداشت‌شدگان پس از انتخابات 22 خرداد، خانواده‌های بسیاری از زندانیان پس از روزها و هفته‌ها سرگردانی بین دادگاه انقلاب و زندان اوین هیچ‌گونه خبری از عزیزانشان ندارند. از سوی دیگر، طی روزهای گذشته گروهی از کسانی که با قرار کفالت یا وثیقه آزاد شده بودند مجدداً بازداشت شده‌اند.

به گزارش «روزآنلاین»، ماموران نظامی شبانه به منازل این افراد یورش برده و آنان را از رختخواب بیرون کشیده و با خود برده‌اند. آنان در پاسخ به اعتراض خانواده‌ها فقط گفته‌اند که این بازداشت‌ها برای تکمیل پرونده صورت می‌گیرد.

سرگردانی خانواده‌ها در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین

به گزارش خبرنگار روز، خانواده‌های بازداشت‌شدگان اخیر که یا در تجمعات مسالمت آمیز مردمی و یا در یورش لباس‌شخصی‌ها به منازلشان بازداشت شده‌اند هر روز از ساعت ۷ الی ۱۱ شب در مقابل زندان اوین تجمع می‌کنند تا شاید خبری از عزیزانشان دریافت کنند. این خانواده‌ها بارها مورد هتاکی و توهین مسولان قرار می‌گیرند اما همچنان در مقابل زندان اوین می‌نشینند تا شاید عزیزانشان جزو آزادشده‌ها باشد و یا خبری هر چند کوتاه کسب کنند و نام فرزندانشان را در لیست زندان ببینند.

هر روز لیستی از بازداشت‌شدگان بر دیوار دادگاه انقلاب و لیستی دیگر بر دیوار زندان اوین چسبانده می‌شود و هر روز از صبح تا پایان ساعت اداری خانواده‌ها در مقابل دادگاه انقلاب تجمع می‌کنند و از مسولان این دادگاه خواستار روشن شدن وضعیت فرزندانشان می‌شوند.

بازداشت‌شدگانی که مفقود شده‌اند

برخی از این خانواده‌ها خبر از تماس کوتاه تلفنی عزیزان دربندشان می‌دهند و می‌گویند برای روشن شدن وضعیت آنها هر روز به دادگاه انقلاب مراجعه می‌کنند. اما در این میان خانواده‌های بسیاری هستند که هنوز هیچ اطلاعی از سرنوشت عزیزان خود ندارند و نام آنان نه در لیست‌های زندان اوین و دادگاه انقلاب است و نه مسولان امر پاسخی به آنها می‌دهند. مادر یکی از زندانیان به «روز» می‌گوید: از 25 خرداد هیچ اطلاعی از وضعیت پسرم ندارم و هیچ کسی جواب نمی‌دهد و مسولیت نمی‌پذیرد. این مادر که به شدت نگران پسر 22 ساله‌اش است، گریه امانش نمی‌دهد و در میان گریه می‌گوید: پسر من می‌خواست رای خود را پس بگیرد اما من اکنون حتی نمی‌دانم او کجاست و کجا برده‌اند و چه اتفاقی برای او افتاده است.

این مادر با گله از برخورد مسولان می‌افزاید:

تهدید می‌کنند که اگر سرو صدا کنید بازداشتتان می‌کنیم و این روزها بارها توهین کرده و با خشونت ما را راهی خانه‌هایمان کرده‌اند، در حالی‌که من فقط می‌خواهم از پسرم خبری بگیرم.

ولایت سرکوب

مادر این پسر مفقود شده با بیان اینکه از آقای موسوی می‌خواهیم پی‌گیری وضعیت فرزندان ما باشند از خبرنگار روز آدرس ستاد میرحسین موسوی را می‌خواهد و ما شماره تلفن ستاد پی‌گیری بازداشت‌شدگان را که از سوی موسوی و کروی تشکیل شده در اختیار او قرار می‌دهیم.

میرحسین موسوی و مهدی کروی کمیته مشترکی برای پی‌گیری وضعیت بازداشت‌شدگان و مفقودشدگان تشکیل داده و از مردم خواسته‌اند که به این کمیته مراجعه کنند. این کمیته به گفته علیرضا بهشتی روز دوشنبه تشکیل جلسه داده و قرار شده در خصوص تشکیل یک بانک اطلاعاتی از بازداشتی‌ها و کشته‌شدگان بعد از انتخابات اقدام شود.

همچنین مرتضی الویری که مسول رایزنی این کمیته با مسولان قضا معرفی شده گفته است: مقرر شده تا در ملاقات با مقامات هرچه سریع‌تر وضعیت بازداشت‌شدگان و مفقودشدگان روشن شود و خانواده‌های آنها از نگرانی رهایی یابند. بر اساس گزارش سایت اعتماد ملی تا روز چهارشنبه هفته گذشته 130 نفر به این کمیته مراجعه کرده بودند که 46 نفر وابستگان مفقودینی بوده‌اند که کسی اطلاعی از آنان ندارد.

زندانیان زیر 18 سال

از سوی دیگر در حالی که ادعا می‌شود تمام بازداشت‌شده‌های زیر 18 سال آزاد شده‌اند، اما مشاهدات خبرنگاران روز خلاف آن را ثابت می‌کند. بر اساس این مشاهدات خانواده‌هایی که برای پی‌گیری به دادگاه انقلاب می‌آیند عنوان می‌کنند که دختران و پسران 17 یا 16 ساله آنها بازداشت هستند.

پدر یکی از بازداشت‌شدگان می‌گوید که از وضعیت دختر 17 ساله‌اش هیچ اطلاعی ندارد. او که از عدم پاسخگویی مسولان به شدت عصبانی است به روز می‌گوید: دختر من به همراه دوستانش در بهارستان بوده که به اتفاق یکی از دوستانش بازداشت شده است.

وی می‌افزاید: چند تن از دوستان دخترم شاهد بازداشت او و دوستش بوده‌اند اما نام او نه در لیست زندان اوین است نه در لیستی که اینجا به دیوار چسبانده‌اند و کسی هم پاسخی نمی‌دهد.

ولایت سرکوب

این پدر که همچون سایر خانواده‌های بازداشت‌شدگان از عنوان کردن و انتشار نام خود وحشت دارد و می‌ترسد وضعیت دخترش بدتر شود می‌گوید: هفته گذشته پلیس تهران اعلام کرد که برای پی‌گیری فرزندانمان به پلیس امنیت نیروی انتظامی مراجعه کنیم. ما نیز رفتیم مشخصات دخترم را گرفتند و شماره تلفنی داده و گفتند پی‌گیری می‌کنیم. اما بعد از آن نه به تلفن پاسخ می‌دهند و نه دیگر به آنجا راهمان می‌دهند.

معاون پلیس امنیت نیروی انتظامی 24 تیرماه خبر از آمادگی نیروی انتظامی برای دادن اطلاعات درباره سرنوشت افراد بازداشت شده در حوادث اخیر به خانواده‌های آنان داده و از خانواده‌ها خواسته بود که برای کسب اطلاع از سرنوشت فرزندان خود به پلیس امنیت نیروی انتظامی تهران بزرگ مراجعه کنند.

او همچنین درباره افرادی که اموال آنها توسط پرسنل ناجا تخریب شده است گفته بود که بازرسی ناجا با بررسی شکایات با متخلفان برخورد می‌کند. امری که هیچ وقت تحقق نیافت و با وجود اینکه فیلم‌ها و عکس‌های منتشر شده به خوبی نشان از تخریب خودروها و اموال مردم توسط پگان ضد شورش دارد، اما خانواده‌هایی که برای گرفتن خسارت به مراکز بیمه مراجعه کرده بودند با این جمله مواجه شدند که دستور داده شده به اغتشاشگران خسارت نپردازیم. اعتراض و پی‌گیری این خانواده‌ها تاکنون نتیجه‌ای نداشته است.

انتقال 60 نفر به بند عمومی

روز دوشنبه در دادگاه انقلاب به خانواده‌ها اطلاع داده اند که 60 تن از بازداشت‌شدگان به بندهای عمومی منتقل شده‌اند. این قضیه با اعتراض شدید خانواده‌ها مواجه شده است. آنان می‌گویند فرزندان ما هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند و نباید در کنار مجرمان حرفه‌ای قرار بگیرند. این 60 نفر و همچنین بازداشت‌شده‌های دو روز بعد از انتخابات با وجود اتمام بازجویی‌ها همچنان در زندان به سر می‌برند.

ضرب و شتم شدید بازداشت‌شدگان

نحوه برخورد با بازداشت‌شدگان نگرانی بزرگی را نه تنها در خانواده‌های آنان بلکه در سطح افکار عمومی برانگیخته است. اکثر آزادشدگان عنوان کرده‌اند که به شدت مورد

ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و با باتوم و شوک الکتریکی آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. برخی از این بازداشت‌شدگان هنگام آزادی آثار این برخوردها را در خود دارند. آنان مورد شکنجه قرار می‌گیرند تا اعتراف کنند از ستاد میرحسین موسوی و یا از خارج از کشور خط گرفته‌اند تا اغتشاش ایجاد کنند. یکی از این آزاد شدگان به رادیو فردا گفته است: در بازداشتگاه شاپور داخل آفتاب داغ، روی آسفالت، جوانان زخمی را که در حین تجمع بازداشت شده بودند با بدن‌هایی کاملاً زخمی و خونین و برهنه روی آسفالت داغ خوابانده بودند. آن‌ها به شدت کتک خورده بودند.

برای یک لیوان آب التماس می‌کردند. شیر آب در فاصله ده متری بازداشت‌شدگان بود. اما اجازه نمی‌دادند احدی قطره‌ای آب بنوشد. اجازه نمی‌دادند نیازهای اولیه اشان را برطرف کنند. به گفته وی آن‌هایی را که با بدن زخمی ناشی از سوختگی درد می‌کشیدند روی آسفالت داغ می‌خوابانند.

جوانکی قسم می‌خورد که بسیجی‌های هم‌محل خودم مرا برداشتند و انداختند توی آتش. این بود که این نوجوان از آرنج تا مچ دستش پوست نداشت. این فرد را با آن وضعیت خوابانده بودند روی آسفالت داغ. کسانی می‌آمدند بین جمعیت و می‌گفتند که دست‌هایتان را پشت گردنتان بگیرید و به حالت کلاغ پر بایستید. شاید تحمل این شکل ایستادن برای یک ساعت سخت نبود، اما مجسم کنید کسی مجبور باشد هشت ساعت به این شکل و شمایل بایستد. ناگهان می‌دیدید یک نفر می‌آمد و با لگد می‌رفت توی صورت هر کسی که دلش می‌خواست و می‌کشید، به میرحسین موسوی فحش می‌دادند و...

تجاوز به بازداشت‌شدگان

از سوی دیگر و در حالی که تاکنون اخبار کمتری از وضعیت بازداشت‌شدگان در شهرستان‌ها منتشر شده، روزنامه «گاردین» نوشته در جریان تظاهرات شیراز چند جوانی که دستگیر شده‌اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.

بر اساس این گزارش پزشک یکی از این جوانانی که مورد تجاوز قرار گرفته گفته است: فقط چهار دندان‌ش سالم باقی مانده است و رکتوم او در اثر تجاوز پاره شده است و مجبور می‌شوند او را با کارت بیمه شخص دیگری به بیمارستان ببرند.

ولایت سرکوب

روزنامه «گاردین» به نقل از این جوان نوشته است «او را دوشنبه بعد از انتخابات وقتی که با چند جوان دیگر مانع حمله مامورین به معترضان می‌شد دستگیر می‌کنند. تمام آن روز او را در ماشین نگاه می‌دارند، بعد به یک سلول انفرادی می‌برند و در آنجا او را از سقف آویزان کرده و مرتبا می‌زنند. بعد او را به اتاقی دیگر می‌فرستند که چند جوان همسال او در آنجا بودند. روز شنبه یا یکشنبه بعد بود که در این محل جدید به او تجاوز می‌کنند. سه مرد قوی هیکل وارد اتاق می‌شوند و دو نفر او را روی زمین می‌خوابانند و نفر سوم جلوی آنها و چهار بازداشتی دیگر به او تجاوز می‌کند. این کار در روزهای بعد هم ادامه پیدا می‌کند و بازجویی و فشار برای "اقرار" به اینکه از خارج دستور می‌گرفته نیز همراه آن ادامه پیدا می‌کند: در تمام طول هفته گذشته دیگر بازجویی هم نبود، فقط تجاوز و بعد سلول انفرادی...

تحویل پیکر کشته‌شدگان

این اخبار در حالی منتشر می‌شود که طی روزهای گذشته پیکر چند تن از کشته‌شدگان به خانواده‌های آنان تحویل داده شده است. خانواده‌هایی که سرگردان و درمانده از پی‌گیری‌های بی‌جواب، پیکر عزیزانشان را در بهشت زهرا به خاک سپرده‌اند.

این مساله به شدت نگرانی خانواده‌های بازداشت‌شدگان را در پی داشته است. آنان هم از کشته شدن فرزندانشان می‌ترسند و هم از اینکه فرزندانشان مورد شکنجه قرار بگیرند و در مراجعه به دادگاه انقلاب این نگرانی‌ها را بر زبان می‌آورند. اما فقط با برخوردهای تند مسولانی مواجه می‌شوند که مطابق قانون باید پاسخگو باشند و نیستند. در حالیکه مقامات رسمی آمار بازداشت‌شدگان را 500 نفر ذکر می‌کنند گروه‌های مدافع حقوق بشر اعلام کرده‌اند که تعداد بازداشت‌شدگان بیش از 2000 نفر است.

فیگارو: ایران، پایان افسانه حکومت مذهبی

در یک فرضیه، هنگامی که داده‌ها اشتباه باشد، بی‌شک نتیجه نادرست بدست خواهد آمد. زمانی که بنظر می‌آید رژیم ایران به عنوان یک دموکراسی کامل اسلامی و قابل احترام جا افتاده است، بحران شدیدی کشور را لرزاند. بحرانی که طبیعی نیست ولی استثنایی است.

در ژرفنای این بحران سیاسی، ایدئولوژی نقشی ندارد. رخداد های خونین ایران را نمی‌توان رد یک سیستم مذهبی دانست، ولی به روشنی عدم کارایی آن در جریان انتخابات به ظاهر دموکراسی دیده شد.

دو کاندیدای ریاست جمهوری، میر حسین موسوی «اصلاح طلب»، و احمدی نژاد «بنیاد گرا» یک مبارزه دموکراتیک انجام می‌دهند، که یک صحنه عادی در زندگی سیاسی ایران بشمار می‌رود.

ولایت سرکوب

این عادی سازی در یک رژیم واپسگرا و مطلق گرایی رخ می دهد، که بیش از هر چیز در پی تثبیت خود می باشد. باید در برابر این عادی سازی هرج و مرج ، بظاهر دموکراتیک ایستادگی کرد. بدتر از آن دیکتاتوری « عادی و روزمره » رژیم ایران است ، که در رگ هایش مذهب، و در سیاست ها یش تمامیت خواهی در جریان می باشد.

از آغاز بدست گرفتن قدرت از سوی خمینی در سال 1979، و بر پایی رژیم مذهبی و ولایت فقیه « حکومت رهبر عظیم الشان» یک دکترین سیاسی- مکتبی بنیان گذاری شده است. مخلوطی بهم آمیخته از حق دخالت در زندگی خصوصی و اجتماعی مردم، بر پایه فقه غیر قابل تحمل و واپسگرای شیعه دوازده امامی، و ظهور امام غایب شکل گرفته است.

در این تمامیت خواهی سبز رنگ ، قدرت مذهبی و سیاسی مطلق، از آن متولیان دین است ، که نمایندگان خدا بر روی زمین می باشند. مانند رهبر عظیم الشان که تقدس اش بی هیچ شک و تردید است.

ایرانیان از بد حادثه به زیر شلاق مذهب افتادند، و امروز در حال مبارزه بر علیه ، سلسله روحانیون مورد نفرت مردم می باشند. در این جامعه دیگر باور به « مدینه فاضله » از میان رفته است.

بتازگی سرنگون کنندگان شاه با بهره گیری از ابزار نوین تکنولوژی و ارتباطات، در نظر دارند که قرن ها فاصله ای میان دنیای واقعی و جدید قرن بیست و یکم را، با دنیای تخیلی اورول (مزرعه حیوانات) حفظ نمایند.

شجاعت تظاهر کنندگان ملایان را نگران ، و فصلی تازه در تاریخ این ملت باز کرد. این جنبش فراتر از یک انفجار اجتماعی بود که بخاطر یک تقلب انتخاباتی پدید آمده باشد، و مانند تیغ دولبه ی عمیقی است، که به بریدن خود ادامه خواهد داد. در برابر این واماندگی سیاسی و از دست رفتن تقدس رژیم ، مردم در تهران براه افتادند و شعار های « مرگ بر خامنه ای» سر دادند.

به فرمان رهبر « بسیجیان» به جان تظاهر کنندگان افتادند. ترسی بی سابقه که نتایج سنگینی در بر داشت. عدم اطاعت وفرمانبرداری مردم از روحانیت شیعه، ولایت فقیه را

ولایت سرکوب

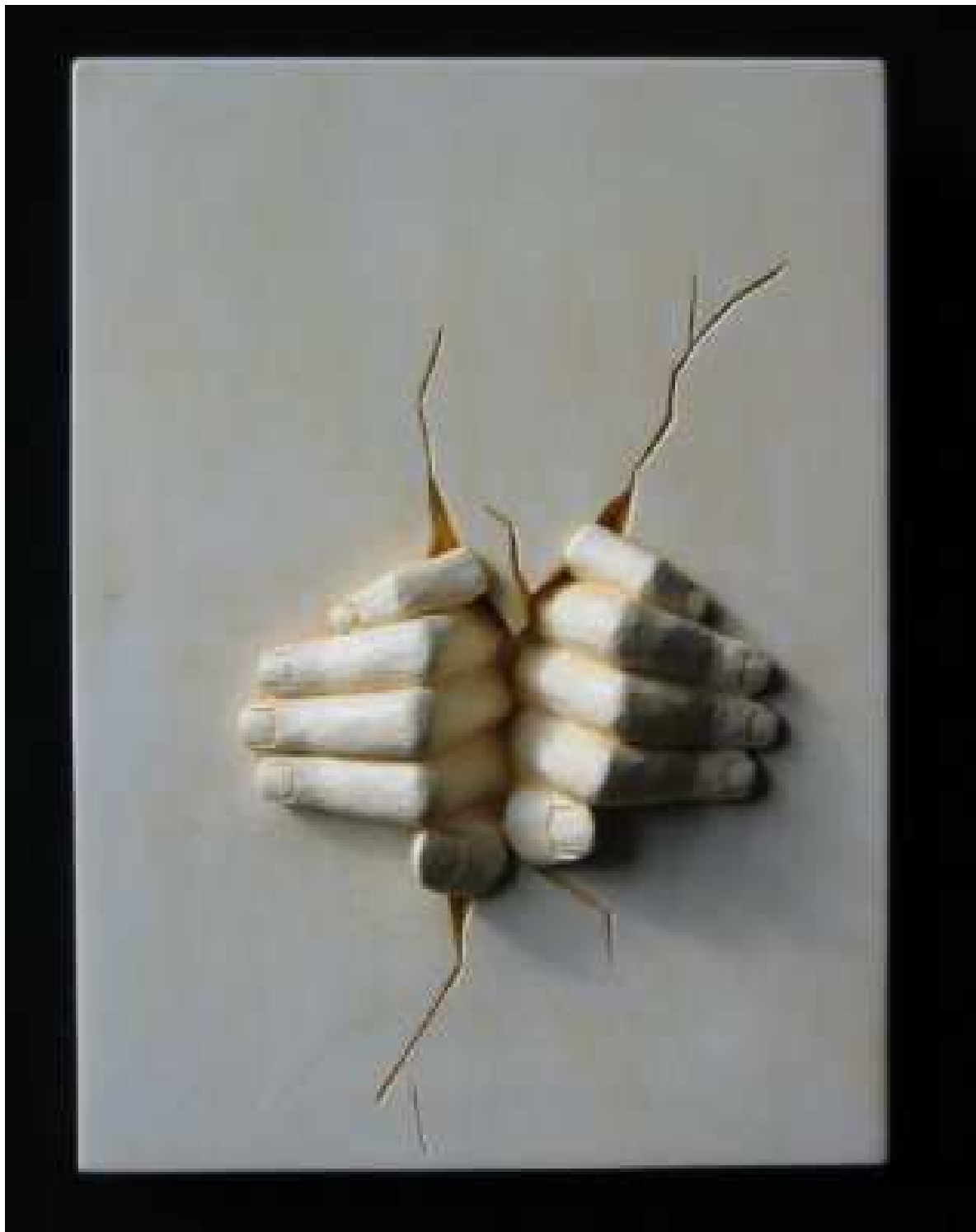
خشمگین و تقدس او زیر سؤال برده است، و این نشانه نگرانی برای گروه روحانیونی است که در پناه سرکوب و ترساندن مردم، این واکنش ها را توطئه خارجی می خوانند. هرچه که پیش آید رقابت میان دو کاندیدای ریاست جمهوری است: میر حسین موسوی، کسی که گفته می شود «پیشرفت خواه» و «اصلاح طلب» است، و خود محصول انقلاب مذهبی می باشد، ومدت هشت سال نخست وزیر خمینی و خامنه ای رهبر کنونی بوده است، و از سوی دیگر محمود احمدی نژاد، «هاله نور» که با تهدیدات اتمی و بهره برداری از اوضاع نابسامان عراق، بنیادگرایی و شوک تمدن ها را محور اصلی سیاست خارجی اش قرار داده است.

این درگیری میان گروهی، چیزی نیست جز بهانه، برای مردمی که تصمیم دارند به آزادی برسند، و حکومتی که بخوبی می داند که کمترین بازگشایی، فروپاشی بنای دیکتاتوری را در پی خواهد داشت.

«اصلاح طلبان» در رأس خود رفسنجانی را دارند، که کوششی ندارد رژیم را که به آن وابسته است سرنگون کند. برعکس او در پی چاره ای است که بقای رژیم را با دگرگونی سیاسی، در راستای ادامه همان ایدئولوژی تضمین کند، و چهره بهتری از رژیم نشان دهد، که در پی زیاده روی ها و سخنان موعظه وار احمدی نژاد اعتبار خود را از دست داده است. روابط بحرانی میان جامعه ایران و قدرت مذهبی بیشتر خواهد شد، تا زمانی که از حد آن بگذرد و رژیم سرنگون گردد.

ایرانیان در یافته اند که یک حکومت مذهبی به هیچ روی اصلاح پذیر نیست، و به زباله دانی تاریخ خواهد افتاد. آنها همینطور می دانند برای آزادی بهایی سخت باید پرداخت، و در این مبارزه سرنوشت ساز پشتیبانی جهان آزاد بسیار با ارزش خواهد بود.

همینطور که برپایی رژیم مذهبی در سال 1979 در ایران، موجب تقویت جنبش های اسلامی در سراسر جهان، بویژه جهان عرب شد. فروپاشی این رژیم مکتبی، تنش ها را در بخش های زیر نفوذ آن، و در جهان کاهش خواهد داد، و پشت سر خود موجی از خرابی و تأسف بر جای خواهد گذاشت.



کاک حسن امینی از علمای منطقه کردستان در هواپیما بازداشت شد

کاک حسن امینی حاکم شرع منطقه کردستان و از علمای صاحب نام سنی مذهب کرد که برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی طلاب علوم دینی مدرسه دارالعلوم به زاهدان رفته بود پس از شرکت در مراسم و انجام سخنرانی در هنگام سوار شدن به هواپیمای پرواز زاهدان به تهران دستگیر شد.

کاک حسن امینی حاکم شرع منطقه کردستان و از علمای صاحب نام سنی مذهب کرد که برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی طلاب علوم دینی مدرسه دارالعلوم به زاهدان رفته بود پس از شرکت در مراسم و انجام سخنرانی در هنگام سوار شدن به هواپیمای پرواز زاهدان به تهران دستگیر شد.

کاک حسن امینی در این مراسم در سخنرانی خود به تحلیل اوضاع کشور پرداخت و با نقد رویه های جاری پس از انتخابات، به بازداشت های گسترده فعالان سیاسی، اجتماعی و

ولایت سرکوب

دانشجویان اعتراض کرد. لازم به ذکر است حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان هم اکنون یکی از بزرگترین مراکز دینی و علمی اهل سنت ایران است.

همه ساله تعداد زیادی عالم دینی و حافظ قرآن اعم از مرد و زن از این حوزه فارغ التحصیل می شود، که مراسم با شکوهی به مناسبت فارغ التحصیلی آنان به نام ختم صحیح بخاری برگزار می شود.

کتاب صحیح بخاری به اتفاق اهل سنت و جماعت صحیح ترین کتابی است که بعد از کتاب الله قرار دارد این کتاب در قرن سوم هجری توسط امام محمد بن اسماعیل بخاری به رشته تحریر در آمد که مورد استقبال همه محدثین عالم اسلام قرار گرفت.

دعوت از علمای کشورهای چون پاکستان، هندوستان، امارات، سوریه، عربستان، افغانستان، تاجیکستان آسیای میانه نیز یکی دیگر از ویژگی های این مراسم است. در مراسم ختم بخاری امسال ۱۰۵ فارغ التحصیل مرد، ۴۴ حافظ کل قرآن مرد، ۶۳ فارغ التحصیل زن و ۶ حافظ کل قرآن زن معرفی شدند. همایش ختم صحیح بخاری در حوزه علمیه دارالعلوم اهل سنت زاهدان سابقه ۱۸ ساله دارد.

اسامی دستگیرشدگان در اویش

صبح امروز مقابل دادستانی گناباد ، در پی حمله نیروهای لباس شخصی و گارد ویژه ضد شورش ، تعدادی از در اویش سلسله نعمت الهی گنابادی دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند .

براساس آخرین اخبار و گزارشهای دریافتی از خبرنگار سایت مجذوبان نور ؛ اسامی برخی دستگیرشدگان امروز به قرار زیر است :

- 1- علی کاشانی فر
- 2- محمد کاشانی فر
- 3- علیرضا عباسی
- 4- شکرالله حسینی
- 5- رحمت حسینی
- 6- حجت علی اکبری

7- بهروز مجاوری

8- عباس علی اصغری (90 ساله)

9- عبدالرضا کاشانی

10- آقای جعفری

11- زیبا هنرور

12- محمد مروی

13- مهدی طاهری

همچنین سحرگاه امروز آقایان رامین سلطانخواه ، ظفر مقیمی ، سعید کاشانی ، سعید شمسایی و آقای نواب مقابل زندان گناباد دستگیر که تاکنون از محل نگهداری و وضعیت جسمی آنها خبری دریافت نشده است .

براساس این گزارش خانم شکوه حقیقت و آقای محسن کاشانی که امروز در تجمع مقابل دادستانی گناباد به دست نیروهای لباس شخصی و گارد ضد شورش مضروب شدند در بیمارستان بستری و حال جسمی آنها وخیم است .

منبع خبر : مجذوبان نور

روزشمار نقض حقوق بشر شهروندان بهایی در تیرماه

2 تیر : مهاجمین ناشناس در نیمه های شب به مغازه فیلتر فروشی آقای پیمان شادمان، شهروند بهایی ساکن سمنان هجوم آوردند و با سنگ و آجر شیشه های مغازه را شکستند در همین شب مهاجمین به مغازه عینک فروشی اکبر پورحسینی شهروند بهایی دیگر سمنانی هجوم آوردند که با پرتاب مواد آتش زا سعی در آتش زدن محل مزبور داشتند.

- حکم خانم فیروزه یگان (اسدی) شهروند بهایی ساکن قائمشهر که سال پیش مدتی در حبس بود اعلام شد بنابر این حکم ، وی به یک سال زندان محکوم شد.

3 تیر : دو شهروند بهایی ساکن بهشهر مازندران به نامهای ضیاءالله الله وردی و همسرش سونیا تیبانیان که در سال گذشته 50 روز در بازداشت بوده اند پس از دو جلسه دادگاه در

ولایت سرکوب

اردیبهشت و خرداد به اتهام اقدام علیه امنیت نظام به ترتیب به 2 و 1 سال زندان محکوم شدند.

- به بهاییان ساری دستور داده شد مبلغ 300 هزار تومان به عنوان جریمه تغییر کاربری گورستان بهایی این شهر یعنی دفن مردگان بپردازند، نکته قابل توجه آنستکه این زمین توسط خود حکومت سالها پیش برای دفن مردگان بهایی به ایشان داده شده بود.

6 تیر : در طی روزهای گذشته لیستی از اسامی کسبه بهایی سمنان بر تابلو اعلانات ادارات دولتی و خصوصی این شهر نصب شد.

7 تیر : آقای مشفق سمندری شهروند بهایی ساکن بابل پس از 2 ماه ونیم بازداشت با وثیقه 50 میلیون تومان آزاد شد.

9 تیر : خانم منیژه منزویان (نصرالهی) شهروند بهایی ساکن سمنان پس از 15 روز بازداشت با وثیقه 100 میلیون تومانی موقتا آزاد شد.

- دادگاه آقای سیامک ایقانیان شهروند بهایی اهل سمنان که دو ماه پیش مدتی بازداشت بوده در این روز تشکیل شد که اعلام حکم به آینده موکول شد.

- نیمه های شب مغازه فیلتر فروشی پیمان شادمان در سمنان بار دیگر مورد هجوم اشخاصی ناشناس قرار گرفت که موجب آتش سوزی مغازه مذکور شد .

11 تیر : سه نفر از شهروندان زندانی بهایی در سمنان به نامهای عباس نورانی ، عادل فنائیان و طاهر اسکندریان پس از گذراندن دوران محکومیت 6 ماهه از زندان آزاد شدند.

- اوراقی حاوی نظرات مراجع تقلید در ممنوعیت ارتباط با بهاییان در مرودشت شیراز پخش گردید .

15 تیر : ملاقات خانواده گروه موسوم به " یاران " یا مسئولان سابق اداری جامعه بهایی ایران که بیش از يك سال است بدون محاکمه در بند 209 اوین در بازداشت می باشند بدلیل تعطیل عمومی لغو گردید.

- در طی روزهای اخیر ایمیلها و نامه های تهدید آمیزی برای بهاییان در شهرهای مختلف ارسال می شود که يك نمونه آن که برای خانواده ای در کرج ارسال شده بدین شرح می باشد : "اخطاریه: .. لعنت بر منافق وطن فروش لعنت بر فرقه ی بهائیت. این اغتشاشات

ولایت سرکوب

که به پا شده خیلی موجبات خوشحالی شما فراهم شده خودتان را خوب نشان دادید و می‌دهید که چه خائن پستی هستید فکر نکنید می‌توانید از این ماجرا خالی در بروید اگر احیاناً این ماجرا ادامه پیدا کنید بدانید خانه اتان به آتش کشیده میشود. بدانید تمام گروه‌ها و دسته های شما تحت کنترل است. دست از جاسوس بازی و خرابکاری و تخریب جامعه بردارید بی خودی خوشحال نشوید پوست از سرتان می‌کنیم.”

17 تیر : سهراب لقایی شهروند بهایی ساکن قائمشهر توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت شد. قابل ذکر است منزل نامبرده در دی ماه سال گذشته مورد تفتیش ماموران قرار گرفته بود.

- در این روز خانم سیمین گرجی شهروند بهایی ساکن قائمشهر به اداره اطلاعات احضار شد.

18 تیر : نیروهای وزارت اطلاعات به منزل چهار نفر از شهروندان بهایی بوشهر هجوم آوردند و پس از بازرسی و ضبط بعضی از اموال، دو نفر از بهاییان این شهر به نامهای اسد جابری و فرزندش عماد جابری را نیز بازداشت کردند .

20 تیر : دو نفر لباس شخصی ساعت 10/5 شب به مطب دکتر ایرج میدانی پزشك 68 ساله بهایی ساکن بندرعباس می روند و پس از مضروب کردن وی با چاقو از مطب خارج می شوند قابل ذکر است که در چندین نماز جمعه قبل، ذکری از فعالیت بهاییان در بندرعباس شده و شاهد آن را دکتر بهایی شهر معرفی میکنند.

- دادگاه گروه " یاران " که قرار بود پس از يك سال و دو ماه بازداشت در این روز تشکیل شود بدون ارائه دلیل تا اطلاع بعدی لغو شد .

- خانم فریده جابری خواهر اسد جابری که دو روز پیش در بوشهر بازداشت شده بود به اداره اطلاعات شهر مزبور احضار و متعاقباً بازداشت می شود.

21 تیر : خانم عالیہ جابری شهروند بهایی ساکن بوشهر به اداره اطلاعات احضار و پس از بازجویی طولانی هنگام شب آزاد گردید این بازجوییها به همین شکل در روزهای 22 و 23 تیر ماه نیز ادامه یافت .

23 تیر : خانمها رها ثابت و هاله دو جوان بهایی ساکن شیراز که دوران محکومیت 3 ساله خود را در زندان این شهر می گذرانند به مدت یک هفته مرخصی آمدند .

27 تیر : در نیمه های شب ، تعمیر گاه اتومبیل آقای " شیر دل پیراسته " شهروند بهایی ساکن سمنان توسط اشخاصی ناشناس آتش کشیده می شود .

30 تیر : دادگاه آقای بهنام متعارفی یکی از شهروندان بهایی سمنان که چندماه پیش مدتی در بازداشت بود ، در این روز تشکیل شد . اتهامات نامبرده " عضویت در تشکیلات بهایی " و " تبلیغ علیه نظام " بوده است .

- گزارش شده است که اداره گذرنامه در کرج (استان تهران) از متقاضیان بهائی خواسته است فرم ویژه ای را پر کنند. در بالای این فرم نوشته شده است "بیوگرافی فرقه ضاله بهائیت" و در آن اطلاعات شخصی متقاضی شامل نام، شغل، میزان تحصیلات، نشانی و شماره تلفن وی پرسیده شده است. در این فرم بخش دیگری نیز به اطلاعات مربوط به بستگان درجه ۱ و ۲ متقاضیان اختصاص داده شده که حاوی همان پرسش ها در مورد نام، شغل، شماره شناسنامه، تاریخ تولد و نشانی این افراد می باشد .

- آقای بدیع الله ابوالفضلی زندانی بهایی ساکن تنکابن پس از گذراندن دوران محکومیت شش ماهه از زندان آزاد شد . اتهامات نامبرده عضویت فعال در جامعه بهایی ، تبلیغ بهائیت و اقدام علیه جمهوری اسلامی بوده است .

کمیته بهاییان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

مراسم ختم دانشجوی جان باخته روز یکشنبه در تهران

خبرنامه امیرکبیر: محسن روح الامینی، دانشجوی رشته کامپیوتر دانشکده فنی دانشگاه تهران، در زندان اوین به شهادت رسید. وی در تظاهرات روز 18 تیر پس از بازداشت به زندان اوین منتقل شده بود که در آنجا به دست ماموران کشته شده است. مراسم ختم شهید محسن روح الامینی روز یکشنبه هفته جاری در مسجد بلال تهران برگزار خواهد شد.

محسن روح الامینی پس از آنکه سرش با ضربه باتوم می شکند، علائم عفونت مننژیت در وی دیده می شود. اما با وجود آنکه وی پس از دستگیری در بیمارستان شهدای تجریش بستری می شود، از رسیدگی جدی به عفونت زخم وی جلوگیری می شود تا آنکه وی از دنیا می رود. پیکر وی برای چندین روز در سردخانه‌ای در کهریزک، که گفته می شود اجساد دیگری نیز در آنجا نگهداری می شود، نگهداری می شده است

افشای بخشی از دزدی و فساد اخلاقی آخوندها (محمد یزدی)

آیت الشیطان یزدی، محمد به کمرت بزنه، ما هی حیا میکنیم، که فسادهای اخلاقی تو و خونوات رو نگیم اما مجبورمون میکنی که عنوان کنیم.

تو دفتر بازرسی ویژه تو فردی بود به نام مشهدی که مستقیم برای تو کار میکرد و فرد شناخته شده‌ای هم هست الان هم در قوه قضایه حضور داره، پرونده فردی به نام آقای رنجبر که یکی از کارخانه داران قم بود برای رسیدگی به تخلفات دادگاه به دستش رسید، پیگیر کننده پرونده همسر آقای رنجبر بود، که در برجهای سامان سکونت داشت، خانمی فوق العاده زیبا با دو فرزند، چند بار که به دفتر جناب عالی با هماهنگی مشهدی مراجعه کرد شما به ایشان گفتین این مرد لایق تو نیست، که نوار مکالمات شما هنوز در وزارت اطلاعات موجود هست، اگر کسی در اون وزارت شرف داشته باشه این نوارها رو افشا می‌کنه، و بالاخره زندانی رو مجبور به طلاق از همسرشون کردین که به صیغه شما در

ولایت سرکوب

بیاد.. روزهای پنج شنبه بعد از ظهر پس از اقامه نمازتان در یکی از مساجد شمیران به اتفاق راننده به منزل این خانوم تشریف میبردین و شوهر بی نوا نیز در زندان دچار جنون شد، اون وقت شما دم از ولایت خدا میزنید؟

آیا میدانید رنجبر حالا در یکی از بیمارستتهای روانی تهران بستری هست، شما پس از یکی دو سال رابطه با همسر ایشون بعد از این که فهمیدین وزارت پیگیر ماجرا هست با قول، دادن بخشی از سهام کارخانه لاستیک سازی دنا ایشون رو رها کردین ولی نه از سهم دنا خبری شد نه از وعده شما، که بعد هم تهدیدش کردین و پسرتون حمید یزدی رو به سراغ خانوم فرستادین.

اگر بخواهیم تمام کثافت کاری‌هایی شما رو بنویسم، هزاران تن پرونده در جاهای مختلف از قوه قضایه، وزارت اطلاعات، حفاظت فلان و... از شما و فرزندتان موجود است که متأسفانه به خاطر این پرونده ها، دولت کودتا از شما در حال سوءاستفاده هست، مرد باش و اون لباس رو در بیار و بیا در حضور مردم اعلام کن که اشتباه کردی، یا اینکه منتظر بمان تا مردم ایران امثال تو رو محاکمه و به سزای عمل ننگینتون برسوند، تف به تو و وجدان کثیفت

پرواز ارومیه - تهران دچار اشکال و از باند خارج شد



پرواز ارومیه به تهران که قرار بود ساعت 12:45 امروز صورت بگیرد، در فرودگاه تهران دچار اشکال فنی و از باند فرود این پرواز خارج شد
جهان نیوز: پرواز ارومیه به تهران که قرار بود ساعت 12:45 امروز صورت بگیرد، در فرودگاه تهران دچار اشکال فنی و از باند فرود این پرواز خارج شد. به گزارش

ولایت سرکوب

خبرنگار ایلنا، پرواز ارومیه به تهران که قرار بود ساعت 12:45 دقیقه امروز صورت بگیرد، با 45 دقیقه تاخیر در فرودگاه تهران دچار اشکال فنی و از باند فرود این پرواز خارج شد که نگرانی‌های زیادی را برای مسافران به همراه داشته است.

بنا به گفته یکی از مسافران که در این پرواز حضور داشت، گفت:

«پرواز هواپیمای ایرباس 272 از ارومیه به تهران در زمان فرود بنا به گفته خلبان دچار

اشکال فنی شد.»

وی افزود: «قبل از نشستن هواپیما در بند مخصوص خود، هواپیما از باند خارج و به سختی توسط خلبان هواپیما کنترل گردید.» این مسافر که خواست نامش فاش نشود، اظهار داشت: «اکنون یدک‌کش‌های فرودگاه جهت جابجایی این هواپیما در تلاش هستند.»

دست راست سهراب اعرابی شکسته شده بود



این عکس پیش از خاکسپاری سهراب اعرابی و هنگام شستشوی او گرفته شده است. دست راست او شکسته است و سینه اش شکافته! شکستگی دست یعنی که بعد از دستگیری شکنجه شده و شکافتگی سینه یعنی این که به یک بیمارستانی منتقل شده است. و یا با دوختن سینه او خواسته اند اینطور وانمود کنند که در بیمارستان فوت کرده است.

انتقال جعفر ابراهیمی به بند 209



جعفر ابراهیمی از فعالان صنفی معلمان که پیش از انتخابات دستگیر و پس از سپری کردن حدود یک ماه بازداشت در بند امنیتی، 27 تیرماه به بند عمومی زندان منتقل شده بود، مجدداً روز گذشته به بند امنیتی انتقال داده شد.

ولایت سرکوب

جعفر ابراهیمی از ندریانی، از فعالان سابق شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، دبیر آموزش و پرورش شهریار و فعال کانون صنفی معلمان در تهران در رابطه با فعالیتهای صنفی خود مورخ 20 خردادماه سال جاری در منزل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

نامبرده بنا به دلایل نامعلومی روز گذشته از بند عمومی زندان اوین به بند امنیتی 209 وزارت اطلاعات منتقل شد.

این فعال صنفی کماکان فاقد وکیل مدافع بوده و اتهامات وارده بر ایشان مشخص نیست، لازم به یادآوری است نامبرده پیش از بازداشت از بیماری شدید گوارشی در رنج بوده است.

امیر جوادی لنگرودی در زندان اوین جان باخت

با سلام

«حال که این نامه را ارسال می‌کنم از اوین زنگ زدند و گفتند بیا جنازه‌ی پسر و جگر گوشه‌ات را از پزشکی قانونی تحویل بگیر.»

لازم است بگویم پسر در تاریخ 18 تیر ماه در محدوده‌ی امیرآباد توسط لباس شخصی‌ها مصدوم و در بیمارستان بستری بود اما پس از بهبودی به زندان اوین برده شد و حالا جنازه‌ی پسر 24 ساله‌ام را تحویل می‌دهند.

پسر بنام امیرجوادی لنگرودی پسری بود به دور از جریانات سیاسی و فقط عاشق وطن بود همین و بس پسری مودب و سر به زیر که به تازه‌گی مادرش را از دست داده بود و عزادار مادرش بود.

حال من تنها باید برای‌اش عزا بگیرم و مادری نیست تا برایش گریه کند.»

مهندس علی جوادی لنگرودی

انتقال مجدد شادی صدر به سلول انفرادی

یکی از وکلای شادی صدر، از احتمال حبس او در سلول انفرادی بند 209 اوین خبر داد. به گفته محمد مصطفایی اینکه موکلش از سه شنبه پیش تا کنون هیچ تماسی نگرفته می‌تواند نشان از آن داشته باشد که او را در سلول انفرادی حبس کرده و مکرراً مورد بازجویی قرار می‌دهند.

محمد مصطفایی، وکیل شادی صدر، وکیل و فعال بازداشت شده حقوق زنان به خبرنگار میدان زنان گفت: "صبح امروز برای پیگیری پرونده موکلم به شعبه دوم بازپرسی امنیت دادگاه انقلاب مراجعه کردم. بازپرس پرونده به من گفت که در حال حاضر منتظر

گزارش وزارت اطلاعات است و پس از دریافت آن درباره زمان آزادی خانم صدر تصمیم خواهند گرفت."

او درباره اتهام موکلش توضیح داد: "هیچ جواب قانع کننده ای درباره اتهام خانم صدر از بازپرس نگرفتم. در حالی که طبق روال قانونی اتهام موکلم باید در همان روزهای اول به من ابلاغ می شد، هنوز هیچ اطلاعی درباره اتهام او ندارم."

مصطفایی از بی خبری پنج روزه از شادی صدر ابراز نگرانی کرد و افزود: "بازپرس پرونده درباره علت اینکه خانم صدر پنج روز است با خانواده خود تماس نگرفته توضیحی نداد و گفت که موضوع تماس به مسوولان زندان بستگی دارد و کارشناس (بازجو) پرونده متهم در این باره تصمیم می گیرد. اما از آنجا که افرادی که در بند عمومی در حبس هستند یا در سلول انفرادی همراه چند نفر دیگر نگه داشته می شوند، معمولاً اجازه دارند با خانواده خود تماس بگیرند، احتمال اینکه خانم صدر در روزهای اخیر به سلول انفرادی منتقل شده باشد وجود دارد."

شادی صدر از بیست و ششم تیر ماه در زندان اوین در بازداشت به سر می برد و از سه شنبه گذشته تا کنون هیچ تماسی با خانواده خود نگرفته است. این مسئله باعث نگرانی خانواده او، به ویژه دختر کوچکش، دریا شده است.

خبرهایی از اوین - عماد بهاور تحت فشار برای اعتراف قرار دارد

عماد بهاور عضو دفتر سیاسی و رییس شاخه جوانان نهضت آزادی ایران پس از گذشت 44 روز همچنان در بازداشت به سر می برد .

این کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو هسته مرکزی پویش حمایت از خاتمی و موسوی (موج سوم) و شورای سیاست گذاری ستاد ملی جوانان حامی خاتمی موسوم به ستاد 88 قبل از انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم در ششم خرداد به اتهام تبلیغ علیه

ولایت سرکوب

نظام از طریق عضویت در نهضت آزادی ایران بازداشت و به زندان اوین منتقل شد و سرانجام با واکنش بسیاری از شخصیتها و گروه ها پس از 96 ساعت آزاد شد .

پیش از این نیز عماد بهاور در تاریخ 16 اسفند ماه 1387 ممنوع الخروج شده بود .

این در حالی است که بر اساس اصل سی هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است ، اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود .

عماد بهاور ، محمد باقر علوی و محمد توسلی رییس دفتر سیاسی و عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران سه عضو واحد استانی تهران نهضت آزادی ایران هستند که همچنان در بازداشت به سر می برند دیگر اعضای این واحد احمد افجه ای ، علی مهرداد ، روح الله شفیعی ، مجتبی خندان ، سعید زراعت کار ، محمد رضا احمدی نیا ، محسن حکیمی آزاد شده اند .

منبع : وبلاگ با مردم

شهادت یک جوان دیگر در زندان

به گزارش «اعتماد»، امیر جوادی فر دانشجوی رشته‌ی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد قزوین بود. از خانواده‌ی این دانشجو خواسته شده، روز یکشنبه صبح برای تحویل پیکر او مراجعه کنند. جوادی فر در روز ۱۸ تیر دستگیر شده و از ناحیه‌ی بینی و دست آسیب دیده بود اما این دلیل مرگ وی نبوده است

حرکت تعداد زیادی از مردم تهران بسوی صدا و سیما

بنابه گزارشات رسیده مردم تهران برای گرامیداشت یکی از شهدای قیام مردم ایران به صورت دسته های چند نفره از خیابانهای مختلف به سوی صدا و سیما در حال حرکت هستند.

از ساعت 15:00 دسته های چند نفره از مردم تهران برای شرکت در مراسم گرامیداشت جان باخته آزادی محسن روح الامینی که در مسجد بلال قرار است برگزار شود در حرکت هستند. در حال حاضر تعداد زیادی از مردم و بخصوص جوانان دختر و پسر بصورت گروههای چند نفره از نقاط مختلف تهران به سوی مسجد بلال که در محوطه صدا و سیما است در حال حرکت هستند.

همچنین از ونک گروههای متعددی از مردم در حال حرکت بسوی آن نقطه هستند. قرار بود که در مسجد بلال صدا و سیما مراسم گرامیداشت جانباخته راه آزادی مردم ایران راس ساعت 16:00 برگزار شود.

ولایت سرکوب

نیروهای سرکوبگر گارد ویژه در میدان و نک و جلوی دانشگاه خواجه نصیر مستقر شده اند. و همچنین نیروهای سپاه پاسداران و بسیج و لباس شخصیها در نقاط مختلف مسقر شده اند و بر تعداد آنها افزوده می شود.

همچنین نیروهای خبر چین وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی در بین گروههای از مردم نفوذ کرده اند که البته با هوشیاری مردم این افراد شناسائی می شوند و به همدیگر نشان داده می شوند.

و در مواردی آنها را هو می کنند که مجبور به فرار از جمعیت می شوند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

4 مرداد 1388 برابر با 26 ژولای 2009

فعال حقوق زنان در سلول انفرادی بند امنیتی 209

سایت میدان زنان: یکی از وکلای شادی صدر، از احتمال حبس او در سلول انفرادی بند 209 اوین خبر داد. به گفته محمد مصطفایی اینکه موکلش از سه شنبه پیش تا کنون هیچ تماسی نگرفته می تواند نشان از آن داشته باشد که او را در سلول انفرادی حبس کرده و مکرراً مورد بازجویی قرار می دهند.

محمد مصطفایی، وکیل شادی صدر، وکیل و فعال بازداشت شده حقوق زنان به خبرنگار میدان زنان گفت: "صبح امروز برای پیگیری پرونده موکلم به شعبه دوم بازپرسی امنیت دادگاه انقلاب مراجعه کردم. بازپرس پرونده به من گفت که در حال حاضر منتظر گزارش وزارت اطلاعات است و پس از دریافت آن درباره زمان آزادی خانم صدر تصمیم خواهند گرفت."

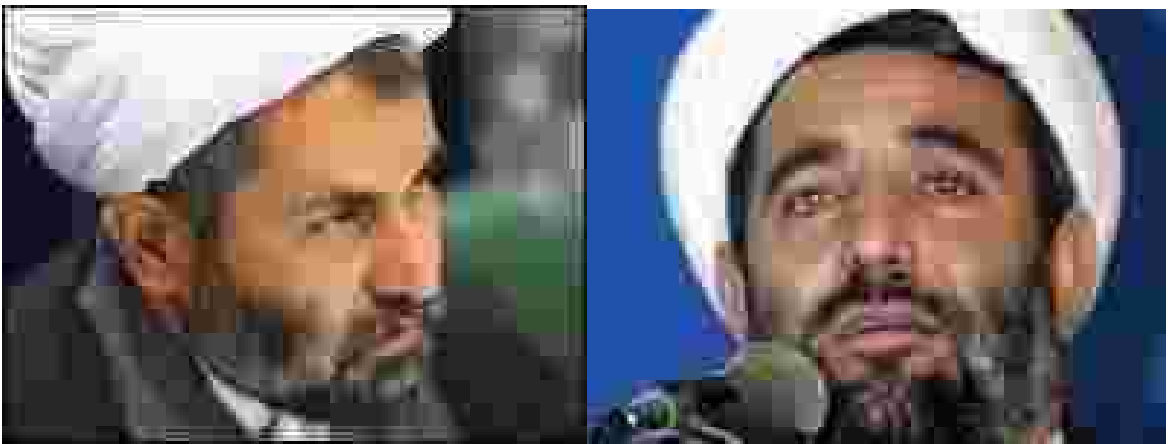
ولایت سرکوب

او درباره اتهام موکلش توضیح داد: "هیچ جواب قانع کننده ای درباره اتهام خانم صدر از بازپرس نگرفتم. در حالی که طبق روال قانونی اتهام موکلم باید در همان روزهای اول به من ابلاغ می شد، هنوز هیچ اطلاعی درباره اتهام او ندارم."

مصطفایی از بی خبری پنج روزه از شادی صدر ابراز نگرانی کرد و افزود: "بازپرس پرونده درباره علت اینکه خانم صدر پنج روز است با خانواده خود تماس نگرفته توضیحی نداد و گفت که موضوع تماس به مسوولان زندان بستگی دارد و کارشناس (بازجو) پرونده متهم در این باره تصمیم می گیرد. اما از آنجا که افرادی که در بند عمومی در حبس هستند یا در سلول انفرادی همراه چند نفر دیگر نگه داشته می شوند، معمولاً اجازه دارند با خانواده خود تماس بگیرند، احتمال اینکه خانم صدر در روزهای اخیر به سلول انفرادی منتقل شده باشد وجود دارد."

شادی صدر از بیست و ششم تیر ماه در زندان اوین در بازداشت به سر می برد و از سه شب گذشته تا کنون هیچ تماسی با خانواده خود نگرفته است. این مسئله باعث نگرانی خانواده او، به ویژه دختر کوچکش، دریا شده است.

رویش یافتگان دوران رهبری علی خامنه ای



1- حجت الاسلام ذوالنور، فرمانده لباس شخصی ها

2- حجت الاسلام طائب، فرمانده شکنجه و اعتراف گیری

حجة الاسلام مجتبی ذوالنور است که تا چندی پیش فرمانده تیپ مستقل امام صادق (ع) قم (بسیج طلاب و روحانیون سراسر کشور) بود، اخیراً به ریاست ستاد حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه منصوب شده است.

در سال های نخست دولت خاتمی، وی یکی از رهبران اصلی پشت پرده تجمعات و اعتراضات حوزوی علیه دوم خردادی ها بود. در واقع فرماندهی عملیاتی این اعتراضات را بر عهده داشت و به خوبی هم از عهده این کار برآمد.

یکی از افتخارات جناب ذوالنور، مهارت وی در فنون رزمی بود! وی افتخار می کرد که در برابر توهین کنندگان به روحانیت، با بهره گیری از این فن، آنها را زمین گیر می کند!! در همین راستا بود که در زمان فرماندهی وی، باشگاه مجهزی برای آموزش فنون رزمی به طلاب و روحانیون حوزه تأسیس شد!

به یاد دارم در جلسه توجیهی طلاب برای سازماندهی اعتراضات حوزوی علیه کنفرانش برلین در اردیبهشت 79، وی با مرتد خواندن حسن یوسفی اشکوری، نام او را مشابه عبارت ترکی «اشک بری» - یعنی همانند الاغ- دانست و یوسفی اشکوری را نیز به این حیوان محترم تشبیه کرد! در جریان حمله و تصرف حسینیه و دفتر آقای منتظری نیز وی در سایه پشتیبانی آقایان یزدی (شیخ محمد) و مقتدایی (رییس وقت قوه قضائیه و دادستان وقت کل کشور) که اکنون اولی رییس جامعه مدرسین و شورای عالی حوزه و دومی مدیر حوزه علمیه قم شده اند، فرماندهی پشت پرده این جریان را به عهده داشت.

اکنون پس از گذشت 8 سال از آن روزها، ذوالنور پس از بسیج گسترده حوزه به نفع احمدی نژاد در انتخابات نهم ریاست جمهوری، قم را به قصد تهران ترک کرده و ارتقای رتبه یافته است.

او چند روز پیش از احمدی نژاد خواست که بقیه بازمانده های دولت های قبلی را اخراج کند!

اطلاعات موازی رسماً جایگزین وزارت اطلاعات می شود



سایت میزان نیوز: از مجموع اخبار تائید نشده ای که این روزها مطرح است شنیده می شود

- در پی مجادله میان محسنی اژه ای و حسینیان با مسوولان سازمان اطلاعات موازی و عزل محسنی اژه ای کلیه مسوولیت‌های امنیتی در اختیار آقایان احمد سالک نماینده سابق رهبری در حفاظت اطلاعات سپاه و حسین طائب فرمانده سابق حفاظت اطلاعات سپاه قرار خواهد گرفت سایت میزان نیوز: از مجموع اخبار تائید نشده ای که این روزها مطرح است شنیده می شود

ولایت سرکوب

حجه السلام احمد سالک نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - نماینده ولی فقیه در سازمان حفاظت و اطلاعات سپاه - دبیر هیات عالی گزینش کشور و عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران است که شنیده می شود به اتفاق حجه السلام حسین طائب مسوولیت اصلی سازمان اطلاعات موازی را بر عهده دارند.

- حجه السلام علوی قائم مقام وزرت اطلاعات در پی عزل محسنی اژه ای از وزارت پذیرش سرپرستی وزارت اطلاعات خودداری کرد و آقای طاهری معاون خارجه وزارت اطلاعات این مسوولیت را بر عهده گرفته است.

- شنیده شده که در روزهای قبل از برکناری وزیر اطلاعات، دو معاون وزیر و چندین کارشناس تا حد مدیرکل نیز در این وزارتخانه از سمت‌های خود برکنار و مجبور به بازنشستگی شده‌اند.

بر اساس گزارش فوق تعداد کارمندان رده‌بالای وزارت اطلاعات که پس از انتخابات برکنار و یا مجبور به بازنشستگی شده‌اند، بالغ بر ۲۰ نفر است که دو تن از آنها در ردهی معاون وزیر و بقیه در سطح مدیرکلی و سطوح پایین‌تر بوده‌اند.

این گزارش حاکی است علت اصلی تغییر و تحولات اخیر در این وزارتخانه، گزارش تیم ویژه‌ی وزارت اطلاعات در خصوص پرونده انقلاب مخملی است. تهیه‌کنندگان این گزارش با مطالعه‌ی تمام پرونده‌ها و بازجویی مجدد از تعدادی از بازداشت شدگان اخیر، نتیجه گرفته‌اند که اتهام تلاش برای انقلاب مخملی واقعیت ندارد.

نویسندگان این گزارش که دو نسخه از آن برای رهبری و رئیس دولت هم ارسال شده، نتیجه گرفته‌اند که مجموعه اتفاقات پس از انتخابات نه تنها هیچ ارتباطی با خارج از کشور ندارد، بلکه هیچ تدارکی از قبل برای آن وجود نداشته و قابل پیش‌بینی هم نبوده است.

- اولین واکنش احمدی‌نژاد به تهیه‌ی این گزارش در وزارت اطلاعات، این بوده که سراسیمه به وزارت اطلاعات رفته و بدون اینکه با وزیر و معاونانش جلسه بگذارد، در جلسه‌ای عمومی با کارکنان ستاد این وزارتخانه گفته است: من از سپاه کاملاً راضی هستم، از وزارت هم اصلاً راضی نیستم. وی همچنین گفته است: توطئه‌ی دشمنان برای

براندازی نرم باید افشا شود و انتظار دارم وزارت اطلاعات در این زمینه فعال‌تر باشد. احمدی‌نژاد همچنین چند روز بعد در جلسه‌ای شخصا خواستار برکناری دو معاون وزیر اطلاعات و بررسی نقش دیگر دست‌اندرکاران تهیه‌ی گزارش مذکور شده است.

- نام و سمت دو معاون وزیر برکنار شده، بدین ترتیب است: حبیب‌الله، معاون فرهنگی وزارت اطلاعات و خزاعی، معاون ضد جاسوسی وزارت. دلیل کنار رفتن این دو از سمت‌های خود، مداخلات اطلاعات سپاه در امور وزارت اطلاعات و همچنین به استخدام گرفتن غیرقانونی برخی نیروهای سازمان اطلاعات استان تهران در یک تشکیلات جدید موازی موسوم به «اطلاعات تهران» عنوان شده است.

- پنج تن از معاونان وزارت اطلاعات با ارسال نامه‌ای به رهبری ضمن برشمردن سوابق ضد امنیتی آقایان حسین طائب و اسفندیار رحیم‌شایی به مقام رهبری هشدار داده‌اند که با رویه‌های اخیر، وزارت اطلاعات در شرف از هم پاشیدگی است.

انتقال نبوی، تاج زاده، جاریان و عرب‌سرخ‌ی به زندان 66

سپاه

جدیدترین گزارش‌های رسیده از نگرانی جدی درباره‌ی وضعیت اعضای ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران حکایت دارد و از انتقال سران این سازمان به یکی از زندان‌های سپاه و سپرده شدن بازجویی از آنها به یک تیم جدید زیر نظر نماینده رهبری در حفاظت اطلاعات سپاه خبر می‌دهد.

بر اساس گزارش رسیده به «موج سبز آزادی» بهزاد نبوی، از سران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، از زندان اوین خارج و به بازداشتگاه شصت و شش سپاه منتقل شده است. این گزارش حاکی است مصطفی تاج زاده نیز پس از آنکه به علت شدت برخورد ضربات کابل بر پشتش، کلیه‌هایش دچار مشکل شده و در بیمارستان شهید مدرس تهران مورد مداوا قرار گرفته است، از بیمارستان مدرس به زندان شصت و شش سپاه منتقل شده

ولایت سرکوب

است. پیش از این هم خبر رسیده بود که مصطفی تاج زاده دیسک گردن و کمرش مشکل پیدا کرده است.

به گزارش «موج سبز آزادی» فیض‌الله عرب‌سرخ‌ی نیز که پیش از این در بازداشتگاهی در خیابان فرشته تهران (که اطلاعات سپاه پاسداران به تازگی آن را تاسیس کرده) نگهداری می‌شده، به بازداشتگاه شصت و شش منتقل شده است.

این گزارش همچنین حاکی است سعید حجاریان از جمله دیگر بازداشت شدگان نیز، طبق اظهارات دخترش، ظاهراً دچار بیماری یرقان شده است. از محل نگهداری حجاریان اطلاعی در دست نیست، اما اخبار تایید نشده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه سعید حجاریان در هفته‌ی گذشته تحت تدابیر شدید حفاظتی در بیمارستان نیروی هوایی دیده شده است. بدین ترتیب، با توجه به قرار گرفتن بیمارستان نیروی هوایی در اتوبان تختی و در نزدیکی بازداشتگاه شصت و شش، این احتمال وجود دارد که او نیز در همان بازداشتگاه نگهداری می‌شود.

بر اساس گزارش تایید شده‌ی «موج سبز آزادی» سران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران هم‌اکنون همگی در اختیار اطلاعات سپاه پاسداران هستند و تیم بازجویی مشخصی هم‌اکنون در بازداشتگاه شصت و شش مشغول کار تخلیه اطلاعاتی و القای موارد خواسته شده به این چهار فعال سیاسی زندانی هستند.

گفتنی است مسئولیت سرپرستی تیم بازجویی این چهار تن با حجت‌الاسلام ا. س است که از نمایندگان رهبری در سازمان حفاظت اطلاعات سپاه، از جمله اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات و نیز عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز است. این فرد از برخی مقامات بالا ماموریت گرفته تا به هر شکل ممکن از این چهار نفر اقرار کتبی و ویدئویی بگیرد.

برخی نزدیکان این چهار فعال سیاسی با توجه به خصومت دیرینه‌ای که برخی چهره‌های جامعه‌ی روحانیت و دیگر سران اصولگرا با هر چهار نفر این بازداشت شدگان داشته و دارند، نسبت به جان آنها احساس خطر می‌کنند. به عقیده‌ی ایشان، با توجه به فضای سیاسی- امنیتی حاکم بر تیم بازجویی، به نظر می‌رسد آنها در صدد آن‌اند که با القای

مطالب مورد نظرشان به افراد فوق، راه را برای محاکمه‌ی قضایی آنها و صدور اشد مجازات و حکم زندان طویل‌المدت برای این چهار تن هموار کند.

دختر حجاریان : نگذارید پدرم را بکشند

سعید حجاریان، تحت فشار شدید روحی و جسمی برای اعترافات دروغین است و در وضعیت به شدت خطرناکی قرار دارد. خانواده این چهره سرشناس اصلاح طلب در گفتگو با روز به شدت از وضعیت سلامتی او ابراز نگرانی کرده و اعلام کردند که با برخوردهایی که صورت می‌گیرد مشخص است که قصد جان حجاریان را کرده اند.

زینب حجاریان، دختر سعید حجاریان با بیان اینکه پدر مرا برای پذیرفتن اعتراف تحت فشار شدید قرار داده اند به روز گفت: آقایان از هیچ کاری فروگذار نیستند و کارهایی که انجام می‌دهند ممکن است به قیمت از دست رفتن ایشان منجر شود.

وی با اشاره به دیدار اخیر مادر و برادرش با آقای حجاریان گفت: پدرم به شدت زرد و نحیف شده و کک و مک زیادی نیز در صورت او به وجود آمده است که ما فکر کردیم شاید یرقان گرفته باشد اما یرقان نیست و قضیه خیلی فراتر از این حرفهاست.

زینب حجاریان افزود: پدرم گفته که هر روز او را زیر آفتاب شدید 40 - 42 درجه می‌برند و ساعت ها در زیر آفتاب نگه میدارند و سپس داخل برده و روی او یخ می‌ریزند و ما در این زمینه با پزشک صحبت کردیم و پزشک ایشان گفتند که این قضیه منجر به خونریزی مغزی خواهد شد و با توجه به اینکه یکی از رگ های مغزی پدرم در ترور

ولایت سرکوب

ایشان به شدت آسیب دیده اینها میخوانند پدرم را دچار خونریزی مغزی کرده و اینگونه بکشند.

وی افزود: داروهای پدرم را از خانواده ام نمی گیرند و به ایشان نمی رسانند و ما نگران داروهای هستیم که به او می دهند و می ترسیم این داروها نامناسب باشد یا دز مناسبی نداشته باشد.

وی با ابراز نگرانی شدید از این قضیه تصریح کرد: در آخرین ملاقاتی که خانواده ام با ایشان داشتند سه بازجو حضور داشتند و یکی از بازجوها با تحکم به مادرم گفته چرا اعلام نمی کنید که جای جاریان خوب است و مادرم نیز گفته که ما هم اعلام کنیم مردم احمق نیستند که بپذیرند.

دختر جاریان افزود: این مساله در حضور پدرم بوده و پدرم به شدت ناراحت شده و گفته من که به خواسته شما گفتم جای من خوب است با خانواده ام چیکار دارید و مادرم هم گفته که شما ناراحت نباش من خودم از پس اینها بر می آیم اما بازجو باز با تحکم داد زده که چرا باید ناراحت بشود و مادرم تاکید کرده که این رفتارها نباید در حضور آقای جاریان صورت بگیرد.

وی تصریح کرد: اینها یک هدف دارند یا اینکه از پدرم اعتراف دروغ بگیرند یا اینکه او را نابود کنند و از بین ببرند که نخواهند توانست اعترافی بگیرند. پدر مرا یک بار کشته اند او چیزی برای از دست دادن ندارد و هرگز اعتراف نخواهد کرد.

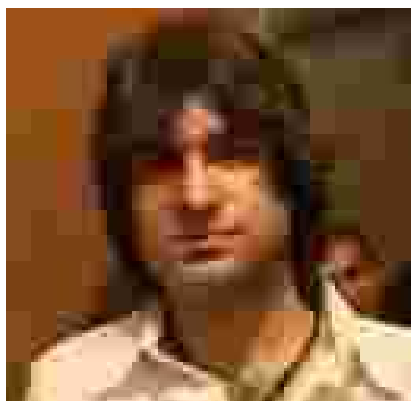
وی با اشاره به بازجویی از همسر و پسر جاریان گفت: نمیدانم این بازجویی در حضور پدرم بوده یا اینکه خبرش را به او منتقل کرده اند اما به شدت ناراحت بوده و از این موضوع به شدت به هم ریخته است.

زینب جاریان توضیح داد: در بازجویی از مادرم که 4 ساعت طول کشیده فرم هایی جلوی مادرم گذاشته اند و از او خواسته اند تمام زندگی اش را بنویسد و او را تحت فشار قرار داده اند بنویسد که با منافقان در ارتباط است و تمام زندگی و سفرهای خارجی مادرم و ارتباطات او را پرسیده اند. وی با بیان اینکه همسر و پسر جاریان به شدت تحت فشار هستند گفت: برادرم را تا کنون چندین جلسه بازجویی کرده اند و ما نمی دانیم

ولایت سرکوب

برنامه آینده آقایان چیست و چه کاری می‌خواهند بکنند و به شدت نگران پدرم و از طرفی نگران مادر و برادرم هستیم و هر اتفاقی برای آنها بیفتد مسولیت آن با دولت ایران است. زینب حجاریان گفت: من شنیده ام حکم ویژه ای در باره پدرم صادر شده اما نمیدانم این حکم ویژه چیست و چه بلایی می‌خواهند سر او بیاورند. دختر حجاریان با اشاره به عدم پذیرش آزادی مشروع از سوی پدرش گفت: ما شنیده ایم که می‌خواستند به صورت مشروط پدرم را آزاد کنند و حقه مرتضوی این بوده که پدرم را در خانه امنی که گفته بود تهیه کنیم از بین ببرند. وی خواهان آزادی پدرش در اسرع وقت شد و گفت: از هر کسی که می‌تواند هر کمکی بکند خواهش می‌کنم کم‌کم کند. پدر من از جان خود گذشته و حاضر به اعتراف دروغ نیست و نگذارید او را از بین ببرند.

امیر جوادی‌فر دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین به شهادت رسید



خبرنامه امیرکبیر: امیر جوادی‌فر دانشجوی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد قزوین به جمع شهدای دانشجو در یک ماه و نیم اخیر پیوست. روزنامه اعتماد با انتشار این خبر گزارش کرد که امیر جوادی‌فر در جریان تجمع روز 18 تیر بازداشت شده بود. مامورین امیر جوادی‌فر را به دلیل شکستگی دست و بینی به بیمارستان منتقل و سپس از آنجا به زندان برده بودند.

امیر جوادی فر دانشجوی دانشگاه آزاد قزوین به شهادت رسید

خبرنامه امیرکبیر: امیر جوادی فر دانشجوی مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد قزوین به جمع شهدای دانشجو در یک ماه و نیم اخیر پیوست.

روزنامه اعتماد با انتشار این خبر گزارش کرد که امیر جوادی فر در جریان تجمع روز 18 تیر بازداشت شده بود. مامورین امیر جوادی فر را به دلیل شکستگی دست و بینی به بیمارستان منتقل و سپس از آنجا به زندان برده بودند.

همچنین روزنامه سرمایه گزارش کرده است که مسئولین مربوطه برای تحویل جسد امیر جوادی فر به خانواده اش برای آنها شرط گذاشته اند تا خانواده وی اعلام کنند امیر از پیش دچار بیماری بوده است.

خبر شهادت امیر جوادی فر در حالی منتشر می شود که روز جمعه نیز خبر شهادت محسن روح الامینی دانشجوی دانشگاه تهران منتشر شد.

در عدم وجود نظارت بر زندان های اوین و کهریزک، نگرانی ها نسبت به وضعیت دیگر زندانیان بازداشتی نیز بیشتر شده است. نمایندگان مجلس نیز که اکثر آنان جزو اصولگرایان افراطی هستند با وخیم شدن ابعاد فجایع اخیر در زندان ها کمیته ای «حقیقت یاب» تشکیل داده اند. اما باید منتظر بود تا دید آیا نتایج تحقیقات این کمیته نیز همانند موارد مشابه خواهد بود یا خیر. این نمایندگان قصد دارند پس از یک و ماه نیم از آغاز بازداشت ها برای بررسی وضعیت بازداشت شدگان به بازداشتگاه ها سر بزنند. طی هفته های گذشته، جان جوانان و جوانان ایران یک به یک توسط مامورین در زندان ها و خیابان ها گرفته شده است تا هر چه بیشتر ادعاهای مسئولین مشخص شود.

تصاویر دلخراش؛ آخرین عکس های دو جوان جان باخته





آخرین عکس های شهید مصطفی غنیان و شهید امیر جوادی فر

شرط تحویل جسد یکی از بازداشتی های 18 تیر به خانواده اش:

بگویید از قبل بیمار بود

جسد جوان و دانشجوی 23 ساله ای که در ناآرامی های 18 تیرماه گذشته دستگیر شده بود، روز گذشته از سوی پزشکی قانونی کهریزک به خانواده اش تحویل داده شد. یکی از نزدیکان مرحوم امیر جوادی فر در خصوص جزئیات این حادثه به «سرمایه» گفت: «امیر روز 18 تیر دستگیر شد. ما تا دو ساعت بعد از گم شدنش خبری از او نداشتیم تا اینکه ماموری از کلانتری 147 که همراه او بود با موبایل پدر امیر تماس گرفت و گفت بیاید بیمارستان فیروزگر. تا نیمه های شب امیر به دلیل شکستگی از چند جا در بدنش در بیمارستان بستری بود و با ضمانت همان مامور و با همراهی پدر امیر به بیمارستان لاله شهرک غرب منتقل شد.»

وی افزود: «ظهر جمعه 19 تیرماه امیر را از بیمارستان مرخص کردند و توسط همان مامور تحویل پلیس امنیت و پیشگیری از جرم داده شد و پس از آن دیگر هیچ خبری از امیر به ما داده نشد، نه زنگی، نه خبری و نه حتی اسمی از او در میان بازداشت شدگان زندان اوین نبود، تا اینکه شنبه 3 مردادماه از طرف پلیس امنیت شهری با پدر وی تماس گرفتند و گفتند بروید جسد پسران را از پزشکی قانونی کهریزک تحویل بگیرید. در حالی که برای تحویل جسد امیر رفته بودیم به ما گفتند باید بگویید برادران از قبل دچار بیماری

ریه بوده است در حالی که چنین چیزی محال است زیرا امیر کاملاً سالم بود. آنها همچنین از خانواده امضا گرفتند که تشییع جنازه فقط با حضور افراد فامیل و خودی برگزار شده و شعاری در آن داده نشود.»

وی تاکید کرد: «بالاخره دیروز جسد را تحویل گرفتیم و امروز صبح (دوشنبه) برای مراسم تشییع به بهشت زهرا ی تهران می رویم.»

از سوی دیگر روز گذشته برخی رسانه ها از تحویل جسد امیر جوادی لنگرودی یکی دیگر از بازداشت شدگان روز 18 تیر ماه به خانواده وی خبر دادند.

وقایع کهریزک، جنایت علیه بشریت

در شرایطی که وضعیت بازداشت شدگان باعث نگرانی بخش عمده‌ای از جامعه شده و وجود بازداشتگاه‌های غیرقانونی حتی به تایید رهبر نظام هم رسیده است، «موج سبز آزادی» گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای را از برخی افراد آزاد شده از زندان و منابع دیگر دریافت کرده که نشان‌دهنده‌ی وضعیت فاجعه‌بار و غیر انسانی حاکم بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های قانونی و غیرقانونی است.

بر اساس گزارش رسیده به «موج سبز آزادی» یک خانم محببه که در روزهای تبلیغات انتخاباتی با خودروی شخصی خود اقدام به پخش سی‌دی «نود سیاسی» می‌کرده، به همین خاطر پس از انتخابات شناسایی و در منزل خود بازداشت می‌شود.

ولایت سرکوب

وی خبر داده که در مدت بازداشت، بارها مورد ضرب و شتم مأموران مرد قرار گرفته، بازجوها مرتبا با الفاظ رکیک و ناسزا به توهین و تحقیر وی می‌پرداخته‌اند و حتی مأموران مرد موهای او را می‌کشیده و دائما با تماس بدنی، او را مورد آزار قرار می‌داده‌اند تا اعتراف کند که با برخی چهره‌های سیاسی، رابطه‌ی نامشروع داشته است. این گزارش حاکی است وی پیش از آزادی مجبور شده نوشته‌ای را امضا کند مبنی بر اینکه در زندان با وی هیچ‌گونه بدرفتاری نشده و حتی هفته‌ای دو بار هم در زندان چلوکباب خورده است!

گزارش دیگری که یکی از بازداشت شدگان هفته اول پس از انتخابات، پس از آزادی در اختیار «موج سبز آزادی» قرار داده، حاکی است که به محض انتقال وی به پاسگاه کلانتری و در ابتدای ورود به این پاسگاه، وی و دیگر بازداشت شدگان به شدت کتک خورده‌اند. او همچنین یکی از شکنجه‌های تحقیرآمیز صورت گرفته را این‌گونه توصیف کرده که: بازداشتی‌ها را در کف توالت پاسگاه می‌خوابانند، سربازی پایش را پشت گردنشان می‌گذاشت و آنها را مجبور به لیس زدن توالت می‌کرد.

وی همچنین فاش کرده که در یک مورد که سربازی از این کار امتناع کرده، مورد ضرب و شتم مافوقش قرار گرفته و سپس او هم بازداشت شده است. وی در عین حال خبر داده که از همان روزهای ابتدایی، در حین کتک زدن بازداشتی‌ها، مرتبا در پاسگاه فحش‌های رکیک به هاشمی و خاتمی و موسوی می‌داده‌اند.

موضوع دیگری که در دو روز اخیر و به دنبال شهادت فرزند یکی از مسئولان دولت نهم به رسانه‌ها درز کرده، ابتلای احتمالی برخی بازداشت شدگان به بیماری مننژیت است؛ طوری که ابتدا سردار علایی در یادداشت خود فاش کرد که وزیر بهداشت از توزیع گسترده و البته دیر هنگام واکسن مننژیت در زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها خبر داده، سپس مدیرکل زندان‌های قوه قضاییه تایید کرده که تنها در اوین به 4000 زندانی واکسن مننژیت تزریق شده و دست آخر سخنگوی کمیسیون امنیت ملی خبر داده که سعید مرتضوی در جلسه‌ی این کمیسیون ادعا کرده محمد کامرانی و محسن روح‌الامینی به علت ابتلا به بیماری مننژیت درگذشته‌اند.

ولایت سرکوب

در این باره، یک پزشک متخصص که نخواست نامش فاش شود، در گفت‌وگو با «موج سبز آزادی» از رسانه‌ها و نمایندگان مجلس خواست وزیر بهداشت تا در صورت صحت این ادعا، نوع مننژیت این دو زندانی را اعلام کند. وی هشدار داد که اگر مننژیت این دو شهید از نوع Meningococcal باشد، خطر بزرگی دستگیرشدگان و حتی مردم را تهدید می‌کند و باید سریعاً نسبت به واکسینه کردن مردم و توزیع داروهای آنتی‌بیوتیک و پیش‌گیری (Prophylaxis) اقدام شود.

همچنین در گزارش دیگری که از سوی نزدیکان یک جوان بازداشت شده به «موج سبز آزادی» رسیده، تصریح شده که این جوان که به تازگی آزاد شده و جرم وی بازگشت از لندن بوده! از لحاظ روحی چنان وضعیت اسفناکی دارد که برای جلوگیری از خودکشی، او را در منزل به تخت بسته‌اند.

اما تکان‌دهنده‌ترین گزارش‌ها در این میان به بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک اختصاص دارد که بر اساس گزارش‌های موثق و متعدد، تحت نظارت مستقیم سردار رادان قائم‌مقام فرمانده نیروی انتظامی کل کشور اداره می‌شود و فضایی یکسره قرون وسطایی بر آن حاکم است.

شاهدان عینی و بازداشتی‌های آزاد شده از کهریزک، وضعیت این بازداشتگاه غیر قانونی را این‌گونه توصیف می‌کنند:

در یک سوله‌ی 200 متری بدون وجود دستگاه‌های تهویه‌ی هوا، چندین معتاد کراکی که امیدی به زنده ماندن آنها نیست و بدن‌هایشان کرم گرفته، دراز به دراز بر روی زمین افتاده‌اند؛ و در کنار آنها، بازداشت‌شدگان نگهداری می‌شوند. بازداشت‌شده‌ها حدود 100 نفرند که به این محیط غیر بهداشتی با هوای نامطبوع منتقل شده‌اند. آنها صف می‌کشند تا بتوانند از زیر در، ولو برای دقیقه‌ای از هوای بیرون تنفس کنند.

هر روز صبح سردار رادان به این محل سرکشی می‌کند و خود شخصاً هر روز چند نفر از بازداشت‌شدگان را مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌دهد. بهترین ابزار شکنجه در دست رادان، شلنگ است. وقتی صبح هر روز صدای هلیکوپتر می‌آید، بچه‌ها به خود می‌لرزند و می‌فهمند که رادان آمده.

ولایت سرکوب

یکی از بازداشتی‌ها در اثر برخورد باتوم به سرش، کم کم بینایی خود را از دست داد؛ ولی با وجود اطلاع شکنجه‌گران کهریزک از وضعیت وی، او را از این محل غیر بهداشتی خارج نکردند. دو روز قبل از آزادی، بازداشت‌شده‌ها به اوین منتقل می‌شوند و فردی که بینایی خود را از دست داده بود، در اتوبوسی که به سمت اوین در حرکت بود، بر روی پای یکی دیگر از بازداشت‌شدگان جان می‌سپارد.

از دیگر شکنجه‌ها در کهریزک آن است که بدن‌ها را خیس می‌کنند و بعد با شلنگ و سیم، بازداشت‌شده‌ها را کتک می‌زنند تا درد تا عمق جان آنها نفوذ کند.

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

بازداشت یک فعال دانشجویی در کرمانشاه

یک فعال دانشجویی دانشکده فنی کرمانشاه دوشنبه مورخ 5 مردادماه توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

سامان ولدبیگی از فعالین دانشجویی دانشکده فنی کرمانشاه، پس از شرکت در مراسم چهلم درگذشت کیانوش آسا در دانشکده شیمی دانشگاه رازی کرمانشاه که و ایراد سخنرانی در این برنامه در منزل شخصی خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

منابع مطلع عنوان می دارند بازداشت این فعال دانشجویی می تواند به درگیری پراکنده ای که در پایان برنامه بزرگداشت کیانوش آسا بین نیروهای لباس شخصی و تعدادی از شرکت کنندگان روی داده بود مربوط باشد.

ولایت سرکوب

آقای ولدببگی از فعالان طیف چپ دانشکده مورد اشاره پیش تر نیز به دلیل فعالیت های خود به کمیته انضباطی احضار شده بود.

لازم به ذکر است نیروهای امنیتی پس از مراجعه به منزل پدری این فعال دانشجویی اقدام به ضبط اموالی همچون تلفن های همراه تمام ساکنین منزل، دفترچه های تلفن، کامپیوتر و .. نمودند.

علیرغم پیگیری های متعدد خانواده و نزدیکان آقای ولدببگی تاکنون نهادهای امنیتی و قضایی از پاسخگویی نسبت به سرنوشت و محل بازداشت ایشان شانه خالی کرده اند.

لباس شخصی ها

تو به خود نگاه می کنی

آینه سیاه می کنی

پرده بر ترانه می کشی

پنجره تباه می کنی

من ، ستاره آه می کشم

دست روی ماه می کشم

نوازش نسیم می کنم

روی شب نگاه می کشم

ولایت سرکوب

تو، با گلوله و من، با گل
تو، با شلیک و من، با آواز
تو، زردِ نفرت، کبودِ کین
من، سرخِ عشق و سبزِ پرواز
کسبِ تو، قتلِ گل و شبنم
اعدامِ باد و نور و دریا
کارِ من کشتِ چراغ و دف
تیمارِ رنگ و رقص و رویا!

میعادگاهِ ما:
انسان و آبادی
تاریخِ آینده
میدانِ آزادی!

محاکمه پنج جوان کرد به اتهام محاربه

خبرگزاری هرانا : پنج جوان کرد روز یکشنبه هفته جاری در دادگاه انقلاب شهر سنندج به اتهام محاربه محاکمه شدند.

پنج جوان کرد اهل روستای نگل سنندج به نام های "هوشیار احمدی, بهمن سعیدی, جهانبخش احمدی, سیروان محمودی و سیوان رحیمی" که در اواخر زمستان سال گذشته در روستای نگل توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بودند روز یکشنبه مورخ 4 مردادماه در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی بابایی به اتهام محاربه محاکمه شدند. اتهام محاربه برای شهروندان مورد اشاره که می تواند به صدور حکم مرگ نیز منتهی شود موجی از نگرانی را در میان خانواده و نزدیکان آنان ایجاد نموده است.

هر چند از مصادیق اتهام وارده اطلاعی در دست نیست اما زندانیان مذکور همواره بر رد این اتهام تاکید کرده اند.

لازم به ذکر است، از میان زندانیان مذکور، هوشیار احمدی به دلیل بیماری دیابت و نیاز به دارو و معالجه در وضعیت سلامتی نامناسبی به سر می برد و مسولین زندان مرکزی سنندج دسترسی نامبرده به دارو و خدمات پزشکی مورد نیاز را محدود کرده اند.

انتقال برخی زندانیان اوین به نقطه ای نامعلوم در اصفهان

دیدار نمایندگان از سلول های خالی اوین

روزنامه اعتماد: نمایندگان مجلس وقتی دیروز پایشان به زندان اوین رسید که فعالان سیاسی بازداشت شده چند ساعت قبل از آنجا نقل مکان کرده بودند. به این ترتیب درهای اوین به روی کمیته ویژه مجلس در حالی باز شد که انتظار آنها برای دیدن بسیاری از چهره های فعالان سیاسی بی نتیجه ماند و مجلسی ها نتوانستند پیغام بیاورند که وضعیت جسمی فعالان سیاسی مستقر در زندان اوین به چه صورت است. به گفته داریوش قنبري بازداشتی های فعال سیاسی به اصفهان منتقل شدند.

تداوم بازداشت اساتید دانشگاه تهران

روزنامه اعتمادملی: با گذشت بیش از یک ماه از بازداشت جمعی از اساتید دانشگاه تهران از وضعیت آنها همچنان اطلاعی در دست نیست. حسینعلی عرب، دانشیار و رئیس بخش فارماکولوژی دانشکده دامپزشکی، معاون اسبق سازمان دامپزشکی کل کشور و عضو اسبق شورای مدیریت دانشگاه، علی اصغر خدایاری، استادیار گروه معدن دانشکده فنی، چوبینه از اعضای هیات علمی دانشکده علوم پزشکی، تاجرنیا از اساتید دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران و عبدالله رمضانزاده عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، و داوود سلیمانی، استادیار دانشکده الهیات از جمله اساتیدی هستند که یک ماه از بازداشت آنان در زندان اوین می‌گذرد.

نگرانی نسبت به وضعیت نامعلوم شیوا نظرآهاری

کمیته گزارشگران حقوق بشر

روز سه شنبه، ششم مرداد ماه، شیوا نظرآهاری در گفت و گویی کوتاه با خانواده خود اعلام کرد تا مدتی از امکان برقراری تماس تلفنی محروم خواهد بود.

شیوا نظر آهاری، پس از گذراندن 33 روز در سلول انفرادی بند 209، در 26 تیر ماه به سلول های عمومی بند مزبور منتقل و در طول این مدت تنها موفق به چند تماس کوتاه با خانواده اش شده است. او طی این مکالمات از ارائه درخواست ملاقات با خانواده خود خبر داده که تا به امروز چنین امکانی محقق نشده است.

صبح روز دوشنبه نیز مادر شیوا نظرآهاری، همراه با دیگر خانواده های زندانیان، به زندان اوین مراجعه و ضمن تحویل پول و لباس برای وی، در خواست ملاقات نمود اما با پاسخ منفی مسوولان مواجه شد.

گوشه هائی از سرکوب و کشتار پس از 22 خرداد 1388

ولایت سرکوب

شهرزاد کریمان، نحوه درخواست ملاقات با دخترش را مراجعه اولیه به دادسرا بیان می کند.

دادسرا او را به زندان اوین ارجاع داده و مسوولان اوین نیز مجددا وی را به سمت دادسرا هدایت می کنند و در نهایت، پیشنهاد ارائه دوباره درخواست را در هفته آینده می دهند.

کمیته گزارشگران حقوق بشر ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت نامشخص شیوا نظرآهاری، برخورداری از حق ملاقات و تماس با خانواده را از حقوق اولیه زندانیان دانسته و محرومیت از آن را از مصادیق بارز شکنجه سفید اعلام می نماید. این کمیته همچنین خواستار آزادی هرچه سریع تر شیوا نظرآهاری و سایر زندانیان اندیشه بوده و از تمامی نهادهای حقوق بشری بین المللی می خواهد هم صدا با ارگان ها و سازمان های حقوق بشری داخلی، با محکوم نمودن برخوردهای ایدایی با فعالان جامعه مدنی، به اقدام قاطع و موثر در خصوص اعمال خشونت جسمی و روانی به زندانیان پرداخته و نسبت به نقض صریح حقوق زندانیان در زندان های ایران اقدامی فوری نمایند.

جوانی که در نماز جمعه 26 تیر به شهادت رسید



ولایت سرکوب

نام و مشخصات یک شهید دیگر جنبش مردم ایران مشخص شد. مصطفی کیارستمی در حاشیه نماز جمعه با ضربه‌ی باتوم به سرش مصدوم شده و چند ساعت بعد به شهادت رسیده است.

مصطفی کیارستمی، متاهل و 22 ساله، در نماز جمعه 26 تیر ماه گذشته که به امامت هاشمی رفسنجانی برگزار شد، در مقابل دانشگاه تهران توسط نیروهای بسیجی و لباس شخصی مضروب می‌شود. نیروهای سرکوبگر دولت کودتا با باتوم به شدت بر سر این جوان برومند می‌کوبند، به نحوی که وی دیگر قادر به برگشت به منزل نبوده است.

در نتیجه به ناچار با مادرش تماس می‌گیرد و تلفنی از وی درخواست کمک می‌کند. پس از آنکه مادر مصطفی او را به خانه باز می‌گرداند، متوجه وخامت حال وی می‌شود و پسرش را به بیمارستان کسری تهران منتقل می‌کند.

اما این جوان بی‌گناه به علت خون‌ریزی مغزی ناشی از اصابت باتوم، همان شب فوت می‌کند؛ اما علت مرگ او، سکنه‌ی مغزی اعلام می‌شود.

پیکر این جوان شهید، روز شنبه بعد در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد و بدین ترتیب این جوان ناکام که تنها 22 سال داشته و به تازگی نامزد کرده بود، قربانی وحشیگری ماموران می‌شود؛ وحشی‌گری‌ای که سردار احمدی مقدم نامش را «زیاده روی» می‌گذارد.

مادر این جوان شهید که از این اتفاق ناگوار بهت زده شده بود، تاکنون از افشای علت مرگ جوان 22 ساله و رشید خود بیمناک بود و هنوز هم از شوک ناشی از مرگ فرزندش بیرون نیامده است.

جعفر پناهی و مهناز محمدی به قید ضمانت آزاد شدند

به گزارش های رسیده، جعفر پناهی فیلم ساز و کارگردان سرشناس سینمای ایران و مهناز محمدی، فعال حقوق زنان و مستندساز که بعد از ظهر پنج شنبه در بهشت زهراي تهران بازداشت شده بودند، به قید ضمانت آزاد شده اند. این دو فیلمساز، دیروز در چهلمین روز کشته شدن ندا آقاسلطان برای گذاشتن گل بر سر مزار او و دیگر جانباختگان رویدادهای پس از انتخابات بهشت زهرا رفته بودند که بازداشت برای ساعاتی بازداشت شدند.

گزارشی از تظاهرات روز گذشته رشت

تجمع ساعت 6 در پارک شهر رشت به مدت 90 دقیقه با حضور بسیار گسترده مردم انجام شد و تا آن موقع مردم با روشن کردن شمع و دست داشتن عکس های ندا و سهراب با سکوت مراسم رو بسیار باشکوه برگزار کردند.

تعداد مردم بین 500 تا 700 نفر تخمین زده میشود. در مدت 90 دقیقه ای (18 الی 19:30) که مردم در پارک شهر رشت راهپیمایی میکردند خبری از سرکوب نبود تا اینکه عده

ولایت سرکوب

ای لباس شخصی و بسیجی با موتور به مردم یورش بردند و از گاز فلفل نیز استفاده کردند. در این میان عده ای از کودکان و خانواده هایی که فقط برای تفریح به پارک بزرگ رشت آمده بودند هم از آسیب های درگیری بی نصیب نماندند. جالب اینجاست که نیروی انتظامی با نهایت ادب با مردم رفتار کرد و کسی را مورد ضرب و شتم قرار نداد.

دادستان پیشین دادگاه لاهه: احتمال وقوع «جنایت علیه بشریت» در ایران

رادیو فردا: پرفسور پیام اخوان، دادستان پیشین دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، می‌گوید به نظر می‌رسد که بازداشت، کشتار و شکنجه کردن‌های اخیر در ایران، در سطح گسترده و به صورت سیستماتیک یا برنامه ریزی شده، انجام گرفته و در این صورت این موارد نقض حقوق بشر را می‌توان بر پایه قوانین بین‌المللی «جنایت علیه بشریت» دانست.

پروفسور اخوان از بنیاد گذاران مرکز اسناد حقوق بشر در آمریکا است. وی در حال تشکیل پرونده‌ای است در مورد موارد نقض حقوق بشری که بدنبال اعلام نتایج رسمی دور دهم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران انجام گرفته است. پیام اخوان در آغاز گفت‌وگویی با رادیو فردا نخست به این پرسش پاسخ می‌دهد که کدامیک از موارد نقض حقوق بشر در ایران را می‌توان جنایت علیه بشریت دانست:

پرفسور پیام اخوان: با وجود این که هنوز گزارش‌هایی که دریافت می‌کنیم محدود است و هنوز به تمام اسناد و شواهد دسترسی نداریم، به نظر می‌رسد صدها نفر در تهران، شیراز، اصفهان و شهرهای مختلف ایران کشته شده‌اند و بر اساس گزارش‌ها حدود ۳۰۰۰ نفر در زندان هستند و تحت شکنجه قرار دارند. این کشتارها و شکنجه‌ها به طور گسترده و سیستماتیک، نقض حقوق بشر است و بر اساس قوانین بین‌المللی مقاماتی که مسئول این کشتار و شکنجه‌ها هستند، مسئولیت شخصی کیفری دارند.

همان طور که اشاره کردید، گزارش‌هایی که از ایران در مورد نقض حقوق بشر می‌رسد محدود است و یا برخی از اخبار را نمی‌توان تایید کرد. با توجه به این شرایط چگونه می‌خواهید برای موارد نقض حقوق بشر پرونده تشکیل دهید؟

تجربه من از دادگاه‌های سازمان ملل برای محاکمه پرزیدنت اسلوبودان میلوشویچ و اشخاص دیگری که مسئول نسل‌کشی و پاکسازی قومی در بوسنی و نقاط دیگر یوگسلاوی بودند، این است که بلاخره شاهد پیدا می‌شود و می‌توان طی مدتی پرونده را تکمیل کرد. ممکن است در حال حاضر نتوان این کار را انجام داد، ولی محاکمه مسئولان این جنایت موضوع امروز و فردا نیست، این هدفی دراز مدت است و به عنوان مثال حدود ۱۰ سال طول کشید تا آقای کارادجیچ را بازداشت و محاکمه کنیم.

نباید فراموش کنیم خشونت‌های اخیر در ایران با خشونت‌هایی که طی ۳۰ سال گذشته اعمال شده، فرقی نمی‌کند. در سال ۱۳۶۷ هم تقریباً چهار هزار نفر زندانی در ایران اعدام شدند و هنوز دولت حاضر نیست چنین چیزی را قبول کند.

بنابراین ما می‌توانیم پرونده‌ای تشکیل دهیم و مرکز اسناد حقوق بشر با حمایت دولت کانادا در حال تهیه کردن گزارشی است تا مردم ایران بدانند واقعیت چیست. اولین مرحله عدالت این است که مردم واقعیت را بدانند.

پس امیدوار هستید روزی بتوانید بخشی از کسانی که مسئول نقض حقوق بشر هستند را به دادگاه بکشانید؟

تشکیل دادگاه برای محاکمه این اشخاص طول خواهد کشید. البته من ترجیح می‌دهم روزی برسد که این اشخاص در دادگاه‌های ایران محاکمه شوند، ولی اگر چنین امکانی

مهیا نشود جامعه بین‌الملل، به خصوص سازمان ملل متحد، باید این پرونده را به دادگاه بین‌الملل کیفری در لاهه ارجاع دهد، تا این افراد به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

اشپیگل آنلین: گزارش وبلاگ نویسان از شکنجه‌گاه‌های ایران

در زندان‌های ایران چه می‌گذرد؟

وبلاگ‌نویسان ایرانی، که در جریان ناآرامی‌ها به زندان افتاده‌اند، با گزارش‌های خود به این پرسش پاسخ می‌دهند. اشپیگل آنلین، با تکیه بر این گزارش‌ها، از تبدیل زندان‌ها به شکنجه‌گاه می‌نویسد:

اشپیگل آنلین گزارش خود را با روایت جوان ۲۱ ساله‌ای آغاز می‌کند که نام مستعار رضا یآوری را برای خود برگزیده است. رضا یآوری، در تظاهرات روز ۱۸ تیر دستگیر شد و بعداً به اردوگاه کهریزک انتقال یافت. او بلافاصله پس از آزادی، در وبلاگ خود گزارش تکان‌دهنده‌ای از وضعیت ۲۰۰ بازداشت‌شده‌ی جوان انتشار داد که در یک فضای تنگ دائماً تحت تحقیر و شکنجه قرار می‌گرفتند و حتی امکان دسترسی به آبریزگاه را نداشتند.

بدتر از گوانتانامو و ابوغریب

هفته‌نامه‌ی آلمانی، با اشاره به این بخش از گزارش رضا یآوری که اردوگاه کهریزک را بدتر از گوانتانامو و ابوغریب دانسته است، از دستور آیت‌الله خامنه‌ای برای تعطیل این اردوگاه نوشت و اظهارات دری نجف‌آبادی دادستان کل ایران را منعکس کرد. اظهارات دری نجف‌آبادی تایید کننده‌ی گزارش رضا یآوری است. وی گفته است: «آیت‌الله خامنه‌ای هنگامی که از شرایط بهداشتی نامناسب و سایر مشکلات اردوگاه کهریزک آگاه شد، دستور تعطیل آن را صادر کرد.»

کانتین‌های فلزی زیر آفتاب

حنیف مزروعی، روزنامه‌نگار ایرانی به استناد گزارش‌های متعدد کسانی که در هفته‌های اخیر از اردوگاه کهریزک آزاد شده‌اند، به اشیپگل آنلاین گفته است: «اکثر دستگیرشدگان در یک زیرزمین نگهداری می‌شدند. سایر بازداشت شدگان، در گروه‌های بیست تا ۴۰ نفری محکوم به تحمل فضای تنگ کانتین‌هایی بودند که برای ۴ تا ۵ نفر در نظر گرفته شده‌بود. این کانتین‌های فلزی، در حرارت ۴۰ درجه سانتی‌گراد زیر آفتاب قرار داشتند. تنها راه تامین اکسیژن زندانیان، سوراخ کوچکی بود که کانتین‌ها داشتند.»

هفته‌نامه‌ی آلمانی، پس از گزارش وضعیت کهریزک، به دستور آیت‌الله خامنه‌ای برای بازدید کمیسیون مجلس از زندان اوین اشاره می‌کند و می‌افزاید که به گفته‌ی رئیس این کمیسیون زیرزمین وزارت کشور نیز توجه برانگیخته است. در سلول‌های معروف به ۴ منفی این زیر زمین، صدها زندانی باید پیش از انتقال به زندان‌ها انتظار بازجوئی را می‌کشیدند.

دلیل اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای

چرا آیت‌الله خامنه‌ای دستور به تعطیل کهریزک و بازدید از زندان اوین داده است؟ در پاسخ به این پرسش، هفته‌نامه‌ی آلمانی می‌نویسد: «تعداد بی‌شماری از وبلاگ‌نویسان نزدیک به جبهه‌ی اصلاحات، اقدام آیت‌الله خامنه‌ای را یک نمایش تاکتیکی می‌دانند. آن‌ها می‌نویسند که خامنه‌ای پس از پشتیبانی بی‌قید و شرط از احمدی‌نژاد در انتخابات، اکنون می‌کوشد خودش را به عنوان رهبر عادل همه‌ی مردم بشناساند.»

اشپیگل آنلین می‌افزاید: «در جریان اعتراضات، وجهی خامنه‌ای در میان مخالفان آسیب دید. در تظاهرات، او بارها به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.»

هفته‌نامه‌ی آلمانی، در گزارش خود، به نقل از منابع گوناگون اضافه می‌کند که هنوز بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر از بازداشت شدگان هفته‌های گذشته، در زندان‌های ایران به سر می‌برند.

علیرضا داوودی دانشجوی دانشگاه اصفهان چند ماه پس از آزادی درگذشت

علیرضا داوودی دانشجوی دانشگاه اصفهان روز دوشنبه پنج مردادماه و به فاصله چند ماه پس از آزادی از زندان در سن ۲۶ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت.

داوودی دانشجوی رشته حسابداری دانشگاه اصفهان و سردبیر نشریه دانشجویی خاک و از دانشجویان طیف چپ آزادیخواه و برابری طلب در اصفهان بود.

وی طی فعالیت در دانشگاه از تحصیل محروم شده و در ۲۴ بهمن ماه ۸۷ همزمان با بازداشت محمد پور عبدالله در تهران، در شهر شاهین شهر اصفهان بازداشت می‌شود.

ولایت سرکوب

هنگام بازداشت مأمورین امنیتی محل زندگی او را مورد تفتیش قرار داده و وسایل شخصی وی را نیز ضبط کردند. داوودی در تاریخ 5 اردیبهشت 88 با قرار وثیقه 100 میلیون تومانی از زندان آزاد شد.

علیرضا داوودی پس از آزادی از زندان به دلیل شکنجه و آزار روحی و جسمی در زندان، دچار افسردگی شده بود. به گزارش خبرنگارنامه امیرکبیر وی از حدود 20 روز پیش به دلیل مشکلات جسمی و روحی در بیمارستان بستری شده بود که بر اثر ایست قلبی فوت کرد.

محمد پور عبدالله دانشجوی رشته شیمی دانشگاه تهران نیز از 24 بهمن ماه در بازداشت و در بند مالی زندان قزل حصار و در شرایط و محیط نگران کننده نگهداری می شود. برای محمد پور عبدالله در تاریخ 20 مهر وقت دادگاه تعیین شده است و او در حال حاضر به صورت بلا تکلیف زندانی است.

منبع خبر : خبرنگارنامه امیرکبیر

جوان دیگری در اثر شکنجه جان باخت

سایت نوروز: خانواده شهید رامین آقازاده قهرمانی در مورد خصوصیات وی می گویند: جوانی بوده نه چندان سیاسی ، بسیار آرام و بی آزار و به خانواده وابسته بوده است. در جریان اعتراضات مردمی به نتیجه انتخابات ماموران وی را متهم به شکستن شیشه های بانک می کنند و برای دستگیری وی به منزل مراجعه می کنند. مادرش او را با خود به کلانتری می برد تا نشانش بدهد که فرزندش بی گناه است، اما آنها او را نگه می دارند و به بازداشت گاه می برند و در آنجا تحت آزار و شکنجه قرار می گیرد.

ولایت سرکوب

پس از دو هفته آزاد می شود و او دو روز پس از آن بطور ناگهانی حالش بد می شود و در نهایت به شهادت می رسد.

در این فاصله چند بار از کلانتری یا بازداشتگاه زنگ می زنند و حالش را می پرسند، گویی در بازداشتگاه حائثه ای رخ داده بوده که آنها را نگران وضعیت جسمانی او شده بودند.

پدرش شهید قهرمانی کارمند است و در آپارتمانهای قدیمی شهر آرا زندگی می کنند. سه برادر دیگر در این خانواده هستند که مادرشان بشدت نگران آنهاست و آنها توانسته اند یک مراسم ختم بدون سرو صدا برایش برگزار کنند

ایرانیان دیروز در بهشت زهرا پرچم روسیه را به آتش کشیدند



نامه ۱۲۰ آکادمیسین و دانشجوی ایرانی خارج از کشور به شاهرودی: محمدرضا جلائی‌پور را آزاد کنید!

۱۲۰ آکادمیسین، المپیادی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور، طی نامه‌ای به آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. در این نامه، چهره‌های آکادمیکی که اکثراً اساتید و دانشجویان بهترین دانشگاه‌های جهان هستند، خواستار آزادی زودهنگام محمدرضا جلائی‌پور به عنوان یکی از دانشجویان المپیادی دانشگاه آکسفورد نیز شده‌اند. گفتنی‌ست محمدرضا جلائی‌پور، ۴۵ روز پیش در فرودگاه امام‌خمينی تهران در حالی‌که قصد بازگشت به انگلستان به منظور پیگیری امر تحصیلش بود بدون هیچ حکمی بازداشت شد و همچنان در انفرادی به سر می‌برد. به گزارش «موج سبز آزادی» متن این نامه به شرح زیر است:

ولایت سرکوب

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی دام عزه

ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

«جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیش نه یک کلمه کم، میثاق ملت بزرگ ایران در رستاخیز مردمی و عدالت‌خواهانه‌ی ۱۳۵۷ بود.

آنان در آرمان‌های انقلاب‌شان جمهوریت و اسلامیت را به پاسبانی هم گماشتند تا هیچ کس به اسم اسلام بنای استبداد دینی را پی نیافکند و هیچ کس به اسم جمهوریت و رای اکثریت، اسلام عدل و اعتدال را نفی نکند.

اکنون با گذشت سی سال از این جنبش آزادی و عدالت، مشارکت گسترده و بی‌سابقه‌س ملت آگاه ایران، نزد اهل بصیرت، بیش از هر چیز به معنا و سودای تقویت جمهوریت و پاس‌داشت اسلام عدل و اعتدال بوده است. چه بسیار جان‌های مشتاقی که از حوزه‌ها و طبقات اجتماعی با این دغدغه‌ی خجسته در ماه‌های اخیر به میدان آمدند و در گسترش آگاهی مردم و تشویق آنان به مشارکت مدنی پس از دوره‌ای فترت و دلسردی کوشیدند. فعالان عرصه‌ی حمایت از نامزدهای انتخابی، علی‌الغلب، فازغ از تفاوت موضع و رایشان، قهرمانان اشتی ملی‌اند.

به لطف کوشش همینان و به گواه میزان مشارکت مردمی در انتخابات اخیر، اکنون اکثریت هشتاد و پن درصدی شهروندان ایران پذیرفته‌اند که برای هرگونه تغییر یا تثبیت وضع موجود راهی عادلانه‌تر و معتدل‌تر از صندوق آرا وجود ندارد.

اما دریغ که نتیجه‌ی پرسش‌انگیز شمارش آراء و صحنه‌آرایی اعتمادزدای قبل و بعد از انتخابات، در اقدامی بی سابقه، با موجی از دستگیری و سرکوب و استخفاف مخالفان همراه شد و بر تردیدها و دغدغه‌های افکار عمومی دامن زد. ما امضاکنندگان این نامه به عنوان بخشی از جامعه‌ی دانشگاهی ایرانیان مقیم اروپا و آمریکا نگرانی شدید خود را از رویه‌های فاقد جاهت قانونی موجود اعلام می‌داریم.

وجدان بیدار ایرانیان در هر جای جهان، ستم بر هیچ یک از این عزیزان دربند را بر نمی‌تابد و بهانه‌های مسوولان خلاف آئینی را که مخالفان خود را «خس و خاشاک» و «اراذل و اوباش» می‌بینند مقبول نمی‌یابد.

ولایت سرکوب

دفاع از این مظلومان و پی‌جویی سرنوشت آنان وظیفه اخلاقی و شهروندی ماست، وظیفه‌ای که گاه به واسطه‌ی عهد دوستی با برخی از این عزیزان در بند سنگین‌تر می‌نماید. به احترام همه‌ی دربندشدگان اخیر و برای نمونه دانشجوی دانشور، جناب آقای محمدرضا جلائی پور، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دین در دانشگاه آکسفورد اشاره می‌کنیم که بدون ارائه‌ی توضیحات کافی و تفهیم اتهام به هنگام بازگشت از ایران برای دفاع از پایان‌نامه‌ی خود در فرودگاه امام‌خیمینی بازداشت شده است.

بی‌خبری از وضعیت او و دیگران و سابقه‌ی خودسری‌های خطرناک صورت‌گرفته در جریان بازپرسی از متهمان سیاسی بر مراتب نگرانی‌های ما می‌افزاید.

محمدرضا جلائی‌پور نه تنها از نخبگان و سرمایه‌های عملی این مرز و بوم است و افتخاراتی چون رتبه‌ی اول کنکور سراسری علوم انسانی، طلای المپیاد کشوری و تحصیل در یکی از معتبرترین مراکز علمی جهان را در کارنامه‌ی درخشان علمی خود دارد، بلکه برخاسته از خانواده‌ای است که سه برادر شهید تقدیم اسلام و ایران داشته است. او و دیگر فعالان سیاسی و اجتماعی بازداشت‌شده، بدون در نظر گرفتن تمامی افتخاراتی که در کارنامه خود دارند، شهروندان ایرانند و مطابق قانون اساسی برخوردار از حقوق مسلمی هستند که در این فرصت آشوبناک از آنان دریغ داشته شده می‌شود. دستگاه محترم قضا بیش از هر زمان به هنگام هیجان و آشوب و کین‌کشی باید که پاسدار کلمه‌ی طیبه عدل و مجری قانون و بازدارنده‌ی زیاده‌خواهی تمامیت‌خواهان قانون‌گریز باشد. هیچ اعتماد از دست‌رفته‌ای با ارباب و استخفاف باز نمی‌گردد و هیچ آتش ظلمی جز به آب عدالت خاموش نمی‌شود.

بر این اساس امضاکنندگان این دادنامه از جنابعالی به عنوان عالی‌ترین مقام پاسبان عدالت در جمهوری اسلامی می‌خواهند که هر چه زودتر اسباب رسیدگی دقیق و عادلانه به پرونده‌ی بازداشت‌شدگان اخیر و آزادی بی‌گناهان را فراهم آورید.

اساتید:

۱- علی انصاری، استاد تاریخ، دانشگاه سنت اندروس

۲- هاله افشار، استاد دانشگاه یورک، انگلستان

ولایت سرکوب

- ۳- رضا بهشتی معز، استاد پیشین دانشگاه تهران، محقق و عضو انجمن فلسفه فرانسه
- ۴- علی پایا، استاد مرکز مطالعات دموکراسی، دانشگاه وست مینستر، انگلستان
- ۵- رحمت توکل، استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه نیوجرسی، آمریکا
- ۶- عبدالکریم سروش، روشنفکر، محقق و استاد دانشگاه منهن، آمریکا
- ۷- دکتر ابوالقاسم فنایی، استاد موسسه مطالعات اسلامی المهدی - انگلستان
- ۸- محمود صدری، استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تگزاس
- ۹- محمدمهدی مجاهدی، استاد دانشگاه لندن
- ۱۰- آرش نراقی، استادیار دپارتمان دین و فلسفه، مراویان کالج، پنسیلوانیا، آمریکا
- ۱۱- مہری هالیدی، استاد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کانتبری، بریتانیا
- ۱۲- هما هودفر، پروفیسور انسان‌شناسی، دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، دانشگاه کنکوردیا، مونترال
- دانشجویان المپیادی و برگزیدگان جایزه خوارزمی داخل و خارج از کشور
- ۱۳- محسن امیری، مدال نقره المپیاد کشوری شیمی سال ۱۳۷۸، دانشجوی دکتری بریتیش کلمبیا
- ۱۴- آرمان اکبریان کلجایی، مدال طلای جهانی المپیاد فیزیک سال 2003، مدال طلای کشوری المپیاد فیزیک سال 1381
- ۱۵- علی زارع، مدال نقره کشوری المپیاد دانشجوی فیزیک سال 1385
- ۱۶- امین امین‌زاده، مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی و دانشجوی دکتری مهندسی الکترونیک، دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، آمریکا
- ۱۷- امید حجازی، مدال طلای المپیاد ادبی ۱۳۷۷، دانشجوی فلسفه دانشگاه کوپین، کانادا
- ۱۸- ایمان ستایش، مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی، فارغ‌التحصیل رشته ریاضی، دانشگاه پرینستون
- ۱۹- علی شریفی زرچی، مدال طلای المپیاد جهانی کامپیوتر سال 1379، دانشجوی دکتری بیوانفورماتیک دانشگاه تهران

ولایت سرکوب

- ۲۰- فاطمه شمس، مدال نقره المپیاد ادبی سال ۱۳۷۸، دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آکسفورد، انگلستان
- ۲۱- سید فخرالدین ترابی، دارنده مدال طلای کشوری شیمی در سال ۱۳۷۹ و دانشجوی دکتری بیوشیمی، آمریکا
- ۲۲- بابک فرزاد، مدال برنز المپیاد جهانی کامپیوتر سال ۱۳۷۴ و دو طلای کشوری دکترای کامپیوتر
- ۲۳- صالحه قاسمیپور، دارنده رتبه اول جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۷۸ و دانشجوی دکتری بیوشیمی، آمریکا
- ۲۴- فرشید قاسمی، برنز کشوری المپیاد ریاضی دانش‌آموزی سال 1380، نقره جهانی المپیاد فیزیک دانش‌آموزی سال 1382، دانش‌جوی مهندسی برق، دانشگاه رایس - هوستون، تگزاس، آمریکا
- ۲۵- سینا صادقیان صادق‌آباد، مدال طلای المپیاد کشوری کامپیوتر ۸۵، مدال نقره المپیاد جهانی کامپیوتر سال ۲۰۰۷
- ۲۶- سپهر فدایی، مدال طلای المپیاد جهانی شیمی سال ۱۳۸۰ و طلای کشوری، کارشناسی ارشد شیمی، دانشگاه استنفورد
- ۲۷- مهدی کاظمی، طلای المپیاد فیزیک کشوری، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه صنعتی شریف
- ۲۸- سلیمه مقصدلو، دانشجوی ادبیات تطبیقی، دانشگاه سوربن، فرانسه
- ۲۹- محمد مهینی، مدال طلای کشوری المپیاد کامپیوتر 1383، مدال نقره جهانی المپیاد کامپیوتر جهانی 1384، دانشجوی لیسانس مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف
- ۳۰- محمد مهدیان، مدال طلای المپیاد بین‌المللی ریاضی در سال ۱۹۹۳ و دارنده دو مدال نقره المپیاد بین‌المللی انفورماتیک سال ۳-۱۹۹۲ دانشجوی دکتری علوم تحقیقات، دانشگاه تورنتو، کانادا
- دانشجویان ایرانی خارج از کشور**
- ۳۱- آرزو آزاد، دانشجوی دکتری شرق‌شناسی، دانشگاه آکسفورد، انگلستان

ولایت سرکوب

- ۳۲- سلمان ابوالفتح بیکی دزفولی، دانشگاه ام.آی.تی، آمریکا
- ۳۳- ثمین احمدی، دانشجوی مهندسی شهری، دانشگاه ریرسون، تورنتو، کانادا
- ۳۴- مهدی اشجعی، دانشجوی مولتی مدیا، دانشگاه مولتی مدیا، مالزی
- ۳۴- علی اکبری، دانشجوی فیزیک، دانشگاه دل پایس واسکو، اسپانیا
- ۳۵- علی اکبرزاده، دانشجوی جامعه‌شناسی، دانشگاه ماربورگ، آلمان
- ۳۶- حجت آخوندی اصل - دانشجوی دوره دکتری - دانشگاه امپریال کالج - مهندسی برق، گرایش مخابرات
- ۳۷- محمدجواد اردلان، دانشجوی دکترای تاریخ، دانشگاه آکسفورد، انگلستان
- ۳۸- مهرداد بابادی، دانشجوی جامعه‌شناسی دین و اخلاق، دانشگاه کمبریج، انگلستان
- ۳۹- علیرضا بختیاری، دانشجوی فوق لیسانس علوم کامپیوتر، دانشگاه لاول، کانادا
- ۴۰- حسین بنایی، دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشگاه براون، پراویدنس، آمریکا
- ۴۱- کمال‌الدین بورقانی، دانشجوی علوم کامپیوتر، دانشگاه ریرسون، تورنتو، کانادا
- ۴۲- اطلس تربتی، دانشجوی فوق لیسانس روابط بین‌الملل، دانشگاه سوئت همپتون، انگلستان
- ۴۳- مرجان توفیقی، دانشجوی فوق لیسانس تجارت بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی فلوریدا، میامی، آمریکا
- ۴۴- تارا جاویدی، استادیار دانشگاه، رشته الکترونیک و کامپیوتر، دانشگاه کالیفرنیا، سان‌فرانسیسکو
- ۴۵- زهرا جلالی پور، دانشجوی فوق لیسانس انسان‌شناسی مدرسه علوم سیاسی و اقتصادی (ال.اس.ای)، انگلستان
- ۴۶- لیلیا حیدرپور، دانشجوی ادبیات فرانسه و انگلیسی، دانشگاه نوشاتل، سوئیس
- ۴۷- رضا حدیثی، دانشجوی فلسفه، دانشگاه شفیلد، انگلستان
- ۴۸- مرتضی حکیمی سبینی، دانشجوی دکتری در رشته مهندسی مکانیک، دانشگاه پنسیلوانیا، آمریکا
- ۴۹- امیرحسین حسینی، دانشجوی فوق لیسانس اقتصاد دانشگاه بیربک لندن، انگلستان

ولایت سرکوب

- ۵۰- سجاد خوشرو، دانشجوی حقوق، دانشگاه هاروارد، آمریکا
- ۵۱- رضا خیابانی، دانشجوی حقوق بین الملل، دانشگاه سواس، انگلستان
- ۵۲- محمد ربانی، دانشجوی دکتری دانشگاه شرق لندن
- ۵۳- مهسا روحی، دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه کمبریج، انگلستان
- ۵۴- حسن رحمانی، دانشجوی فوق لیسانس اندیشه سیاسی و اجتماعی، دانشگاه ساسکس، انگلستان
- ۵۵- بیژن روحانی، دانشجوی دوره دکتری حفاظت از بناهای تاریخی، دانشگاه لاساپینزای رم، ایتالیا
- ۵۶- امیرحسین سام، دانشجوی دکتری دانشگاه امپریال کالج، لندن
- ۵۷- علیرضا سپهسالاری، دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه سیتی، انگلستان
- ۵۸- بشیر سجاد، دانشجوی دکتری علوم کامپیوتر، دانشگاه واترلو، کانادا
- ۵۹- سید موسوی، دانشجوی دکتری دانشگاه شرق لندن
- ۶۰- علی سرزعی. دانشجوی دکتری اقتصاد. دانشکده ی اقتصاد دانشگاه میلان. ایتالیا
- ۶۱- مریم سعیدی، دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه مینه‌سوتا
- ۶۲- سیدمحمد مهدی سجادیه، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی علوم نانو، دانشگاه ملی فناوری سنول، کره جنوبی
- ۶۳- غلامرضا سلیمی خورشیدی، دانشجوی دکتری نورولوژی دانشگاه آکسفورد، انگلستان
- ۶۴- سحرناز سماعی‌نژاد، دانشجوی فوق لیسانس مطالعات بین رشته ای دانشگاه نیویورک، آمریکا
- ۶۵- محمدصادق شهرایی، دانشجوی دکتری ژئوفیزیک، دانشگاه ادینبورو، انگلستان
- ۶۶- صالح صحابه تبریزی، دانشجوی دکتری اقتصاد بین الملل. دانشکده اقتصاد دانشگاه ماگدبورگ و موسسه ی اقتصاد جهان - کیل - آلمان
- ۶۷- رضا ضیاء ابراهیمی، دانشجوی دکتری، تاریخ اندیشه در ایران، دانشگاه آکسفورد، انگلستان

ولایت سرکوب

- ۶۸- بابک طاعتی، محقق پسادکتر، مرکز توانبخشی تورنتو، کانادا
- ۶۹- حسین طارمی، فوق‌لیسانس مهندسی مکانیک، دانشگاه منچستر، انگلستان
- ۷۰- مرضیه طالبزاده، دانشجوی فوق‌لیسانس معماری، دانشگاه کارلسروهه، آلمان
- ۷۱- پگاه ظهوری حقیان، دانشجوی دکتری شرق‌شناسی، دانشگاه آکسفورد، انگلستان
- ۷۲- هادی علی‌اکبریان، دانشجوی دکتری دانشگاه بلژیک
- ۷۳- علی علیزاده، دانشجوی دکتری مرکز فلسفه مدرن اروپایی، دانشگاه میدل سکس، لندن
- ۷۴- سمیرا عزتی نیک، دانشجوی دندانپزشکی، دانشگاه لندن، انگلستان
- ۷۵- زهرا عزیزی، دانشجوی طراحی شهری، دانشگاه یو.سی.ال، انگلستان
- ۷۶- علی غفاری، دانشجوی رشته حقوق، لندن، بریتانیا
- ۷۷- سحر فومنی، دانشجوی حقوق، دانشگاه کینگز کالج لندن، انگلستان.
- ۷۸- علی قاضی‌زاده، دانشجوی دکتری مهندسی، دانشگاه کالیفرنیا، سان‌فرانسیسکو، آمریکا
- ۷۹- مهدی قربانی، دانشجوی فناوری اطلاعات، ساوث بنک، انگلستان
- ۸۰- حامد قدوسی، دانشجوی دکتری فاینانس، مدرسه عالی فاینانس وین، اتریش
- ۸۱- فرهاد قدوسی، دانشجوی دانشگاه واین، دترویت، میشیگان، آمریکا
- ۸۲- محمد قنبری، دانشجوی علوم کامپیوتر، دانشگاه واترلو، کانادا
- ۸۳- محمود قندی، دانشجوی مهندسی پزشکی، مدرسه داروسازی جانز هاپکینز، آمریکا
- ۸۴- الهام کاشفی، استادیار دانشگاه، دانشگاه ادینبرو، انگلستان-
- ۸۵- یاسر کراچیان، دکترای فیزیک از دانشگاه تورنتو، کارشناس انتقال تکنولوژی در دانشگاه ویلفرد لوریه کانادا
- ۸۶- علی کرباسی، دانشجوی دکتری علوم مادی و مهندسی، دانشگاه میامی، فلوریدا، آمریکا
- ۸۷- محمدعلی کدیور، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه کارولینای شمالی، آمریکا
- ۸۸- کیان کمالیان، دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه پوتسدام، آلمان

ولایت سرکوب

- ۸۹- لادن کریمی، دانشجوی فوق لیسانس روزنامه‌نگاری، دانشگاه مالزی، دانشگاه پوترا، مالزی
- ۹۰- کوثر کریمی‌پور، دانشجوی جامعه‌شناسی، دانشگاه رجینا، کانادا
- ۹۱- لیلا کفایی، دانشجوی پزشکی، دانشگاه کوئین مری، انگلستان
- ۹۲- منصور طالب‌پور، دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه سواس، انگلستان
- ۹۳- مهدی گنجی‌پور، دانشجوی دکتری ادبیات، سوربون، دانشگاه پاریس، فرانسه
- ۹۴- سید عمادالدین طباطبایی، دانشجویی فوق لیسانس حقوق، دانشگاه آلبرت لودویگ فرایبورگ، آلمان
- ۹۵- سمیه مردانه، دانشجوی اقتصاد، دانشگاه لستر، انگلستان
- ۹۶- سیدعلی مدنی‌زاده، دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه شیکاگو، آمریکا
- ۹۷- احسان مجتهدی، دانشجوی مهندسی شیمی، دانشگاه منچستر، انگلستان
- ۹۸- مصطفی مجیدپور، دانشجوی دکتری مهندس الکترونیک، دانشگاه یو، سی، ال، ای، آمریکا
- ۹۹- امیررضا محسن‌زاده کرمانی، دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه ام.آی.تی، آمریکا
- ۱۰۰- داریوش محمدپور، دانشجوی دکتری علوم سیاسی و مطالعات اجتماعی، دانشگاه وست مینستر، انگلستان
- ۱۰۱- یاسر مسعودنیا، دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه کرانفیلد، انگلستان
- ۱۰۲- خزر معصومی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه روبرت شومان، استراسبورگ فرانسه
- ۱۰۳- آرشام مظاهری، دانشجوی امنیت دریایی، دانشگاه هلسینکی، فنلاند
- ۱۰۴- محمد مهدی مقیمی، دانشجوی مهندسی طراحی صنعتی، دانشگاه دلف، هلند
- ۱۰۵- حامد مهلوجی، دانشجوی مدیریت بازرگانی، دانشگاه مولتی مدیا، مالزی
- ۱۰۶- سید یاسر میردامادی، دانشجوی فرهنگ‌های مسلمان، موسسه مطالعه تمدن‌های مسلمان، انگلستان
- ۱۰۷- بابک مینا، دانشجوی جامعه‌شناسی، دانشگاه لیون، فرانسه

ولایت سرکوب

- ۱۰۸- مریم میکانیکی، دانشجوی کارشناسی ارشد زیست‌شناسی و روزنامه‌نگاری، دانشگاه نیویورک، آمریکا
- ۱۰۹- فاطمه موید، دانشگاه مولتی‌مدیا، دانشگاه سایبرجایا، مالزی
- ۱۱۰- فرزانه نجفی، دانشجوی دکتری بیولوژی، دانشگاه پنسیلوانیا، آمریکا
- ۱۱۱- حمید ناظرزاده، دانشجوی مقطع فوق دکتری موسسه تحقیقاتی میکروسافت، استنفورد، آمریکا
- ۱۱۲- فرزانه نام‌آور، دانشجوی رشته کامپیوتر، دانشگاه منچستر، انگلستان
- ۱۱۳- پیمان نورافزا، دکترای مهندسی نفت، امپریال کالج، لندن، انگلستان
- ۱۱۴- ابوالحسن واعظی، دانشجوی دکتری فیزیک، دانشگاه ام‌آی‌تی، آمریکا
- ۱۱۵- یاسر ولی بیگ، دانشجوی آی‌تی، دانشگاه کوئین مری، انگلستان
- ۱۱۶- احمد هاشمی، دانشجوی فرهنگ‌های مسلمان، موسسه مطالعه تمدن‌های مسلمان، انگلستان
- ۱۱۷- جواد هاشمی، دانشجوی فیزیک، دانشگاه هلسینکی، فنلاند
- ۱۱۸- هیلا هاشمی، دانشجوی دکتری تکنولوژی، دانشگاه ماساچوست، آمریکا
- ۱۱۹- محمدرضا هاشمی‌طبا، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کمبریج، انگلستان
- ۱۲۰- حامد یوسفی، دانشجوی فوق لیسانس فلسفه، دانشگاه میدلسکس، انگلستان

حقه جدید مرتضوی: انتقال سعید حجاریان به یک منزل سازمانی

«نوروز» در این باره می‌نویسد: یک روز پس از آنکه برخی سایت‌ها و خبرگزاری‌های نزدیک به جناح راست از آزادی سعید حجاریان خبر دادند که سبب ابراز تعجب و بی‌خبری خانواده ایشان از این موضوع شد، سخنگوی کمیته ویژه مجلس در پیگیری حوادث اخیر به نقل از مرتضوی اعلام کرد که سعید حجاریان به یک "منزل سازمانی" که دارای "امکانات مناسب رفاهی و پزشکی" است، منتقل شده است. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیز مرتضوی به دکتر وجیهه مرصوصی همسر حجاریان گفته بود که اگر نگران سلامت او هستند، خانه‌ای را اجاره کنند تا در آنجا از حجاریان نگهداری شود.

ولایت سرکوب

این پیشنهاد با مخالفت خانواده حجاریان مواجه شده است. زینب حجاریان، دختر دکتر حجاریان این موضوع را " حقه " مرتضوی دانست و گفت حقه مرتضوی این بوده که پدرم را در خانه امنی که گفته بود تهیه کنیم از بین ببرد.

نکته جالب توجه در سخنان کاظم جلالی که به نقل از سعید مرتضوی اعلام شده اینست که این ساختمان "با توجه به وضعیت جسمی حجاریان، دارای استخر هم می‌باشد".

قاضی مرتضوی در حالی از این امکانات مناسب سخن می‌گوید که خانواده حجاریان در آخرین دیداری که با وی داشتند به شدت نگران وضعیت سلامتی او شدند. به گفته آنها سعید حجاریان را ساعت ها در زیر آفتاب 40 - 42 درجه نگه داشته، سپس داخل برده و روی او یخ می‌ریزند که با توجه به وضعیت بیماری و بدن رنجور و علیل حجاریان این روش شکنجه امکان خونریزی مغزی در وی را بالا میبرد.

زینب حجاریان در اینباره گفته بود: پزشک پدرم گفتند که این قضیه منجر به خونریزی مغزی خواهد شد و با توجه به اینکه یکی از رگ های مغزی پدرم در ترور ایشان به شدت آسیب دیده، اینها می‌خواهند ایشان را دچار خونریزی مغزی کرده و اینگونه بکشند.

اما به نظر می‌رسد فریب افکار عمومی پایان ندارد. سعید مرتضوی می‌گوید که در مورد سلامتی حجاریان جای نگرانی وجود ندارد و حتی شب گذشته (چهارشنبه) شخصا با حجاریان ملاقات داشته است. البته اینکه مرتضوی شخصا با سعید حجاریان دیدار داشته چگونه موید بر سلامتی دکتر حجاریان خواهد بود نیز خود جای سوال دارد! و اساسا بنا بر تجربیات قبلی نفس این دیدار خود نگرانی ها را تشدید می‌کند.

گرچه جلالی به نقل از مرتضوی می‌گوید امکان رفت و آمد خانواده حجاریان به محل جدید نگهداری او وجود دارد و تاکید می‌کند که این موضوع به آنها ابلاغ شده است ، اما خانواده و وکیل دکتر حجاریان به کلی از این موضوع بی اطلاع هستند!

همچنان که روز سه شنبه نیز انتشار خبر آزادی " قریب الوقوع " سعید حجاریان باعث تعجب و شگفتی آنها شد.

بر اساس گزارشی که سایت نوروز، روز سه‌شنبه و پس از اعلام این خبر منتشر کرد، خانواده و وکیل سعید حجاریان از انتشار خبر آزادی سعید حجاریان ابراز تعجب کرده و

ولایت سرکوب

اعلام کردند هیچ مرجع رسمی از قوه قضائیه در این مورد پاسخگو نیست و به خانواده و وکیل آنها، نحوه و قرار آزادی ایشان تا این لحظه اعلام نشده است.

دکتر ریاحی، وکیل سعید حجاریان انتشار خبر آزادی حجاریان را منوط به رویت وی در منزل دانست.

گفتی است آنچه نگرانی ها را از این انتقال افزایش داده است این است که افرادی که در زندان اوین و زیر نظر سازمان زندانها در بازداشت بسر می برد نسبتا شرایط بهتری را تجربه کرده اند و بازجویان در رفتارهایشان مجبور بوده اند حداقل استانداردهای حقوقی را رعایت کنند که به نظر می رسد با این انتقال بازجوها با خیالی راحت و بدون هیچ نظارتی می توانند رفتارهای خشن و غیر انسانی خود را رب دکتر حجاریان تحمیل کنند.

اینجا خانه ندا آقا سلطان است , خانه ای کوچک با رنجی عظیم



مادران شهدا

ولایت سرکوب

اینجا خانه ندا آقا سلطان است. خانه ای کوچک و آرام در منطقه ی شرق تهران. بر در خانه، نه پارچه ی سیاه است و نه نشانی. تنها زنگ در را که می زنی صدای ضجه های زنی را می شنوی که بر تصویر دخترش اشک می ریزد. اینجا خانه ی ندا آقا سلطان است. متولد بهمن 1361. دختر جوانی که 30 خرداد 1388 به ضرب گلوله کشته و به سمبل جنبش سبز مردم ایران تبدیل شد.

مادران شهدا

اینجا خانه ندا آقا سلطان است. خانه ای کوچک و آرام در منطقه ی شرق تهران. بر در خانه، نه پارچه ی سیاه است و نه نشانی. تنها زنگ در را که می زنی صدای ضجه های زنی را می شنوی که بر تصویر دخترش اشک می ریزد. اینجا خانه ی ندا آقا سلطان است. متولد بهمن 1361. دختر جوانی که 30 خرداد 1388 به ضرب گلوله کشته و به سمبل جنبش سبز مردم ایران تبدیل شد.

و تاریخ، پنج شنبه، هشتم مردادماه، مصادف با چهلمین روز در گذشت اوست. جمعی از مادران عزادار، فعالان جنبش زنان، اعضای کمپین یک میلیون امضا و کمیته گزارشگران حقوق بشر به تسلیت گویی رفته اند. برای لحظه ای در آغوش گرفتن مادرانی عزادار و گریستن در عزایی که حتی اجازه ی عمومی شدن هم ندارد.

وارد خانه که می شوی آن انتها نزدیک دیوار، میز کوچکی ست با قاب عکسی بزرگ از دختری جوان که کوچکی دنیا را تاب نیاورد و رفت. برگه ی با خطوط درشت هم آن بالاتر خودنمایی می کند: " ندا، همیشه در یاد ما زنده است." اما او تنها نیست. این روزها، روز کوچ بزرگان است. روز عروج آنان که ظلم را تاب نیاوردند و در خون غلتیدند. کمی آن طرف تر چهره ی جوان کیانوش آسا خودنمایی می کند.

کیانوش، متولد کرمانشاه، دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه علم و صنعت ایران بود و هنگامی که جنازه اش را تحویل گرفتند از مال دنیا تنها یک گلوله در پهلو و یکی دیگر در گردن داشت. جسد او ابتدا قابل شناسایی نبود. خانواده اش بارها و بارها به تصویر او نگرستند و در نهایت با مشاهده ی از نزدیک، توانستند عزیزشان را باز شناسند. کیانوش، با ذهن پرسش گرش همیشه حقایق را جستجو می کرد.

ولایت سرکوب

چرايي هاي بسياري داشت. و پاسخ آخريش را به داغي سرب دريافت كرد. روز 25 خرداد ماه، از ناحيه پهلو به او گلوله اي شليك شد و 3 تير ماه كه جنازه را تحويل گرفتند گلوله ي ديگري هم در گردنش بود. چرا؟ هيچ كس نمي داند. كيانش اهل موسيقي بود و تنبور مي زد. نقاش هم بود. كاريكاتور مي كشيد و دلش در گرو هنر بود. و بزرگترين هنرش آزادي خواهي. هنري را كه ظلم بر نمي تابد.

تصوير مسعود هم در كنار كيانش لبخند مي زند با آن نگاه سرشار از جواني 27 ساله اش. مسعود سنتور و ساز دهني مي زد و نقاشي مي كشيد و طرح مي زد بر اين دنيايي بي رحم. اولين تير را كه يك بسيجي مقابل پايش مي زند حقيقي بودنش را باور نمي كند. جلو مي رود و ناگهان مي سوزد. گلوله اي در سينه اش جا خوش کرده و قطرات ريز اشك در گوشه ي چشمانش حلقه مي زند. ساز دهني اش كجاست؟ او هيچ شبي را پيش از درد دل گفتن با سازش چشم بر هم نگذاشته. كاش فرصتي بود براي وداع با مادر. كاش زماني بود براي گفتن آنكه چقدر زود دير مي شود. مسعود كه بر خاك افتاد يك بسيجي آن طرف تر اسلحه بر زمين انداخت و واقعيت مرگ را بر سر كوبيد.

اينجا خانه ندا آقا سلطان است و خانواده هاي ديگر شهداي خرداد 1388، نيز آمده اند. مادران شهداي مزبور كه از حق مسلم برپايي عزاداري براي فرزندان خود محروم شده اند صبورانه به يادآوري خاطرات فرزندانشان نشسته و از توانايي ها و محاسن آن عزيزان مي گویند. سرخي چشمان و سكوت اجباري شان حكايت عجيبی دارد از آن همه درد جاري وجود. از روزهاي سخت تربيت و حمايت از فرزندانشان مي گویند. از روزهاي بمباران كه آنها را به دندان مي گرفتند و اين سو و آن سو مي بردند تا مبادا بمبي جگر گوشه شان را از آنها بگيرد. آنها روزهاي جنگ را در همين آب و خاك در كنار ديگران تاب آوردند و کشور را به دست دشمن ندادند و در روزگاري ديگر، جواني جوانانشان را نه گلوله دشمن كه هم وطني نا هم وطن پرپر كرد.

مادر ندا آقا سلطان براي ندای اسطوره اش زمزمه مي كند. سياه پوش و گريان سر در آغوش آن ديگر مادران مي گذارد و تنها مي پرسد چرا. وقتي مي گویند حال كه قاتل شناسايي شده است امكان شكايت و پي گيري پرونده وجود دارد، آرام سر بر مي آورد و

ولایت سرکوب

لبخندی بر لب می گوید: "برای من قاتل نیاورید. او تنها مجری بوده است. من قاتل را می بخشم." او دلخوش حضور مردم و همین دیدار هاست و یادی که هر روز زنده تر می شود را تنها دلیل صبوری اش می داند.

کسی از میان فعالان جنبش زنان، برگه ای در دست می گیرد و به یاد ندا و همه ی عزیزانمان مطلبی می خواند و خوب می گوید جنبشی چنین مردمی هیچ گاه نمی تواند نمادی ساختگی را بپذیرد و ندا، نمادی شد که از آغاز با حقیقت وجودی اش سبزی حرکتی مردمی را با خون آزادی خواهی در آمیخت. نمادی که هیچ گاه از یاد نخواهد رفت.

اینجا خانه ندا آقا سلطان است. خانه ای کوچک با رنجی عظیم. مادران عزادار و دیگرانی با چانه های لرزان و حلقه های اشک در چشم. چهل روز گذشت از آن روز که دختری از خانه بیرون رفت و هیچ گاه بازنگشت و پسری وعده ی بازگشت داد و میان سیاهی شهر گم شد.

اینجا خانه ندا آقا سلطان است و فردا ماه بر خواهد آمد دوباره و خواهد نگریست بر این شهر ماتم زده با چشمان ندا و شب مملو خواهد شد از صدای تنبور کیانوش و سازدهنی مسعود و هم نوایی سروهای خرامانی که تن به تن بر زمین فرو افتادند.

یادشان گرامی!

کمیته گزارشگران حقوق بشر

ضرب و شتم و بازداشت شهروندان در اهواز

بر اساس خبر های از پیش منتشر شده در رسانه ها بنا بود مراسم چهلم جان باختگان حوادث اخیر روز پنج شنبه مورخ 8 مردادماه در شهرهای گوناگون کشور از جمله در اهواز برگزار شود.

علیرغم گرد و غبار شدید که بنابر اعلام سازمان هواشناسی و محیط زیست 22 برابر حد مجاز بوده و همچنین گرمای 50 درجه شهر اهواز، از ساعت 6 عصر تعدادی از مردم در فلکه سوم کیانپارس این شهر گرد هم آمدند تا یاد جان باختگان حوادث اخیر را گرامی دارند.

پس از گذشت چند دقیقه به تعداد افراد حاضر افزوده شد و زمانی که جمعیت حدود 50 نفر شد. بدون هیچ گونه شعار و حرکتی به صورت نمادین در کنار هم ایستادند و با اعلام ماموران نیروی انتظامی مبنی بر متفرق شدن، افراد به سوی خیابان یکم و دوم کیانپارس حرکت کردند که در همان دقائق تعداد آنان بیشتر شده و به حدود 200 نفر رسید.

همزمان با گرد آمدن مردم و راهپیمایی آرام آنان ماشین های عبوری نیز با سرعت کم و بوق زدن های متوالی به اعلام حمایت پرداختند و باعث بوجود آمدن ترافیک شدند.

جمعیت تا خیابان 6 کیانپارس به راهپیمایی ادامه داده و هنگام بازگشت به سوی فلکه سوم کیانپارس و خیابان میهن و همچنین نزدیک شدن به ساعت 7 عصر با توجه به افزایش

ولایت سرکوب

لحظه به لحظه تعداد حاضرین به چندصد نفر و نگرانی مامورین، گارد ضد شورش نیروی انتظامی با باتوم و گاز فلفل به سوی راهپیمایان حمله ور شده و اقدام به ضرب و شتم راهپیمایان و دستگیری دست کم 10 نفر نمود.

همچنین چند تن از جوانان به محض پیاده شدن از تاکسی و ماشین های خود دستگیر می شدند. با دیدن این صحنه ها و پس از برخورد نیروی انتظامی، جمعیت که در تا آن لحظه در سکوت بود به سردادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" و شعارهای مشابه و همچنین خواندن سرود پرداخت، همزمان با تاریک شدن هوا تعدادی از حاضرین به روشن کردن شمع پرداختند که باز هم با برخورد نیروی انتظامی روبرو شدند.

نظر به اینکه با فرو نشستن آفتاب و کم شدن گرمای شدید هوا جمعیت رو به افزایش می رفت، نیروی انتظامی تا پیش از تاریک شدن هوا به شیوه خود با سرکوب، سعی در آرام کردن فضا داشت. حوالی ساعت 8.30 شب نیروی انتظامی با برخورد شدید خود و استفاده از نیروهای بیشتر باعث متفرق شدن جمعیت شده و کنترل اوضاع را به دست گرفت. بر اساس خبرهای رسیده چند تن از بازداشت شدگان را به یکی بازداشتگاه نیروی انتظامی مستقر در پادادشهر انتقال دادند.

لازم به یاد آوری است که شب پیش از برنامه چهلیم (چهارشنبه) تجمعات پراکنده و لحظه ای در کیانپارس و زیتون کارمندی این شهر همراه با شعار دادن انجام شده بود. امروز صبح نیز خانواده های بازداشت شدگان در برابر ساختمان دادگستری اهواز واقع در امانیه تجمع کرده و خواستار پاسخ گویی مسئولان شدند که به آنان گفته شد در حال تشکیل پرونده و بررسی هستند و باید منتظر بمانند؛ خانواده ها اعلام داشته اند روزشنبه مورخ 10 مردادماه در برابر دادگستری تجمعات خود را ادامه خواهند داد.

مدافعان حقوق بشر تحت شکنجه قرار دارند

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

مدافعان حقوق بشر تحت شکنجه قرار دارند

علیرغم گذشت بیش از یکماه و نیم از بازداشت غیرقانونی تعدادی از فعالان حقوق بشری در ایران، هنوز وضعیت آنها روشن نشده است.

ناصر فریدی، علی بیگس، شیوا نظرآهاری سه فعال شناخته شده حقوق بشری و دانشجویی و نیز تعدادی وکلای فعال در عرصه حقوق بشر از جمله محمد علی دادخواه و عبدالفتاح سلطانی که برای دفاع از حقوق زندانیان به زندان افتاده اند در شرایط نامناسبی در بازداشتگاههای نهادهای امنیتی به سر می برند.

ناصر فریدی عضو مرکزی کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی (تاسیس 1377 در تهران) در تاریخ 24 خردادماه توسط نیروهای امنیتی در خیابان دستگیر شده و به نقطه نامعلومی منتقل شده بود که سه هفته پیش در تماس تلفنی کوتاه به خانواده خود خبر داده است به بازداشتگاه 209 وزارت اطلاعات در زندان اوین منتقل شده است.

علی بیگس، دیگر عضو مرکزی کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، با یورش نیروهای امنیتی به محل مسکونی اش در تاریخ 26 خرداد دستگیر شده و هنوز محل نگهداری او روشن نیست.

شیوا نظر آهاری، دبیر سابق کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی و عضو مرکزی کمیته گزارشگران حقوق بشر، نیز در تاریخ 24 خرداد ماه در محل کارش توسط ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و به سلول های انفرادی بازداشتگان 209 منتقل شده

ولایت سرکوب

است. او در تماسی کوتاه با مادرش گفته است امکان دارد تا مدتی اجازه تماس تلفنی نداشته باشد.

این سه فعال حقوق بشری در دفاع از زندانیان سیاسی و اطلاع رسانی از نقض گسترده حقوق بشر در ایران فعالیت قابل توجهی انجام داده اند و بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشند دستگیر شده اند. آنها اینک تحت فشار و شکنجه قرار گرفته اند و در شرایط مناسبی به سر نمی برند. نهادهای امنیتی در بدو گسترش تظاهرات مردمی، با دستگیری این مدافعان حقوق بشر تلاش کردند تا جلوی اطلاع رسانی و فعالیت های حقوق بشری آنها را بگیرند اما نقض گسترده حقوق مردم لحظه به لحظه به مردم دنیا و نهادهای بین المللی گزارش شد.

این کمیته از کلیه نهادهای مدافع حقوق بشر درخواست می کند تا برای آزادی این سه فعال حقوق بشر و دیگر مدافعان زندانی حقوق بشر در ایران که بدون هیچ دلیلی به اسارت گرفته شده اند تلاش کنند.

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی است.

تهران ، پنج شنبه هشت مرداد

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

یک جانباز خود را از طبقه هفتم بیمارستان به پایین پرت کرد

مرگ مشکوک یک جانباز بر اثر سقوط از طبقه بیمارستانی در تهران، بازپرس و پلیس جنایی را مقابل فرضیه خودکشی قرار داد.

محمدحسین شاملو بازپرس کشیک قتل تهران در مورد این حادثه گفت؛ صبح روز پنجشنبه خبر سقوط مرگبار یک جانباز از طبقه هفتم بیمارستان توسط ماموران کلانتری فلسطین اعلام شد که بلافاصله دستورات قضایی لازم را مبنی بر اعزام عوامل تشخیص هویت به محل حادثه و انتقال جسد به پزشکی قانونی صادر کردیم.

وی با بیان اینکه متوفی حدوداً 40 سال داشت، پررنگ ترین فرضیه را خودکشی عنوان کرد و افزود؛ تاکنون اولیای دم این جانباز مراجعه‌ی برای اعلام شکایت نداشته‌اند.

کهریزک؛ چند سوله به هم پیوسته در گرمای کشنده کویر

کهریزک منطقه‌ای است در جنوب شهر تهران که در روزهای اخیر به دلیل نگهداری شماری از بازداشت‌شدگان در اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری مورد توجه قرار گرفته است.

در روزهای گذشته در پی انتشار خبر کشته شدن محسن روح‌الامینی، فرزند مشاور محسن رضایی، که ظاهراً در بازداشتگاه کهریزک جان باخته است آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، دستور تعطیلی این بازداشتگاه را صادر کرد.

ولایت سرکوب

یکی از مسئولان دادگستری تهران می‌گوید بازداشتگاه کهریزک زیر نظر سازمان زندان ها نبوده است. دادگستری تهران و نیروی انتظامی این مطلب را تکذیب می‌کنند و می‌گویند قوه قضاییه بر این محل نظارت داشته است.

دلیل مطرح شدن این سخنان ضد و نقیض چیست و چرا نهادهای رسمی در ایران می‌کوشند از این بازداشتگاه فاصله بگیرند و در قبال آن از خود سلب مسئولیت کنند؟ نعمت احمدی، وکیل دادگستری در تهران، در مورد شرایط بازداشتگاه کهریزک به رادیو فردا می‌گوید: «به این مکان نمی‌توان عنوان بازداشتگاه داد. در گرمای کشنده کویر جنوبی تهران چند سوله به هم پیوسته را برای کاری در نظر گرفته بودند و بعد این مکان را در اختیار نیروی انتظامی قرار می‌دهند. موکلینی داشتم که وقتی از آنجا بیرون آمدند و وارد انفرادی‌های اوین شدند، آن را در مقایسه با سوله‌های کهریزک بهشت می‌دانستند. سازمان زندان‌ها که بر حسب قانون باید متولی زندان‌ها باشد، آنجا را فاقد استاندارد اولیه نگهداری متهمان یا محکومان دانسته و هیچ نهادی سرپرستی آن را به عهده نگرفته است».

اما به گفته مهدی محمودیان، فعال حقوق بشر در تهران، این بازداشتگاه دو سال پیش در جریان طرح امنیت اجتماعی تأسیس شد و از همان ابتدا وضعیت اسفناکی داشت. مهدی محمودیان در این زمینه به رادیو فردا می‌گوید: «بازداشتگاه کهریزک دو سال پیش برای طرح مبارزه با اراندل و اوباش توسط پلیس تهران تأسیس شد و اسم آن را در ابتدا کمپ گذاشته بودند و فاقد هر گونه امکانات بهداشتی و انسانی بود. آنجا در ابتدا چند سوله بود که داخل این سوله‌ها کانتینر گذاشته بودند و به طور عادی شش تا هفت نفر می‌توانستند داخل این کانتینرها زندگی دارند، اما زمانی که طرح ارتقای امنیت اجتماعی در تهران شکل گرفت در هر کدام از این کانتینرها بین ۲۰ تا ۴۰ نفر را به زور جا دادند.»

وی در ادامه می‌افزاید: «نور این سوله‌ها حداقل حالت ممکن بود و فقط از چند سوراخ به اندازه سکه ۱۰۰ ریالی نور می‌گرفت و راه تنفسی هم به جز همان سوراخ‌ها وجود نداشت و بازداشت‌شدگان مجبور بودند نوبتی بروند و تنفس کنند. این سوله‌ها مجهز به

دستشویی نبود به همین دلیل ظرف بزرگی را گذاشته بودند و افراد مجبور بودند کارهای بهداشتی خود را همان جا انجام دهند. همچنین یک بشکه آب در این کانتینرها بود که از آن استفاده می‌کردند. در آنجا روزی دو وعده غذا می‌دادند آن هم به مقدار بسیار ناچیز، مثلاً یک وعده آن یک یا دو عدد سیب زمینی بود و روزی چهار حبه قند هم به هر کدام از زندانی‌ها می‌دادند».

مقامات دولتی جمهوری اسلامی دلیل تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را استاندارد نبودن و عدم امکانات اعلام کردند. این در حالی است که مهدی محمودیان از فعالان حقوق بشر، دلیل مهمتری را به عامل کمبود امکانات می‌افزاید: «خوشبختانه بازداشتگاه کهریزک تغییرات زیادی کرده و شرایط نسبت به آن موقع بهتر شده بود، با این تفاوت که ضرب و شتم‌ها و خشونت به شدت بالا رفته بود».

محمد خاتمی، رئیس جمهوری سابق ایران، هم این دیدگاه را تأیید کرده و از وقوع جنایت‌ها سخن گفته است. مقامات رسمی ایران کشته شدن سه نفر را در این بازداشتگاه تأیید کردند، اما به گفته فعالان حقوق بشر آمار واقعی بسیار بیش از این است.

مهدی محمودیان در این باره می‌گوید: «بر اساس گفته‌های چند نفری که از این بازداشتگاه بیرون آمده‌اند و من موفق شدم با آنها صحبت کنم، در آنجا حداقل روزی یکی دوفهر کشته شده‌اند».

ظاهراً همین وقایع است که سبب شده مقامات نیروی انتظامی و قضایی بکوشند تا مسئولیت اداره بازداشتگاه کهریزک را به شانه دیگری بیندازند.

مهدی محمودیان، فعال حقوق بشر در تهران، می‌گوید او دو سال پیش در بحبوحه اجرای طرح امنیت اجتماعی و مبارزه با به اصطلاح اراذل و اوباش، این کار را گامی برای مقابله با فعالان سیاسی خوانده است؛ یعنی کاری که امروز در ایران جریان دارد.

آقای محمودیان با تأکید بر اشتراکات شگفت‌انگیز میان آن طرح با موج سرکوب فعالان سیاسی و مدنی و دستگیری گسترده معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در هفته‌های اخیر می‌گوید: «برخی از کسانی که به اسم اراذل و اوباش دستگیر شدند و در بازداشتگاه کهریزک یا سایر زندان‌ها نگهداری شده و بعدها آزاد شدند، در حال حاضر در

ولایت سرکوب

همان بازداشتگاه کهریزک و جاهای دیگر مشغول نگهبانی و نگهداری افرادی هستند که اخیراً بازداشت شده‌اند. شایعاتی وجود دارد که فرماندهان ارشد، حدود ۱۵۰ نفر از به قول خودشان ارادل و اوباش را جهت مبارزه با به گفته آنها اغتشاشات سازمان‌دهی کرده‌اند».

علیرضا بهشتی، فرزند آیت‌الله بهشتی و مشاور میرحسین موسوی، نیز در گفت‌وگو با سایت خبری فراکسیون خط امام در مجلس شورای اسلامی این ادعا را تأیید کرده است. به گفته او از افرادی که دو سال پیش دولت آنها را ارادل و اوباش می‌خواند، حتی برای شکنجه بازداشت‌شدگان نیز استفاده شده است.

رضا، کسی که در هفته‌های اخیر در تهران بازداشت شده بود نیز در گفت‌وگو با رادیو فردا مطلب مشابهی را بیان می‌کند: «چند نفر از این قاتلین به خصوص فردی که به او پابند الکترونیکی زده بودند و شب قبل پنج نفر را کشته بود، به اداره آگاهی انتقال داده بودند و او را مسئول بازداشت‌شدگان کرده بودند که از محدوده تعیین‌شده تکان نخورند».

با صدور دستور تعطیلی بازداشتگاه یا همان سوله کهریزک، فعالان حقوق بشر از وجود بازداشتگاه‌های بی‌نام و نشان دیگری هم سخن می‌گویند؛ بازداشتگاه‌هایی که برخی از بازداشت‌شدگان اخیر روزهای بسیار دشواری را در آنجا سپری کرده‌اند.

رضا یکی از همین افراد است و در این باره می‌گوید: «من جزو گروهی بودم که ساعت سه نیمه شب چشمانمان را بستند، سوار اتوبوس کردند، سرمان را زیر صندلی گذاشتند و به دروغ به ما گفتند شما را می‌بریم کهریزک. می‌دانم از میدان انقلاب تا کهریزک چقدر راه است، اما ما را جایی بردند که به طور قطع کهریزک نبود و من نمی‌دانم چرا دروغ می‌گفتند».

اما تشابهاتی میان این بازداشتگاه‌های بی‌نام و نشان با بازداشتگاه تعطیل شده کهریزک وجود داشته و آن نحوه برخورد با مهمان است.

رضا وضعیت بازداشت‌شدگان را چنین توضیح می‌دهد: «خدا شاهد است داخل یک حیاط آسفالت زیر آفتاب داغ، جوانانی که در تجمعات بازداشت شده بودند و به شدت کتک خورده بودند، با بدن‌های کاملاً زخمی و لخت روی آسفالت برای یک قطره آب التماس

می‌کردند در حالی که فاصله شیر آب با اینها بیشتر از ۱۰ متر نبود، اما اجازه نمی‌دادند حتی یک قطره آب بخورند.

اینها را با زخم ناشی از سوختگی روی آسفالت داغ می‌خواباندند.»

مهدی محمودیان حتی وضعیت در بازداشتگاه کهریزک را بهتر از بازداشتگاه‌هایی می‌داند که کسی از آنها نامی نمی‌برد و معتقد است: «اکنون کهریزک در قبال بازداشتگاه‌های دیگری که اخبار آن می‌رسد، جزو مکان‌های خوب است. ما بازداشتگاه‌هایی داریم که نامی از افرادی که در آن هستند به هیچ جا اعلام نشده است به طور مثال می‌توانم به بازداشتگاه پاسارگاد در جنوب غربی تهران و بازداشتگاه علی آباد اشاره کنم. این بازداشتگاه‌ها در اختیار نهادهای نظامی هستند و هیچ نشانی از افرادی که در آنجا نگهداری می‌شوند، در دست نیست.»

عدم دسترسی نهادهای مدنی و مستقل به بازداشتگاه‌ها و عدم پیگرد و مجازات عاملان برخورد غیر قانونی و غیر انسانی با بازداشت‌شدگان از جمله دلایلی است که به گفته فعالان حقوق بشر تضمینی برای ادامه بقای چنین بازداشتگاه‌هایی در جمهوری اسلامی است؛ بازداشتگاه‌هایی که در آنها نه قانون بلکه سلیقه شخصی حاکم است.

احضار 7 دانشجوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز به کمیته انضباطی

7 دانشجوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند. علت احضار این دانشجویان فعالیت‌های آنان در دوران انتخابات و اعتراض به نتیجه انتخابات و حوادث پس از آن است.

در جریان اعتراض به نتایج انتخابات و حوادث پس از آن جمعی از دانشجویان این دانشگاه هنر اسلامی تبریز، چندین تجمع اعتراضی در دانشگاه برگزار کردند که با واکنش نیروهای امنیتی و نیروی انتظامی همراه شد.

پس از این تجمعات با خانواده های برخی از دانشجویان تماس گرفته شد و به بسیاری دیگر از دانشجویان اعلام شده است که ممکن است در روزهای آتی به کمیته انضباطی احضار شوند.

به دار آویخته شدن سه نفر در اصفهان

سه نفر به جرم های قاچاق مواد مخدر و قتل سحرگاه امروز در زندان اصفهان با دار آویخته شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه ، هویت اعدام شدگان در روزنامه رسمی دولت تهران ، بابک، بدون ذکر مشخصات بیشتر، قربانعلی بیست و دو ساله و حسن سی و سه ساله اعلام شده است. بنا بر گزارشات آرشیو این خبرگزاری ، با اعدام های بامداد امروز شمار اعدام ها در جمهوری اسلامی ایران از آغاز سال جاری میلادی با کنون به یکصد و نود و دو نفر رسیده است. در سال دو هزار و هشت میلادی نیز حداقل دوست و چهل و شش نفر در ایران اعدام شدند . ایران پس چین بیشترین رکورد اعدام ها در جهان را داراست

راهپیمایی مادران عزادار در پارک لاله

سایت تغییر برای برابری: شنبه 10 مرداد گروهی از مادران به نشانه اعتراض به کشته شدگان و بازداشت شدگان حوادث اخیر در پارک لاله گردهم آمدند. از ساعت 6:30 کم کم مادران در حوالی آبنمای پارک در جمع های چند نفره نشستند. و در ساعت 7:15 جمعی متشکل از حدود 40 نفر آنها در گوشه ای از آبنما جمع شدند.

نیروهای پلیس و لباس شخصی ها دور آبنما رفت و آمد می کردند و مادران را تحت نظر داشتند. از ساعت 7:45 گروه 40 نفره مادران اقدام به راهپیمایی دور میدان را کردند که جمع های کوچک دیگر نیز به آنها پیوستند.

راهپیمایی این جمع نظر مردم پارک را به خود جلب کرد. مردم علت راهپیمایی را می پرسیدند و عده ای هم دستهایشان را به علامت پیروزی برای مادران بالا می بردند.

چندین نفر از مردم عادی نیز به راهپیمایی پیوستند. نیروی پلیس که انتظار این حرکت را نداشت تنها در اطراف میدان این جمع را محاصره کرده بود و با ماشین از میان جمع عبور میکرد تا پراکنده شان کند. چند نفر از آنها نیز از زنان عکس می گرفتند.

این راهپیمایی 20 دقیقه طول کشید و در ساعت 8:05 مادران جمع شدند دستها را به علامت پیروزی بالا گرفتند و پراکنده شدند. تجمع مادران عزادار قرار است شنبه هر هفته ساعت 7 عصر در پارک های شهر برگزار شود.

10 تن دیگر از بازداشت شدگان امروز محاکمه شدند

ایسنا: صبح امروز جلسهای رسیدگی به اتهامات 10 متهم دیگر پروندهی حوادث پس از انتخابات به صورت غیرعلنی در شعبه 15 دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برگزار و ادامه ی رسیدگی به روزهای آینده موکول شد. یک مقام مسول در دستگاه قضایی با اعلام این خبر به خبرنگار حقوقی ایسنا گفت: روز گذشته رسیدگی به پرونده ی

ولایت سرکوب

متهمان حوادث پس از انتخابات در دادگاه انقلاب آغاز شد و ادامه‌ی رسیدگی به آن صبح امروز به صورت غیرعلنی با حضور 10 نفر از متهمان دیگر این پرونده در شعبه‌ی 15 دادگاه انقلاب برگزار شد.

وی گفت: روز گذشته مقدمه‌ی کیفرخواست توسط نماینده‌ی مدعی‌العموم قرائت شد و امروز کیفرخواست افرادی توسط نماینده‌ی دادستان برای هر یک از متهمان قرائت و به اتهامات این 10 نفر رسیدگی شد.

این مقام مسوول قضایی اظهار کرد: در این جلسه هیچ‌کدام از چهره‌ها و شخصیت‌های شناخته شده‌ی سیاسی حضور ندارند و این 10 نفر افرادی هستند که در وقایع پس از انتخابات در خیابان‌ها دستگیر و بازداشت شده‌اند.

وی اعلام کرد: ادامه‌ی رسیدگی به روزهای آینده موكول شد.

بابا آب داد - نامه فرزاد کمانگر

بچه ها سلام،

دلم براي همه شما تنگ شده ، اینجا شب و روز با خیال و خاطرات شیرینتان شعر زندگی میسرایم ، هر روز به جای شما به خورشید روزبخیر میگویم ، از لای این دیوارهای بلند با شما بیدار میشوم ، با شما میخندم و با شما میخوابم .

گاهی « چیزی شبیه دلتنگی » همه وجودم را میگیرد .

کاش میشد مانند گذشته خسته از بازدید که آن را گردش علمی مینامیدیم ، و خسته از همه هیاهوها ، گرد و غبار خستگیهایمان را همراه زلالي چشمه روستا به دست فراموشی میسپردیم ، کاش میشد مثل گذشته گوشمان را به «صدای پای آب » و تمنان را به نوازش گل و گیاه میسپردیم و همراه با سمفونی زیبای طبیعت کلاس درسمان را تشکیل میدادیم و کتاب ریاضی را با همه مجهولات زیر سنگی می گذاشتیم چون وقتی بابا نانی برای تقدیم

ولایت سرکوب

کردن در سفره ندارد چه فرقی میکند ، پی سه ممیز چهارده باشید با صد ممیز چهارده ، درس علوم را با همه تغییرات شیمیایی و فیزیکی دنیا به کناری میگذاشتیم و به امید تغییری از جنس «عشق و معجزه» لکه های ابر را در آسمان همراه با نسیم بدرقه میکردیم و منتظر تغییری میماندیم که کورش همان همکلاسی پرشورتان را از سر کلاس راهی کارگری نکند و در نوجوانی از بلندای ساختمان به دنبال نان برای همیشه سقوط ننماید و ترکمان نکند ، منتظر تغییری که برای عید نوروز یک جفت کفش نو و یک دست لباس خوب و یک سفره پر از نقل و شیرینی برای همه به همراه داشته باشد .

کاش میشد دوباره و دزدکی دور از چشمان ناظم اخموی مدرسه الفبای کردیمان را دوره میکردیم و برای هم با زبان مادری شعر می سرودیم و آواز میخواندیم و بعد دست در دست هم میرقصیدیم و میرقصیدیم و میرقصیدیم .

کاش میشد باز در بین پسران کلاس اولی همان دروازه بان میشدم و شما در رویای رونالدو شدن به آقا معلمتان گل میزدید و همدیگر را در آغوش میکشیدید ، اما افسوس نمی دانید که در سرزمین ما رویاها و آرزوها قبل از قاب عکسمان غبار فراموشی به خود میگیرد ، کاش میشد باز پای ثابت حلقه عمو زنجیرباف دختران کلاس اول میشدم ، همان دخترانی که میدانم سالها بعد در گوشه دفتر خاطراتتان دزدکی مینویسید کاش دختر به دنیا نمیامدید.

میدانم بزرگ شده اید ، شوهر میکنید ولی برای من همان فرشتگان پاک و بی آلایشی هستید که هنوز « جای بوسه اهورا مزدا» بین چشمان زیبایتان دیده میشود ، راستی چه کسی میداند اگر شما فرشتگان زاده رنج و فقر نبودید ، کاغذ به دست برای کمپین زنان امضاء جمع نمیکردید و یا اگر در این گوشه از « خاک فراموش شده خدا » به دنیا نمی آمدید ، مجبور نبودید در سن سیزده سالگی با چشمانی پر از اشک و حسرت « زیر تور سفید زن شدن » برای آخرین بار با مدرسه وداع کنید و « قصه تلخ جنس دوم بودن » را با تمام وجود تجربه کنید .

دختران سرزمین اهورا ، فردا که در دامن طبیعت خواستید برای فرزندان پونه بچینید یا برایشان از بنفشه تاجی از گل بسازید حتماً از تمام پاکی ها و شادی های دوران کودکیتان یاد کنید .

پسران طبیعت آفتاب میدانم دیگر نمیتوانید با همکلاسیهاتان بنشینید ، بخوانید و بخندید چون بعد از « مصیبت مرد شدن » تازه « غم نان » گریبان شما را گرفته، اما یادتان باشد که به شعر، به آواز، به لیلایهاتان، به رویاهایتان پشت نکنید، به فرزندان یاد بدهید برای سرزمینشان برای امروز و فرداها فرزندی از جنس « شعر و باران » باشند به دست باد و آفتاب میسپارمتان تا فردایی نه چندان دور درس عشق و صداقت را برای سرزمینمان مترنم شوید .

رفیق ، همبازی و معلم دوران کودکیتان
فرزاد کمانگر - زندان رجایی شهر کرج

به دو دلیل به زندانی سیاسی تجاوز می شود

هیچ راه حلی جز این فداکاری و باز کردن دهان و بازگویی آنچه در زندان و بازداشتگاه های زیر زمین وزارت کشور و کهریزک بر سر دختران و پسران آوردند نیست. در غیر اینصورت امثال کروی نیز قربانی خواهند شد و فرماندهان تجاوز در کسوت امام جمعه موقت در تهران بالای منبر خواهند رفت و خواهند گفت:

هیچ کس چنین ادعائی را نکرد و تجاوزی صورت نگرفته بود و کروی به جرم اتهام زدن به نظام مقدس اسلامی خلع لباس شد و برای چند سال نیز زندانی.

در جمهوری اسلامی

به دو دلیل آشکار

به زندانی سیاسی تجاوز می شود

تجاوز به زندانی سیاسی، از آن جمله شکنجه های جسمی است که روح زندانی را نیز شکنجه میدهد. این شکنجه، پس از کودتای 28 مرداد نیز بصورت استعمال "باتوم" بارها

ولایت سرکوب

افشاء شده بود. آنچه که اکنون از آن صحبت می شود و سابقه آن حداقل به حوادث 10-12 سال اخیر باز می گردد، تجاوز مستقیم به زندانی است.

یعنی یا بازجو و شکنجه گر و یا زندانیان سابقه دار و مجرم، برای درهم شکستن مقاومت زندانی و وادار کردن او به هر آنچه بازجو می گوید به زندانی تجاوز می کنند. چه زندانی زن و چه زندانی مرد.

نه تنها زهرا کاظمی و دکتر زهرا بنی یعقوب هر دو قربانیان این شکنجه در زندان اوین و زندان سنندج بودند، بلکه شاهدان فراوانی وجود دارند که میدانند به شماری از دانشجویان که در حوادث 18 تیر بازداشت شدند و یا دانشجویانی که در ابتدای ریاست جمهوری احمدی نژاد و بعنوان دانشجویان چپ دستگیر شدند و یا تحت عنوان وبلاگ نویسندگان به زندان افتادند، در زندان به آنها تجاوز شد تا به جرمی که قاضی مرتضوی و یا قاضی بخشی سناریو کرده بودند اعتراف تلویزیونی بکنند.

یعنی اگر شکنجه گر و یا بازجو هم به آنها تجاوز نکرد، آنها را به بند مجرمینی منتقل کردند که تابع دستورات رئیس بند و رئیس زندان اند.

زندانی سیاسی نیز چون جرم سیاسی در جمهوری اسلامی تعریفی ندارد و به رسمیت شناخته نشده، مانند هر زندانی دیگری قابل انتقال به هر بندی است.

از جمع دستگیر شدگان حوادثی که در بالا به آنها اشاره شد، هستند کسانی که پس از خروج از زندان، به مجلس ششم رفتند و گفتند با آنها در زندان چه کردند.

قربانیانی را از این جمع می شناسیم که پس از بیرون آمدن از زندان بارها تحت عمل مقعد قرار گرفتند و هنوز سلامت خود را باز نیافته اند و باید امیدوار بود که تحت تاثیر رویدادهای جنایتکارانه و تجاوزات وسیعی که در حوادث پس از کودتای 22 خرداد روی داد دهان بگشایند و بگویند.

بگویند تا آن انگیزه نفرت انگیزی که بازجوها پشت این شکنجه دنبال می کنند خاتمه یابد.

1- بازجوها و پرونده سازان و اعتراف گیران می دانند که با تجاوز روحیه زندانی را نابود می کنند.

2- آنها در عین حال می دانند که زندانی مورد تجاوز قرار گرفته برای حفظ آبروی خود، از این شکنجه درجائی سخن نخواهد گفت و بنابراین هزینه ای را به آنها تحمیل نخواهد کرد.

بنابراین هم به نتیجه دلخواه که همان خرد کردن روحیه زندانی و اعتراف گیری از اوست رسیده اند و هم می دانند که سر و صدای این شکنجه در نمی آید.

آنچه که مهدی کروبى با جسارت طرح کرده، برای خاتمه بخشیدن به این خدعه و اندیشه شیطانى امثال مرتضوى است و آنها که از نامه کروبى برآشفته شده اند، نگران از دست دادن یکی از شیوه های کارآمد شکنجه و اعتراف گیری است.

این طشت را باید از فراز بام به پائین پرتاب کرد. تجاوز شکنجه است و با کمال تاسف جامعه ایران باید این شکنجه را نیز بپذیرد.

چه دختران و زنان و چه جوانان. حکومت کار را به آنجا کشانده که باید این شکنجه رازی سر به مهر تلقی نشود.

هیچ راه حلی جز این فداکاری و باز کردن دهان و بازگوئی آنچه در زندان و بازداشتگاه های زیر زمین وزارت کشور و کهریزک بر سر دختران و پسران آوردند نیست.

در غیر اینصورت امثال کروبى نیز قربانى خواهند شد و فرماندهان تجاوز در کسوت امام جمعه موقت در تهران بالای منبر خواهند رفت و خواهند گفت:

هیچ کس چنین ادعائی را نکرد و تجاوزی صورت نگرفته بود و کروبى به جرم اتهام زدن به نظام مقدس اسلامى خلع لباس شد و برای چند سال نیز زندانى.

فرستنده: محمد وهابى www.moe77.ciooc.com

<http://www.iranglobal.info/I-G.php?mid=2-52986>